

بسمه تعالی

امروز انقلاب اسلامی در یک «پیچ تاریخی» (۹۱/۶/۹) قرار دارد؛ پیچی که بعد از آن «هندسه قدرت» (۹۱/۵/۲۲) تغییر خواهد کرد. «تاریخ دارد عوض می‌شود. پیچهای تاریخ، در طول سالهای متمادی طی می‌شود. گاهی عمر یک نسل یا دو نسل، در تاریخ یک لحظه است.» (۷۰/۰۶/۲۷) همین است که در این شرایط حساس «بصیرت» (۹۰/۳/۸) و «لحظه‌شناسی» (۸۶/۱۰/۱۹) دو عنصر مهم سرنوشت‌ساز هستند که به کمک این دوست که میتوان توطئه‌های دشمن را خنثی کرد. اکنون که در شرایطی قرار داریم که «دشمن مجرب‌تر شده» و «جبهه‌بندی وسیعی در مقابل انقلاب اسلامی شکل گرفته است» این دو عنصر اهمیتی مضاعف پیدا کرده است. علاوه بر این، «هوشیاری عمومی نسبت به عملکرد خودمان» (۹۰/۶/۹) و همچنین «احساس مسئولیت عمومی» (۹۰/۶/۹) دو ضرورت حیاتی برای عبور صحیح از این مقطع حساس تاریخی است.

«خط حزب‌ها...» هفته‌نامه‌ی جامعه‌ی مؤمن و انقلابی از مجموعه‌ی رسانه‌ای KHAMENEI.IR حرکتی است برای بازخوانی، تبیین و دقت در اندیشه‌ها و مواضع حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای و ویژه‌ی مساجد، نمازهای جمعه، هیئت‌های مذهبی و دانشگاه‌های سراسر کشور؛ که از ماه تیر ۹۴ تاکنون منشر میگردد. در جریان تولید و انتشار این هفته‌نامه بنا داشته‌ایم تا در «روزگار حساس» مقابله‌ی جریان انقلاب اسلامی در برابر «نفوذ دشمن» بستری برای تقویت «تحلیل سیاسی» و «هوشیاری و آگاهی» مخاطبان فراهم نمائیم.

«خط حزب‌ها...» تلاش کرده است تا با بهره‌گیری از گنجینه‌ی ارزشمندی بیانات امام‌راجل (رحمه‌الله) و رهبر معظم انقلاب در دهه‌های گذشته، به تبیین نظرات و سخنان ایشان متناسب با شرایط و ریدادهای امروز کشور، منطقه و صحنه‌های بین‌المللی بپردازد. امید است وحدت و هماهنگی نیروهای انقلاب اسلامی ذیل منویات رهبر انقلاب شرایطی را فراهم آورد که ملت مؤمن و انقلابی ایران نقش تاریخی خود را در شرایط حساس کنونی به درستی ایفا کنند.

این هفته‌نامه پس از تولید ۱۳ پیش‌شماره (که البته از این تعداد ۱۰ پیش‌شماره به صورت عمومی منتشر شد) پا به عرصه‌ی رسانه‌ای کشور گذاشت و تا پایان سال ۹۴ بیست و چهار شماره نیز به صورت هفتگی منتشر کرد. ۵ ویژه‌نامه مخصوص دهه‌ی اول محرم و یک ویژه‌نامه به مناسبت پیاده‌روی اربعین حسینی را نیز میتوان به این کارنامه افزود.

سالنامه‌ی پیش رو مجموعه‌ای است از مهم‌ترین مطالب تبیینی هر شماره (شامل سرمقاله، گزارش ویژه و بخش‌های منتخب از هر شماره) که در همه‌ی آنها تلاش مجموعه‌ی دست‌اندر کار تولید این نشریه این بوده که چراغی بر افروزند برای تبیین صراط مستقیم انقلاب اسلامی ایران.

پیش شماره ۷

ماشه حزب... روی شقیقه اسرائیل | ۱۴

حزب ا... جلوی سوءاستفاده از متن را می‌گیرد | ۱۵

پیش شماره ۸

ماموریت جدید | ۱۶

نقشه نقش بر آب | ۱۷

پیش شماره ۹

قلب جهانیان در تسخیر محمد (ﷺ) | ۲۰

«جناح مؤمن انقلابی» و دغدغه رهبرانقلاب | ۲۱

پیش شماره ۴

نگاه کلان به مذاکرات هسته ای | ۸

چرا باذن!... ضرر نمی‌کنیم | ۹

پیش شماره ۵

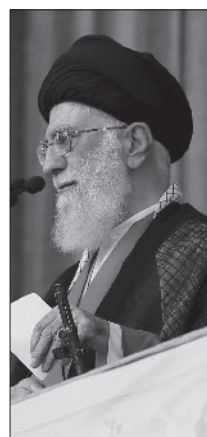
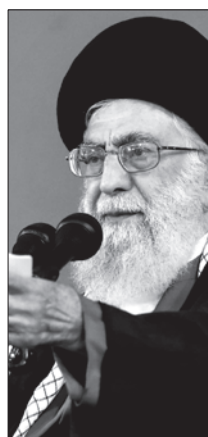
پرچم مقاومت بالاست | ۱۰

روش تحلیل مذاکرات هسته‌ای | ۱۱

پیش شماره ۶

اعترافات شیطان | ۱۲

پشتوانه رد یا قبول پرچام | ۱۳



شماره ۱

پایان خویشتن‌داری | ۳۲

«مرگ بر آمریکا» شعاری آزموده‌شده | ۳۳

شماره ۲

مباهله در قرن ۲۱ | ۳۴

جنگ پیدا؛ جنگ پنهان | ۳۵

شماره ۳

سوریه نقطه استراتژیک مقاومت | ۳۶

اگر روحیه بسیجی کنار برود | ۳۷

شماره ۴

ابلاغ سند صیانت | ۳۸

تله مذاکره | ۳۹

شماره ۵

عاشورائیان در شام | ۴۲

تضمین مکتوب آمریکا در ابهام | ۴۳

شماره ۶

خیانت بزرگ | ۴۴

روخوانی قانون اساسی | ۴۵

شماره ۷

نقشه‌های آندلسی | ۴۶

هشدار پرتکرار | ۴۷

شماره ۸

۲۱ ماه گذشت | ۴۸

جنایت و مکافات | ۴۹

شماره ۹

تا انقلاب مهدی... | ۵۲

فرهنگ بسیجی؛ تفکر شکست‌ناپذیر | ۵۳

شماره ۱۰

رویش آرام جوانان | ۵۴

یا لیتنا کنا معکم | ۵۵

شماره ۱۱

نفوذ؛ اشغال بدون جنگ | ۵۶

پیامبر (ﷺ)، خاکریز مستحکم در برابر کفار | ۵۷

شماره ۱۲

بیداری سرکوب شدنی نیست | ۵۸

فرجام اهل تغلب | ۵۹

پیش شماره ۱۰ | کلید، اقتصاد مقاومتی است | ۲۲

دشمن برمی گردد! | ۲۳

پیش شماره ۱۱ | جوانان حزب اللهی را به اسم افراطی نکوبند | ۲۴

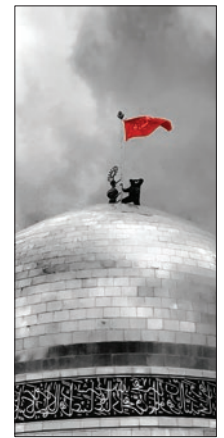
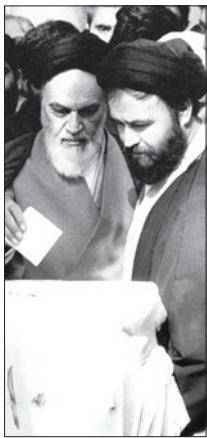
«تسلیم» برنامه سازش است | ۲۵

پیش شماره ۱۲ | آماده باشید | ۲۶

حق الناس، باطل السحر انتخاباتی دشمن | ۲۷

پیش شماره ۱۳ | از طرح خاورمیانه بزرگ تا پروژه نفوذ | ۳۰

نقشه راه برای خروش ابراهیمی | ۳۱



شماره ۱۹ | فرجام تحریف امام | ۷۶

از قاجار بدتر... | ۷۷

شماره ۲۰ | برای خدا | ۷۸

خطر گریز از اولویت‌ها | ۷۹

شماره ۲۱ | مجلس انقلابی یا مجلس مرعوب | ۸۰

دستور العمل انگلیسی | ۸۱

شماره ۲۲ | سرنوشت کشور در دست مردم | ۸۲

خنجر نفوذی‌ها بر پشت دیپلماسی | ۸۳

شماره ۲۳ | پیام اعتماد ملت | ۸۴

پیشرفت؛ نسخه حقیقی یا تقلبی | ۸۵

شماره ۲۴ | راهیان «نور» | ۸۶

نتیجه تکرار ادبیات سیاسی دشمن، انحراف است | ۸۷

شماره ۱۳ | فتنه؛ خط قرمز انقلاب | ۶۲

از ایرانشهر تا غزه و لبنان | ۶۳

شماره ۱۴ | مردم ایران اینگونه‌اند... | ۶۴

امروز نوبت اسلام است | ۶۵

شماره ۱۵ | دام موربانه | ۶۶

جنایت بزرگ «مهره» آمریکا | ۶۷

شماره ۱۶ | پروژه شماره چهار | ۶۸

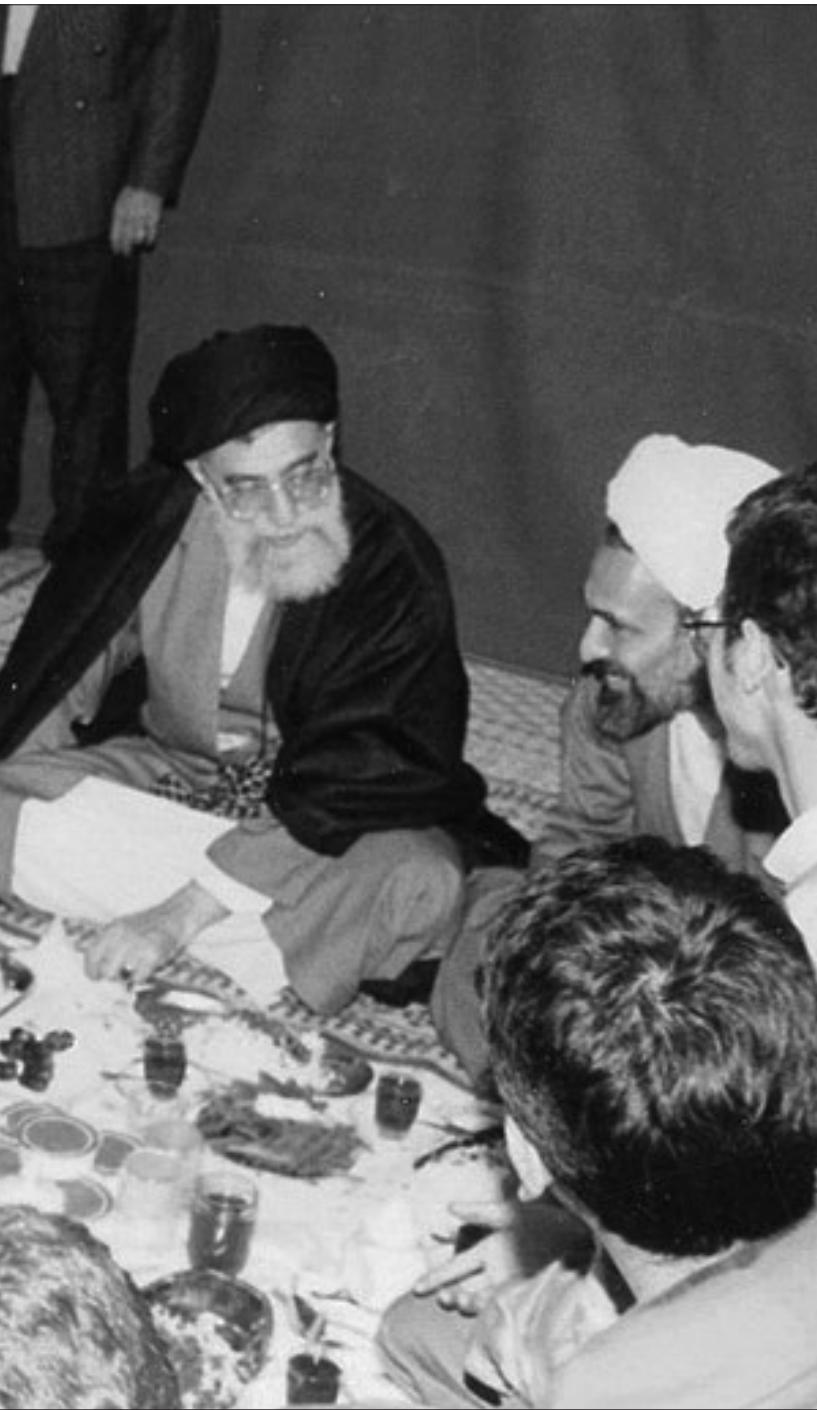
قرارگاه جنگ معنوی | ۶۹

شماره ۱۷ | تصویر واقعی آمریکا | ۷۲

اگر صندوق رای نباشد | ۷۳

شماره ۱۸ | تا من هشتم... | ۷۴

دیدار با خورشید در انتهای شب | ۷۵



شماره‌های این ماه تقدیم می‌شود به روح پر فتوح

شهید کلاهدوز

چهره‌ی درخشان یک ارتشی سپاهی

چهره‌ی درخشانی را سراغ داریم که داوطلبانه از ارتش جمهوری اسلامی ایران به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی منتقل شد و در رتبه‌های ممتاز این سازمان قرار گرفت و سرانجام هم به افتخار شهادت در راه خدا نایل شد. «شهید کلاهدوز» را می‌گوییم؛ همان افسر ارتشی که سپاه او را پذیرا شد و بدیهی است که حضور یک ارتشی مطلع در رده‌های بالای سپاه پاسداران در آن زمان، چه آثار و برکاتی را در برداشت. ۶۸/۰۸/۰۹



ساحسقوطهواپیما-تهران



قائم مقام سپاه پاسداران انقلاب



تاریخ شهادت: ۸ مهر ۱۳۶۰



حکایت‌ها

نشریه خبری-تحلیلی نمازهای جمعه، مساجد و هیات‌های مذهبی

تیر و مرداد ماه ۹۴

پیش شماره ۴ | نگاه کلان به مذاکرات هسته‌ای | ۸



چرا باذن... ضرر نمی‌کنیم | ۹



پیش شماره ۵ | پرچم مقاومت بالاست | ۱۰



روش تحلیل مذاکرات هسته‌ای | ۱۱



پیش شماره ۶ | اعترافات شیطان | ۱۲



پشتوانه رد یا قبول برجام | ۱۳



پیش شماره ۷ | ماشه حزب... روی شقیقه اسرائیل | ۱۴



حزب ا... جلوی سوءاستفاده از متن را



می‌گیرد | ۱۵

پیش شماره ۸ | ماموریت جدید | ۱۶



نقشه نقش بر آب | ۱۷





افطاری با یادگاران شهیدا

افطاری رهبر معظم انقلاب با فرزندان شهیدا،
حسینییه امام خمینی در اواخر دهه هفتاد

شهید محمد ابراهیم همتی

شهدای ناوچه پیکان ماندگار در تاریخ

«نیروی دریایی هم برای نیروهای مسلح و هم برای کشور مایه‌ی آبرو و عزت بوده و یاد شهدای این نیرو از جمله شهدای فداکار ناوچه پیکان همواره در تاریخ این کشور ماندگار خواهد بود.» ۸۹/۸/۶ شهید همتی فرمانده ناوچه پیکان در عملیات مروارید بود. ناوچه پیکان در این عملیات قایق‌های موشک‌انداز را هدف قرار داد و پس از ساعت‌ها نبرد مورد اصابت قرار گرفت و با پرسنل شجاع خود در دل آب‌های خلیج فارس جای گرفت.



مزار: سمنان

محل شهادت: عملیات مروارید در خلیج فارس

تاریخ شهادت: ۵۹/۰۹/۰۷



تحلیلی بر موضع گیری این روزهای رهبر معظم انقلاب

نگاه کلان به مذاکرات هسته‌ای

الف) به دلیل بدعهدی و نقض عهدهای فراوان از طرف مقابل و به خصوص آمریکا، این جمع بندی باید کاملاً ارزیابی و به اصطلاح، «چکش کاری» شود تا راه سوءاستفاده را برای طرف مقابل ببندد.

ب) نگاهی به گذشته و حال در تاریخ جمهوری اسلامی نشان می‌دهد که سبک رهبری و سیاست گذاری کلان حضرت امام خمینی و حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای، برای تصمیم گیری درباره مهم ترین مسائل کشور، طی شدن فرایندهای قانونی و استفاده از ظرفیت عقل جمعی بوده است. از سال ۱۳۸۳ که پرونده هسته‌ای ایران به جریان افتاد، تاکنون سه دولت بار رویکردهای متفاوت و بعضاً متضاد که هر کدام روش های خود را در چارچوب خطوط قرمز برای ورود به این پرونده لحاظ کرده‌اند. در طول همین مدت هم، مسائل آن در مقاطع مختلف با عنایت به خطوط اصلی، ملاحظات، رویکردها و روش های دولت های برآمده از رأی مردم پس از طی شدن فرایند قانونی به جمع بندی و تصمیم گیری رسیده است. سیره

در دیدار با مسئولین نظام، باز هم تیغ انتقاد خود را به نحوی به سمت تیم مذاکره کننده برده‌اند که گویی متن جمع بندی جز با خیانت آنها آماده نشده است. این رویکرد دقیقاً برخلاف حکمت و مصلحت بوده و در مسیر ریل گذاری شده رهبر انقلاب قرار ندارد. از طرفی هم برخی از این ابراز تشکر رهبر معظم انقلاب از زحمات تیم مذاکره کننده را مترادف تأیید نتیجه مذاکرات می‌دانند که این نگاه هم اشتباه است. مشی رهبری همواره حمایت از دولت بوده تا بتواند مشکلات کشور را حل کند.

۲. تأکید بر طی کردن مسیر قانونی:

پس از اعلام جمع بندی، برخی توقع داشتند رهبر انقلاب موضع حمایتی و یا انتقادی آشکاری اتخاذ کنند، در حالی که هنوز مسیر قانونی و ساز و کار مشخص شده برای این توافق به انتها نرسیده است. امام جواد علیه السلام می‌فرماید: «آشکار کردن چیزی پیش از استوار شدن، مایه تباهی آن است.» تأکید رهبر انقلاب بر طی شدن مسیر قانونی از دو جهت قابل تأمل است:

پس از اعلام جمع بندی مذاکرات هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران با گروه ۵+۱ درباره پرونده سیزده ساله هسته‌ای ایران، رهبر انقلاب در پاسخ به نامه رییس جمهور محترم و نیز خطبه‌ها و همچنین دیدار مسئولین نظام و سفرای کشورهای اسلامی در عید فطر ضمن اعلام سیاست های کلی نظام در خصوص ادامه مبارزه با استکبار و سیاست های جمهوری اسلامی در منطقه به بیان نظرات تکمیلی خود درباره این موضوع پرداختند که در این بین چند نکته قابل تأمل است:

۱. تشکر از تیم مذاکره کننده:

رهبر انقلاب، پس از پایان مذاکرات، تشکر خود را از تیم مذاکره کننده بیان داشتند و گفتند: «چه این متنی که تهیه شده است، در مجاری قانونی پیش بینی شده خود تصویب بشود و چه نشود، اجر آنها محفوظ است.» این تشکر از آن جهت حائز اهمیت است که با انتشار متن فراهم شده، برخی از انتقاد سالم تجاوز کرده و به فضای تخریب و اختلاف و دودستگی دامن زدند. البته نگاه نقادانه به این جمع بندی با توجه به بدعهدی طرف مقابل کاملاً طبیعی است اما در این بین، برخی مجدداً و علی رغم توصیه و تأکیدات رهبر انقلاب به خصوص



پیش شماره



۴

چرا باذن... ضرر نمی کنیم

۱. مبارزه سیاسی، خط ممتد زندگی ائمه هدی (ع) در طول ۲۵۰ سال زندگی نورانی شان است. هدفی که این مبارزه سیاسی دنبال می کرد؛ همان تشکیل حکومت اسلامی بود. تاکتیک‌های متفاوتی که آن معصومین با توجه به اقتضائات زمان در پیش می گرفتند از سکوت، صلح، مذاکره تا جنگ و نهضت علمی و... بود. امیرالمومنین (ع) فاتح خیبر برای از بین بردن خدعه معاویه نامه‌نگاری‌های فراوانی با معاویه کردند. با گشودن کانال‌های متعدد گفت‌وگو تلاش می کردند تا او را در رسیدن به هدفش ناکام گذارند. حتی در آن زمانی که دو سپاه در مقابل یکدیگر قرار می گیرند حضرت تلاش می کنند با فرستادن سه نفر به نمایندگی از خود با معاویه وارد گفتگو و مذاکره شوند تا که شاید معاویه دست از رفتار خود بردارد.



99

این نوجوان، سختیهای دوری از پدر و مادر را تحمل می کند، برای این که ظرفیت و آمادگی او افزایش پیدا کند

۲. انقلاب اسلامی که الگو گرفته از همان دوره ۲۵۰ ساله است؛ تلاش می کند تا وظیفه تاریخی خود را انجام دهد. انقلاب اسلامی که برای رسیدن به استقلال، آزادی و برافراشتن پرچم اسلام صورت گرفت. برای انقلاب اسلامی این مبارزه تنها برای ایران نیست، مبارزه ایست برای همه‌ی مستضعفان جهان و به همین دلیل به کمک مستضعفان دیگر نیز شتافت. تاسیس حزب... لبنان، حمایت از گروه‌های مبارز مظلوم و حتی از طرف آن‌ها وارد مذاکره و گفتگو شدن جزء کارهایی بوده که همواره انقلاب اسلامی در طول حیاتش انجام داده است. مذاکره با امریکایی‌ها در خصوص عراق و وضعیت مردم عراق که به درخواست عراقی‌ها صورت گرفت از نمونه‌های این تلاش‌ها بوده است.

۳. آخرین مذاکره صورت گرفته با مستکبر دو تفاوت مهم با قبلی‌ها داشت. اول اینکه این بار درباره ایران بود. دوم اینکه سطح این مذاکره با قبلی‌ها فرق داشت و تا سطح وزرای خارجه درگیر مذاکره شده بودند. شرایط امروز عالم بر این قرار است که این مذاکره یک بازی دو سر برد برای انقلاب اسلامی شده است. چون اگر توافق خوب حاصل شود معنیش اینست که مستکبر آنچنان ضعیف شده که مجبور به شکستن خطوط قرمز خودش شده است. نتیجه این مهم اینست که پرده برداری از آرایش جدید قدرت در فضای سیاسی رخ میدهد و امریکای روبه‌افول مجبور شده است برای توافق با یک کشوری خطوطش را بشکنند. این شرایط معرفی کننده آن کشور به جهانیان به عنوان یک قدرت نوظهور است.

اما اگر در مسیر بررسی قانونی پیش بینی شده متن برجام مشخص شود که طرف غربی تلاش کرده تا در مقابل منطق ایران امریکایی‌ها خدعه زده‌اند و دو مولفه مهم دفاع از استقلال و حفظ منافع ملی دچار خدشه شده است؛ آنگاه توافقی صورت نخواهد گرفت. با فرض اینکه جنگ سخت رسانه‌ای پیش‌رو خواهیم داشت اما نتیجه مهمی هم برای ما حاصل می‌شود. اول اینکه ایران از ابتدای دهه هشتاد با منطق درستی وارد مذاکره شد. منطقی که همه دنیا به مرور با آن آشنا شد و پذیرفت. این جا زمانی است که می‌توان بی‌منطقی امریکا و ظالمانه عمل کردن او را در فضای بین‌المللی به رخ کشید. این فضا سازی بین‌المللی اذهان خیلی از مردم جهان را به سمت حق رهنمون خواهد کرد. از طرف دیگر نمایش خدعه امریکا تجربه مهمی برای نسل جدید و جوان انقلاب اسلامی است. نسلی که می‌خواهد در آینده مدیریت انقلاب را برعهده می‌گیرد؛ امروز خدعه‌های امریکا را می‌بیند و آن را تجربه می‌کند. و این چیزی است که آینده انقلاب را بیمه خواهد کرد چرا که مبارزه با استکبار همچنان ادامه دارد. ●

رفتاری رهبر انقلاب در این زمینه نشان می‌دهد که نه مثل برخی باید ذوق زده بود و نه مانند برخی دیگر برای اصول انقلاب فاتحه خوانند! بلکه باید تا پایان یافتن و قوام پیدا کردن مسأله پیچیده مذاکرات هسته‌ای، در تحلیل‌ها و نقدهای مان نیز این ملاحظه را رعایت کرد.

● ۳. پرهیز از دودستگی:

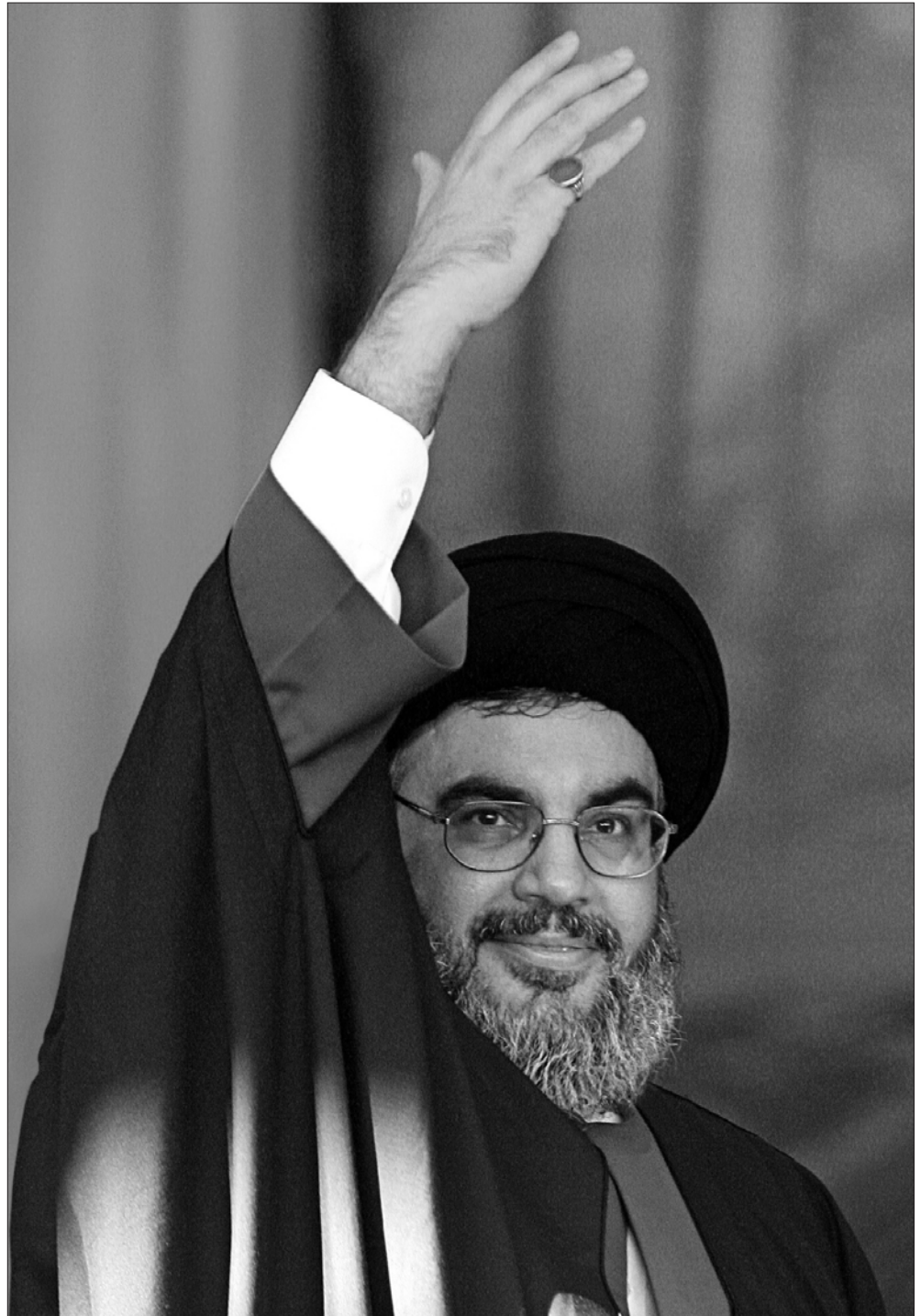
رهبر انقلاب در دیدار با مسئولین نظام و سفرای کشورهای اسلامی در روز عید فطر فرمودند: «ملت ایران نیز باید متحد باشد و قضایای هسته‌ای نباید زمینه‌ساز دودستگی در کشور شود.» در این زمینه باید گفت که یکی از مهم‌ترین حربه‌های دشمنان انقلاب اسلامی، تبدیل فرصت‌های جمهوری اسلامی ایران به تهدید علیه خودش می‌باشد. نمونه بارز آن را می‌توان پس از انتخابات سال ۸۸ مشاهده نمود که چطور مشارکت بالای ۸۵ درصدی مردم در انتخابات که باید سکوی پرتاب کشور در معادلات بین‌المللی می‌شد، موجب مخدوش کردن چهره نظام اسلامی شد. باید از پس این رخدادها و فتنه‌ها درس بگیریم که چگونه از فرصت‌های مان در جهت پیشبرد اهداف انقلاب اسلامی گام برداریم. باید مراقب بود که مسأله ما در مذاکرات، حل پرونده هسته‌ای است نه یارکشی انتخاباتی و نه دعوای سیاسی و حزبی.

● ۴. نگاه کلان به پرونده هسته‌ای:

نگاه کلان یکی از نقاط مهم در سخنان رهبر انقلاب بوده است؛ چنانچه ایشان در خطبه‌های عید فطر فرمودند: «ده سال، دوازده سال است که شش دولت بزرگ جهانی... نشسته‌اند در مقابل ایران، با هدف اینکه ایران را از پیگیری صنعت هسته‌ای خودش باز بدارند... نتیجه اش این شد که این شش قدرت، امروز ناچار شدند که گردش چند هزار سانتریفیوژ... ادامه‌ی این صنعت را در کشور... ادامه‌ی تحقیقات و توسعه‌ی این صنعت را تحمل کنند.» بنابراین نگاه مقطعی و فتنی صرف موجب می‌شود که در تحلیل این مسأله به خطا برویم. برای تحلیل پرونده‌ای با این زوایای پیچیده که شامل مرور زمان هم شده است، اندکی باید بیشتر و کلان‌تر تأمل کرد و منصفانه داده‌ها و ستانده‌ها را بررسی و قضاوت کرد. فرمایشات این روزهای رهبری همانند همیشه چراغ راه امت مسلمان ایران است. ●



یکی از مهم‌ترین حربه‌های دشمنان انقلاب اسلامی، تبدیل فرصت‌های جمهوری اسلامی ایران به تهدید علیه خودش می‌باشد. نمونه بارز آن را می‌توان پس از انتخابات سال ۸۸ مشاهده نمود که چطور مشارکت بالای ۸۵ درصدی مردم در انتخابات که باید سکوی پرتاب کشور در معادلات بین‌المللی می‌شد.



«از مذاکره کنندگان ایرانی درخواست کردم تا شعار مرگ بر آمریکا و مرگ بر اسرائیل را کنار بگذارند.» این جملات روایت وزیر امور خارجه آمریکا از آینده مطلوب او از استکبارستیزی ملت ایران است که در برابر شورای روابط خارجی کنگره این کشور بیان کرده است. جان کری حتی پا را از این فراتر گذاشته و شعار مردم ایران در نفی سلطه آمریکا و اسرائیل را «احمقانه» خوانده است. او این سخنان را در پاسخ به سوال یک نماینده منتقد کنگره گفته که از وی برای مذاکره و توافق با کشوری که مردم آن به صراحت در راهپیمایی های گسترده علیه آمریکا و اسرائیل شعار می دهند انتقاد کرده است. بسیاری از مقام های آمریکایی در روزهای بعد از اعلام جمع بندی مذاکرات هسته ای در اظهارات خود بسیار تلاش کردند تا توافق احتمالی هسته ای ایران با کشورهای ۵+۱ را نشانه تغییر رفتار ایران و کوتاه آمدن آن از مواضع استکبارستیزانه و حمایت از ملت های مظلوم جهان ارزیابی کنند. شاید این بزرگترین دستاوردی بود که جبهه استکبار امید داشت تا از پس مذاکرات ۱۳ ساله به دست آورد. گرچه برخی معتقدند این اظهارات و ابراز نگرانی ها در دولتمردان آمریکایی به اظهارات هشدارآمیز نخست وزیر رژیم صهیونیستی مربوط است. بنیامین نتانیاهو بارها عصبانیت خود را در برابر آنچه که وی کوتاه آمدن قدرت های جهانی به خصوص آمریکا در مقابل ایران عنوان کرده، ابراز کرده و نسبت به آسیب جدی به امنیت اسرائیل بعد از توافق هسته ای هشدار داده و گفته است:

توافق هسته ای موجب تقویت ایران شده است. در آن سوی ماجرا امپس از بیانات مهم رهبر انقلاب اسلامی در خطبه های عیدفطر درباره سیاست مبارزه با استکبار این رهبر مقاومت اسلامی لبنان بود که به صراحت تاکید کرد: «آمریکا قبل و بعد از توافق هسته ای همچنان شیطان بزرگ خواهد بود.» سید حسن نصرا... دبیر کل حزب ا... لبنان که در مراسم فارغ التحصیلی فرزندان شهدای مقاومت، تحریم ها علیه ایران را بی تاثیر در اراده جمهوری اسلامی خواند و گفت: «ما افتخار می کنیم که آمریکا به عنوان شیطان بزرگ قبل

سید حسن نصرا... : ایران پیشاپیش همه در حرکت است

پرچم مقاومت بالاست

جنگ روایت ها در دو سوی یک منازعه جهانی بین جبهه مقاومت و جبهه استکبار در روزها و هفته های اخیر به اوج خود رسیده است. گویی هر کدام از دو سوی ماجرا می خواهد به بهانه پایان احتمالی این مرحله از منازعه هسته ای برای افکار عمومی دنیا آینده مطلوب خود را روایت کند.

پیش شماره

۵

روش تحلیل مذاکرات هسته‌ای



«در مسائلی که با سرنوشت کشور ارتباط پیدا میکند، حتماً تحلیل و موضع داشته باشید.» این جملات بیانات رهبر حکیم انقلاب در دیدار ۵ سال پیش با دانشجویان است. توقعی که از یک انسان مومن انقلابی می‌رود اینست که نسبت به حوادث و تحولات آگاه و فعال باشد و با تحلیل صحیح، اقدام درست را انجام بدهد. اهمیت برخوردار از تحلیل صحیح چنان است که رهبر انقلاب در سال ۷۰ در توصیف حکومت ۵ ساله حضرت علی (ع) می‌فرماید: «آنچه من توانستم به عنوان جمع‌بندی به دست بیاورم، این است که «تحلیل سیاسی» ضعیف بود. البته در درجه‌ی بعد، عوامل دیگری هم بود؛ اما مهمترین مسأله این بود. و الا خیلی از مردم هنوز مؤمن بودند؛ اما مؤمنانه در پای هودج ام‌المؤمنین در مقابل علی (ع) جنگیدند و کشته شدند... موضع خود را شناختن و در آن قرار گرفتن... و قدرت تحلیل سیاسی خودش یکی از آن خطوط ظریفی است که امام هم مکرر در مکرر فرموده بودند.» یکی از دلایل تفاوت نگاه به یک پدیده در نوع نگاه و روش تحلیل آن پدیده است. «روش صحیح» تحلیل می‌تواند افراد مختلف یک ملت با جهان بینی واحد را به تحلیلی درست و هم‌افق با یکدیگر هدایت کند. ماجرای مذاکرات هسته‌ای هم که این روزها به عنوان یکی از موضوعات مهم فعالیت‌های سیاسی در کشور قرار گرفته؛ از این قاعده مستثنی نیست. در همین ماجرا هم می‌بینیم که یک پدیده واحد وجود دارد اما تحلیل‌های مختلفی نسبت به آن هست. یکی از مهمترین دلایل آن همان تفاوت در روش نگاه است. در این خصوص توجه به نکات زیر برای تحلیل روشمند این پدیده و قضاوت درباره آن لازم است. البته این یادداشت به دنبال قضاوت در مورد متن برجام یا مذاکرات نیست بلکه به دنبال ارائه روشی برای تحلیل درست این پدیده است. یکی از اصول روش تحلیل، «کل‌نگری» و «مشاهده مجموعه واقعات با هم‌دیگر» است. این نگاه سبب می‌شود تا همه واقعات باهم دیده شود و گر نه «خطای در محاسبه را به دنبال خواهد داشت.» مطالعه متن و تدقیق در جزئیات آن به تنهایی کفایت برای قضاوت درباره این پدیده نمی‌کند. توجه به شرایط، بازیگران و زمینه‌ها و... خود از عناصر مهم قضاوت و تحلیل این پدیده است. به نظر می‌رسد دو پایه سازنده و لازم برای تحلیل این موضوع توجه به بیانات دیدار مسئولان نظام در ماه رمضان و بیانات رهبر انقلاب اسلامی در روز عید فطر می‌باشد.

۱. دیدار کارگزاران نظام:

این دیدار در هنگامه مذاکرات برگزار شد. رهبر انقلاب پس از بیان نکاتی درباره اعتماد به مذاکره کنندگان، به خطوط قرمز اشاره کردند. دیدار کارگزاران در حین مذاکرات بود و بیان این خط قرمزها در چند سطح کار کرد داشت: این خطوط در عین حال که باید حافظ دستاوردها و منافع ملی و حد و اندازه خرج کردن از دارایی‌های کشور به حساب می‌آمد، ابزاری هم در جهت قوت دست تیم مذاکره‌کننده هنگام مذاکره با مستکبر بود. به عبارت دیگر خطوط قرمز، هدف مذاکره نبود، بلکه بسته به نوع آن، «ابزار» رسیدن به هدف بود و یا «سپر» حفظ منافع ملی. به همین دلیل این خطوط مانند «مین» عمل نمی‌کنند که با یک اتفاق و جابجایی بشود به قضاوت مطلق رسید. از سوی دیگر چه بسا ممکن است حتی با حفظ همه آن خطوط هم دستیابی به هدفی که برای مذاکره معین شده صورت نگیرد.

۲. دیدارهای روز عید فطر:

در خطبه‌های نماز عید بعد از تشکر از تیم مذاکره‌کننده، توجه به منافع و مصالح ملی مرکز توجه رهبری قرار گرفت. این دیدار نخستین بیانات ایشان درباره متن بعد از مذاکرات بود. دیداری که پس از پاسخ به نامه رییس جمهور در خصوص اعلام پایان مذاکرات صورت گرفت. رهبر انقلاب در آن نامه بر «ملاحظه با دقت» و بررسی متن «در مسیر قانونی پیش‌بینی شده» تاکید کردند. این دیدارها بعد از تنظیم متن بود. زمانی که باید ببینیم اهدافی که برای این مذاکرات تعیین شده بود؛ محقق شده است یا نه؟ بازخوانی بیانات رهبر معظم انقلاب در طول مدت مذاکرات حداقل چهار هدف اصلی «غنی‌سازی در خاک خود»، «رفع تحریم‌های ظالمانه»، «شکستن فضا سازی‌های ناصحیح در حوزه بین‌المللی»، «به دست آمدن تجربه شناخت از امریکا در داخل» را یادآور می‌شود. همان‌طور که در ابتدای متن آمد؛ با توجه به بیانات رهبر انقلاب اسلامی روش تحلیل صحیح، داشتن نگاه کلان به مسئله است. یک تحلیل‌گر، با بررسی همه‌جانبه مولفه‌های منافع و مصالح ملی، نسبت خطوط قرمز با آن مصالح، دستاوردهای متن و نسبتشان با اهداف از پیش تعیین شده مذاکرات و در نهایت شرایط ژئوپلیتیکی حاکم بر جهان به تحلیل صحیح خواهد رسید. ●

و بعد از توافق هسته‌ای، ما را تحت تعقیب قرار می‌دهد، آمریکایی که قبل و بعد از توافق هسته‌ای شیطان بزرگ خواهد ماند.» نصر... می‌گوید: «هنوز یک کشور پرچم را بالا نگه می‌دارد و پیشاپیش همه در حرکت است و حتی اگر توافق هسته‌ای و مذاکرات هسته‌ای متوقف به پذیرش اصل رژیم صهیونیستی باشد، آن را نمی‌پذیرد. به یاد دارید نتانیاهو در خواست کرد توافق باید حاوی بندی باشد که ایران در آن به وجود حکومت اسرائیل اعتراف کند. بنده به شما می‌گویم اگر در پرونده‌ی هسته‌ای به ایران همه‌ی خواسته‌هایش و هر چیزی را که در مخیله‌اش هم جای نداشته بدهند ولی شرطش اعتراف ایران به وجود حکومت اسرائیل باشد جمهوری اسلامی ایران، جمهوری امام خمینی به رهبری حضرت امام خامنه‌ای، دولت، مجلس و ملت ایران با چنین ماده و بندی موافقت نخواهند کرد.» رئیس جمهور آمریکا هم پیش و پس از توافق بارها اعلام کرده بود که به دنبال تغییر در مواضع و رفتار ایران است. اما در پس این توافق کدام روایت محقق خواهد شد؟ وعده رهبران کدام جبهه، آینده منطقه و جهان را تصویر خواهد کرد؟ تکلیف مبارزه‌ی با استکبار پس از مذاکرات چیست؟ رهبر انقلاب اسلامی در این خصوص می‌گویند «مبارزه‌ی با استکبار، مبارزه‌ی با نظام سلطه تعطیل‌پذیر نیست. این جزو کارهای ما است، جزو کارهای اساسی است، جزو مبانی انقلاب است. یعنی اگر مبارزه‌ی با استکبار نباشد، ما اصلاً تابع قرآن نیستیم. مبارزه‌ی با استکبار که تمام نمیشود. در مورد مصادیق استکبار، آمریکا اتم مصادیق استکبار است. ما به این مسئولین محترمی که در قضیه‌ی هسته‌ای مذاکره میکنند... مفضل تشریح کردم. مبارزه‌ی با استکبار تعطیل‌پذیر نیست، تکلیفش کاملاً روشن است و خودتان را آماده کنید برای ادامه‌ی مبارزه‌ی با استکبار.» مذاکرات اخیر بخشی از تاریخ مبارزه با استکبار بود. زمانی میگفتند تاریخ را طرف پیروز ماجرا خواهد نوشت، امروز باید گفت در جنگ کسی پیروز است که بتواند تاریخ را درست روایت کند. پرچم مقاومت در منطقه و جهان بالاست. و آینده از آن حزب... است. ●



اعترافات شیطان

دولتمردان آمریکایی این روزها به حقایق مهمی درباره اقتدار ملت ایران اقرار می کنند؛

○ **جان کری:** «واقعیت این است که ایران، هنگامی که به اندازه کافی اورانیوم برای تولید ۱۲ بمب هسته‌ای در اختیار داشت هم این کار را نکرد.»

○ **اوباما:** «برنامه هسته‌ای ایران با وجود تحریم‌های یکجانبه و هشدارهای متعدد آمریکا، پیشرفت زیادی کرد و ایران به چندین هزار سانتریفوژ رسید.»

○ **اشتون کارتر:** «من فقط روی آن چیزی که رهبر معظم ایران می گوید حساب می کنم چرا که به نظر می رسد همان چیزی است که انجام می دهد.»

با اشاره به خطر عدم همراهی شرکای اروپایی آمریکا در تحریم‌های ظالمانه علیه ملت ایران، می گوید: «شرکای ما به دلیل قطع ارتباط تجاری با ایران، میلیاردها دلار را در بخش تجارت از دست دادند.»

در همان روز وندی شرمین معاون وزیر امور خارجه و مذاکره کننده ارشد آمریکا در مذاکرات هسته ای در جلسه استماع سنای آمریکا می گوید: «برخی گفته اند که اگر ما فقط تحریم‌ها را تشدید می کردیم می توانستیم ایران را وادار کنیم با برچیدن برنامه هسته‌ای خود موافقت کند. اما این یک رویاست. واقعیت این است که در صورت عدم توافق برای ادامه تحریم‌ها علیه ایران تنها می مانیم.» اوباما نیز در همان سخنرانی با صراحت اعتراف شرمین را تکرار می کند: «اگر به اعمال تحریم یک جانبه ایران ادامه دهیم تنها خواهیم

شاید تا چند ماه پیش برای بدبین ترین هواداران شیطان بزرگ این تصور که دولتمردان متکبر آمریکایی یکی پس از دیگری به صف شده و در سخنرانی‌ها و مصاحبه‌های رسمی خود همزمان به قدرت جمهوری اسلامی در منطقه و جهان، بی تأثیری تحریم‌ها بر اراده ملت و هم چنین عدم تمایل ایران به ساخت بمب هسته‌ای اعتراف کنند، چندان به ذهن نزدیک نبود. اما همین تصور دور از ذهن این روزها به واقعیت رسانه‌های آمریکایی تبدیل شده است.

مشابهی را در برابر چشمان متحیر رسانه‌ها مطرح کرده بودند. برای نمونه این رئیس جمهور آمریکا بود که در سخنرانی روز چهارشنبه در دانشگاه آمریکایی واشنگتن گفت: «برنامه هسته‌ای ایران با وجود تحریم‌های یکجانبه ما پیشرفت زیادی کرد. زمانی که دولت بوش عهده دار ریاست جمهوری شد، ایران هیچ سانتریفوژی نداشت، اما با وجود هشدارهای متعدد دولت آمریکا زمانی که من عهده دار ریاست جمهوری شدم، ایران چندین هزار سانتریفوژ داشت.» اوباما در بخش دیگری از همین سخنرانی

به فاصله چند هفته پس از اعلام جمع بندی مذاکرات هسته‌ای میان ایران و کشورهای ۵+۱، تنها در یک روز (۱۴ مرداد) اوباما در دانشگاه آمریکایی واشنگتن؛ جان کری وزیر امور خارجه در گفتگو با نشریه آتلانتیک و وندی شرمین مذاکره کننده ارشد آمریکا در جلسه استماع مجلس سنا برای دفاع از متن جمع بندی مذاکرات هسته‌ای حاضر شدند و از واقعیت‌هایی برای مردم و رسانه‌های آمریکایی پرده برداشتند. پیش از آن هم این نفرت و چهره‌های دیگری چون اشتون کارتر وزیر دفاع آمریکا اعترافات



پیش شماره



پشتوانه رد یا قبول برجام

«ده سال، دوازده سال کشمکش با جمهوری اسلامی، نتیجه اش این شد که این شش قدرت، امروز ناچار شدند که گردش چند هزار سانتریفیوژ را در کشور تحمل کنند... ناچار شدند ادامه‌ی تحقیقات و توسعه‌ی این صنعت را تحمل کنند... گردش صنعت هسته‌ای ادامه خواهد یافت؛ این چیزی است که آنها سالها تلاش کردند، اولی امروز روی کاغذ آوردند و امضا دارند میکنند که حرفی ندارند. این معنایش چیست جز اقتدار ملت ایران؟ این بر اثر ایستادگی ملت، مقاومت ملت، و بر اثر شهامت و ابتکار دانشمندان عزیز ما است.» این جملات، بخشی از خطبه رهبر انقلاب در نماز عید فطر امسال است. ارتقاء قدرت و اقتدار درونی، همان شاه کلیدی است که رهبر انقلاب به صورت مستمر و در قالب یک گفتمان عمومی آن را دنبال می‌کنند. ایشان روز اول فروردین سال ۹۳، تأکید کردند که سخنان شان در یک جمله خلاصه است: «ملت باید خود را قوی کند... حرف درباره اقتدار ملی است» تجربه ملت ایران از زیاده‌خواهی‌های جبهه استکبار یک تجربه طولانی و عمیق است و همین تجربه نشان می‌دهد که رفتار مستکبران تابع متغیری به نام «قدرت» است؛ هر ملتی به میزانی که قوی بوده، سلطه‌گر ناچار شده که از روال غیرمنطقی خود فاصله بگیرد. نمونه واضح آن در همین قضیه هسته‌ای است؛ به تعبیر رهبر انقلاب: «یک روزی بود که اینها حاضر نبودند پنج عدد سانتریفیوژ را تحمل کنند. مسئولین گفتگو و مذاکره‌ی با اروپا حاضر شده بودند بیست تا سانتریفیوژ را نگه دارند، آنها گفته بودند نمیشود؛ گفته بودند پس لااقل پنج تا، گفته بودند نمیشود. اگر میگفتند یکی، باز هم میگفتند نمیشود!» (۸۶/۱۰/۱۳)

اما در این فاصله چه اتفاقی افتاد که شش قدرت جهانی را ناچار کرد که دست از آرزوی محال خود بردارند و گردش صنعت هسته‌ای ایران را تحمل کنند؟ چه اتفاقی افتاد که وزیر خارجه آمریکا به صراحت می‌گوید: «چه دوست داشته باشیم چه نه، ایران به دانش هسته‌ای دست یافته و آن را با بمباران و تحریم نمی‌توان از بین برد...» چه اتفاقی افتاد که رئیس‌جمهور دولت مستکبر آمریکا ضمن آنکه نمی‌تواند کینه خود را از ایران اسلامی پنهان کند، به ناچار اعتراف می‌کند: «دست کشیدن ایران از برنامه هسته‌ای، توهم است... اگر کنگره توافق را رد کند در دنیا بی‌اعتبار می‌شویم...» چه شد که روزنامه آمریکایی هافینگتون پست با یادآوری مذاکرات مهم بین‌المللی (مانند مذاکرات هسته‌ای میان آمریکا و شوروی، کنگره سال ۱۹۱۹ و رسای) اقرار می‌کند که این سطح و روش مذاکرات، متناسب با همان الگوی مذاکرات جهانی و نوع تعامل با ایران نیز از جنس تعامل با قدرت‌های بزرگ است. واقعیت آن است که برخلاف تبلیغات آمریکایی‌ها - که می‌خواهند القا کنند ایران در اثر فشارهای پای میز مذاکره آمد- آنکه مجبور شده تنها پیش شرط‌های قبلی خود برای مذاکره را نمانده بگیرد، بلکه برای مذاکره نیز درخواست بدهد و در نهایت چیزهایی را بپذیرد که قبلاً حتی حاضر به حرف زدن درباره آنها هم نبود، دولت امریکاست. اعتراف امروز آمریکا، نشانه‌ای آشکار از اقتدار ملت است. این اقتدار، ناشی از آرمان‌های انقلاب اسلامی، مقاومت ملی، شهامت و ابتکار علمی دانشمندان، پدید آمده و یکبار دیگر این تجربه و الگو را تأیید کرده که برای پیشرفت در دنیای امروز، «اقتدار است که جواب می‌دهد».

کیفیت مواجهه بعدی ایران و جبهه استکبار و مصداق اتم آن یعنی آمریکا بر پایه همین اقتدار معین می‌شود و کسانی که متوهمانه با مبنای قرار دادن مذاکرات هسته‌ای تلاش می‌کنند تا از استکبارستیزی در نزد ملت بکاهند نقشه‌شان نقش بر آب خواهد بود. اصول تغییر نخواهد کرد و در سیر تکاملی انقلاب اسلامی، پافشاری بر آنها بیشتر نیز خواهد شد.

و در آخر، این روزها مسئولین در حال بررسی متن برجام هستند. از سویی «تقد‌های منطقی» با «رعایت حفظ اعتماد عمومی» می‌تواند وسیله و کمک‌کاری برای دقت و تأمل بیشتر مسئولان بر روی متن باشد و از سوی دیگر، همین اقتدار ملی است که پشتوانه نهایی آن‌ها در بررسی متن خواهد بود. دست‌اندرکاران بررسی متن، باید با ملاحظه دقیق به تصمیم بر سندی و تصمیم نهایی را هر چه که باشد، با گردن افراشته در مقابل خداوند و ملت ارائه کنند. چنانچه در متن تهیه شده دستاوردها بیش از داده‌ها باشد و مصالح و منافع ملی در آن رعایت شده باشد، با اقتداری که ثمره انقلاب اسلامی است به متن آری بگویند و چنانچه این معادله معکوس باشد، با اقتدار آن را رد کنند. این اقتدار، دارای آینده‌ما در امتداد مبارزه با استکبار است. ●



شرمن: «حقیقت این است که ایران تجربه فراوانی در خصوص فناوری چرخه سوخت هسته‌ای دارد. ما نمی‌توانیم با بمباران این دانش را از بین ببریم. ما با تحریم نمی‌توانیم این دانش را از بین ببریم. به یاد داشته باشید تحریم‌ها رشد مستمر برنامه هسته‌ای ایران را متوقف نکردند تا آنجا که ایران به اندازه کافی اورانیوم غنی شده ذخیره کرده بود.»

ماند. اما حالا یک سوال مهم در ذهن مخاطبان آمریکایی این اعترافات که سالها تحت فضا سازی شدید رسانه‌هایشان قرار گرفته‌اند، نقش می‌بندد: آیا بدون تحریم، ایران به سمت بمب هسته‌ای خواهد رفت؟! وزیر امور خارجه آمریکا به این سوال در گفتگو با نشریه آتلانتیک پاسخ می‌دهد: «واقعیت این است که ایران، هنگامی که به اندازه کافی اورانیوم غنی شده برای تولید ۱۰ الی ۱۲ بمب هسته‌ای در اختیار داشت هم این کار را نکرد.» به سیاهه اعترافات آمریکایی‌ها می‌توانید این عبارات را نیز اضافه کنید، عبارتی که مثل موارد قبلی با کلماتی چون «حقیقت» یا «واقعیت» آغاز می‌شود: «حقیقت این است که ایران تجربه فراوانی در خصوص فناوری چرخه سوخت هسته‌ای دارد. ما نمی‌توانیم با بمباران و تحریم این دانش را از بین ببریم. به یاد داشته باشید تحریم‌ها رشد مستمر برنامه هسته‌ای ایران را متوقف نکردند تا آنجا که ایران به اندازه کافی اورانیوم غنی شده ذخیره کرده بود.» این جملات را هم شرمین برای اقناع مخالفان برجام در سنای آمریکا بر زبان رانده است. شاید به همین دلیل است که تد دویچ نماینده برجسته یهودی کنگره آمریکا که از قضا هم حزبی آقای اوباما نیز هست می‌گوید: «پس از یک دهه تلاش برای بازداشتن ایران از دستیابی به تسلیحات هسته‌ای، نمی‌توانم از توافقی حمایت کنم که بالغو تحریم‌ها میلیارد دلار در اختیار ایران قرار می‌دهد و در ازای آن به ایران اجازه داده می‌شود یک برنامه هسته‌ای پیشرفته و زیرساخت‌های یک کشور در آستانه هسته‌ای را حفظ کند.» حالا با مشاهده این اعترافات می‌توان یکبار دیگر به سراغ بیانات حکیمانه رهبر انقلاب در خطبه‌های عید فطر رفت: «ده سال، دوازده سال کشمکش با جمهوری اسلامی، نتیجه اش این شد... تحقیق و توسعه‌ی صنعت هسته‌ای و گردش صنعت هسته‌ای ادامه خواهد یافت؛ این چیزی است که آنها سالها تلاش کردند، اولی امروز روی کاغذ آوردند و امضا دارند میکنند که حرفی ندارند. این معنایش چیست جز اقتدار ملت ایران؟ بدون شک به همین دلیل است که وعده صادق و قول سدید رهبر حکیم انقلاب را این روزها آمریکایی‌ها پس از ۱۳ سال تلاش نافرجام برای توقف رشد صنعت هسته‌ای ایران، بیش از پیش و بیش از سایرین دریافته‌اند. آنجا که اشتون کارتر وزیر دفاع آمریکا در جلسه سنا در پاسخ به یکی از سناتورها که از وی می‌پرسد: «آیا فکر می‌کنید رهبر معظم ایران همچنان به اهداف انقلاب ایران متعهد است؟» می‌گوید: «من فقط روی آن چیزی که او می‌گوید حساب می‌کنم چرا که به نظر می‌رسد همان چیزی است که انجام می‌دهد.» ●



نگاهی کلان به صحنه مذاکره و مبارزه با نظام سلطه، ۹ سال بعد از جنگ ۳۳ روزه

ماشه حزب ا... روی شقیقه اسرائیل



«این پیروزی از میزان تحمل و ظرفیت عقل‌های ما بسیار بزرگ‌تر است. هفته‌ها، ماه‌ها و سال‌های پیش‌رو بر این مسأله صحنه خواهند گذاشت.» این جملات را سیدحسین نصر... ۹ سال قبل در جشن پیروزی مقاومت بر اسرائیل گفته است. جنگ ۳۳ روزه در تابستان سال ۲۰۰۶ میلادی به «افسانه شکست‌ناپذیری اسرائیل» در افکار عمومی پایان داد. اما فراتر از آن، برای اولین بار نشان داد که تا چه میزان سر نوشت خط مقاومت از جنوب لبنان تا خاک ایران به هم گره خورده است. در آن روزها جمهوری اسلامی به صراحت از حزب ا... لبنان حمایت کرد تا نرسیدن اسرائیل به اهدافش در این جنگ افروزی، یک دستاورد مهم برای انقلاب اسلامی تلقی شود. ایران با «دست برتر خود» طرح آمریکا برای تغییر نقشه خاورمیانه را ناکام گذاشت. در مقابل، دولت آمریکا به عنوان حامی اصلی رژیم اسرائیل، ناامید از گزینه نظامی، راهبرد دوگانه‌ای را در برابر ایران در پیش گرفت.

● افزایش فشار اقتصادی و دوستی با مردم ایران!

در کنار افزایش تحریم‌ها و فشارهای شدید اقتصادی که مقامات آمریکایی آن را فلج‌کننده می‌نامیدند، دولت جدید آمریکا یک صحنه نمایش دیپلماتیک در برابر ایران ترتیب داد. از طرفی با تهدید جلوه دادن ایران به عنوان کانون تروریسم جهانی (بخوانید مقاومت) تلاش کرد تا کشورهای مختلف را با خود همراه کند. برای این منظور یک ائتلاف جهانی از کشورهای همسو با خود علیه ایران به راه انداخت و از طرف دیگر در ظاهر در برخی زمینه‌های خاص به دوستی با ملت ایران تمایل نشان می‌داد. اما هدف یک چیز بود: فاصله انداختن میان نظام اسلامی و پایگاه مردمی آن در سراسر جهان، تا در نهایت بین تداوم مقاومت و یا انزوای جهانی یکی را انتخاب کنند.

● اوج‌گیری دیپلماسی و تهدید متقابل اسرائیل

همین برخورد دوگانه دولت اوپاما بود که باعث شد تا رهبر انقلاب درباره «دست چدنی زیر دست‌کش مخملی» هشدار بدهند و در نتیجه ملت ایران آن را پس بزند. ایران نه از مقاومت صرف‌نظر کرد و نه به انفعال دیپلماتیک مبتلا شد. در اوج همین فشارها، تهران نشست سران غیرمتمدها را در بالاترین سطح از حضور مقامات برگزار کرد؛ از نظام سوریه به عنوان متحد استراتژیک در محور مقاومت، بیشترین پشتیبانی را انجام داد؛ و تهدیدات اسرائیل را با تهدید متقابل پاسخ گفت: «اگر غلطی از آنها سر بزند، جمهوری اسلامی تل‌ویو و حیفا را با خاک یکسان خواهد کرد.»

● افزوده شدن عراق و یمن به محور مقاومت

اما وعده الهی چیزی غیر از نیرنگ استکبار

بود و به‌زودی، دستاوردهای عینی مقاومت در منطقه نیز بیشتر نمایان شد: موج تازه بیداری اسلامی متأثر از گفتمان استکبارستیزی و اضافه‌شدن یمن به محور مقاومت از چشم ناظران و تحلیل‌گران اوضاع منطقه پنهان نماند. البته قدرت‌گیری روزافزون جبهه مقاومت در منطقه، دغدغه امنیتی اسرائیل را تشدید کرد و بی‌واکنش نماند. رئیس‌جمهور آمریکا که «تعهد به امنیت اسرائیل» را برای ایالات متحده «مقدس» می‌دانست، تلاش کرد تا به بهانه دروغین بمب اتم، افکار عمومی جهانی را علیه ایران بسیج کند و در تنور تحریم‌ها بیشتر بدمد؛ تا جایی که وزیر خزانه‌داری‌اش را برای متقاعد کردن دیگران به تداوم و تشدید تحریم‌های ایران از این کشور به آن کشور می‌فرستاد.

● یک بشارت تاریخی: نابودی اسرائیل

در این سوی میدان، اگر چه رهبر انقلاب بارها ساخت و کاربرد سلاح هسته‌ای را در قالب یک فتوا حرام اعلام کرده بودند و آن را خلاف عقل و تدبیر می‌دانستند، اما هم‌زمان در نقطه هدف مقابل با هوشمندی به «جوانان ایرانی» بشارت دیدن «نابودی اسرائیل» را می‌دادند. حالا با مرور بازی بزرگ شطرنج مقاومت در منطقه در یک دهه گذشته می‌توان سخنان رئیس‌جمهور فریبکار آمریکا را تحلیل کرد. این روزها که مقارن با نهمین سالگرد حماسه جنگ ۳۳ روزه است، رئیس‌جمهور ایالات متحده برای دفاع از عقب‌گردهای خود در برابر ایران در دیدار بارهبران یهودی در کاخ سفید از «ماشه حزب ا...» سخن می‌گوید: «اگر توافق هسته‌ای رد شود و ما به ایران حمله کنیم، حزب ا... تل‌ویو را موشک باران می‌کند.» اوپاما بارها به فتوای رهبر ایران اشاره کرده و می‌داند که تسلیحات کشتار جمعی جایی در دکتین امنیتی جمهوری اسلامی ندارد. اما توجیه رهبران آمریکایی برای دور زدن عملی مقدسات خود - امنیت اسرائیل - چیست؟ شاید امروز آن‌ها هم به خوبی فهمیده‌اند که «اسرائیل روز به روز ناامن‌تر خواهد شد؛ چه توافق هسته‌ای بشود

پیش شماره



۷

حزب ... جلوی سوءاستفاده از متن را می‌گیرد

برای پذیرش نمایندگی در ایران اعلام آمادگی کرده و فرم مخصوص را در اختیار علاقمندان قرار داده است. "این خبر مهم، همان دست فریب بود؛ زیرا مک‌دونالد فقط یک اغذیه فروشی نیست. حضور مک‌دونالد یعنی همان توصیف غلط از صحنه مذاکرات. یعنی اینکه به افکار عمومی دنیا به غلط بگویی امریکا توانسته است تسلط فرهنگ خود را بر ایران غلبه دهد. رهبر معظم انقلاب ۱۵ سال پیش درباره نقش موثر نمادهای فرهنگی امریکایی از جمله مک‌دونالد در جنگ سرد بین شوروی و امریکا فرمودند: «سبیل تبلیغات غربی و فرهنگ غربی و نمادهای غربی - سبملهای لباس و «مک‌دونالد»... - در شوروی راه پیدا کرد. این که من می‌گویم، تفکر یک طلبه گوشه‌نشین نیست؛ در همان روزها بنده در خود مجلات امریکایی - تایم و نیوزویک - خواندم که از این که... «مک‌دونالد» در مسکو رواج پیدا کرده، اینها به عنوان یک خبر مهم و به عنوان پیشاهنگ فرهنگ غربی و فرهنگ امریکایی در کشور شوروی یاد کرده بودند» مثال دیگر از خدعه‌ها و نقشه‌های امریکا، خبر دیگری است که این روزها در لایه‌لای اخبار بیرون آمده است. اوپاما در گفتگو با سی‌ان‌ان گفت که «می‌دانیم چطور با فعالیت‌های ایران در منطقه مقابله کنیم، مشروط بر اینکه کشورهای حوزه خلیج (فارس) همکاری کنند و الان هم به نحوی نظام‌مند داریم همین کار را می‌کنیم. به راستی "نحوه نظام‌مندی" که اوپاما به آن اشاره دارد چیست؟ رهبر معظم انقلاب در روز عید فطر بلافاصله بعد از عبارت «چه تصویب بشود و چه نشود» فرمودند که «ما از حمایت دوستانمان در منطقه دست نخواهیم کشید.» و «سیاست‌های ما» را در منطقه بر شمرند. تقابل این دو عبارت چه وظایفی را بر عهده امت حزب... خواهد گذاشت؟! روشن‌فکر نمایانی که مانند «دولت‌مدان قاجاری» سازش را تئوریزه می‌کنند؛ اگر چه نتوانستند مذاکرات را به سازش تبدیل کنند اما به دنبال باز کردن راه نفوذ نظام سلطه بر کشور هستند. امروز هم به دنبال سوءاستفاده از متن و حواشی آن هستند. مک‌دونالد نشد چیز دیگر، آن نشد این، این نشد آن تا که شاید به هدفشان برسند و رخنه را در داخل کشور ایجاد کنند. اخباری از این دست که به برخی از آن‌ها اشاره شد، بسیار هستند. اینجاست که هوشیاری برای مقابله با خط و برنامه جدید استکبار لازمست. هنوز تجربیاتی مانند سال ۸۸ از ذهن‌هایمان نرفته است که فرمود «من نام لم ینم عنه...» که دشمن بیدار است... ●

«چه متن تصویب بشود و چه نشود» سیاست‌های جمهوری اسلامی در مبارزه با استکبار، منطقه و... تغییر نمی‌کند. البته بدیهی است که همین اتفاق هم در اردوگاه نظام سلطه می‌افتد. آن‌ها هم سیاستشان تغییر نمی‌کند و دست از دشمنی‌شان بر نخواهند داشت. تجربه مبارزه با استکبار هم این را نشان داده است. مثلاً «در فتنه‌ی سال ۸۸... بعد از آنی که... خوشحال، خرسند که پای صندوق‌های رأی مردم جمع شدند و تا آخر شب رأی دادند... ناگهان از یک گوشه‌ای، فتنه‌ای شروع میشود؛ ما را بیدار میکند؛ میگوید: به خواب نروید... خطرهایی در مقابل شما وجود دارد... همه‌ی حوادث را اینجوری باید نگاه کرد.» (۸۹/۶/۲۵) در همین ماجرای مذاکرات هسته‌ای هم هر جا که دستشان می‌رسید تلاش می‌کردند تا "نرمش قهرمانانه" را به "سازش" تبدیل کنند. عوامل داخلی آن‌ها نیز - که رهبری با تعبیر دولت‌مد قاجاری از آن‌ها یاد کردند - با بزک کردن امریکا سعی کردند تا چهره استکبار را بازسازی کنند و یا با تعریف ذلت‌بار از مذاکره، سعی کردند که اراده ملت انقلابی را نسبت به مقاومت سست کنند. مذاکره در این مورد خاص تمام شد. متنی آماده شده انتقاداتی هم به آن مطرح شده و بررسی آن، فرایند قانونی خود را سپری خواهد کرد؛ اما هنوز مبارزه به پایان نرسیده است. به همین دلیل است که رهبر انقلاب فرمودند «جازه‌ی هیچ‌گونه سوءاستفاده‌ای از آن داده نخواهد شد.» درون این جمله یک هشدار بسیار مهم نهفته است. هشدار درباره اقدام و نقشه‌های بعدی نظام سلطه. رخدادها اگر درست توصیف نشوند؛ آن وقت در اثر آن توصیف غیرواقعی، رفتارهای بعدی هم منحرف می‌شوند. عده‌ای که در این دو سال تلاش می‌کردند مذاکره را به سمت سازش منحرف کنند و نه نرمش قهرمانانه و مبارزه با استکبار، امروز به دنبال آن هستند که متن فراهم‌شده را فارغ از محتوای آن نمادی از عادی‌شدن روابط و پایان ستیز با استکبار بدانند. با دشمنی روبه‌رو هستیم که خدعه‌گر و فریب‌کار است. می‌گویند شعبده‌بازها دستی را تکان می‌دهند تا چشم‌ها به آن متوجه باشد و با دست دیگر فریب شعبده خود را اجرا می‌کنند. باید هوشیار بود تا دست فریب دشمن را گم نکنیم. به عنوان مثال، تازه متن فراهم‌شده از مذاکرات به پایتخت‌ها ارسال شده بود و در داخل کشور بحث درباره این بود که متن تصویب بشود یا خیر که خبر دیگری بلافاصله آمد: «کمپانی مک‌دونالد در سایت رسمی خود



چه نشود!» جان کری با استیصال خطاب به مخالفان بر جام می‌گوید که رد آن خلف وعده آمریکا است و نظام تحریم‌ها را از هم خواهد گسیخت. جان بولتون تهدید آمریکا به بازگشت تحریم‌ها را توخالی می‌داند و سفرای پنج کشور همراه آمریکا در مذاکرات هسته‌ای هم گفته‌اند در صورت رد توافق وین، اروپا با ایالات متحده همراهی نخواهد کرد.

● پشت امریکایی‌ها به دیوار رسیده است

پس دولت اوپاما ناگزیر است که بین انزوای دیپلماتیک خود و فروپاشی تحریم‌ها یا رسمیت دادن به برنامه هسته‌ای صلح‌آمیز ایران همراه با حق غنی‌سازی و تحقیق و توسعه یکی را انتخاب کند. در حالی که سایه تهدید موشک‌های حزب‌الله همچنان بر سر «سگ نگهبان آمریکا در منطقه» برقرار است، ظاهراً این بار پشت امریکایی‌ها به دیوار رسیده و دستشان بسته است.

ماشه حزب ... روی شقیقه اسرائیل

اسرائیل نیز که به دنبال برچیدن توان هسته‌ای ایران بود و حق تهاجم نظامی را هم برای خود محفوظ می‌دانست، امروز ناچار است عادی شدن برنامه هسته‌ای ایران و ماشه حزب‌الله روی شقیقه خود را همزمان تحمل کند.



همه اینها نشان می‌دهد که علاوه بر از هوشیاری درباره قوت و ضعف متن برجام و سرنوشت آن در مرحله تصویب و اجرا، جبهه مقاومت باید به موقعیت منفعل نظام سلطه نیز توجه داشته باشد. با تکیه بر تجربه‌های گذشته، پیروزی‌های «خط حزب‌الله...» می‌تواند در شرایط جدید هم ادامه یابد؛ مشروط به اینکه «مثل یک شطرنج‌باز ماهر» حرکات بعدی حریف را پیش‌بینی کند و آمادگی خود را در بالاترین سطح نگه دارد. در این صورت، تحقق وعده الهی از زبان رهبر معظم انقلاب دور نخواهد بود: «جمهوری اسلامی ایران تا روزی که آرمان فلسطین به ثمر برسد، مصمم خواهد ایستاد و آن روز را جوانان قطعاً خواهند دید.» ●



آغاز فصل جدیدی از مبارزه با استکبار

ماموریت جدید

۱. مبارزه فعالانه با استکبار و به خصوص مبارزه با «تم مصادیق» آن یعنی آمریکا (۹۴/۴/۲۰)، سیاست دائمی و همیشگی جمهوری اسلامی است که البته روش‌ها و تاکتیک‌های این مبارزه بنا به شرایط و همچنین نقشه دشمن تغییر می‌کند. از این رو «عرصه مجاهدت فقط جنگ نظامی نیست... اعم است از انواع مبارزات، از مبارزات فرهنگی گرفته تا مبارزات سیاسی تا مبارزات اقتصادی» (۹۴/۵/۲۶). دشمن نیز در این عرصه، از شیوه‌ها و الگوهای متفاوت و متنوع گاهی به صورت مجزا و پی‌درپی و گاهی به صورت موازی و همزمان استفاده می‌کند. از برخورد مستقیم نظامی تا تهدید و فشار؛ از دیپلماسی و مذاکره تا نفوذ و اختلاف‌افکنی...

۲. در گذرگاه چالش‌های انقلاب اسلامی با نظام سلطه، «هسته‌ای یک بهانه برای دشمن بود» (۹۲/۸/۱۲) تا بتواند راهبرد «تحریم-فشار» را عملیاتی کند. آمریکا در سال‌های اخیر تاحدودی هم توانست برخی دولت‌های مستکبر دنیا را با خود در این دشمنی همراه کند و نام آن را به غلط جامعه جهانی گذاشت. اما نظام اسلامی بر مبنای اصول و آرمان‌های خود و با توجه به اهمیت راهبردی صنعت و انرژی هسته‌ای، زیر بار فشار و تهدید قامت خم نکرد و در این مرحله «بر اثر مقاومت ملت» و «شهامت و ابتکار دانشمندان عزیز ما» (۹۴/۴/۲۷) توانست تا به سرعت به دارایی‌های استراتژیک خود در حوزه هسته‌ای بیفزاید. این دوره، دوره‌ای بود که می‌توان از آن به عنوان دوره «یستادگی برای افزایش قدرت و دارایی‌ها» نام برد. همین دارایی‌ها بخشی از منابع قدرت کشور برای ورود به مرحله بعدی بود. به طوری که «ما آن روزی که وارد این

۳. امریکایی‌ها که تلاششان برای تسلیم ناکام شده بود؛ به ایران از طریق یکی از «محرمین منطقه» پیغام دادند که می‌خواهیم «مسئله هسته‌ای را با ایران حل و فصل کنیم» (۹۴/۴/۲). آن‌ها برای آغاز مذاکره دو نکته هم گفته بودند: یکی شناختن ایران «به‌عنوان یک قدرت هسته‌ای» و «دوم برداشتن تحریم‌ها» (۹۴/۴/۲). رهبر معظم انقلاب درباره پیغام امریکایی‌ها می‌فرمایند «به آن واسطه‌ی محترم گفتیم که ما به امریکایی‌ها اطمینانی نداریم، به حرف

۲. در گذرگاه چالش‌های انقلاب اسلامی با نظام سلطه، «هسته‌ای یک بهانه برای دشمن بود» (۹۲/۸/۱۲) تا بتواند راهبرد «تحریم-فشار» را عملیاتی کند. آمریکا در سال‌های اخیر تاحدودی هم توانست برخی دولت‌های مستکبر دنیا را با خود در این دشمنی همراه کند و نام آن را به غلط جامعه جهانی گذاشت. اما نظام اسلامی بر مبنای اصول و آرمان‌های خود و با توجه به اهمیت راهبردی صنعت و انرژی هسته‌ای، زیر بار فشار و تهدید قامت خم نکرد و در این مرحله «بر اثر مقاومت ملت» و «شهامت و ابتکار دانشمندان عزیز ما» (۹۴/۴/۲۷) توانست تا به سرعت به دارایی‌های استراتژیک خود در حوزه هسته‌ای بیفزاید. این دوره، دوره‌ای بود که می‌توان از آن به عنوان دوره «یستادگی برای افزایش قدرت و دارایی‌ها» نام برد. همین دارایی‌ها بخشی از منابع قدرت کشور برای ورود به مرحله بعدی بود. به طوری که «ما آن روزی که وارد این



پیش شماره



رهبر انقلاب در دیدار با مجمع جهانی اهل بیت (ع) نقشه جدید دشمن را افشا کردند؛

نقشه نقش بر آب

حضرت آیت‌ا... خامنه‌ای در دیدار با شرکت‌کنندگان در مجمع عمومی مجمع جهانی اهل بیت (ع) و مجمع عمومی اتحادیه رادیو و تلویزیون‌های اسلامی، با تشریح نقشه پیچیده دشمن در منطقه غرب آسیا و داخل کشور در شرایط جدید پس از مذاکرات هسته‌ای، راه‌های مقابله با آن را برشمردند. ایشان در این سخنرانی به تاریخچه توطئه‌های دشمنان در این منطقه اشاره و منشأ آن را از جنگ جهانی اول ذکر کردند که با پیروزی انقلاب اسلامی ایران و بیداری اسلامی شدت بیشتری یافت.



البته این اظهار نظرها تنها به دولت‌مردان آمریکایی هم منحصر نیست و سایر دولت‌مردان قدرتهای مستکبر هم از این سخنان می‌گویند. دیوید کامرون، نخست‌وزیر انگلیس در اظهاراتی بعد از مذاکرات وین گفت: «ما خواستار تغییر در نگرش ایران در موضوعاتی مانند سوریه و یمن و تروریسم در منطقه و تغییر در رفتار (ایران) هستیم». رهبر معظم انقلاب در قسمتی دیگر از سخنان خود به راهبرد دشمنان در ایجاد اختلاف در سطح منطقه اشاره کردند و این اختلافات را مذهبی ندانسته و گفتند: «جنگ در یمن، جنگ سیاسی است نه جنگ مذهبی؛ به دروغ می‌گویند که بحث شیعه و سنی است، در حالی که شیعه و سنی نیست. بعضی از آنهایی که زیر بمباران سعودی‌ها در یمن دارند بچه و زن و کودک شیرخوار و بیمارستان و مدرسه را از دست می‌دهند، شافعی‌اند، بعضی‌شان زیدی‌اند؛ بحث شیعه و سنی نیست، دعوا دعوای سیاسی است، دعوای سیاستهاست» ایشان به اهمیت تمامیت ارضی کشورهای منطقه اشاره کردند و در مورد طرح آمریکایی‌ها در خصوص تجزیه عراق گفتند: «بنده از قبل گفتم که آمریکایی‌ها دنبال تجزیه‌ی عراقند، بعضی‌ها تعجب کردند؛ اخیراً خود آمریکایی‌ها تصریح کردند که دنبال تجزیه‌ی عراقند!» اشاره رهبر انقلاب به اظهارات هفته گذشته رئیس ستاد مشترک آمریکا در مورد عراق بود. ژنرال اودیرونو در اظهاراتی مداخله جویانه گفته بود: «صلح میان سنی و شیعه در عراق هر روز سخت‌تر می‌شود و تجزیه عراق به وقوع خواهد پیوست.» با این همه رهبر معظم انقلاب در پایان بیانات خود این بشارت را هم به همه مجاهدان راه خدا می‌دهند: «من به شما عرض بکنم علی‌رغم رجزخوانی‌هایی که استکبار می‌کند و تلاش فراوانی که از لحاظ مالی و نظامی و سیاسی و امنیتی، استکبار و همراهان استکبار و دنباله‌های استکبار انجام می‌دهند، در این منطقه و در کل دنیای اسلام، آینده قطعاً متعلق به اسلام است.»

شاید بتوان مصادیق زیادی از توجه آمریکا به منطقه غرب آسیا ذکر کرد. در نطق سالانه رئیس‌جمهور آمریکا بیش از هر نقطه دیگر جهان به مسائل منطقه غرب آسیا پرداخته شده بود. بیشترین تعداد جنگ‌های آمریکا و تسلیحات او و همچنین رژیم صهیونیستی در این منطقه قرار دارد. اینها نشانه‌هایی از توجه ویژه آمریکا و به تبع آن برنامه‌ریزی برای تسلط و نفوذ بیشتر در این منطقه است. رهبر معظم انقلاب در سخنرانی دوشنبه گذشته با هشدارهای پیاپی ضرورت شناخت برنامه دشمن را متذکر شدند. ایشان دو راهبرد «ایجاد اختلاف» و «نفوذ» را به عنوان نقشه دشمن مطرح کردند. اختلاف میان شیعه و سنی و پیش از آن اختلاف افکنی با عنوانهای پان ایرانیسم و پان عربیسم و... نمونه‌هایی از اقدامات نظام سلطه است. در کشور ما هم دشمنان سعی داشتند از فضای به وجود آمده پس از مذاکرات هسته‌ای برای نفوذ به کشور استفاده کنند که رهبر انقلاب در رابطه با آن فرمودند: «ما این راه را بستیم و این راه را به طور قاطع خواهیم بست.» چندی پیش اندیشکده‌ی «مرکز امنیت آمریکای جدید» در گزارشی صراحتاً به این موضوع اشاره می‌کند که ایالات متحده می‌بایست از فضای به‌وجودآمده از مذاکرات هسته‌ای با ایران استفاده کرده و شبکه‌ی حامیان غرب در ایران را فعال کند تا از این طریق، تغییرات سیاسی-فرهنگی در ایران به‌وجود آورد. رئیس‌جمهوری آمریکا هم از تلاش دولت خود برای تغییر ایران سخن می‌گوید و امید دارد تا بتوان به بهانه مذاکرات هسته‌ای نظام جمهوری اسلامی ایران را تغییر بدهد. اوباما در مصاحبه با وبسایت مایک می‌گوید: «در داخل ایران باید گذار صورت بگیرد، حتی اگر تدریجی باشد. گذاری که طی آن درک شود که شعار مرگ بر آمریکا و انکار هولوکاست توسط رهبران ایران، و تهدید اسرائیل به نابودی و دادن اسلحه به حزب‌ها... و کارهایی از این دست، از ایران، در چشم‌بخش اعظم جهانیان، کشوری پرده شده می‌سازد.»

اینها اطمینانی نیست. گفت حالا امتحان کنید؛ گفتیم خیلی خوب، این دفعه هم امتحان میکنیم. مذاکرات این جور شروع شد.» (۹۴/۴/۲) با آغاز مذاکرات در سال ۹۱، تاکتیک «ترمش قهرمانانه» از سوی ایران برای رسیدن به اهداف اتخاذ شد. از سوی دیگر استکبار دو هدف عمده را دنبال می‌کرد. یکی اینکه در متن نهایی بتواند «صنعت هسته‌ای را ریشه‌کن» کند و دوم اینکه با همکاری جریان روشنفکرانما و با پشتوانه تفکر دولت‌مرد قاجاری (۹۴/۱/۲۰) در داخل تلاش کند تا این مذاکره، بخشی از فرآیند سازش تفسیر شود. دو مرحله «ایستادگی برای افزایش قدرت و دارایی‌ها» و «ترمش قهرمانانه برای رسیدن به اهداف» به ایستگاه متن جمع‌بندی مذاکرات هسته‌ای رسید. متنی که با همه قوت‌ها و ضعف‌ها- قرار است در مراکز و «مجارای قانونی بررسی شود». البته نقد متن توافق شده آنگونه که رهبری می‌فرماید، اگر «اعتماد عمومی را از مسئولین مشغول به کار سلب نکند» و موجب «بی‌اعتمادی عمومی» نشود و همراه با «هانت و روش‌های خشم‌آلود» نباشد؛ می‌تواند کمک خوبی به این مراکز و مجاری قانونی باشد تا در ماموریت خطیر محوله برای بررسی و جلوگیری از سوءاستفاده دشمن از متن تهیه‌شده، موفق باشند.

۴. اما این پایان ماجرا نیست. دشمن مکار و مستکبر هرگز دست از دشمنی برنمی‌دارد و انقلاب اسلامی نیز به هیچ وجه از اصول خود کوتاه نیامده و نخواهد آمد. مبارزه با استکبار ادامه خواهد داشت و تنها، روش آن پیچیده‌تر شده و حوزه‌های آن گسترش یافته است.



همان‌طور که انقلاب اسلامی از مذاکرات به دنبال رسیدن به اهدافی بود، نظام سلطه نیز برای آن نقشه و اهدافی داشت. در این مرحله هم وارد حوزه‌ای شده‌ایم که هر دو سوی این منازعه برای آینده‌شان طرح و نقشه دارند. مهمترین وظیفه امت حزب‌ها... در این عرصه، همان‌طور که در دیدار این هفته (۹۴/۵/۲۶) اشاره شد «پرهیز از اختلاف» و ایجاد سد در برابر «نفوذ دشمن» خواهد بود. نفوذی که در نقشه جدید دشمن به صورت جدی در عرصه‌های گوناگون سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و ... دنبال خواهد شد. به موازات اینکه متن در مسیر قانونی پیش‌بینی شده بررسی می‌شود، آحاد جامعه انقلابی کشور نیز همراه با بصیرت و دشمن‌شناسی ماموریت مهم و خطیر خود را در مرحله جدید میدانند: «ایجاد سد در برابر نفوذ»



شماره های این ماه تقدیم می شود به روح پرفتوح

شهید حجت الاسلام عبدا... میثمی

اسطوره رزمندگان

شهید میثمی یک اسطوره ای شدداز لحاظ تأثیرش در رزمندگان به عنوان یک روحانی، این برادران روحانی ای که از جبهه همواره آمدند و رفتند و اینها، وقتی هم ایشان حیات داشتند همیشه می آمدند آدر باره ای ایشان می گفتند. یعنی واقعا اسم شهید میثمی در زمان زنده بودنش به نیکی در بین کسانی که می رفتند در جبهه، جوانها، طلبه ها آنچنان رائج شد. واقعا تأثیر ایشان در جبهه فوق العاده بود. شهادت ایشان هم ضایعه ای بود. ۶۶/۹/۱



شهادت: ۱۲ بهمن ماه ۱۳۶۵ (حج) نحوه شهادت: اصابت ترکش به سر شهادت: عملیات کربلای پنجم، شلمچه

حکایت

نشریه خبری - تحلیلی نمازهای جمعه، مساجد و هیات های مذهبی

شهر یور ماه ۹۴

پیش شماره ۹ | قلب جهانیان در تسخیر محمد (ﷺ) | ۲۰

«جناح مؤمن انقلابی»

و دغدغه رهبر انقلاب | ۲۱

پیش شماره ۱۰ | کلید، اقتصاد مقاومتی است | ۲۲

دشمن برمی گردد! | ۲۳

پیش شماره ۱۱ | جوانان حزب اللهی را به اسم افراطی

نکوبند | ۲۴

«تسلیم» برنامه سازش است | ۲۵

پیش شماره ۱۲ | آماده باشید | ۲۶

حق الناس، باطل السحر انتخاباتی

دشمن | ۲۷



تصویری دیده نشده از زیارت امام هشتم
حضرت علی بن موسی الرضا (ع؛)
توسط رهبر معظم انقلاب

شهید رجبعلی محمدزاده

مرد خوش بر خورد

ایشان واقعا شهید خدمت و وحدت بودند. ماموریت بسیار مهمی داشتند در آن منطقه همراه شهید شوشتری. مرد خوش برخوردی هم بود و منشأ خیرات و برکات زیادی شدند آنجا... هر چه داریم از اینها داریم... چرا ضدانقلاب در هر کجای کشور می خواهد کاری کند، سپاه و بسیج را نشانه می رود؟ چون اینها ضامن امنیت کشور هستند. جوانها بدانند در سایه امنیتی که شهدا ایجاد کردند ما امروز اینجا هستیم. لذا افتخار ما به شهدا گزافه و از سر احساسات نیست، بلکه از روی منطق و استدلال قوی است. ۹۱/۷/۲۰





گزارشی از خط سیر تاریخی یک اثر بزرگ سینمایی؛

قلب جهانیان در تسخیر محمد (صلوات الله علیه و آله)

برکات برای بشریت را در مطبوعاتشان، در زبان سیاستمدارانشان، در کتاب‌نوشته‌هایشان، به وسیله‌ی مزدورانشان مورد اهانت قرار می‌دهند. این باید ما مسلمانان را بیدار کند؛ بفهمیم که در وجود پیامبر، در شخصیت پیامبر، در خاطرات زندگی پیامبر، در هجرت پیغمبر، در جهاد پیغمبر، در سیره‌ی پیغمبر، در درسهای قولی و عملی پیغمبر، چه گنجینه‌ی عظیمی برای مسلمانان نهفته است. ما از این گنجینه اگر استفاده کنیم، امت اسلامی به آنچنان موقعیتی خواهد رسید که نتوانند دیگر به‌او زور بگویند... نتوانند او را تهدید کنند.» دقیقاً در همین سال است که مجیدی با آغاز یک حرکت فرهنگی موثر ساخت فیلمی باشکوه برای معرفی پیامبر اکرم به جهانیان را کلید می‌زند، تا با زبان سینما جلوی این هجمه تخریب و جعل گرفته شود. مجیدی می‌گوید: «اساساً اینکه چرا من تصمیم گرفتم این فیلم را بسازم به این برمی‌گردد که در دهه گذشته یک اسلام‌ستیزی در دنیای غرب شروع شد... قرائتی که در دنیای غرب از اسلام به وجود

جملات دغدغه‌های حضرت آیت‌ا... خامنه‌ای تنها ۴ ماه پس از رحلت بنیانگذار جمهوری اسلامی را نشان می‌دهد، دغدغه‌ای که هیچگاه ایشان را رها نکرده است.

● اوج‌گیری تخریب چهره پیامبر در منطقه و جهان

در همه این سال‌ها از انتشار کتاب آیات شیطانی تا ساخت فیلم‌های داستانی و مستند و از درج کاریکاتورهای موهن تا قرآن‌سوزی همه یک هدف را نشانه رفته است: «تخریب چهره پیامبر (ص)» به همه این سیاهه می‌توانید ظهور جریان‌های افراطی با ظاهر اسلام‌گرا را هم ببینید. القاعده، داعش، بوکوحرام و صدها گروه تروریستی که در مقابل چشم جهانیان بر صفحه شبکه‌های تلویزیونی حاضر می‌شوند و با بردن نام مبارک پیامبر شنیع‌ترین اعمال انسانی را به نمایش می‌گذارند و سر از بدن افراد جدا می‌کنند. رهبر معظم انقلاب ۱۸ سال بعد در اسفندماه سال ۱۳۸۶ می‌فرماید: «رحمه للعالمین را، منشأ عظیم‌ترین خیرات و

اکران فیلم سینمایی محمد رسول... (ص) این روزها آغاز می‌شود. مجید مجیدی در این فیلم دوران کودکی پیامبر را روایت می‌کند. فیلم با هزینه‌های مالی، سخت‌افزاری و نیروی انسانی بسیار بالاتری از استانداردهای سینمای ایران تهیه شده و کارگردان حتی به سراغ عوامل خارجی تراز اول سینمای دنیا رفته است.

فارغ از جنبه‌های تکنیکی و سینمایی چرا این فیلم باید مورد توجه «جناح مومن انقلابی» در سراسر جهان قرار بگیرد؟ برای پاسخ به این سوال باید به سراغ دغدغه‌های فرهنگی رهبر معظم انقلاب برویم. دغدغه‌هایی که همواره با ایشان همراه بوده است. «بزرگ‌ترین تبلیغ برای اسلام، شاید همین باشد که ما چهره‌ی پیامبر اسلام را برای بینندگان و جویندگان عالم روشن کنیم و بسیار بجاست قبل از آن که دشمنان و مخالفان، با روشهای و شیوه‌های فرهنگی و هنری پیچیده‌ی خود، چهره‌ی آن بزرگوار را در اذهان مردم بیخبر عالم مخدوش کنند، مسلمانان هنرمند و مطلع... با بیان و تبلیغ و تبیین راجع به آن شخصیت معظم و مکرم، کار علمی و فرهنگی و هنری و تبلیغی بکنند.» این



پیش شماره



۹

«جناح مؤمن انقلابی» و دغدغه رهبر انقلاب

۱. «در عرصه‌ی فرهنگ، بنده به معنای واقعی کلمه، احساس نگرانی میکنم و حقیقتاً دغدغه دارم. این دغدغه از آن دغدغه‌هایی است که آدمی به خاطر آن، گاهی ممکن است نصف شب هم از خواب بیدار شود و به درگاه پروردگار تضرع کند. من چنین دغدغه‌ای دارم.» این جملات را ۲۱ سال قبل، رهبر انقلاب در دیدار جمعی از افسران و فرماندهان جبهه فرهنگی انقلاب، که آنها را به «۳۱۳ مجاهد جنگ بدر»، تشبیه کردند، بیان فرمودند. نبرد در عرصه فرهنگ، به جایی رسید تا امروز به صورت آشکار مشاور وزیر خارجه آمریکا در سخنانش می‌گوید: «سیاست آمریکا تغییر رفتار ایران است و نه براندازی که از اهداف اصلی سیاست خارجی دولت بوش بود.» این راهبرد از جنس همان چیزی است که رهبر انقلاب ۶ ماه پیش به آن اشاره کردند که «آنچه ما امروز در زبان مستکبرین و مخالفین مشاهده میکنیم که با «تغییر رفتار»... از آن یاد میکنند - گاهی میگویند ما تغییر نظام را نمیخواهیم، تغییر رفتار را میخواهیم - تغییر رفتار با تغییر نظام هیچ تفاوتی ندارد؛ درست همان است؛ یعنی تغییر آن سیرت اسلامی؛ این معنای تغییر رفتار است. تغییر رفتار یعنی شما از آن چیزهایی که از لوازم قطعی و حتمی حرکت به آن سرمنزل است، دست بردارید؛ از آن کوتاه بیاید و نسبت به آن، اهتمام خودتان را از دست بدهید؛ این معنای تغییر رفتار است» (۹۳/۱۲/۲۱)

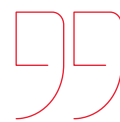
۲. در این میان آن چیزی که کانون رخنه دشمن برای تغییر رفتار است؛ حوزه فرهنگ است. زیرا «فرهنگ، به معنای هوایی است که ما تنفس میکنیم؛ شما ناچار هوا را تنفس میکنید، چه بخواهید، چه نخواهید؛ اگر این هوا تمیز باشد، آثاری دارد در بدن شما؛ اگر این هوا کثیف باشد، آثار دیگری دارد. فرهنگ یک کشور مثل هوا است...» به دلیل همین تاثیرگذاری فرهنگ بر رفتار است که «تمرکز دشمنان بر روی فرهنگ بیشتر از همه جا است.» که اگر «نفوذ فرهنگی» رخ دهد، «مقدمه نفوذ سیاسی و نفوذ اقتصادی دشمن است؛ و دشمن امروز به همین نفوذ دل بسته است. فرهنگ جای شوخی و بی‌ملاحظگی نیست و رخنه‌های فرهنگی نیز به آسانی قابل ترمیم نیست.» (۹۳/۱۲/۱۵) تمرکز دشمن بر روی تغییر فرهنگ را سال‌هاست که با نام «تهاجم فرهنگی» می‌شناسیم. فیلم‌های هالیوودی، کتاب، بازیهای اینترنتی، اسباب‌بازیهای وارداتی، کالاهای تجاری - فرهنگی مانند مک‌دونالد، باربی، مرد عنکبوتی، بتمن، شبکه‌های ماهواره‌ای، کتابهای آموزش زبان که منتقل‌کننده‌ی سبک زندگی غربی به نوجوان است؛ همه نمونه‌هایی از لشکر فرهنگی غرب برای رخنه در جوامعی مانند ایران است. پروژه‌های تبلیغاتی اسلام‌هراسی، شیعه‌هراسی، نامیدسازی مردم و... هم جزئی از اقدامات تبلیغاتی استکبار برای دست‌یابی به هدف «تغییر رفتار ایرانیان» است.

۳. آرایش صحنه و جبهه‌بندی که بین نظام سلطه و محور مقاومت به وجود آمده، حکایت از منازعه‌ای سخت دارد. نبردی که برنده به دو مولفه مهم احتیاج دارد: «کار و ابتکار» و آنکه می‌تواند و باید در مقابل این نفوذ و رخنه فرهنگی، محکم‌تر از همیشه جبهه‌آرایی کند و بایستد، جناح فرهنگی مومن و انقلابی است. اما لازم است در این کارزار فرهنگی، علاوه بر شناسایی طرح نفوذ دشمن به چند نکته مهم توجه شود: **الف.** در مقابل این آرایش در جبهه دشمن حرکت‌های فردی جواب نمی‌دهد. **ب.** «حفظ وحدت» در این جبهه و «عدم غفلت از نقشه دشمن» دو شرط لازم تحرک در این نبرد است. **ج.** «در مقابل فرهنگ مهاجم، بدترین، زشت‌ترین و خسارت‌بارترین کار، انفعال است. منفعل شدن و پذیرفتن تهاجم دشمن، خطایی است که بایستی از آن پرهیز کرد.» ۹۲/۹/۱۹. هدف‌گذاری ما این باشد که «همه‌ی اسلام - اسلام به کامله، به تمامه - در جامعه‌ی ما تحقق پیدا کند.» (۹۳/۱۲/۲۱) در پایان جوان مؤمن و انقلابی باید بداند که تجربه انقلاب نشان داده است «گسترش کار فرهنگی او نقش بسیار زیادی را در پیشرفت این کشور و در ایستادگی در مقابل دشمنان این ملت، ایفا کرده است.» (۹۳/۱/۱) ●

آمد، اسلامی که پر از خشونت است، اسلامی که تروریسم است.» از میان ادوار مختلف عمر پرپرکت پیامبر اسلام و به خصوص دوران نبوت چرا روایت دوران کودکی پیامبر برای اقتدا به او مهم است؟ رهبر معظم انقلاب در سال ۱۳۷۹ می‌فرماید: «باید او را بشناسیم. خدای متعال شخصیت روحی و اخلاقی آن بزرگوار را در ظرفی تربیت کرد... که بتواند آن بار عظیم امانت را بر دوش حمل کند... بعد از شش سال که این کودک از لحاظ جسمی و روحی پرورش بسیار ممتازی پیدا کرده بود - جسماً قوی، زیبا، چالاک، کارآمد؛ از لحاظ روحی هم متین، صبور، خوش اخلاق، خوش رفتار و با دید باز، که لازمه زندگی در همان شرایط است»

● پروژه اسلام‌هراسی، فرصت تاریخی جهان اسلام

امروز در یک نبرد برای معرفی اسلام به افکار جهانیان هستیم. در همین اوج جنگ روانی - تبلیغاتی جهان غرب علیه اسلام با محوریت اسلام‌هراسی، این رهبر فرزانه انقلاب است که در زمستان سال ۹۳ در دیدار با خبرنگاران امیدوارانه از تبدیل یک تهدید در ابعاد جهانی به یک فرصت تاریخی سخن می‌گویند: «تلاش آنها برای اسلام‌هراسی، نتیجه‌ی عکس خواهد داد؛ به این معنا که اسلام را در کانون پرسش جوانها قرار میدهد؛ یعنی اگر به مردم معمولی دنیا یک تلنگری زده شود، یک توجهی به آنها داده شود، اینها ناگهان به فکر می‌افتند که علت اینکه این قدر اسلام در این مطبوعات صهیونیستی، در این شبکه‌های تلویزیونی وابسته‌ی به محافل قدرتمند و دارای زر و زور مورد تهاجم قرار می‌گیرد چیست؟ این خود زمینه‌ی یک پرسش است و این پرسش به نظر ما بر کاتی دارد و میتواند این تهدید را تبدیل به فرصت کند.» رهبر حکیم انقلاب، خود طلا به دار این حرکت بودند و مدتی پیش از این بیانات نیز نامه ایشان به جوانان اروپا و آمریکای شمالی که حاوی پیام دعوت به مطالعه اسلام از منابع اصلی بود منتشر شد. اینگونه است که فیلم جهانی محمد رسول... (ص) را می‌توان محصول فرهنگی دیگری در این مسیر ارزیابی نمود. اکنون جمهوری اسلامی صاحب یک فیلم در تراز جهانی شده که در آن به یکی از دغدغه‌های تاریخی رهبر معظم انقلاب پرداخته است: «روایت کودکی پیامبر برای جهانیان.» و به لطف الهی: «این فیلم قلب‌های مردم جهان را تسخیر خواهد کرد.» ●



رهبر حکیم انقلاب، خود طلا به دار این حرکت بودند و مدتی پیش از این بیانات نیز نامه ایشان به جوانان اروپا و آمریکای شمالی که حاوی پیام دعوت به مطالعه اسلام از منابع اصلی بود منتشر شد. شاید فیلم جهانی محمد رسول‌الله (ص) محصول فرهنگی دیگری در کنار نامه رهبر انقلاب قابل ارزیابی باشد

راهبرد کلان رهبر معظم انقلاب برای حل مشکلات کشور؛

کلید اقتصاد مقاومتی است

در لوزان و ژنو و نیویورک نیست

۳۰۳

گزارش تحلیلی «خط حزب...» از

راهبرد کلان رهبر معظم انقلاب برای حل مشکلات کشور؛

کلید، اقتصاد مقاومتی است

تاریخ رشد و سقوط کشورها به مامی گوید که هیچ ملت مقتدری اقتصادش را صرفاً با باز گذاشتن درها بر روی شرکتهای خارجی رها نکرده است. ملت‌های مقتدر همگی سیاستهای فعالانه‌ای را برای توانمند کردن اقتصاد داخلی در بخشهای هدف و راهبردی داشته‌اند و بعد از آن با آمادگی وارد رقابت بین‌المللی شده‌اند. کشورهایی که بدون توانمندی تولید داخل، عرصه اقتصاد داخلی را برای بازیگران خارجی خالی کرده‌اند، به سرعت با یک شوک خارجی از پا درآمده‌اند.

کشورهای جنوب شرق آسیا در مدت ۲۰ سال قبل از بحران ۱۹۹۷، بهترین مناسبات تجاری و مالی را با شرکتهای غربی و سرمایه‌گذاران خارجی داشتند. سرعت رشد اقتصاد این کشورها باعث شد تا رسانه‌ها آنها را معجزه آسیا یا ببرهای آسیا بنامند. اما فراموش کردند که در شرایط روابط اقتصادی بدون محدودیت باید بیشتر از گذشته مراقب وابستگی به سایر کشورها به دلیل نحوه حضور خارجی‌ها در اقتصاد بود و نباید اساس تولید ملی را به عناصر خارجی تکیه داد. اینگونه بود که وقتی بحران در اقتصاد تایلند آغاز شد و سرمایه‌گذاران خارجی از کشورهای همسایه نیز بیرون رفتند، ناگهان تمام اقتصاد دچار بحران شد، بورس و بعد بانکها و سپس نرخ رشد اقتصادی سقوط کرد و بدهی‌های خارجی سر به فلک کشید. این سرنوشت خوش بینی مفرط به اقتصاد بازار آزاد و وابسته کردن پایه‌های تولید ملی به بیرون بود. از این رو مقاوم‌سازی اقتصادها با تکیه بر توان داخلی، حتی برای کشورهایی که موضع مستقلی در قبال نظام سلطه ندارند، به یک ضرورت تبدیل شد. چه رسد به جمهوری اسلامی ایران: «احتیاج ما به اقتصاد مقاومتی بیش از کشورهای دیگر است؛ اولاً به همان دلیل مشترک بین ما و دیگر کشورها؛ یعنی ارتباط با اقتصاد جهانی متلاطم، ثانیاً خصوصیتی که ما داریم؛ ما به خاطر استقلالمان، به خاطر عزت‌مداریمان، به خاطر اصرارمان بر تحت تأثیر سیاستهای قدرتها قرار نگرفتن، مورد تهاجم و سوء نیت هم قرار داریم.» (۹۲/۱۲/۲۰)

با چنین برداشتی از شرایط اقتصاد کشور و دنیا و موضع استقلالی جمهوری اسلامی، مقاوم‌سازی اقتصاد یک دستور کار استراتژیک برای کشور است، فارغ از آنچه که نتیجه مذاکرات هسته‌ای خواهد بود. برخلاف تصورات ساده‌اندیشانه قرن هجدهمی درباره تجارت آزاد و سیاست درهای باز، جدیدترین دیدگاه‌های علمی اقتصادی بر پایه رقابت ملت‌ها در صحنه اقتصاد است. اقتصادی

اواخر سال ۱۳۹۲ کمتر از سه ماه از توافق ژنو گذشته بود و در فضایی که تلقی برخی کاهش فشارهای اقتصادی و در نتیجه بازگشت به روش‌های اقتصادی پیش از تحریم‌ها بود، رهبر انقلاب سیاستهای کلی اقتصاد مقاومتی را ابلاغ نمودند و چند روز پس از آن در جلسه تبیین سیاست‌های اقتصاد مقاومتی، در بیانی تأمل برانگیز تصریح کردند: «اقتصاد مقاومتی مربوط به وضع کنونی و شرایط کنونی کشور نیست، این یک تدبیر بلندمدت برای اقتصاد کشور است... و هر کس در این زمینه اقدام بکند مصداق عمل صالح است.» (۹۲/۱۲/۲۰)

پیش شماره

۱۰

دشمن برمی گردد!



شواهد نشان می دهد که نظام سلطه پس از پایان مذاکرات و متن برآمده از آن، باز هم دست از فشار بر اقتصاد ایران برنخواهد داشت: «همه‌ی کسانی که ناظر مسائل گوناگون بودند، میتوانستند حدس بزنند که هدف دشمن، فشار اقتصادی بر کشور است... طراحیها نشان میداد که اینها میخواهند بر روی اقتصاد کشور متمرکز شوند.» ۹۱/۵/۳ از سال ۸۸، سلسله‌ی نام‌گذاری‌های اقتصادی برای سال‌ها شکل گرفت. سه سال بعد نیز رهبر انقلاب در استان خراسان شمالی، «مسئله اصلی کشور را اقتصاد» عنوان کردند. پس از آن و در زمان انتخابات ریاست جمهوری نیز از اقتصاد به عنوان «اولویت اصلی» نام بردند. هفته گذشته نیز در دیدار با هیأت دولت، مجدداً بر اینکه «مسئله‌ی اقتصاد... اولویت اساسی است.» تأکید کردند. این تأکیدات نشان گر سه نکته می باشد:

۱. مسئله اصلی ما در چند سال اخیر آسیب‌های اقتصادی بوده است؛ حتی زمانی که خواسته یا ناخواسته مذاکرات هسته‌ای به «محور بسیاری از تلاش‌ها» تبدیل شد. به همین دلیل، امروز بعد از رسیدن به یک متن هم، دوباره این مساله مطرح می باشد.

۲. رهبر انقلاب در فروردین ۹۲ گفتند: «هفده هجده سال قبل به دولتی که در آن زمان سر کار بود... گفتم کاری کنید که ماهر وقت اراده کردیم، بتوانیم در چاههای نفت را ببندیم. آقایان به قول خودشان "تکنوکرات" لبخند انکار زدند که مگر میشود؟!... وقتی برنامه‌ی اقتصادی یک کشور به یک نقطه‌ی خاص متصل و وابسته باشد، دشمنان روی آن نقطه‌ی خاص تمرکز پیدا میکنند.» اگر از همان سال‌ها با مدیریت شایسته، به دنبال رفع نواقص اقتصادی خود بودیم، امروز دشمن نمی توانست این گونه از حربه اقتصادی علیه ما استفاده کند. تکرار و تأکیدات چندباره رهبر انقلاب اسلامی در این سال‌ها نشان می دهد که ایشان هنوز هم از این مسئله ناراضی هستند. ۳. تا این ضعف‌های اقتصادی گریبانگیر ماست، دشمن هم برای ضربه بر ما خود را از مدار اقتصادی خارج نمی کند و با استفاده از تاکتیک «ضربه» و «نفوذ»، به دنبال تداوم جنگ اقتصادی است:

● ضربه

وال استریت ژورنال به تازگی خبر داده که عده‌ای در آمریکا در حال آماده کردن قانونی جهت اعمال تحریم‌های جدید علیه ایران هستند. آمریکا پیش از آن تلاش‌های فراوان و هزینه‌های زیادی متحمل شد تا به قول خودش، تحریم‌ها علیه ملت ایران را به اجماع برساند و در این راه نیز توانستند بر اقتصاد ما اثر منفی بگذارند. پس از تهیه "متن فراهم شده هسته‌ای" نیز اوباما گفته است که «تحریم‌های شدید خود را به دلیل حمایت ایران از حزب... یمن و سوریه، برنامه موشکی و نقض حقوق بشر حفظ خواهیم کرد.» آن‌ها حتی اگر نتوانند تحریم‌ها را تشدید کنند، اما همین حرکت هم پیام روشنی برای سرمایه‌گذارانی دارد که قصد ورود به بازار ایران را دارند و خواهان ثبات اقتصادی هستند.

● نفوذ

چندی پیش اوباما در مصاحبه‌ای گفت: «اگر ایران در تجارت جهانی درگیر شود... بعد از آن برای او پایبندی به رویکرد فعلی ممکن نخواهد بود و تاجران ایرانی در مقابل اقدامات خارج از عرف ایران که تحریم‌ها را بر سر جای خود برمی گردانند مقاومت خواهند کرد.» این صحبت‌ها نشانه‌ای از طرح آمریکا برای ایجاد «نفوذ» و «تغییر رفتار» در داخل ایران است. در این راستا هم برخی نیز خواسته یا ناخواسته باز یگر داخلی نفوذ شده‌اند. تبلیغ موضوعاتی نظیر کم‌رنگ کردن «آرمان استقلال»، ضرورت پذیرش خواسته‌های نظام سلطه و... که این روزها کم‌وبیش از سوی برخی می بینیم، در جهت تغییر نگرش مردم و در نهایت برای تغییر رفتار آنان است.

● ختام

جنگ تحمیلی اقتصادی سال‌هاست که آغاز شده است، وجود حفره‌های موجود در ساختار اقتصادی کشور و تجربه دشمن در استفاده از آن‌ها، این هشدار را به ما می دهد که دشمن دوباره از دروازه‌های اقتصادی، ورود و نفوذ خواهد کرد. در این میدان نبرد با حرف نمی توان پیروز بیرون آمد. سیاست‌های اقتصاد مقاومتی راهبرد ما برای دفع شر دشمن است و اگر چه سهم دولت در اجرای این سیاست‌ها بسیار مهم است اما این امر به معنای رفع مسئولیت از دیگران نیست. جوان حزب‌اللهی که همیشه به عنوان پیش‌رو حرکت انقلاب بوده و خواهد بود، برای تحقق مطالبه رهبر انقلاب و وظایف مهمی بر عهده‌اش است که شناختن آن وظایف و عمل به آن، راه حل عبور از مشکلات اقتصادی خواهد بود. ●

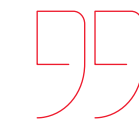
که به چین، آمریکا، هند، برزیل یا اتحادیه اروپا این توان را می دهد که هم پیام فرهنگی خود (در قالب محصولات و سبک زندگی) را صادر کنند و هم توان چانه‌زنی دیپلماتیک خود را بالا ببرند. جالب است که بدانیم در همین روزها، حتی اقتصادهای بسیار باز که دادوستد هنگفتی با آمریکا دارند، مانند چین، همزمان با تسخیر بازار غرب توسط محصولات چینی، به دنبال کاهش وابستگی غذا و انرژی خود از غرب و کاهش سهم دلار در اقتصادشان هستند.

به همین دلیل است که برخلاف تصور اولیه، توافق یا عدم توافق هسته‌ای نباید تغییری در اولویت مقاوم‌سازی اقتصاد ایران ایجاد کند. آسیب پذیر نبودن اقتصاد ایران نسبت به بیرون (چه به دلیل وابستگی درآمد ارزی دولت به نفت یا وابستگی تولید و مصرف ما به واردات) اصلی است که زمان نمی شناسد. درست به همین دلیل است که رهبر انقلاب فارغ از نتیجه مذاکرات هسته‌ای اقتصاد مقاومتی را برای کشور تجویز می کنند و از آن به «کلید حل مشکلات» تعبیر می کنند: (۹۳/۲/۱۰ و ۹۳/۶/۶) از بُن دندان به مسئله‌ی اقتصاد مقاومتی باید باور آورد؛ باور کنیم که کلید حل مشکلات کشور در داخل است. (۹۴/۳/۶) از همه اشارات فوق صریحتر آن که: کلید حل مشکلات اقتصادی در لوزان و ژنو و نیویورک نیست؛ در داخل کشور است. (۹۴/۲/۱۰)

اما اصل در این راهبرد کلان برای کشور چیست؟ بنا به تعبیر رهبر انقلاب، «ستون فقرات اقتصاد مقاومتی که ما عرض کردیم، عبارت است از تقویت تولید داخلی؛ اگر این کار تحقق پیدا کرد و هم‌تتها متوجه به این مسئله شد، کار و کارگر ارزش پیدا میکنند، اشتغال عمومی (بیشتر) و بیکاری بتدریج کم میشود. اساس کار، مسئله‌ی تولید است.» (۹۴/۲/۹)

○○○

در تاریخ انقلاب اسلامی رهبر انقلاب یکبار دیگر هم یک توصیه راهبردی اقتصادی به مسئولان داشته‌اند: «هن هفده هجده سال قبل به دولتی که در آن زمان سر کار بود و به مسئولان گفتم کاری کنید که ماهر وقت اراده کردیم، بتوانیم در چاههای نفت را ببندیم. آقایان به قول خودشان «تکنوکرات» لبخند انکار زدند که مگر میشود؟!» به آن هشدار عمل نشد و در نتیجه تحریم‌ها برای اقتصاد کشور مشکلات جدی ایجاد کرد. با این همه آیا تاریخ در خصوص این راهبرد تکرار خواهد شد؟ ● ۹۲/۱/۱



اما اصل در این راهبرد کلان برای کشور چیست؟ بنا به تعبیر رهبر انقلاب، «ستون فقرات اقتصاد مقاومتی که ما عرض کردیم، عبارت است از تقویت تولید داخلی؛ اگر این کار تحقق پیدا کرد و هم‌تتها متوجه به این مسئله شد، کار و کارگر ارزش پیدا میکنند، اشتغال عمومی (بیشتر) و بیکاری بتدریج کم میشود. اساس کار، مسئله‌ی تولید است.» (۹۴/۲/۹)



گزارش تحلیلی «خط حزب‌با...» از تغییر فاز در پروژه‌های شیطانی آمریکا در منطقه؛

از طرح خاورمیانه بزرگ تا پروژه نفوذ

داده بودند. اما او باما برای تحقق این آرزوی کور خود به چه اتفاقی در داخل کشور امید بسته است؟ آیا او روی مسائل و تغییرات سیاسی داخل ایران و یا تحولات منطقه‌ای و یا حتی براندازی نظام حساب باز کرده است؟ پاسخ به این سوال منفی است. چرا که او باما خود به روشنی پاسخ این سوال را بیان می‌کند: «این تحولات به تغییرات در صحنه سیاسی ایران و تغییر در ذهنیت رهبران این کشور بستگی خواهد داشت. شاید نسل جوان ایران این تحول را ممکن کند.» شیطان بزرگ به وضوح به ایجاد تغییرات نسلی اشاره می‌کند و امید دارد تا نسل جوان کشور، با ارزش‌ها و آرمان‌های انقلاب همراهی نکنند.

رهبر معظم انقلاب اما در همه سالها و بلکه دهه‌های اخیر با اعتماد کامل به جوانان در سراسر کشور قطار انقلاب را در مسیر پر پیچ و خم شرایط کشور به پیش برده‌اند. این حقیقت را از همان روزها و ماه‌های آغازین رهبری ایشان می‌توان دید؛ آنجا که در دیدار با دانشجویان و دانش‌آموزان، به مناسبت سیزدهم آبان ماه در

«سعی دشمنان این است که جوان ما را لابلای بار بیاورند، نسبت به انقلاب بی تفاوت بار بیاورند، روحیه‌ی حماسه و انقلابیگری را در او بکشند و از بین ببرند؛ جلوی این باید ایستاد.» این جملات حاکی از دغدغه عمیق رهبر معظم انقلاب برای جوانان انقلابی و حزب‌اللهی کشور است. دغدغه‌ای که نهیب ایشان را به مسئولان و صاحبان تربیون‌ها و رسانه‌ها به دنبال دارد: «مسئولین کشور جوانهای انقلابی را گرامی بدارند؛ این همه جوانهای حزب‌اللهی و انقلابی را برخی از گویندگان و نویسندگان نکوبند به اسم افراطی و امثال اینها. جوان انقلابی را باید گرامی داشت.»

او باما که از طریق وبسایت خبری میک این گفتگو را انجام می‌دهد، در برابر انتقادات جوانان یهودی و آمریکایی در خصوص توافق با ایران به عنوان کشوری که قصد نابودی اسرائیل را دارد، می‌گوید: «باید تحولی، حتی تدریجی، در داخل ایران روی دهد تا به این نتیجه برسند که شعار مرگ بر آمریکا یا انکار هولوکاست در میان رهبران این کشور یا تهدید به نابودی اسرائیل یا رساندن سلاح به حزب‌با... که در لیست گروه‌های تروریستی [ا] است باعث می‌شود ایران در چشم بخش بزرگی از جهان منزوی شود.»

شاید این اظهارات گستاخانه اما صریح، بخشی از همان پروژه نفوذی است که رهبر معظم انقلاب در چند سخنرانی اخیر خود در تحلیل شرایط «پس از برجام» نسبت به آن هشدار

اماریشه این مسأله در کجاست؟ چرا رهبر معظم انقلاب اینگونه اعلام ایستادگی در برابر یک خطر بزرگ می‌کنند و بر اساس آن به برخی از مسئولان، جریان‌ها و رسانه‌های داخلی هشدار می‌دهند؟ علت این هشدارها و این خطاب‌ها را وقتی بهتر متوجه می‌شویم که به اظهارات رئیس دولت شیطان بزرگ در این زمینه مراجعه کنیم. دولتی که رهبر معظم انقلاب درباره آن می‌فرماید: «از ایلیس بدتر است.» رئیس جمهور آمریکا چندی قبل در گفتگو با جوانان یهودی ساکن سرزمین‌های اشغالی فلسطین و هم چنین جوانان آمریکایی از آرزوی بزرگ خود برای غلبه بر ملت ایران پرده بر می‌دارد؛ آرزویی که بارها اعتراف کرده از طریق حمله نظامی و فشار اقتصادی امکان تحقق آن وجود ندارد.



پیش شماره



«تسلیم» برنامه سازش است



آمریکایی‌ها برجام را - بنا به گفته خودشان - محل ضربه به ما می‌بینند. آن‌ها و دنباله‌روان داخلی‌شان پس از ناکامی در تبدیل مذاکره به نمادی از سازش در بین مردم ایران، به دنبال سوءاستفاده از متن برجام هستند تا اگر از آن راه نشد از راه دیگری بتوانند به جمهوری اسلامی ضربه بزنند و یکی از این راه‌ها، سوءاستفاده از "زمینه برجام" است. سوءاستفاده از «زمینه» یعنی القاء جملاتی نظیر «تحمیل توافق به نظام»؛ یعنی القاء اینکه «آرمان‌ها به بهانه واقع‌بینی کنار گذاشته شوند»؛ یعنی «مردم ایران مانند مردم زمان امام حسن (علیه السلام) هستند» و... این جملات امروز در داخل کشور توسط رسانه‌ها و افرادی بیان می‌شوند که با خیال‌پردازی «جام‌زهر» در دوره مذاکره و «بزرگ آمریکا» به دنبال سازش بودند. اکنون آن‌ها به دنبال این هستند که بگویند «شرایط، ما را مجبور کرد تا تسلیم شویم و تسلیم شدیم». باور این جملات در ذهن نیروی مؤمن انقلابی یعنی القاء ناامیدی که گام بزرگی برای نفوذ است. وقتی نیروی «مؤمن» که باید آماده به کار باشد «تسلیم زهر چنین القائاتی شد، دیگر نمی‌تواند در مقابل دشمنش تحرک لازم را داشته باشد و راه نفوذ باز می‌شود. اما جوان حزب‌اللهی می‌داند که زمینه رسیدن به این متن چیز دیگری بوده است نه آن چیزی که جریان سازشکار سعی به القاء آن دارد:

۱. شرایط ما از حیث دستاوردهای واقعی تولیدشده در کشور آن گونه بود که بتوانیم در دیپلماسی، آن‌ها را «تبدیل به منفعت ملی» کنیم. «آدر سال ۹۱» آن روزی که وارد مذاکرات شدیم، نوزده هزار سانتی‌رفیوژ از جمله دارایی‌هایی بود که «دستاورد قابل قبول و مهمی» به حساب می‌آمد و «حساس کردیم با دست قوی داریم وارد [مذاکره] میشویم.» ۹۴/۰۴/۰۲

۲. دشمن ما، آمریکایی‌ها وقتی دستاوردهایی مانند دست‌یابی به سوخت بیست درصد را دیدند «فهمیدند ما بدون وابستگی میتوانیم به فتاوری پیشرفته دست پیدا کنیم.» و با ناکارآمد بودن تحریم‌ها ناچار شدند به ایران پیشنهاد بدهند که «میخواهیم مسئله‌ی هسته‌ای را حل و فصل کنیم» و صراحتاً گفتند که علاوه بر «برداشتن تحریم‌ها»، «ایران را به عنوان یک قدرت هسته‌ای خواهیم شناخت.» ۹۴/۰۴/۰۲ آمریکایی‌ها به دلیل شرایط داخلی‌شان در داخل و ناکارآمد بودن تحریم‌ها مجبور شدند پای میز مذاکره بیایند.

۳. مردم ما زمینه سوم شرایط مذاکره بودند. رهبر

انقلاب فرمودند: «بنده به تک تک این ملت اعتماد دارم... معتقدم یقیناً... مَعَ الْجَمَاعَةِ؛ اعتقاد دارم دست خدا است که دارد کار میکند. بیست و دوم بهمن را نگاه کنید، در آن سرما، روز قدس را نگاه کنید، در آن گرما با آن دهان روزه؛ چه کسی مردم را می‌آورد در این خیابانها؟... این دست خداست؛ خدا را می‌بینیم، اعتماد میکنیم به این حرکت مردمی.» ۹۴/۰۱/۲۰ مردم را باید این گونه شناخت.

۴. برای جمهوری اسلامی هم مذاکره جزئی از مسیر مبارزه و مقاومت بود. هدف مذاکره «عبور هنرمندانه از موانعی که دشمن... ایجاد کرده است.» ۹۲/۰۴/۳۰ «برداشته شدن تحریم» و «به رسمیت شناختن قدرت هسته‌ای ایران» دو هدف از پیش تعیین شده برای مذاکره بود. به همین دلیل است که پس از رسیدن به "برجام" رهبر معظم انقلاب در خطبه‌های عید فطر به اقرار دشمن بر «گردش صنعت هسته‌ای» اشاره می‌کنند و در دیدار خبرنگاران با اشاره به یکی دیگر از اهداف مذاکره یعنی لغو تحریم‌ها؛ با اقتدار گفتند اگر این مسأله تعیین تکلیف نشود، «پس معامله‌ای در کار نخواهد بود.»

این چهار عنصر نشان می‌دهد امروز، شرایط نه شرایط تحمیل است و نه اجبار برای پذیرفتن چیزی. در این روزهایی که بسیاری از نقاط غرب آسیا را بوی خون و باروت پُر کرده است و عکس‌های آیلان، -کودک غرق شده سوریه- دل هر انسان پاک‌دلی را به درد می‌آورد، ایران نه تنها، «سرزمین امن منطقه» محسوب می‌شود بلکه مقتدرانه در تحولات آن تلاش می‌کند تا نقش تاریخی خود را برای دفاع از مظلومان انجام دهد. برای ایرانی که «حضور پُر مضمون مردمش در تشییع اغواص‌ها، یکی از به یادماندنی‌ترین حوادث انقلاب» را رقم می‌زند، برای ایرانی که امروز دیگر کشورها از مقاومتش "الگو می‌گیرند"، برای ایرانی که رهبرش در منطقه و حتی فراتر از منطقه به عنوان راهبر محور مقاومت شناخته می‌شود، هیچ اجباری برای پذیرش هیچ چیزی برخلاف «منافع و مصالح ملی» وجود ندارد. نیروی مومن انقلابی با «روحیه‌ی اسلامی مبارز و جهادی» ۹۴/۰۶/۱۸ تلاش می‌کند و می‌داند چه این متن تصویب بشود و چه نشود:

۱. در داخل کشور اقتصاد مقاومتی اولویت است.
۲. در منطقه سیاست‌ها می‌تغییر نمی‌کند.
۳. مبارزه با استکبار با بیان نمی‌پذیرد و امریکا اتم مصادیق استکبار خواهد بود. ●

سال ۶۸ می‌فرمایند: «اینکه ما تکیه میکنیم بر روی نیروهای انقلابی و نیروهای متدین، به خاطر این است که ما راه طولانی در پیش داریم؛ این ملت راه طولانی در پیش دارد. هدفی که ما برای جمهوری اسلامی، بر اساس آموخته‌های عمومی انقلاب در نظر گرفتیم - ما که عرض میکنم، مراد این حقیر نیست؛ مراد، ملت ایران و مسئولان انقلاب است؛ صاحبان انقلاب - آن هدف، هدف خیلی والایی است. هدف، ایجاد یک جامعه‌ی نمونه است. شما میخواهید در محدوده‌ی ایران عزیز - که از لحاظ جغرافیایی در یک نقطه‌ی بسیار حساسی از دنیا هم واقع شده است - یک جامعه‌ای بسازید که به برکت اسلام و زیر پرچم قرآن، الگو باشد؛ هم الگو از لحاظ مادی و پیشرفتهای مادی، هم در عین حال الگو از لحاظ معنویت و از لحاظ اخلاق.»

همین حقیقت است که باعث می‌شود رهبر معظم انقلاب ۲۵ سال بعد در اردیبهشت ماه سال ۹۳ گویی نتیجه این اعتماد به جوانان مومن و انقلابی را به مردم نشان می‌دهند: «هرجایی که ما به ابتکار و استعداد جوانان مان تکیه کردیم، آنجا ناگهان مثل چشمه‌ای جوشید، شکوفا شد؛ در قضایای مربوط به مسائل هسته‌ای، در قضایای مربوط به مسائل دارویی، در درمان‌های گوناگون، در سلول‌های بنیادی، در نانو، در این برنامه‌های صنعتی دفاعی، هرجایی ما سرمایه‌گذاری [کردیم] و به این نیروی جوان و علاقه‌مند و مؤمن و باخلاص داخلی تکیه کردیم و به او ارج نهادیم، کارمان پیش رفت.»

حالا این روزها رهبر حکیم انقلاب در برابر مکر دشمن برای جوان ایرانی، حفظ روحیه انقلابی را تجویز می‌کنند: «این روحیه است که کشور را حفظ میکند، از کشور دفاع میکند؛ این روحیه است که در هنگام خطر به داد کشور میرسد.» تا جایی که این روحیه انقلابی برای جوانان سراسر کشور را یکی از سه عامل اقتدار و مصونیت کشور در برابر تهدیدات دشمن ارزیابی می‌کنند: «سه عامل اساسی اقتدار ملی اینها است: اقتصاد قوی و مقاوم، علم پیشرفته و روزافزون، و حفظ روحیه‌ی انقلابیگری در همه بخصوص در جوانها؛ اینها است که میتواند کشور را حفظ کند؛ آن وقت دشمن مأیوس خواهد شد.» ●



گزارش «خط حزب...» درباره مطالبه

رهبر معظم انقلاب از نیروهای مومن و انقلابی

آماده باشید

پیش شماره



۱۲

پنج سخنرانی با یک موضوع محوری و کلیدی؛ رهبر معظم انقلاب در دیدار با پنج گروه متفاوت و البته متنوع یک هشدار و یک دغدغه را طرح می‌کنند. فعالان رسانه‌ای جهان اسلام، دولتمردان، خبرنگاران، اقبشار مختلف مردم و فرماندهان سپاه در یک ماه گذشته همگی مخاطب یک پیام و یک هشدار واحد مشخص و روشن بوده‌اند. در میان همین هشدارها، رهبر حکیم انقلاب هم تاکید ویژه‌ای بر آمادگی شبانه‌روزی «نیروهای مؤمن، نیروهای اصیل و معتقد در سر تاسر کشور» دارند. اما ریشه این مسئله و دغدغه اصلی رهبری چیست؟

رهبر معظم انقلاب در سخنرانی اخیر خود در دیدار با فرماندهان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی تاکید کردند: «دشمن به امید واهی پایان یافتن انقلاب، در فکر نفوذ به‌خصوص نفوذ سیاسی-فرهنگی است که شناخت توطئه‌های دشمن، تقویت و استحکام روحیه انقلابی و حرکت مستمر به‌سمت تحقق آرمان‌ها این هدف را ناکام خواهد گذاشت.» رهبر معظم انقلاب هشدار درباره «نفوذ دشمن» را یک ماه قبل و در دیدار با اعضای مجمع جهانی اهل بیت (ع) بیان کردند اما جملات بالا در دیدار با فرماندهان نهاد پاسداران تمامیت انقلاب اسلامی صریح‌ترین سخن ایشان، در بیان مهمترین هدف و روش دشمن و هم‌چنین راهکارهای مقابله با آن در تمام پنج سخنرانی اخیر بوده است. شاید به همین دلیل است که حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در دیدار اخیر با اعضای هیئت دولت اینچنین از نگرانی جدی خود درباره نقشه دشمن پرده بر می‌دارند: «یک نکته‌ای ... که جزو نگرانی‌های من است، جزو دغدغه‌های بنده است و آن این است که ما توجه کنیم به هدفهایی که دشمنان صریح جمهوری اسلامی در ذهن خودشان دارند میپرووراندند و کارهایی که میخواهند انجام بدهند. مسلم است که دشمنی‌های دشمنان جمهوری اسلامی از اول انقلاب تا حالا کاسته نشده... شیوه‌های کاری آنها تحول پیدا کرده؛ پیشرفت پیدا کرده؛ یک‌وقت یک‌جور دشمنی میکردند، ضربه میزدند، حالا با ابزار دیگری؛ این را نباید از نظر دور داشت. این را مطلقاً همه‌ی مسئولین... توجه داشته باشند که ما در داخل نقشه‌ی طرازی شده‌ی دشمن قرار نگیریم و بازی نکنیم.» اما امید واهی «پایان انقلاب» و تکمیل نقشه دشمن زمانی اتفاق خواهد افتاد: «که ملت ایران تفکر انقلابی را کنار بگذارد تا قدرت خود را از دست بدهد و در نقشه‌های

حق الناس، باطل السحر انتخاباتی دشمن



۱. تعبیر «حق الناس» را در موضوع انتخابات، نخستین بار رهبر انقلاب در انتخابات ریاست جمهوری ۹۲ به کار بردند. این مفهوم علاوه بر جنبه «فردی» و شخصی، جنبه «اجتماعی» و «حاکمیتی» بسیار مهمی دارد. حق الناس چنان جایگاهی دارد که در شرط «استجاب دعا هم آمده: «ولخرج من مظالم الناس» انسان باید از مظلمه‌ی مردم خارج شود تا دعایش قبول شود. «۸۴/۰۷/۲۹ در جنبه اجتماعی، حق الناس حافظ الگوی مردم‌سالاری دینی و حق رای مردم است. «اینکه ما در سال ۸۸ در مقابل کسانی که اصرار میکردند باید انتخابات باطل بشود ایستادیم، به خاطر همین بود که از حق الناس دفاع کردیم... هر کسی اهم برنده‌ی این انتخابات میشد، ما همین جور می‌ایستادیم، دفاع میکردیم. بنده از حق الناس دفاع کردم، از حق مردم دفاع کردم.» ۹۴/۰۶/۱۸

۲. دشمن تلاش می‌کند از راه‌های مختلف الگوی مردم‌سالاری دینی را مخدوش کند. «یک روز میگویند انتخابات مهندسی شده است، یک روز میگویند انتخابات آزاد نیست، یک روز میگویند انتخابات از نظر مردم مشروع نیست.» ۹۲/۰۳/۱۴ یک بار دیگر با تحریف «حق الناس» تلاش می‌کند «مردم‌سالاری دینی» را مخدوش کند. البته آن‌ها «اگر میتوانستند کاری کنند که انتخابات انجام نگیرد، آن کار را میکردند» اما اکنون که چاره‌ای ندارند تمام تلاش خود را می‌کنند که «انتخابات اولاً سرد برگزار شود... عده‌ی کمی شرکت کنند، یک عده‌ای بگویند: آقا فایده‌اش چیست؟ ما نمیخواهیم بیائیم. اینها دشمن را خوشحال میکند. ثانیاً نتیجه‌ای که از صندوقها بیرون می‌آید، نتیجه‌ای باشد که... ملت را به سمت وابستگی بیشتر... به سمت قرار گرفتن در سیاستهای دشمنان قرار دهد؛ دشمن این را میخواهد.» ۹۲/۲/۲۵ از همین رو، از زمان بیان این تعبیر، راهزنان حق الناس در داخل و خارج بیکار ننشسته و تلاش کردند، برای توجیه رفتار سیاسی نابجای خود این مفهوم مهم را -که نقش حفاظ برای رای و نظر مردم دارد- منحرف کنند. شاید از همین روست که رهبر انقلاب در فاصله چند ماه تا برگزاری دو انتخابات مهم، به تبیین مجدد این مفهوم پرداختند که حق الناس عبارتست از: صیانت از «رای مردم» و «نتیجه‌ی آراء» و «جلوگیری از ورود افراد فاقد صلاحیت... همین حق نظارت استصوابی» ۹۴/۰۶/۱۸

۳. لازمه تحقق خواست دشمن، یعنی "برگزاری انتخابات سرد" و "راهیابی عناصر ناصالح" چیست؟ تحقق این اهداف خبیثانه، نسبت مستقیمی با تضییع حق الناس دارد؛ جریان تخریب انتخابات به هر میزان که موفق شود حق الناس را در انتخابات ضایع کند یا به مردم القا کند که به حق راییشان توجهی نمیشود؛ بیشتر به خواست خود نزدیک می‌شود. هر قدر اعتماد مردم به نظام و انتخابات مخدوش شود، همان قدر از شور و حرارت و مشارکت مردم در انتخابات کاسته خواهد شد. (هدف اول دشمن) همچنین هر قدر دستگاههای قانونی که وظیفه نظارت بر انتخابات را دارند، در انجام وظایف خود مردد شوند و یا در اثر حاشیه‌سازی از انجام وظایف قانونی خود دور شوند، به همان میزان به هدف دوم خود یعنی نفوذ عناصر وابسته‌گرا نزدیک شده است. همانطور که رهبر انقلاب در دیدار فرماندهان سپاه اشاره کردند «در زمینه سیاسی نیز بیگانگان بدنبال نفوذ در مراکز تصمیم‌گیری و اگر نشد، نفوذ در مراکز تصمیم‌سازی هستند که در صورت تحقق این توطئه، جهت‌گیریها، تصمیمات و حرکت عمومی کشور، بر اساس خواست واراده بیگانگان، تنظیم و اجرایی خواهد شد.»

۴. تجربه انقلاب اسلامی در طول حیات خود نشان داده است که «در طول این سالها، قبل از هنگام انتخابات، تبلیغات دشمن علیه انتخابات شروع شده؛ یعنی قبل از آنکه مسئولین ما و رسانه‌های ما و مطبوعات ما شروع کنند برای انتخابات کار کردن، دشمن طراحی کرده است و شروع کرده است.» ۹۲/۰۲/۱۶ امروز بخشی از این "پازل دشمن"، به پهنه "حق الناس" تلاش برای «هایوس کردن مردم» و همچنین «حاشیه‌سازی برای دستگاههای قانونی کشور» به‌ویژه «شورای نگهبان» است. شورایی که وظیفه‌اش تأمین سلامت انتخابات (قبل، حین و پس از برگزاری) است. نتیجه این دو حربه یکی "یأس" است که منتهی میشود به دل‌سرد کردن مردم از حضور پر شور در انتخابات و دیگری "ورود نفوذی‌ها" به مراکز مهم تصمیم‌گیری کشور. حق الناس باطل السحر انتخاباتی دشمن است. از سال ۸۸ و آن حمله ناجوانمردانه دشمن به آرا مردم و تجربه دفاع از حق الناس بیش از ۶ سال می‌گذرد. از آن زمان تاکنون هم ۳ انتخابات دیگر به تاریخ زرین "مردم‌سالاری دینی" اضافه شده است. اما تجربه نشان داده است که «نباید بگذاریم دشمنی را که از در رفته، از پنجره برگردد؛ نباید اجازه بدهیم نفوذ پیدا کند.» ۹۴/۰۶/۱۸

چند کشور زور گو که خود را جامعه‌ی جهانی می‌نامند هضم و محو شود. «خواستهای کوری که از سوی نظام سلطه مطرح می‌شود: «زیر قدرت و نفوذ ما به علت روحیه و عملکرد انقلابی است و طبعاً اگر آن را کنار بگذاریم ضعیف می‌شویم.»

● اعلام وضعیت آماده‌به‌کار در سراسر کشور

این خطر نقشه دشمن، آنقدر جدی است که رهبر حکیم انقلاب چونان یک راهبر هشیار و تیزبین از همه نیروها می‌خواهد تا خود را آماده به کار شبانه‌روزی کنند: «همه آماده باشنند؛ نیروهای مؤمن، نیروهای اصیل و معتقد در سرتاسر کشور - که بحمد... اکثریت قاطع این کشور را هم تشکیل میدهند- آماده‌به‌کار باشنند. آماده‌به‌کار به معنای آماده‌ی جنگ نیست؛ یعنی هم آماده‌ی کار اقتصادی باشنند، هم آماده‌ی کار فرهنگی باشنند، هم آماده‌ی کار سیاسی باشنند، هم آماده‌ی حضور در میدانها و عرصه‌های مختلف باشنند... ما همه باید آماده باشیم. در مقابل این جهت‌گیری‌های دشمنان - که دشمنان ما شب و روز نمی‌شناسند - ما هم بایستی شب و روز شناسیم.» (۹۴/۶/۱۲) آماده به کاری که در دیدار با فرماندهان سپاه از یک زاویه دیگر تکرار می‌شود: «آنها منتظرند که ملت و نظام خوابشان ببرد تا اهدافشان را محقق کنند اما ملت و مسئولان نمی‌گذارند امید شیطانی بیگانگان در باره‌ی به خواب رفتن ملت، در دل دشمن پا بگیرد.» وظیفه همه نیروهای انقلاب در این توصیه به آمادگی چیست و چه تکلیفی در قبال آن بر دوش آنان است؟ «باید پایه‌های تفکر و روحیه‌ی انقلابی را چنان در کشور مستحکم کنیم که هیچ چیز در ادامه‌ی این مسیر درخشان خللی ایجاد نکند.» وظیفه‌ای که اگر به درستی و با دقت انجام شود نه تنها شکستی را متوجه آن نخواهد کرد بلکه این انقلاب را در همه منطقه و بلکه دنیا صادر خواهد کرد: «بارها گفتیم، مفاهیم انقلاب و مفاهیم اسلام، مثل عطر گلهای بهاری است؛ هیچ کسی نمیتواند جلوی آن را بگیرد؛ پخش میشود، همه‌جا میرود؛ نسیم روح‌افزا و روان‌بخشی است که همه‌جا را به خودی خود میگیرد؛ حالا جنجال کنند، دادوبیداد کنند؛ رفته، صادر شده و الان شما در کشورهای گوناگونی ملاحظه کنید؛ این تفکر در لبنان دارد فعالیت میکند، در عراق دارد فعالیت میکند... در سوریه همین جور، در غزه همین جور، در فلسطین همین جور، در یمن همین جور، ان شاء... در قدس شریف و برای نجات الاقصی هم همین جور.» ●

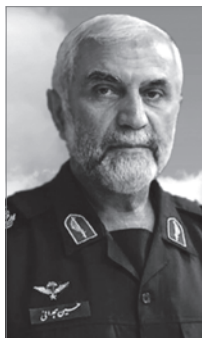


شماره‌های این ماه تقدیم می‌شود به روح پرفتوح

شهید حسین همدانی

عمر با برکت سردار پر تلاش

این رزمنده‌ی قدیمی و صمیمی و پر تلاش، جوانی پاک و متعبد خود را در جبهه‌های شرف و کرامت، در دفاع از میهن اسلامی گذرانید و مقطع پایانی عمر با برکت و چهره‌ی نورانی خود را در دفاع از حریم اهل بیت (ع) و در مقابله با اشقیای تکفیری و ضد اسلام سپری کرد. ۹۴/۷/۱۸



حکایت‌ها

نشریه خبری - تحلیلی نمازهای جمعه، مساجد و هیات‌های مذهبی

مهر ماه ۹۴

پیش شماره ۱۳ | از طرح خاورمیانه بزرگ تا پروژه نفوذ | ۳۰

نقشه راه برای خروش ابراهیمی | ۳۱

شماره ۱ | پایان خویشتن‌داری | ۳۲

«مرگ بر آمریکا» شعاری آزموده‌شده | ۳۳

شماره ۲ | مباحله در قرن ۲۱ | ۳۴

جنگ پیدا؛ جنگ پنهان | ۳۵

شماره ۳ | سوریه نقطه استراتژیک مقاومت | ۳۶

اگر روحیه بسیجی کنار برود | ۳۷

شماره ۴ | ابلاغ سند صیانت | ۳۸

تله مذاکره | ۳۹

حومه شهر حلب سوریه

حین انجام ماموریت‌های مستشاری

تاریخ شهادت: ۱۶ مهر ۱۳۹۴



دوم محرم ۱۴۰۹ هـ.ق
سخنرانی در جمع رزمندگان لشکر ۸
نجف ۲۴ مرداد ۱۳۶۷

شهید محمد حسین کریم پور

معجزه انقلاب

دفاع مقدّس وسیله‌ای شد برای اینکه استعدادهای مکنون در انسانها، به شکل عجیبی بروز کند. مثلاً شهید باکری؛ ایشان در آغاز جنگ یک جوان دانشجو است که تازه فارغ‌التحصیل شده؛ شمانگاه کنید در عملیات بیت‌المقدس، در عملیات خیبر، قبل آن در عملیات فتح‌المبین، این جوان یک فرماندهی زبده‌ی نظامی است که میتواند یک لشکر را، در بعضی جاها یک قرارگاه را حرکت بدهد و هدایت کند و کار کند. اینها معجزه‌ی انقلاب است. ۹۲/۰۹/۲۵



شرق دجله

عملیات بدر

تاریخ شهادت: ۱۳۶۳ اسفند ۲۵





گزارش تحلیلی «خط حزب‌با...» از تغییر فاز در پروژه‌های شیطانی آمریکا در منطقه؛

از طرح خاورمیانه بزرگ تا پروژه نفوذ

انجام دادند و کسانی که به آنها پناه دادند وجود ندارد.» نیم ساعت پس از آن، جلسه‌ی شورای امنیت ملی آمریکا با حضور بوش برگزار شد. او صراحتاً اعلام کرد که این حادثه یک «فرصت بزرگ» برای آمریکا است. فرصتی که کشورهای دیگر باید انتخاب کنند آیا «با ما هستند یا علیه ما؟» جورج بوش در کنفرانس مطبوعاتی خود در فوریه‌ی ۲۰۰۲ صراحتاً اعلام کرد: «تاریخ یک فرصت استثنایی را به ما داده است تا از آزادی دفاع کنیم. ما این فرصت و لحظه را به چنگ آورده‌ایم و عمل خواهیم کرد. من از منافع خودمان دفاع خواهم کرد. من از مردم آمریکا دفاع می‌کنم.» کاندولیزا رایس، وزیر خارجه‌ی وقت ایالات متحده آشکارا بیان کرد که «سیاست خارجی ما به‌طور قطع یک سیاست خارجی مداخله‌گرا است و این سیاست برخاسته از منافع ملی ماست و نه برخاسته از منافع جامعه‌ی موهوم بین‌المللی.» این چنین بود که ارتش آمریکا در سال ۲۰۰۱ به افغانستان، و سپس در سال ۲۰۰۳ به عراق به بهانه‌ی جنگ با تروریسم حمله کرد تا همچنان خود را «بازیگر نقش اول» این داستان نمایش دهد.

آمریکایی در حقیقت ابایی نداشتند از اینکه صراحتاً بگویند هدفشان از حضور در منطقه، دخالت در امور داخلی کشورهاست. اما هنوز، «فیلمنامه»‌ی آنها کامل نشده بود. این فیلمنامه نیازمند یک «گره داستانی» تمام عیار و یک «سکانس» جذاب برای همذات‌پنداری بیشتر با «قهرمان داستان» داشت. حادثه‌ی یازده سپتامبر ۲۰۰۱، همان سکانس جذاب برای حضور قهرمان داستان بود.

● یازده سپتامبر یک فرصت بزرگ برای شیطان

شب همان حادثه‌ی یازده سپتامبر، در ساعت هشت و سی دقیقه، جورج بوش، از دفتر خود در کاخ سفید، مقابل دوربین رفت و در سخنرانی خود پرده از استراتژی آمریکا در سال‌های آتی برداشت: «امروز هزاران نفر توسط شیطان کشته شدند... تروریست‌ها توانستند بزرگ‌ترین ساختمان ما را نابود کنند ولی آنها هیچ آسیبی به اصول ما نمی‌توانند بزنند، ارتش ما قوی و آماده است، آمریکا به این دلیل مورد حمله قرار گرفت که ما فانوس دریایی درخشانی برای آزادی و فرصت در جهان هستیم... برای ما تفاوتی بین تروریست‌ها که این اعمال را

در میانه‌ی قرن بیستم، ریچارد نیکسون، سی‌وهفتمین رئیس‌جمهور آمریکا، یعنی همان کسی که روابط حسنه‌ی با رژیم پهلوی داشت و ارتش محمد رضا در آستانه‌ی ورود او به ایران، در تاریخ ۱۶ آذر ۱۳۳۲، دانشجویان دانشکده‌ی فنی دانشگاه تهران را به رگبار بست، در بیان اهمیت جهان اسلام و به‌طور خاص منطقه‌ی غرب آسیا چنین گفته بود: «جهان اسلام در قرن بیست‌ویکم، مهم‌ترین میدان‌های زور آزمایی سیاست آمریکا است.»

فروپاشی شوروی، به‌عنوان مهم‌ترین رقیب استراتژیک آمریکا، موجب شد تا به باور استراتژیست‌های آمریکایی، از آن پس، «تهدید سبز» (جهان اسلام) جایگزین «تهدید سرخ» (شوروی) شود. به‌همین علت بود که در ابتدای دهه‌ی ۹۰ میلادی، آمریکا به بهانه‌ی جنگ عراق و کویت، وارد منطقه‌ی خلیج فارس شد. بوش پدر، چنین اقدامی را در راستای ایجاد «نظم نوین جهانی» نامید.

شش سال بعد از حمله‌ی آمریکا به عراق برای کمک به کویت، شیمون پرز، نخست‌وزیر رژیم نحس صهیونیستی، صحبت از «خاورمیانه‌ی جدید» کرد. شش سال بعد از پرز، حالانوبت بوش پسر بود که وارد معرکه شده و فاز دیگری از نقشه‌ی کلان نظام سلطه را عیان کند. مقامات



پیش شماره



۱۳

● طرح خاورمیانه‌ی بزرگ

یک سال بعد از حادثه‌ی یازده سپتامبر، کالین پاول، وزیر خارجه‌ی وقت آمریکا، پرده از برنامه جدید این کشور به بهانه مبارزه با تروریسم در منطقه‌ی غرب آسیا برداشت: «طرح خاورمیانه‌ی بزرگ». رهبر انقلاب در همان ایام درباره‌ی آن فرمودند: «مسأله‌ی خاورمیانه‌ی بزرگ، یک آرزوی امریکایی است. خاورمیانه‌ی بزرگی که آنها می‌گویند، یعنی کشوری بزرگ در خاورمیانه به مرکزیت اسرائیل. البته منظور آنها این نیست که یک دولت واحد تشکیل شود؛ نه، همین دولت‌هایی که در مرزهای جغرافیایی کنونی قرار دارند، باشند؛ منتها دولت‌هایی که توی مشت امریکایی‌ها باشند؛ مردم به‌ظاهر آنها را انتخاب کرده باشند، اما امریکایی‌ها خواسته باشند.» (۱۳۸۳/۱۲/۲۷) اما هنوز چند سال از اجرای این طرح نگذشته بود، که این طرح با شکست مواجه شد. امریکایی‌ها که تا پیش از این تصور می‌کردند روند دموکراسی‌سازی در منطقه، منجر به تقویت «شبکه‌ی حامیان غرب» خواهد شد، حالا به‌وضوح مشاهده کردند که به «پاشنه‌ی آشیل» شان (۱۳۹۴/۶/۲۵) تبدیل شده است. در عراق که آمریکا امیدوار به روی کار آمدن احزاب و اشخاص لائیک و سکولار بود، قدرت به دست اسلام‌گراها و مخالفان سیاست‌های آمریکا افتاد. بیداری اسلامی در تونس و مصر نیز موجب سرنگونی دو متحد قدیمی آمریکا یعنی بن علی و مبارک شد. شکست‌های پی در پی غرب در سوریه و فلسطین و لبنان و یمن، در کنار نهضت بیداری اسلامی‌ای که در چند سال اخیر به راه افتاد، عملاً عرصه را برای مقامات امریکایی و شکست طرح خاورمیانه‌ی بزرگ مهیا کرد.

● تغییر استراتژی

نظام سلطه، چاره‌ای جز تغییر استراتژی نداشت. تغییری که از «اقدام سخت» به سمت «اقدام نرم» باید انجام می‌شد. «پروژه‌ی نفوذ»، همان اقدام نرم آمریکا برای شرایط جدید منطقه است. «نفوذ» در کنار ایجاد «اختلاف» در میان دولت‌ها و ملت‌ها، راهکار جدید آمریکا برای بازگشت و حضور در منطقه است. واضح است که پروژه‌ی نفوذ، بیش از هر چیزی توسط «باز یگران داخلی» متمایل به غرب انجام خواهد شد. آن‌چنان که چندین سال پیش، دیک چنی، معاون رئیس‌جمهور ایالات متحده به صراحت اعلام کرد که «دولت آمریکا خود را متعهد به حمایت از کسانی می‌نماید که در راه اصلاحات در خاورمیانه‌ی بزرگ فعالیت می‌نمایند.» ●

نقشه راه برای خروش ابراهیمی



رهبر انقلاب اسلامی معمولاً در دو مناسبت خاص یک رفتار ویژه و هدفمند دارند؛ به‌همین دلیل یکی از توصیه‌های جدی برای فهم منظومه فکری رهبر انقلاب اسلامی، مطالعه دقیق و کامل سخنرانی ایشان در روز اول فروردین در حرم امام رضا (ع) و خواندن دقیق پیام‌های سالانه حج است. عید نوروز و موسم حج دو مناسبتی هستند که آیت‌الله‌العظمی‌خامنه‌ای به بهانه آن «نقشه‌راه» امت اسلامی را ترسیم می‌کنند. عید نوروز، ترسیم نقشه راه یک‌ساله در مقیاس ملت ایران و وظایف آنان است و موسم حج که «عید بزرگ امت اسلامی به شمار می‌آید». کیمیای معجزه‌گری است که اگر قدر آن شناخته شود، بسیاری از آسیب‌ها و آسیب‌پذیری‌های دنیای اسلام، علاج خواهد شد. «۹۲/۰۷/۲۲» به همین دلیل ایشان همواره در پیام‌های حششان با «توجه به مسائل جهان اسلام به مهم‌ترین و اولویت‌دارترین موضوعات مرتبط با امت اسلامی» «۹۳/۰۷/۰۸» می‌پردازند. از سویی، استکبار که از دوران جورج بوش پسر به دنبال اجرای نقشه «خاورمیانه بزرگ» بوده؛ به صخره سخت «مقاومت» برخورد کرد. «شکست‌های پیاپی [غرب] از ایران و افغانستان تا عراق و لبنان و فلسطین» «۹۰/۱۱/۱۴» در آن دوره منجر شد که مردم مصر بیدار شوند. مصری که دولتش در «جنگ ۲۲ روزه که مرد و زن و کودک [فلسطینی] به وسیله‌ی آتش اسرائیلی سوختند، نابود شدند... نگذاشت کاروانهای کمک‌رسانی به این مردم کمک کنند» و لی ملت آنها «به خاطر طرفداری رژیم [مبارک] از اسرائیل، به خاطر دنباله‌روی و اطاعت محض از آمریکا، احساس ذلت و تحقیر شدگی» می‌کردند؛ «۸۹/۱۱/۱۵» علیه استبداد مبارک با شعارهای اسلامی به پا خاستند. غربی‌ها پس از حوادث بیداری اسلامی و مصر کوشیدند خود را بازسازی کنند و طرحی نو دراندازند. در سوی دیگر جبهه نیز با تغییر شرایط، ولی‌امر مسلمین جهان تلاش می‌کنند با روش‌های مختلف نگذارند این موج بیداری خاموش شود و با آگاه‌سازی امت اسلام سد راه ترفندها و حیل‌های استکبار شوند. یکی از مهم‌ترین این اقدامات در حوزه افکار عمومی سخن گفتن با آنان در اجتماع عظیم حج در روز براءت از مشرکین است. در حالیکه مسلمانان عالم با جمع کردن سنگ آماده می‌شوند تا با رمی جمرات به نماد ابلیس، اعلام کفر به طاغوت کنند؛ رهبر انقلاب اسلامی به تاسی از بنیانگذار کبیر انقلاب اسلامی از ترفندهای «شیطان بزرگ» یعنی امریکا پرده بر می‌دارند و وظایف امت اسلامی را در این دوره یادآور می‌شوند. در ۵ سالگی که از آغاز فصل بیداری اسلامی گذشته است، رهبر انقلاب دائماً بر مولفه‌های زیر تأکید کرده‌اند:

۱. شناخت تفاوت‌های اسلام ناب محمدی (ﷺ) و اسلام آمریکایی
 ۲. حفظ وحدت و پرهیز اعمال اختلاف‌ساز میان مسلمین
 ۳. شناخت نقشه دشمن فعال در منطقه
 ۴. مجاهدت برای بی‌اثر کردن ضربه‌ها و خدعه‌های دشمن
 ۵. پشتیبانی واقعی و جدی از فلسطین
- «پیام حج» «یادگار ارزشمند امام خمینی» برای امت اسلامی است و برای مردم شریف ایران یادآور وظایفشان در قیاس منطقه و امت اسلامی است. امسال هم حضرت آیت‌الله‌العظمی‌خامنه‌ای در پیامی که مانند نقشه راه عمل می‌کند با دعوت «برادران و خواهران حج‌گزار از هر ملت و هر کشوری» به تامل در لَبِیک: اِنَّ الْحَمْدَ وَالْتَّعْمَةَ لَكَ وَالْمُلْکَ لَاشْرَیْکَ لَكَ لَبِیک از آنان می‌خواهند که «با نگاه دقیق به گرفتاری‌های دنیای اسلام بویژه در غرب آسیا و شمال آفریقا، برای خود با توجه به ظرفیتهای و امکانات شخصی و محیطی، وظیفه و مسئولیتی تعریف کنند و در آن بکوشند.»
- رهبر انقلاب اسلامی چهار سال پیش و در بحبوحه رخدادهای بیداری اسلامی، به دانشجویان یادآور شده بودند که «ارتباط با تشکلهای دانشجویی جهان اسلام کار لازمی است... امروز در دنیای اسلام، در ذیل بیداری اسلامی، مجموعه‌های دانشجویی مجموعه‌های فعالی هستند... به نظر من با اینها ارتباط داشته باشید.» «۹۱/۰۵/۱۶» و در ماه رمضان امسال بازم خطاب به آن‌ها گفتند که «بنشینید روی مسائل بین‌الملل جمهوری اسلامی کار کنید؛ روی قضایای یمن، روی قضایای عراق، روی قضایای سوریه، تحلیل‌های جذآب، نگاه به آینده.» «۹۴/۰۴/۲۰»
- در شرایطی که استکبار، امروز با «ایجاد اختلاف» بین مسلمین به دنبال «تجزیه عراق و سوریه» «۹۴/۰۵/۲۶» و «تامین امنیت رژیم صهیونیستی» است، نیروی مومن انقلابی که مشعل راهش منطق اسلام ناب است با توجه به مولفه‌های ۵ گانه دوران بعد از بیداری اسلامی، موظف به انجام وظایفی است. هنوز چند روزی از بیان این جملات نگذشته است که «آن‌شاه... تا ۲۵ سال دیگر، به توفیق الهی و به فضل الهی چیزی به نام رژیم صهیونیستی در منطقه وجود نخواهد داشت؛ ثانیاً در همین مدت هم روحیه‌ی اسلامی مبارز و حماسی و جهادی، یک لحظه صهیونیست‌ها را راحت نخواهد گذاشت.» «۹۴/۰۶/۱۸» و بالاخره «بت استکبار جهانی و همه‌ی بتهای خوارکننده‌ی جان‌گرامی انسانی، با آن لَبِیک ابراهیمی - آنگاه که از عمق دل برآید و برنامه‌ی زندگی شود - شکسته خواهد شد و آزادی و عزت و سلامت، به جای وابستگی و سختی و محنت خواهد نشست.» «۹۴/۷/۱۴» ●



در برابر اندک بی احترامی به حجاج و عمل نکردن دولت عربستان به وظایف خود در قبال بدن‌های مطهر؛

پایان خویشتن‌داری

به قدری واضح است که تقریباً توسط تمام صاحب‌نظران و تحلیل‌گران پذیرفته شده است. ۳. توطئه‌ی آل سعود علیه کشورهای مسلمان، محدود به اختلاف‌افکنی بین ملت‌ها نیست و «توطئه‌های سیاسی و اقتصادی» ای که به قیمت زیر پا گذاشتن منافع مسلمانان دنیا در صدد تأمین منافع اتحاد سعودی-صهیونیستی بوده است را نیز شامل می‌شود. پایین نگاه داشتن قیمت نفت با افزایش تولید و عرضه‌ی آن، دخالت در امور کشورهای منطقه، حمله به کشورهای همسایه همچون بحرین و یمن (۹۰/۰۱/۰۱) و حمایت و پشتیبانی از اقدامات تروریستی در مصر و عراق (۹۲/۰۲/۰۹) و... از آن جمله است.

۴. حادثه‌ی دردناکی که در روز عید قربان کام مسلمانان جهان را تلخ و عید آنها را تبدیل به عزا کرد نه فقط یک استثنا بلکه حاصل یک رویکرد و جهان‌بینی شناخته شده است: نگاهی

مراسم امسال حج با فاجعه‌ای مصیبت‌بار همراه شد و حوادث خونین مناجات‌های جهان اسلام را عزا دار کرد. جمع کثیری از مؤمنان و مسلمانان از کشورهای گوناگون جان باختند و اندوهی بزرگ جهان اسلام را فرا گرفت. رهبر انقلاب در پی این حادثه‌ی دلخراش در پیام و بیانات در آغاز درس خارج فقه، ضمن تسلیت و همدردی با خانواده‌های داغدار، جان‌باختگان این حادثه را «مهاجر الی...» دانستند و به‌عنوان اولین و مهم‌ترین اقدام، دولت سعودی را به پذیرش مسئولیت خود در قبال حجاج بیت‌الله الحرام فراخواندند و فرمودند: «مدیریت غلط و اقدامات ناشایسته که عامل این فاجعه بوده، نباید از نظر دور بماند.» در باره‌ی این حادثه‌ی دردناک و البته مبهم و پیچیده، توجه به چند نکته‌ی مهم، ضروریست:

۱. دولت سعودی که به‌علت حاکمیت بر سرزمین وحی، تصدی امور حج را در طول هشتاد سال اخیر در دست داشته است، از گرایش‌ها و برداشت خاصی از دین مبین اسلام تغذیه نموده و در طول این سال‌ها نیز تلاش کرده که بر اساس همان گرایش‌ها فکری مراسم حج را برگزار نماید. برداشتی از اسلام که لباس و ظواهر اسلام را بر نوکری اجانب می‌پوشاند و با اصول آمریکایی و غربی منطبق است. اسلامی که برده‌ی دلارهای آمریکایی است و به انواع فسادهای فردی و اجتماعی آلوده است. اسلام منهای سیاست، اسلام تکفیر دیگر

۲. یکی از برنامه‌های اصلی که همین گروه خاص دنبال کرده، ایجاد اختلاف بین شیعه و سنی و اختلاف بین ملت‌های مسلمان بوده است. راه‌اندازی جریان‌های خشونت‌طلب و تکفیری از قبیل طالبان و القاعده و داعش در کشورهای مختلف با ثروت‌های بادآورده‌ی نفتی در طول این سال‌ها، گواهی بر این مدعا است. «راهبرد اختلاف‌افکنی» دولت سعودی در منطقه

مسلمانان، اسلام‌انسان‌های بی‌درد و به فکر رفاه خود، اسلام‌اشدء با مؤمنین و رحماء با کفار و در یک کلمه «اسلام آمریکایی». (۶۹/۰۳/۱۰)



شماره



تحلیل «خط حزب...» درباره تاریخ افتخار آمیز استکبارستیزی ملت ایران؛

«مرگ بر آمریکا» شعاری آزموده شده



باراک اوباما در مجمع عمومی سازمان ملل گفت: «مردم ایران از تاریخی افتخار آمیز برخوردارند. اما شعار «مرگ بر آمریکا» برای آنها شغل و امنیت ایجاد نمی‌کند. اگر ایران مسیر دیگری را انتخاب کرد، آن مسیر برای امنیت منطقه، برای مردم ایران و جهان خوب خواهد بود.» اما چرا اوباما، به دنبال ایران بدون «مرگ بر آمریکا» است؟ پاسخ به این سؤال در کلام امام خمینی (ره) نهفته است که «ما همه شعارها بمان را با عمل محک زده ایم» (۶۷/۱۲/۳). لذا می‌دانیم که:

۱. برای خود بلکه ملجأ امنیتی بسیاری از ملت‌های منطقه است که آمریکا به بهانه تأمین امنیت وارد کشور و زندگی‌شان شده است. استحکام خط مقاومت از استمرار «مرگ بر آمریکا» جمهوری اسلامی ایران است و «همه‌ی این گله‌ها و ناراحتی‌ها از این است که نفوذ ایران گسترده شده» (۹۴/۴/۲۰) است. به همین دلیل مسئولین نظام اسلامی باید توجه داشته باشند تا پدیده‌های اتفاقی، «دست دادن‌ها» و «اقدامات نابجا» بی‌اساسی آنها صورت نگیرد که برخلاف سیاست‌های کلی نظام باشد یا سبب مخدوش شدن این تصویر موفق از مبارزه با استکبار شود و در خط مقاومت منطقه هم ایجاد تذبذب و دل‌سردی کند. آن‌ها نباید به جای نقطه‌های امیدبخش «دل‌را به نقطه‌های خیالی» بسپارند. (۹۳/۱۰/۱۷)

۲. اوباما گفت که شعار «مرگ بر آمریکا» برای شما شغل ایجاد نمی‌کند. وی جملات مشابهی را نیز در روزهای منتهی به نوروز ۹۲ درباره اقتصاد ایران بر زبان آورده بود. البته چند ماهی از این سخنان اوباما نگذشته بود که «اختلافات سیاسیون آمریکا بر سر مسائل مربوط به بودجه‌ی دولشان موجب شد شانزده هفده روز دولت آمریکا تعطیل بشود، هشتصد هزار کارمند به مرخصی اجباری» (۹۲/۸/۱۲) بروند. امروز ۴۷ درصد جمعیت آمریکا با احتساب بدهی‌های خود، هیچ ثروتی ندارند (ثروت صفر!)؛ چهار صد خانواده ثروتمند آمریکا، مجموعاً معادل ۶۲ درصد جمعیتشان ثروت دارند و... حال چگونه رئیس‌جمهور اینچنین نظام اقتصادی که خود گرفتار است، مدعی می‌شود که اگر «مرگ بر آمریکا» نگوید، وضع اقتصادی‌تان بهتر می‌شود؟ اتفاقاً ملت فهمیده است که مشکلات حوزه اقتصادی و معیشتی به این دلیل است که به‌طور کامل و قاطع «مرگ بر آمریکا» را عمل نکرده‌ایم. ما هنوز در این حوزه نتوانسته‌ایم وابستگی نظری و عملی به بیرون از مرزها را قطع کنیم. اگر همان بیست سال پیش آن هشدار را شنیده بودیم که «اقتصاد ما دچار این اشکال است که وابسته‌ی به نفت است و باید خودمان را از نفت جدا کنیم.» آن «آقایان به قول خودشان» تکنوکرات «لبخند انکار» (۹۲/۱/۱) نمی‌زدند و کمر هم می‌بستند و اقتصاد را از آن وابستگی نجات می‌دادند؛ امروز با این مشکلات اقتصادی روبه‌رو نبودیم. مشکلات اقتصادی ما برای گفتن «مرگ بر آمریکا» نیست بلکه برای عمل نکردن به آن است. آن «مرگ بر آمریکا» یی که نظام استبدادی شاهنشاهی را برانداخت و نظام سلطه را تحت تأثیر قرار داد، باید به ساختار و رفتار اقتصادی ما نیز جهت بدهد. کافی ست یک بار دیگر رجوع کنیم به تجربه موفق «مرگ بر آمریکا».

۱. «مرگ بر آمریکا» شعاری برگرفته از ذهنیت تاریخی ایرانی‌ها نسبت به رفتارهای استکباری حاکمیت آمریکا بوده که تاکنون استمرار هم داشته است. کاپیتالیسم، شلیک به هوایمهای مسافربری، کودتای نوژه و... و حتی «یکی از برکات همین مذاکرات اخیر این بود که دشمنی آمریکایی‌ها... با ایران و ایرانی، با اسلام و مسلمین آشکار شد.» (۹۲/۱۰/۱۹) در واقع «مرگ بر آمریکا» کسی به ملت ایران یاد نداد. (۷۳/۸/۱۱) و این شعار، زبان حال و حرف دل ملت‌های مظلوم و مستضعف جهان بوده است.

۲. راستی اگر شعار مرگ بر آمریکا کارآمد نیست و اگر در عمل جواب نداده، پس چرا نظام سلطه به دنبال حذف یک شعار «ایرانی‌وی عمل» است؟ آیا تقاضای حذف این شعار به اینک «امروز در خیلی از کشورها صدای مرگ بر آمریکا بلند میشود» بر نمی‌گردد؟ آیا هدف نظام سلطه این نیست که با تغییر ذهنیت مردمی که «شاخ ابرقدرت‌ی ابرقدرت‌ها» را شکسته‌اند، ملت‌های الهام‌گرفته از حرکت ملت ایران را نسبت ادامه حرکت خود دچار تردید کنند؟ تجربه تسخیر لانه جاسوسی و حوادث مصر نشان داد که حتی «هزاره‌ی با استبداد بدون مبارزه‌ی با آن قدرت خارجی‌ای که پشت سر دیکتاتور و مستبد قرار دارد، به جایی نمی‌رسد... همچنان که در بعضی از انقلاب‌های این چند سال اخیر ملاحظه کردیم» (۹۲/۱۲/۱۹). به همین دلیل است که جریان غرب‌گرای داخلی تلاش می‌کند تا با «بزک» آمریکا، ماهیت استکباری او را کم‌رنگ کند. این جریان، دو راهبرد اصلی را دنبال می‌کند: ۱. «تحریف اصول امام خمینی (ره)»؛ تا با «تفسیر غلط از امام» شاخص را تغییر دهند. (۹۲/۴/۳۰)؛ ۲. مخدوش کردن اصل استکبارستیزی. اگر این جریان بتواند ذهنیت مردم را تغییر دهد؛ به تبع آن مرز بین جبهه حق و باطل کم‌رنگ می‌شود، آن وقت راه نفوذ آمریکا به بهترین شکل ممکن هموار خواهد شد.

۳. اوباما ادعا کرده که با شعار مرگ بر آمریکا امنیت بیشتر برای ایران فراهم نمی‌شود. نگاهی گذرا به وضعیت کشورهایی در منطقه که مرگ بر آمریکا نگفته‌اند و نمی‌گویند و نیز کشورهایی که آمریکا برای برقراری امنیت به آنجا ورود کرده است، میزان توهم اوباما را نشان می‌دهد. اتفاقاً امنیت ایران حاصل عمل به شعار «مرگ بر آمریکا» است که با ایجاد عمق استراتژیک، خاکریز خود را تا مرزهای رژیم اشغال‌گر قدس رسانده است. بیش از سه دهه مقاومت و تلاش ایران در جهت دستیابی به دست برتر امنیتی در منطقه، نه تنها

که در آن جان و مال و عرض انسانها بی‌ارزش است، کمک به هم‌نوع، جایی در آن ندارد و دلها سرشار از قساوت است. نگاهی که رهبر انقلاب از آن با عنوان «جاهلیت مدرن» نام می‌برند. (۹۴/۰۲/۲۶) وجود جهت‌گیری‌هایی که در همین چند خط بدان اشاره شد، ذهنهای قضاوت‌گر و دلسوز را به این نتیجه می‌رساند که افراد با چنین دیدگاه و گرایشاتی، صلاحیت لازم برای اداره اجتماع عظیم مسلمانان در مراسم حج را ندارند.

۵. درباره‌ی حادثه‌ی منا نباید فراموش کنیم که این اولین سالی نیست که بی‌کفایتی و سوء مدیریت حکام سعودی در اداره‌ی حج، منجر به جان باختن حجاج بی‌پناه بیت‌الله الحرام از کشورهای مختلف میشود. در چهل سال گذشته بیش از سیزده حادثه‌ی ناگوار ناشی از بی‌کفایتی اتفاق افتاده است که در غالب آنها صدها تن از زائران جان باخته‌اند: خفگی بیش از چهار صد تن در تونل منتهی به مسجدالحرام در سال ۶۹، مرگ حدود ۲۷۰ نفر در رمی جمرات در سال ۷۳، سوختن بیش از ۳۴۰ نفر حادثه‌ی آتش‌سوزی عظیم کمپ زائران در سال ۷۶، جان باختن حدود ۲۵۰ و ۳۶۰ نفر در مراسم رمی جمرات سال ۸۲ و ۸۴ و حادثه سقوط جرثقیل در کنار خانه‌ی خدا در مراسم حج امسال بر خسی از نمونه‌های معروف‌تر این فهرست بلند است که البته جدای از کشتار خونین مکه در سال ۱۳۶۶ می‌باشد. امسال اما این فاجعه‌ی خونین با سال‌های گذشته از ابعاد مختلف تفاوت‌های قابل توجهی دارد: «چند جوان بی‌تجربه، امور آن کشور را در دست گرفتند و دارند آن جنبه‌ی توخس را غلبه میدهند بر جنبه‌ی متانت و ظاهر سازی؛ این به ضررشان تمام خواهد شد» مجموعه‌ی این شرایط است که تردیدهای جدی را در خصوص صلاحیت و کفایت برگزاری مراسم پرشکوه حج توسط خاندان آل سعود در اذهان ملت‌های مختلف ایجاد کرده است. به همین دلیل لازم است کمیته حقیقت‌یابی از ملل مسلمان تشکیل شود تا ابعاد این فاجعه به خوبی روشن شود و براساس آن قضاوت نهایی صورت گیرد. اما اگر دولت سعودی این راه منطقی و عاقلانه را نپیماید و مودی‌گری‌هایی که منجر به این فاجعه شده را ادامه دهد، با پاسخ قاطعی مواجه خواهد شد که دیگر در آن خبری از خویش‌داری‌های گذشته نخواهد بود: پاسخ سخت و خشن نظام مقتدر و مظلوم جمهوری اسلامی ایران. که در آن صورت اوضاع سعودی خوب نخواهد بود. (۹۴/۰۷/۰۸)



مروری بر بیانات مهم و خطیر رهبر معظم انقلاب درباره‌ی منازعه‌ی تاریخی نظام اسلامی و نظام سلطه

مباهله در قرن ۲۱



«به یک نکته‌ای توجه کنید: ما مواجیهیم با یک حمله‌ی همه‌جانبه‌ی فرهنگی و اعتقادی و سیاسی اعلام نشده» این کلمات، حامل هشدار صریح و تاریخی از سوی رهبر معظم انقلاب که به صورت طبیعی باید برای همه نیروهای مؤمن و انقلابی کشور بسیار مهم و قابل توجه باشد. جملاتی که همین چند روز پیش در دیدار اعضای ستاد کنگره شهدای استان چهارمحال و بختیاری از طرف ایشان بیان شد. به ادامه‌ی این بیانات هشدار آمیز و تکان دهنده توجه کنید: «یعنی شما حالا که من دارم میگویم، قاعدتا از من قبول میکنید لکن اطلاع ندارید از آنچه دارد اتفاق می‌افتد؛ بنده اطلاع دارم از آنچه دارد اتفاق می‌افتد؛ من دارم میبینم چه دارد اتفاق می‌افتد؛ لشکر فرهنگی دشمن و لشکر سیاسی دشمن با همه‌ی ابزارهایی که برایشان ممکن بوده، حمله کرده‌اند به ما...»

«برای سست کردن اعتقادات دینی ما، سست کردن اعتقادات سیاسی ما، تقویت نارضایی‌ها در داخل کشور، جذب جوانها بخصوص جوانهای فعال و اثرگذار در سطوح مختلف برای مقاصد خودشان؛ دارند کار میکنند.» (۹۴/۷/۱۳) اعلام آماده باش اما فصل مهمی از گفتگوی رهبر معظم انقلاب با جوانان مومن و انقلابی در سراسر کشور است: «جوانهای عزیز! بدانید که عرصه‌ی شرف، عرصه‌ی عظمت، عرصه‌ی هویت اسلامی و ایرانی عرصه‌ای است که در آن شجاعت لازم است، فداکاری لازم است، دانش لازم است، ایمان عمیق لازم است؛ خودتان را آماده کنید؛ همه‌ی جوانها مخاطب این حرفند» (۹۴/۷/۸)

● **صف‌بندی منازعه و چگونگی آرایش دشمن**
حضرت آیت‌الله خامنه‌ای اما کار را به همین جا ختم نمی‌کنند. جامعه مؤمن و انقلابی باید بداند که با چه آرایشی از سوی دشمن مواجه است. صف‌بندی دو سوی این منازعه چگونه است و چرا این حمله‌ی «همه‌جانبه» اینقدر در مقایسه با همه‌ی منازعات و چالش‌هایی که نظام اسلامی با آن مواجه است از اهمیت بالاتری برخوردار است. شاید یکی از مهمترین دلایل خطرناک بودن این منازعه، فعالیت دشمن برای نفوذ بر فضای سیاسی

بر سلطه‌ی بر دیگران است... آن کسانی که سردمداران نظام سلطه‌اند، آنها دشمن هستند. اگر یک مصداق خارجی هم بخواهیم برایش مشخص کنیم، رژیم ایالات متحده‌ی آمریکا است. مظهر کامل نظام سلطه، رژیم ایالات متحده‌ی آمریکا است.» (۹۴/۵/۲۶) گاهی به «پایه‌های» برنامه جدید دشمن می‌پردازند و «ایجاد اختلاف» و «نفوذ» را راهبرد جدید دشمنان عنوان می‌کنند و مقدمات مورد نیاز آن را تشریح می‌کنند: «میخواهند در کشورهای اسلامی و در کشورهای این منطقه، یک نفوذی به وجود بیاورند که تا ده‌ها سال ادامه داشته باشد. امروز آمریکا آبروی گذشته را در این منطقه ندارد؛ میخواهند این را بازسازی کنند. در کشور ما هم قصدشان همین است.» (۹۴/۵/۲۶) گاهی برنامه دشمن برای تحقق همین اهداف را برمی‌شمارند:

رهبر انقلاب مانند یک راهبر و فرمانده‌ی عالی که در آستانه‌ی یک عملیات، فرماندهان، افسران و در نهایت همه نیروهای خود را درباره اهمیت، ابعاد و نقشه عملیات توجیه می‌کند، در ماه‌ها و به خصوص هفته‌های اخیر به وضوح نسبت به یک جنگ تمام عیار و همه‌جانبه سیاسی، فرهنگی و اقتصادی هشدار داده و در هر دیدار و سخنرانی خود به فراخور موضوع و یا مخاطبان بخش‌های مختلفی از ابعاد این منازعه‌ی بزرگ را تشریح می‌کنند.

● **تعریف نظام سلطه و مصداق کامل دشمن**
ابتدا ضمن بازتعریف مجدد دشمن، این پدیده خطیر را می‌شناسانند: «مراد ما از دشمن عبارت است از نظام استکبار؛ یعنی قدرتهای استکباری؛ قدرتهایی که حیاتشان متوقف

شماره



۲

جنگ پیدا؛ جنگ پنهان

تدبیر و خانه‌دار باشد، خانواده را حفظ میکند؛ اما اگر زن از خانواده‌ای گرفته شد، مرد نمیتواند خانواده را حفظ کند. ۷۵/۱۲/۲۰ بعد از آنکه خانواده به برکت وجود زن، شکل گرفت؛ آنگاه نوبت به رکن مهم خانواده یعنی «تربیت» می‌رسد. «از جمله وظایفی که بر عهده‌ی زنان در داخل خانه و خانواده است، مسأله‌ی تربیت فرزند است. ۷۵/۱۲/۲۰» و همین تربیت است که سبک زندگی را می‌سازد.

● چالش‌های امروز

اما وضعیت خانواده امروز در این نبرد جدا از نقاط قوتی که دارد دچار چالش‌های اساسی هم هست. به طوری که رهبر انقلاب اسلامی بارها در این باره هشدار داده‌اند. نمونه‌هایی مانند «بالا رفتن سن ازدواج» که منجر به «تجرد قطعی» و «زیر سوال بردن تقدس ازدواج»، «تشریفات بالای ازدواج و سخت‌گیری‌ها و مهریه‌های سنگین و تجملاتی که هیچ ضرورتی به وجودشان نیست، لاجرم دست جوان را برای تشکیل زندگی می‌بندد»، «کمرنگ شدن سنت خواستگاری» و حتی بالا رفتن آمار طلاق و نگرانی از «پدیده کاهش جمعیت» و... از جمله این موارد است. بیاناتی با این موضوع بارها حتی بالحن تند تکرار شده است. اینکه ما برای الگوی زندگی کردن مردم طرح و برنامه ای نداشته باشیم، بدین معنا نیست که دشمنان هم بیکار نشسته و کاری نمی‌کنند. رهبر انقلاب در بیانات اخیرشان با نگرانی، خبر از طرح دشمن دادند. «حمله‌ای همه‌جانبه و اعلام‌نشده در حوزه فرهنگ، اعتقاد و سیاست برای سست کردن اعتقادات دینی ما، سست کردن اعتقادات سیاسی ما ۹۴/۷/۱۳».

وقتی ایمان و اعتقاد از بین رفت، سبک زندگی هم تغییر خواهد کرد. زیرا «بر اساس این ایمان، سبک زندگی انتخاب خواهد شد. ۹۱/۷/۲۳» در این نبرد، غربی‌ها تئوری می‌سازند؛ با رسانه‌ها و عواملشان ترویج شهوترانی می‌کنند، شبهه‌افکنی می‌کنند تا رفتارهای مردم به خصوص جوانان انقلاب اسلامی را تحت تاثیر خود قرار دهند. اما زن مسلمان ایرانی آزمون خود را پس داده است؛ او همان شخصیتی است که در «دوران انقلاب و در جنگ تحمیلی، فرزندان خود را به سربازان جانباز و شجاع در راه اسلام و مسلمین تبدیل کردند، و همسران در دوران انقلاب و دوران جنگ تحمیلی، شوهران خود را به انسانهای مقاوم و مستحکم مبدل ساختند. این است نقش و تاثیر زن بر روی فرزند و شوهر. این، نقشی است که زن میتواند در داخل خانواده ایفا کند و جزو بزرگترین نقشهاست. و به نظر من از همه‌ی کارهای زن مهمتر، همین کار است. ۹۰/۱۰/۱۴»

مقامات ارشد آمریکایی مدتی است که از آرزوییشان برای «تغییر رفتار ملت ایران سخن می‌گویند. آمریکایی‌ها دیگر از "براندازی" صحبت نمی‌کنند زیرا این روش را آزموده‌اند و می‌دانند که با آن نمی‌توانند انقلاب اسلامی را از بین ببرند. «آن‌ها می‌گویند ما تغییر نظام را نمی‌خواهیم، تغییر رفتار را می‌خواهیم. ۹۳/۱۲/۲۱»



● تغییر رفتار

از طرف دیگر خود انقلاب اسلامی هم عملکرد و رفتار خاص خود را دارد. زیرا رفتار «بخش حقیقی {پیشرفت} ۹۱/۷/۲۳» انقلاب اسلامی است. همین رفتارهای روزمره یعنی «آن چیزهایی که متن زندگی ما را تشکیل میدهد؛ که همان سبک زندگی است؛ مثل مسئله‌ی خانواده، سبک ازدواج، نوع مسکن، نوع لباس، الگوی مصرف، نوع خوراک، نوع آشپزی، تفریحات و... بخش حقیقی و اصلی تمدن است. ۹۱/۷/۲۳» و همین هاست که برای دیگر ملت‌ها هم الگوساز است. اهمیت سبک زندگی چنان است که امریکایی‌ها به روشنی از تلاش برای تغییرش یاد می‌کنند و رهبر انقلاب از جایگاه محوری آن در آینده انقلاب اسلامی. امروز شاهد نبرد دو سبک زندگی هستیم «سبک زندگی ایرانی-اسلامی» در مقابل «سبک زندگی غربی» که برنده آن علاوه بر اینکه بر رفتار مردم تاثیر می‌گذارد؛ مسیر آینده انقلاب را مشخص خواهد کرد.

● زن مهمترین پاسدار سبک زندگی

اما کانون همه نبردها در حوزه سبک زندگی، پیرامون عنصر خانواده شکل می‌گیرد «بدون خانواده‌های خوب، امکان پیشرفت نیست. ۹۰/۱۰/۱۴» زیرا خانواده «سلول اصلی در جامعه است. نه اینکه اگر این سلول سالم شد، سلامت به دیگرها سرایت میکند؛ یا اگر ناسالم شد، عدم سلامت به دیگرها سرایت میکند؛ بلکه به این معناست که اگر سالم شد، یعنی بدن سالم است. بدن که غیر از سلولها چیز دیگری نیست. هر چیزی، مجموعه‌ی سلولهاست. اگر ما توانستیم سلولها را سالم کنیم، پس سلامت آن جهاز را داریم. مسئله اینقدر اهمیت دارد. ۹۰/۱۰/۱۴»

مهمترین نقش در این نبرد بر عهده "زن" است. زیرا «خانواده را هم زن به وجود می‌آورد و اداره میکند... آن عنصر اصلی تشکیل خانواده، زن است، نه مرد. بدون مرد، ممکن است خانواده‌ای باشد. یعنی اگر فرض کنیم در خانواده‌ای، مرد خانواده حضور نداشته باشد، باز دنیا رفته باشد، زن خانواده اگر عاقل و با

و رسانه‌ای کشور و در نهایت تغییر رفتار در مسئولان جمهوری اسلامی است. حضور معدود عوامل «بی‌خیال» و «سهیل‌اندیش» که البته فعالانه و برخی با «کمک دشمن» در روزنامه‌ها و سایت‌ها می‌نویسند و سخنرانی می‌کنند بر حساسیت این مسأله افزوده است. چرا که این زبان‌ها و قلم‌ها «به دنبال تغییر محاسبات مسئولان و تغییر افکار مردم در خصوص مسائل انقلابی، دینی و مصالح ملی کشور هستند.» (۹۴/۷/۱۵) «آماج اصلی هم جوانپایند» تا «فکر انقلابی، دینی و چه ایده‌هایی که مربوط به مصالح کشور است» (۹۴/۷/۱۵) را در ذهن آنها تغییر بدهند.

● مباحثه بهترین توصیف برای وضعیت کنونی

گرچه رهبر معظم انقلاب در این مقطع حساس نیز همچون گذشته نهایت اعتماد و اطمینان را به جوانان حزب‌اللهی و انقلابی در سراسر کشور دارند: «در یک چنین وضعیتی جوانهای کشور خیلی باید بیدار باشند و الحمدلله بیدارند... بنده از این جهت هیچ نگرانی ندارم.» (۹۴/۷/۱۵) و بر مبنای همین اعتماد کامل است که صف‌بندی و آرایش نهایی دو سوی این منازعه‌ی تاریخی را با آنها در میان می‌گذارد: «همان‌گونه که در قضیه‌ی مباحثه در صدر اسلام، همه‌ی ایمان در مقابل کفر قرار گرفته بود، امروز نیز در جمهوری اسلامی ایران، همه‌ی ایمان در مقابل کفر قرار گرفته است.» (۹۴/۷/۱۵) «کفر» در برابر «همه ایمان»؛ این تصویری است که ایشان از منازعه بزرگ و تاریخی ملت ایران و همه نیروهای مومن و انقلابی ارائه می‌دهد. تصویری بی‌سابقه و بسیار سرنوشت‌ساز در تاریخ انقلاب اسلامی که در ورای خود، نشان‌دهنده‌ی جایگاه ملت مؤمن و انقلابی ایران در منظر رهبر معظم انقلاب است. رهبر حکیم و دوراندیش انقلاب اما در کنار نشان دادن مسیر حرکت، پایان این راه پرخطر را هم ترسیم می‌کنند. تصویری امیدبخش و برانگیزاننده از پایان کار «مباحثه در قرن بیست و یکم» مانند همه وعده‌ها و پیش‌بینی‌های ایشان که در همه ۲۶ سال گذشته محقق شده است: «همانگونه که در آن زمان صفای معنوی پیامبر (ﷺ) و خاندان ایشان توانست دشمن را از میدان خارج کند، امروز هم ملت ایران با اقتدار معنوی خود، دشمن را از میدان خارج خواهد کرد.» (۹۴/۷/۱۵)

این پیش‌بینی هم مانند تمام موارد قبلی از یک مبنای محکم قرآنی و فقهی برخوردار است: «اگر برای یاری دین خدا آماده و پابه‌رکاب باشیم، قطعاً وعده‌ی الهی مبنی بر نصرت یاری‌کنندگان دین خدا، محقق خواهد شد و بدخواهان نظام اسلامی در طرح‌ها و برنامه‌های امنیتی، نظامی، اقتصادی و فرهنگی شکست خواهند خورد.» (۹۴/۷/۱۵) ●



خون پاک سردار شهید حسین همدانی در راه چه هدفی بر زمین ریخته شد؟

سوریه نقطه استراتژیک مقاومت

"سردار سر تیپ پاسدار حسین همدانی از مستشاران ارشد نظامی ایران در سوریه، در حوالی حلب به شهادت رسید." خبر کوتاه بود. آنها که شهید را می شناختند آه افسوس و حسرت کشیدند. عده‌ای هم بودند که برایشان سوال شد سردار در سوریه چه می کرد؟ به راستی چرا خون مطهر حاج حسین همدانی صدها کیلومتر دور تر از وطن و در شمالی ترین استان سوریه به زمین ریخته شد؟



۱. اهمیت استراتژیک سوریه در محور

مقاومت: اگر چه پادشاه جوان اردن در سال ۱۳۸۳ از سوی غربی‌ها ماموریت یافت کلید واژه "هلل شیع" را وارد ادبیات سیاسی جهان اسلام کند تا به ایران هراسی و شیعه هراسی دامن بزند، اما امروز بیش از آن سخن از محور مقاومت و موفقیت هایش در سطح منطقه رواج دارد. بارزترین نکته در مروری اجمالی بر تحولات سالهای اخیر منطقه غرب آسیا، نزاع محور مقاومت با رژیم صهیونیستی و اذتاب منطقه‌ای و فرمانطقه آن و دست بالای محور مقاومت در همه این سالهاست. آزادسازی جنوب لبنان، جنگ ۳۳، نبرد ۲۲ و ۸ روزه غزه در کنار توفیقات روز افزون جمهوری اسلامی در حوزه‌های علمی، نظامی و هسته‌ای گوشه‌ای از دست آوردهای نیروهای انقلابی و جهادی در پهنه دریای مدیترانه تا خلیج فارس است. به همین دلیل اسرائیل و حامیانش فرصت بحران داخلی سوریه را غنیمت شمرده و همه همت خود را مصروف ضربه زدن به محور مقاومت از طریق فروپاشی دولت این

کشور و از بین بردن تمامی زیرساخت‌ها و توان نظامی آن، کردند. اکنون سوریه نماد مقاومت و شکست‌ناپذیری آن است. نکته‌ای که سید حسن نصر... هم به آن اشاره می کند: «زمانی که جوانان مادر سوریه به شهادت می رسند برای لبنان و سوریه و فلسطین شهید می شوند اگر سوریه رفت، فلسطین و قدس از دست می روند و گم می شوند». سوریه در سالهای متوالی از سویی همچون خاکریزی گسترده در مقابل تجاوزات صهیونیستها پایداری کرده تا مانع گسترش خطر اسرائیل شود و از سوی دیگر مسیری امن و کانالی مطمئن برای حمایت و پشتیبانی از حزب... لبنان و حماس و جهاد و سایر گروه‌های فلسطینی بوده است. به همین دلیل است که سید مقاومت می گوید: «اگر سوریه سقوط کند مقاومت محاصره خواهد شد و اسرائیل به لبنان خواهد آمد و همه دستاوردهای مقاومت از بین خواهد رفت، سوریه "کمر مقاومت" است و مقاومت نمی تواند همین طور تماشاچی باشد و ببیند که این کمر شکسته می شود.»

۲. حضور گروه‌های تکفیری - تروریستی در

شام: مهمتر از تهدیدات امنیتی این گروه‌ها برای منطقه ما و بلکه کل جهان، اندیشه و برنامه‌ای است که چنین گروه‌هایی را تاسیس و تجهیز کرد. سیمور هرش تحلیلگر سرشناس آمریکایی در سال ۲۰۰۷ در گزارشی از همکاری دولت وقت آمریکا و عربستان سعودی برای تضعیف ایران و حزب... در سوریه و لبنان خبر داده و محصول جانبی این همکاری را رشد و روی کار آمدن گروه‌های افراطی سلفی در منطقه می داند. غرب با راه‌اندازی و حمایت از این گروه‌ها دو هدف را دنبال می کند؛ اولاً انحراف در مسیر بیداری اسلامی و تضعیف محور مقاومت؛ ثانیاً ادامه بازی نخ‌نما شده مبارزه با تروریسم و تشکیل ائتلاف فشل ضد داعش تا بلکه بتوانند از طریق آن هم خود را فرشته نجات جا بزند و هم نقش خود را در تقویت داعش، النصره و... پنهان کند. حال این سوال مطرح می شود که چرا عده‌ای هنوز به صداقت و توانمندی آمریکا باور دارند و برای حل مشکلات به آن دخیل می بندند؟

۳. دفاع از اماکن مذهبی و مقدسات: با

این همه تنها وجود بارگاه حضرت زینب(س) و دیگر اماکن مذهبی هم کافی است تا چرایی حضور مستشاری ایران در سوریه و شهادت شاطری‌ها، دادی‌ها، باغبانی‌ها و همدانی‌ها مشخص شود. آنها شب و روز در جای جای سوریه مبارزه کردند تا امنیت روز و شب تهران و مشهد و اصفهان و زاهدان فراهم شود. «این شهید همدانی که چند روز قبل شهید شد... اینها اسمی هم ندارند؛ یک تعدادی شان معروف میشوند و شناخته میشوند، اکثرشان معروفیتی هم ندارند اما اینها دارند امنیت را برای من و شما حفظ میکنند. اگر امنیت نباشد، دانشگاه نیست، تحقیق نیست، پژوهش نیست، نخبه‌سازی نیست. آنجایی که امنیت نیست، در واقع هیچ چیز نیست» (۹۴/۷/۲۲) هوشیاری این است که دشمن را در نه در خانه یا پشت در بلکه هزاران کیلومتر آن ورتر متوقف کنی و شکست دهی، راهبردی که ایران انقلابی آن را با حاج "احمد متوسلیان" و پاراننش آغاز کرد و تا حضور در سوریه و راه‌اندازی گروه‌های "دفاع وطنی" و تشدید روحیه مقاومت و انقلابی‌گری در سوریه‌ها ادامه داشت. درست از همان ایام بود که ورق در شام برگشت و حلقه محاصره دمشق شکسته شد تا بار دیگر بر همگان اثبات شود که محور مقاومت هر جا که پا بگذارد موفقیت‌ها را به نام خود ثبت می کند. موضوعی که رهبر معظم انقلاب اینگونه به آن اشاره می کنند: «جمهوری اسلامی، به توفیق الهی و به حول و قوه‌ی الهی، نه فقط مانع نفوذ دشمن در درون خود می شود، بلکه [تا حدود زیادی مانع پیاده کردن نقشه‌های

بازشناسی عبرت‌های عاشورا برای امروز اگر روحیه بسیجی کنار برود



حضرت آیت‌ا... خامنه‌ای براساس "بینشی قرآنی" جایگاهی والا برای تاریخ قائل هستند: «اگر تاریخ یک چیز اصلی نبود، قرآن با این عظمت - که اصلاً برنامه‌ی انسان‌سازی و برنامه‌ی بشریت است - تاریخ را وارد خودش نمی‌کرد... بنابراین، تاریخ مهم است.» ۱۳۷۰/۱۱/۰۸

در این بینش "درس و عبرت‌گیری" از تاریخ مسئله‌ی اصلی است: «قرآن به ما می‌گوید: نگاه کنید و از گذشته‌ی تاریخ، درس بگیرید... قرآن که صادق مصدق است، ما را به عبرت گرفتن از تاریخ دعوت میکند.» ۱۳۷۵/۰۳/۲۰ این نگاه به تاریخ بر پایه مهم تغییر نیافتن "جبهه‌بندی‌های اصلی بشر" در طول تاریخ متکی است: «رنگهای زندگی عوض میشود، روشهای زندگی عوض میشود؛ اما پایه‌های اصلی زندگی بشر و جبهه‌بندی‌های اصلی بشر، تغییری پیدا نمی‌کند.» ۱۳۷۹/۰۲/۰۱

لازمه‌ی عبرت‌گیری از تاریخ "دغدغه داشتن نسبت به آینده" است. میتوان با استخراج و فهم عمیق درس‌ها و عبرت‌ها، ضمن شناخت نقش خود، نسبت به وظایف خود آگاه شد: «در تاریخ چیزی هست که اگر بخواهیم از آن عبرت بگیریم، باید دغدغه داشته باشیم. این دغدغه، مربوط به آینده است... تاریخ یعنی من و شما... ببینیم در کدام قسمت داستان قرار گرفته‌ایم. بعد ببینیم کسی که مثل ما در این قسمت قرار گرفته بود، آن روز چگونه عمل کرد که ضربه خورد؟ مواظب باشیم آن طور عمل نکنیم.» ۱۳۷۵/۰۳/۲۰

یکی از اصلی‌ترین وقایع تاریخی که با نگاه درس آموزی و عبرت‌گیری از سوی رهبری مورد توجه قرار گرفته ماجرای "قیام امام حسین (ع)" و نهضت عاشورا است. در بحث عبرت‌های عاشورا، حضرت آیت‌ا... خامنه‌ای سؤالی مهم و بنیادین را مطرح می‌کنند: «ببینیم چه شد که پنجاه سال بعد از درگذشت پیغمبر صلوات‌الله و سلامه علیه، جامعه اسلامی به آن حدی رسید که کسی مثل امام حسین (ع)، ناچار شد برای نجات جامعه اسلامی، چنین فداکاری‌ای بکند؟... آن جامعه‌اسلامی، چه آفتی پیدا کرد که کارش به یزید رسید؟» ۱۳۷۱/۰۴/۲۲

رهبر انقلاب به قربانگاه رفتن امام حسین (ع) پنجاه سال بعد از درگذشت پیغمبر (ص) و حاکم شدن شخصی چون یزید بر جامعه‌ی اسلامی را نتیجه‌ی یک بیماری در جامعه‌ی آن زمان دانسته و شناخت این بیماری و آفت را برای جامعه‌ی

اسلامی امروز ایران فوری‌تر از سایر درس‌ها و عبرت‌های عاشورا می‌داند: «اگر بیماری‌ای وجود دارد که میتواند جامعه‌ای را که در رأسش کسانی مثل پیغمبر اسلام و امیرالمؤمنین (ع) بوده‌اند، در ظرف چند دهه سال به آن وضعیت برساند، این بیماری، بیماری خطرناکی است و ما هم باید از آن بترسیم... جامعه ما خیلی باید مواظب باشد که به آن بیماری دچار نشود. عبرت، این جاست! ما باید آن بیماری را بشناسیم؛ آن را یک خطر بزرگ بدانیم و از آن اجتناب کنیم. به نظر من این پیام عاشورا، از درس‌ها و پیام‌های دیگر عاشورا برای ما امروز فوری‌تر است.» ۱۳۷۱/۰۴/۲۲

حضرت آیت‌ا... خامنه‌ای دو عامل را به عنوان عوامل اصلی این گمراهی معرفی کرده‌اند: «دو عامل، عامل اصلی این گمراهی و انحراف عمومی است: یکی دور شدن از ذکر خدا که مظهر آن نماز است. فراموش کردن خدا و معنویت؛ حساب معنویت را از زندگی جدا کردن... دوم «وأتبعوا الشهوات»؛ دنبال شهوات رانیها رفتن؛ دنبال هوسها رفتن و در یک جمله: دنیاطلبی. به فکر جمع‌آوری ثروت، جمع‌آوری مال و التذاد به شهوات دنیا افتادن. اینها اصل دانستن و آرمانها را فراموش کردن. این، درد اساسی و بزرگ است. ما هم ممکن است به این درد دچار شویم.» ۱۳۷۱/۰۴/۲۲

رهبر انقلاب اسلامی حفظ ارزش‌ها را ضامن دوام نظام امامت دانسته و از بین رفتن ارزش‌ها، فراموشی آرمان‌ها و انزوای جوانان مومن را زمینه‌ساز انحراف و گمراهی می‌داند: «اگر این ارزش‌ها را نگه داشتید، نظام امامت باقی میماند. آن وقت امثال حسین بن علی (ع)، دیگر به مذبذب برده نمی‌شوند. اما اگر اینها را از دست دادیم چه؟ اگر روحیه بسیجی را از دست دادیم چه؟ اگر به جای توجه به تکلیف و وظیفه و آرمان الهی، به فکر تجملات شخصی خودمان افتادیم چه؟ اگر جوان بسیجی را، جوان مؤمن را، جوان بااخلاص را درانزوا انداختیم و آن آدم‌پرو روی افزون خواه پرتوقع بیصفای بیمعنویت را مسلط کردیم چه؟ آن وقت همه چیز دگرگون خواهد شد... باید در مقابل انحرافی که ممکن است دشمن بر ما تحمیل کند، بایستیم. پس، عبرت‌گیری از عاشورا این است که نگذاریم روح انقلاب در جامعه منزوی و فرزند انقلاب گوشه‌گیر شود. عده‌ای مسائل را اشتباه گرفته‌اند.» ۱۳۷۱/۰۴/۲۲

دشمن در منطقه هم شده است» (۹۴/۷/۱۵). همین عزم و اراده همراه با برنامه‌ریزی دقیق و حضور منسجم است که باعث شده سوری‌های که یکی از حامیان برجسته منطقه‌ایش سه سال پیش گفت "می‌خواهد تا چند هفته دیگر با برادرانش - همان تروریست‌های مخالف حکومت سوریه - در مسجد اموی دمشق نماز بخواند"، اکنون در شرایطی قرار بگیرد که روسیه با قوای نظامی همسوتر با محور مقاومت به هدف قرار دادن مواضع تکفیری‌ها پردازد و چین هم عزمش را برای کمک نظامی در سوریه جزم تر نماید. لذا امروز دشمن متجاوز که طبیعتش در "پنجه انداختن" است احساس کرده که خاکریز سوریه قابل نفوذ نیست و سخن از راه حل سیاسی به میان می‌آورد. این‌ها همه از "توفیقات مقاومت" است و ناشی از خون پاک شهدای سوری، ایرانی، عراقی، لبنانی، افغانی و ... در این سرزمین پیر و جوان، از سردار همدانی تا جهاد مغنیه، خون‌شان به زمین ریخت تا درخت مقاومت و بیداری اسلامی را آبیاری کنند تا امروز به جایی برسد که "ترهبون به عدو... و عدوکم". در تحلیل وقایع سوریه مهمترین مسئله گم نکردن ریشه اصلی و پشت پرده آن است. متوقف شدن در گروه‌های تکفیری و اقداماتشان بدون توجه به علل و حامیان شکل‌گیری آنها به بیراه رفتن است. نمی‌توان موضوعی چالشی را در منطقه غرب آسیا بررسی کرد و ردی از صهیونیستها ندید. محور سیاست‌های آمریکا در منطقه هم حفظ و تقویت این رژیم جعلی است. از همین جاست که اختلاف مبنایی ما با آمریکایی‌ها آغاز می‌شود ما رژیم صهیونیستی را غده سرطانی می‌دانیم که «۲۵ سال آینده را نخواهد دید» و آمریکا حفظ کبان آن را اصل تغییرناپذیر سیاست خارجی‌اش. از منظر آمریکایی‌ها، خاورمیانه جدید، تجزیه منطقه، راه‌اندازی و حمایت از گروه‌های تروریستی، پشتیبانی تمام‌قد از رژیم‌های دیکتاتوری، همه و همه برای حفظ امنیت اسرائیل است. مایه تعجب این است که «سهل‌اندیشان» داخلی این تضاد آشکار را نمی‌بینند و می‌گویند چرا با مذاکره‌ی با آمریکا مخالفت می‌کنید؟ مگر می‌شود سرداری چون حاج حسین همدانی پس از حدود ۴۰ سال مبارزه و جهاد، سرانجام برای تامین امنیت ایران و جلوگیری از نفوذ دشمنان در ستیز با ایادی آمریکا به شهادت برسد و اقلیتی «بی‌خیال» و «ساده‌اندیش» که، در مقابل انبوه عظیم جمعیت انقلابی و آگاه و بصیر کشور چیزی نیستند اما فعالند، بدنبال مذاکره با شیطان بزرگ برای رسیدن به آرزوهای خود باشند؟ واقعیت این است که شهادت همدانی سندن "پنجه در پنجه" بودن ما با نظام سلطه و آمریکاست. کوتاه‌اندیشی و بی‌فکری است اگر این "اتفاق" را "دست دادن" بدانیم. ●

گزارش تحلیلی «خط حزب...» از فرآیند مذاکرات هسته‌ای و نقشه جدید دشمن برای مهار ایران؛

تله مذاکره



«تروریسم» این روزها به کلیدواژه‌ای تبدیل شده که مانند یک تله‌ی آمریکایی عمل می‌کند. تاکتیک آمریکایی‌ها برای تسلیم ایران در سال‌های اخیر الگوی «فشار- مذاکره» بوده است. در این الگو برای فشار به ایران در موضوع هسته‌ای، از ابزار تحریم استفاده کردند. به تعبیر هیلاری کلینتون، وزیر خارجه وقت آمریکا «تحریم‌ها آمد تا با فشارهای اقتصادی، مردم را از حاکمیت جدا کند». به عبارت دیگر گفتند ما آنقدر تحریم می‌کنیم و فشار می‌آوریم تا ایران تسلیم و مجبور به سازش شود. بهانه پرونده هسته‌ای، نگرانی از دستیابی ایران به بمب اتم بود. آن‌ها می‌خواستند تحریم‌ها چنان عمل کند که ایران مجبور به مذاکره‌ای شود که در آن با واگذاری صنعت هسته‌ای در قبال رفع تحریم‌ها تسلیم خواسته آمریکایی‌ها شود. کاندولیز رایس وزیر خارجه وقت آمریکا اعلام کرده بود «آمریکا برای آغاز مذاکرات با ایران یک شرط دارد و آن، هم‌چنان تعلیق فعالیت‌های مربوط به غنی‌سازی و بازآوری است» (۸۷/۴/۲۹). هدف دوم آن‌ها این بود که با تسلیم شدن ایران در موضوع هسته‌ای، الگوی مقاومت جمهوری اسلامی در میان ملت‌ها مخدوش شود. بنابراین هدف آمریکایی‌ها از پیگیری الگوی «فشار- مذاکره» استفاده از اهرم «فشار» برای «تسلیم» ایران بود.

● الگوی دولایه

الگوی آمریکایی‌ها از دو لایه تشکیل می‌شود: لایه پنهان که عبارت بود از اهرم «فشار» برای رسیدن به هدف «تسلیم ایران». اما لایه آشکار و آنچه که برای افکار عمومی شرح داده می‌شد، متشکل از سه محور بود: محور اول «بزار» فشار بود که «تحریم» این نقش را ایفا می‌کرد؛ محور دوم «بهانه» فشار بود که «از بین بردن سلاح اتمی» بود و محور سوم شیوه تسلیم کردن است که «مذاکره» قرار بود این نقش را بر عهده گیرد. در سوی دیگر اما انقلاب اسلامی در برابر این الگو، دست به اقدام متقابل زد. این اقدام در دو مرحله صورت عملیاتی پیدا کرد تا بتواند دشمنی دشمن را مهار کند. در مرحله اول، به تعبیر رهبر انقلاب اسلامی دوره «تاب‌آوری و ایستادگی» (۹۴/۴/۲) بود. در این دوره با اتکا به قدرت درونی و ظرفیت‌های نیروی بومی از سدهایی که غریب‌ها در برابر حرکت پیشرفت ایران گذاشته بودند عبور شد. نمونه آن رسیدن به سوخت بیست درصد بود؛ «در حالی که همه‌ی قدرتهای هسته‌ای دنیا امتناع کردند که به ما سوخت بیست درصد را برای مرکز [تحقیقاتی] تهران بدهند - که احتیاج به داروهای هسته‌ای داشتیم - ما خودمان توانستیم در شرایط تحریم، سوخت بیست درصد را تولید کنیم، [بعد] این سوخت بیست درصد را تبدیل کنیم به صفحه‌ی سوخت و از آن استفاده کنیم. طرف مقابل مات شد» (۹۴/۴/۲). آنقدر این موضوع برای غربی‌ها اهمیت داشت که وقتی ایران به این دستاورد رسید، آن‌ها دکتور شهریاری، دانشمند هسته‌ای ما را ترور کردند و خون پاکش را بر زمین ریختند. از یاسی رهبر حکیم انقلاب از این دوره نشان می‌دهد که «اگرچه ایستادگی و تاب‌آوری در مقابل فشارها جواب داد. آمریکایی‌ها اذعان کردند که تحریم اثری ندارد» (۹۴/۴/۲). همان‌طور که بعدها و پس از نوشتن متن برجام، فارین پالیسی خبری



«تروریسم» تله مذاکره است و به همین دلیل مذاکره با آمریکاممنوع است. موضوع منطقه برای ما به لحاظ امنیت کشور و حمایت از مظلومین طبق اصل «لا تظلمون ولا تظلمون» در مقابل ظالمان موضوعیت دارد.

از مذاکرات دو ساله، نتیجه متن چنان شد که رهبر انقلاب اسلامی در روز عید فطر فرمودند «دشمن اقرار می‌کند امروز به گردش صنعت هسته‌ای؛ یعنی هدف اول را محقق شده دیدند. اما در خصوص تحریم‌ها همان نکته‌ای که ایشان در شهریور و در دیدار خبرنگاران به آن اشاره کرده بودند، این بار و در نامه «الزامات اجرای برجام» تصریح کردند که باید «تضمین‌های قوی و کافی» در این خصوص داده شود؛ «از جمله‌ی آن اعلام کتبی رئیس‌جمهور آمریکا و اتحادیه‌ی اروپا مبنی بر لغو تحریم‌هاست». اما فارغ از نتیجه متن، تجربه مذاکره با آمریکا که «از باب رفع ظلم و احقاق حقوق ملت ایران» (۹۴/۴/۲۹) بود، به ما نشان داد که «مذاکره‌ی آمریکا با جمهوری اسلامی ایران، یعنی نفوذ؛ تعریفی که آنها برای مذاکره کردند این است و آنها می‌خواهند راه را برای تحمیل باز کنند... در همین مذاکرات مربوط به مسائل انرژی هسته‌ای، هر جا فرصت پیدا کردند و میدان به آنها داده شد - که البته طرفهای ایرانی بحمد... حواسشان جمع بود اما یک جاهایی بالاخره آنها فرصتهایی پیدا کردند - یک نفوذی کردند، یک حرکت مضر برای منافع ملی انجام دادند؛ آنچه ممنوع است این است. مذاکره‌ی با آمریکا ممنوع است» (۹۴/۷/۱۵). مبارزه در میدان مذاکرات هسته‌ای فارغ از نتایج و پیامدهایش تقریباً تمام شده و به مرحله اجرا رسیده است. «مسئله‌ی هسته‌ای و مذاکرات طولانی و ملال‌آور آن، نشان داد که این نیز یکی از حلقه‌های زنجیره‌ی دشمنی عنادآمیز آنان با جمهوری اسلامی است» (۹۴/۷/۲۹) و نشان داد که مبارزه با سلطه تمام نشده و آمریکایی‌ها همواره دنبال تسلیم کردن ما هستند. لذا با وجود «ایستادگی‌هایی که بر اثر آن در طول مسیر مذاکرات از سوی مسئولان جمهوری اسلامی به کار رفت و توانست در موارد متعددی، از ورود زینتهای سنگین جلوگیری کند... با این حال، محصول مذاکرات که در قالب برجام شکل گرفته است، دچار نقاط ابهام و ضعفهای ساختاری و موارد متعددی است که در صورت فقدان مراقبت دقیق و لحظه‌به‌لحظه، میتواند به خسارتهای بزرگی برای حال و آینده‌ی کشور منتهی شود» (۹۴/۷/۲۹).

● تله مذاکره

آمریکایی‌ها می‌خواهند از مدل فشار-مذاکره و از این متن «وسیلله‌ای پیدا کنند برای نفوذ در داخل کشور» هر چند که «ما این راه را بستیم و این راه را به طور قاطع خواهیم بست» (۹۴/۵/۲۶)، اما آمریکایی‌ها این الگو را رها نخواهند کرد. آن‌ها به دنبال شبیه‌سازی هستند که آن شبیه‌سازی، امروز در موضوع منطقه در حال کلید خوردن است. در این میدان، ابزار فشار، «تروریسم» است. بهانه‌ی مذاکره اگر در مورد قبلی نگرانی از سلاح اتمی بود، در این مورد «مبارزه با خشونت و تروریسم در سوریه»

از جلسه سفرای کشورهای اروپایی ۱+۵ در روز سه شنبه ۱۳ مرداد، پشت درهای بسته سنای آمریکا داد. افرادی مانند «فیلیپ آکرمن»، معاون سفیر آلمان در آمریکا در این نشست گفته بودند «چشم‌انداز رد توافق در کنگره نگران‌کننده است و می‌تواند برای همه کشورهای اروپایی کابوسی باشد. تحریم‌ها علیه تهران در صورتی که کنگره توافق را رد کند، از بین می‌رود». دستاوردهای دوران ایستادگی، آمریکایی‌ها را وادار به عقب‌نشینی کرد. عواملی نظیر فشارهای اقتصادی به اروپا، شکست‌های منطقه‌ای آمریکا و مسائل داخلی آمریکا مانند انتخابات آن‌ها را مجبور کرد که «واسطه‌ای قرار دادند و یکی از محترمین منطقه» به ایران آمد و برخلاف پیش‌شرط‌های گذشته و یا اهداف پیشینی اعلام‌شده در زمینه تحریم و صنعت هسته‌ای برای مذاکره، دو وعده هم داده شد: «هم هسته‌ای را به رسمیت می‌شناسیم و هم تحریم‌ها را بر می‌داریم» (۹۴/۴/۲). در واقع تله و نقشه‌ی آمریکایی‌ها در این موضوع به شکست انجامید. از این جا بود که مرحله دوم مبارزه با الگوی فشار-مذاکره آمریکایی‌ها تحت عنوان «ترمش قهرمانانه» در نیمه دوم سال ۹۱ آغاز شد. در این دوره جمهوری اسلامی به دنبال دستیابی به سه هدف بود: ۱. تثبیت هسته‌ای؛ ۲. رفع تحریم‌ها؛ ۳. روشن شدن فضا برای افکار عمومی. اجازه مذاکره زمانی داده شد که ایران «موضع بالا را داشت» و به تعبیر رهبر انقلاب آمریکایی‌ها «مات شدند». ایران دارای‌های واقعی مانند سوخت بیست درصد، تعداد بالای سانتریفیوژ و... را برای خود ایجاد کرده بود تا با «آن بتواند در عرصه دیپلماسی امتیازها را به منافع ملی تبدیل کند.» پس

شماره

۴

با نامه تاریخی رهبر معظم انقلاب اسلامی به رئیس‌جمهور درباره شروط و الزامات اجرای برجام صورت گرفت؛

ابلاغ سند صیانت



با اعلام نظر و ابلاغ نامه رهبر انقلاب اسلامی مبنی بر تأیید مشروط مصوبه شورای عالی امنیت ملی، فرایند قانونی بررسی برجام به پایان رسید و دوران آزمون اجرای آن آغاز شد. این نامه که در حقیقت می‌توان آن را "سند صیانت" نام‌گذاری کرد برگ زرینی به دوران پرافتخار انقلاب اسلامی افزود و جزئی از تاریخ «به یادماندنی و عبرت آموز جمهوری اسلامی» شد. "سند صیانت" تجربه روشنی از نقش ولایت امر و رهبری انقلاب اسلامی، از دستاوردها و اندوخته‌های تاریخی ملت ایران است. این نامه که آخرین حلقه از زنجیره بررسی متن «در مجاری قانونی پیش‌بینی شده‌ی خود» ۹۴/۴/۲۷ است؛ نقاط برجسته‌های دارد که چشم‌ها و دل‌های هر انسان منصفی را به خود جذب می‌کند.

آمریکادر مسئله‌ی هسته‌ای و مذاکرات طولانی و ملال‌آور آن، نشان داد که این نیز یکی از حلقه‌های زنجیره‌ی دشمنی عنادآمیز آنان با جمهوری اسلامی است. ۹۴/۷/۲۹: «آمریکایی‌ها «هرجا فرصت پیدا کردند و میدان به آنها داده شد - که البته طرفهای ایرانی بحمد... حواسشان جمع بود اما یک جاهایی بالاخره آنها فرصتهایی پیدا کردند - یک نفوذی کردند، یک حرکت مضرّ برای منافع ملی انجام دادند ۹۴/۷/۱۵». نه تنها «فرود فریب‌کارانه‌ی آمریکادر مذاکرات هسته‌ای... که با غرض پیشبرد هدفهای خصمانه‌ی خود درباره‌ی جمهوری اسلامی صورت گرفته ۹۴/۷/۲۹» بود بلکه در فرایند مذاکره هم «نقض عهدهای مکرر»، «همراهی باخواسته‌های رژیم صهیونیستی»، «دیپلماسی زورگو یانه» و... نشان داد که دشمنی آمریکا با مردم شریف ایران به دلیل ماهیت استکبارستیز و ضدسلطه آنان است نه آن چیزی که عده‌ای «بانگاه سهل‌اندیشانه و عوامانه ۹۴/۷/۱۵» به این موضوع می‌نگرند و دم از مذاکره و رابطه با آمریکامی‌زنند.

● **خامسا** این سند از صنعت هسته‌ای که با قدرت درونی ملت ایران ایجاد شده است حفاظت خواهد کرد. یکی دیگر از اهداف ایران از مذاکرات هسته‌ای، «شناخته شدن حق غنی‌سازی ایران» و حفظ صنعت هسته‌ای کشور بوده است. باینکه طرف‌های غربی در متن «ناچار شدند ادامه‌ی این صنعت را در کشور... و ادامه‌ی تحقیقات و توسعه‌ی این صنعت را تحمل کنند ۹۴/۴/۲۷»، اما با توجه به سابقه فریب‌کاری و نقض عهد آنها، برخی از الزامات ۹ گانه مطرح شده در نامه وظیفه صیانت از صنعت هسته‌ای را بر عهده دارد. نکاتی مانند «حل و فصل موضوع پی‌ام‌دی»، «توسازی کارخانه اراک با حفظ هویت سنگین»، «تحقیق و توسعه»، «معامله اورانیوم غنی شده»... از این قبیل است.

● **سادسا** این سند ما را به راه روشن عبور از مشکلات رهنمون می‌سازد. راه اصلی مسئولان و ملت ایران برای «گشایش اقتصادی و بهبود معیشت ۹۴/۷/۲۹» مسیری غیر از توافق هسته‌ای و برجام است. اقتصاد مقاومتی و به‌خصوص تقویت تولید ملی باید با جدیت دنبال شود و در این بین باید صیانت کرد از نفوذ دشمن به درون کشور. به همین دلیل باید «وضعیت پس از برداشته شدن تحریمها، به واردات بی‌رویه نینجامد، و بخصوص از وارد کردن هرگونه مواد مصرفی از آمریکا جداً پرهیز شود. ۹۴/۷/۲۹»

این موارد نمونه‌هایی از برکات حکم فقهی مجتهد و زعیم و رهبری شجاع و مدبر است که فرمود «این نقش آفرینی‌ها مشتمل بر نصرت و رحمت حق خواهد بود زیرا نصرت وعده الهی در برابر نصرت دین او تخلف‌ناپذیر است. ۹۴/۷/۲۹»

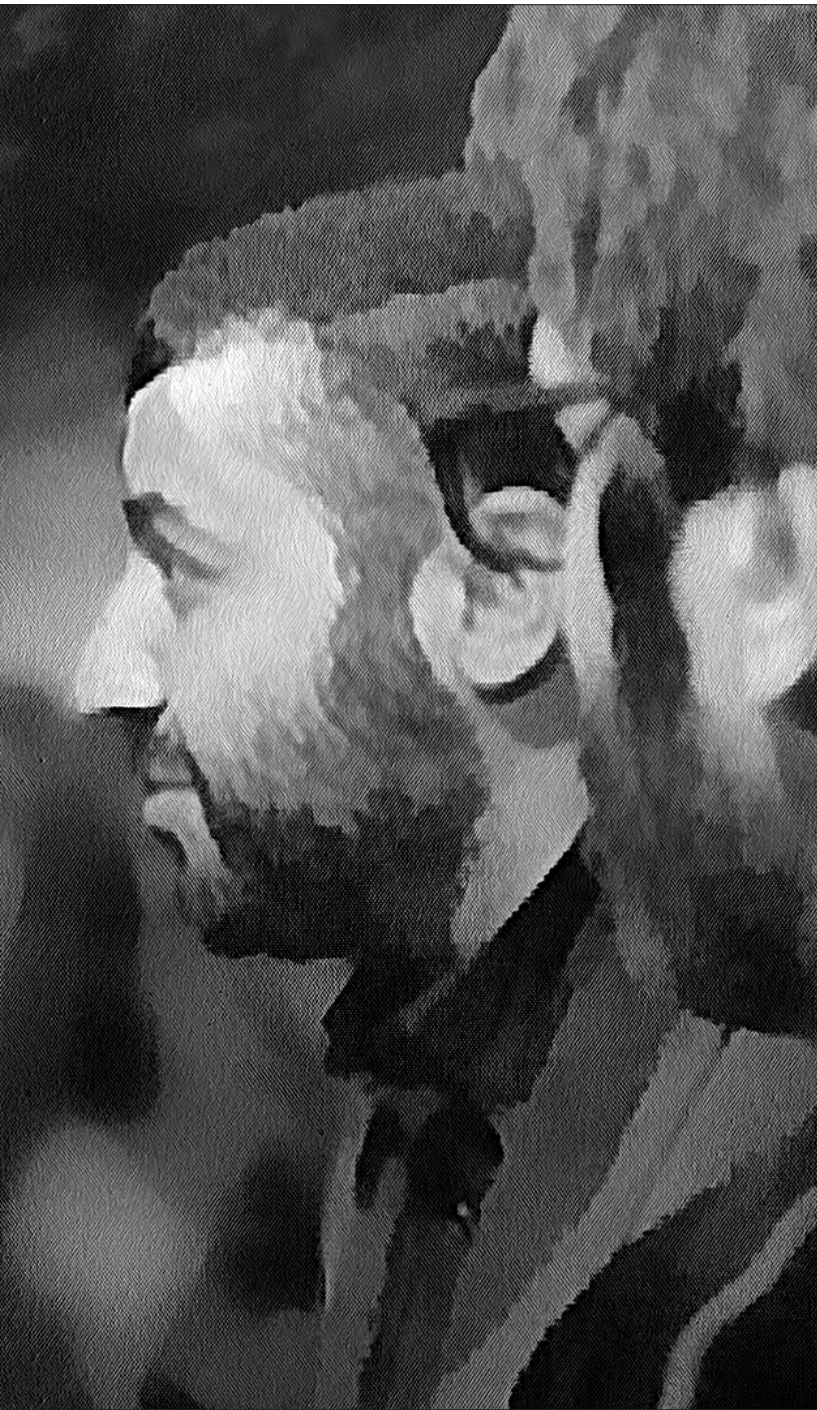
● **اولا** این نامه به منزله حبل‌المتینی وحدت‌بخش در بین نیروهای انقلاب و فصل‌الخطاب تمامی اختلاف نظرها در این زمینه است. اکنون که «موافقت‌نامه‌ی موسوم به «برجام» پس از بررسی‌های دقیق و مسئولانه در مجلس شورای اسلامی، کمیسیون ویژه و دیگر کمیسیون‌ها و نیز در شورای عالی امنیت ملی، سرانجام از مجاری قانونی عبور کرده ۹۴/۷/۲۹» و به همین دلیل نباید با بازگشت به مباحث اختلاف‌انگیز گذشته، دستاویز جدیدی برای اختلاف‌افکنی ایجاد کرد.

● **ثانیسا** پذیرش مذاکرات از سوی ایران اساساً با هدف لغو تحریمهای ظالمانه‌ی اقتصادی و مالی صورت گرفته است ۹۴/۷/۲۹ اما آمریکایی‌ها بعد از تهیه متن برجام می‌گویند «چهارچوب تحریمها حفظ خواهد شد ۹۴/۶/۱۲» آنچه از این حرف برمی‌آید، درست مخالف آن علتی است که ما رفتیم برای مذاکره. به همین دلیل اعلام اینک «لازم است تضمین‌های قوی و کافی برای جلوگیری از تخلف طرفهای مقابل، تدارک شود، که از جمله‌ی آن اعلام کتبی رئیس‌جمهور آمریکا و اتحادیه‌ی اروپا مبنی بر لغو تحریمهاست... هرگونه اظهاری مبنی بر این که ساختار تحریم‌هایی خواهد ماند، به‌منزله‌ی نقض برجام است ۹۴/۷/۲۹» صیانت خواهد کرد از هدفی که برای آن وارد مذاکره شده بودیم و اجازه نمی‌دهد امریکادبه کند. البته این نکته، مسأله جدیدی نبوده و رهبر انقلاب در دیدار با خبرنگاران گفته بودند که: «اگر بنا است تحریمها برداشته نشود، پس معامله‌ای وجود ندارد ۹۴/۶/۱۲».

● **ثالثا** علی‌رغم «یستادگی‌هایی که... در طول مسیر مذاکرات از سوی مسئولان جمهوری اسلامی به کار رفت و توانست در موارد متعددی، از ورود زیانهای سنگین جلوگیری کند محصول مذاکرات که در قالب برجام شکل گرفته است، دچار نقاط ابهام و ضعفهای ساختاری و موارد متعددی است که در صورت فقدان مراقبت دقیق و لحظه‌به‌لحظه، میتواند به خسارتهای بزرگی برای حال و آینده‌ی کشور منتهی شود. ۹۴/۷/۲۹» بنابراین لازم است برای صیانت از منافع و مصالح ملی و به دلیل «وجود پیچیدگی‌ها و ابهامها در متن برجام و نیز گمان نقض عهد و تخلفات و فریب‌کاری در طرف مقابل بویژه آمریکا... یک هیئت قوی و آگاه و هوشمند، برای رصد پیشرفت کارها و انجام تعهدات طرف مقابل ۹۴/۷/۲۹» تشکیل شود.

● **رابعا** این سند حافظ آرمان استکبارستیزی ما است. این سند به ما و تاریخ این عبرت را یادآوری می‌کند که امریکادبعهد و فریبکار بوده است و ما همچنان به او بدبین و بی‌اعتماد هستیم و او را «مصدق اتم استکبار» می‌دانیم. چرا که «رفتار و گفتار دولت

بهبانه مذاکراتی است. اگر در الگوی هسته‌ای تحریم ابزار فشار بود، در بحث منطقه «داعش» نقش ابزار را بازی می‌کند. اگر در مسئله تحریم‌ها، اروپا هم دچار «فشار اقتصادی» شد، در این موضوع هم آن‌ها خود را گرفتار مسئله «مهاجرت آوارگان» سوری می‌بینند. معمولاً در الگوی مذاکره به‌صورت طبیعی، قاعده «بده‌بستان» و معامله جریان دارد. در اینجا «تروریسم» تله مذاکره است و به همین دلیل مذاکره با آمریکا ممنوع است. موضوع منطقه برای ما به لحاظ امنیت کشور و حمایت از مظلومین طبق اصل «لا تظلمون و لا تظلمون» در مقابل ظالمان موضوعیت دارد. این‌ها اصول راهبردی انقلاب اسلامی است که نمی‌توان از این اصول عدول کرد. اصول برای معامله نیست و به همین دلیل چیزی برای معامله هم وجود ندارد که بخواهد مذاکره‌ای برایش بشود. برای آمریکایی‌ها هم موضوع منطقه، موضوع امنیت اسرائیل و تضمین امنیت انرژی‌اش است. کاملاً واضح است که «سیاستهای آمریکا در منطقه با سیاستهای جمهوری اسلامی ۱۸۰ درجه اختلاف دارد» (۹۴/۴/۲۷). بحران سوریه به هر بهانه‌ای، نمی‌تواند محل معامله باشد. سوریه امروز دارای‌ای است که باید در دستان جریان مقاومت تثبیت شود و گر نه اگر در دست آمریکایی‌ها و به طور مشخص در دست رژیم صهیونیستی بیفتد، مرزهای امنیتی این رژیم به ما نزدیک‌تر شده و ارتباط ما با جریان‌های مقاومت قطع می‌شود. آن وقت ما «عمق استراتژیک» خود را از دست می‌دهیم؛ همان چیزی که امنیت این روزهای ما را در این منطقه پراشوب فراهم کرده است. غرب به دنبال این است که بتواند الگوی فشار - مذاکره را در موضوع منطقه در حوزه افکار عمومی جا بیندازد. اوباما می‌گوید «مرگ بر آمریکا برای ایرانی‌ها امنیت نمی‌آورد» یا کری وزیر خارجه‌اش می‌گوید «تا زمانی که مرگ بر آمریکا و اسرائیل گفته می‌شود، نمی‌توان به رابطه خوشبین بود». نیز مرکل صدراعظم آلمان‌ها می‌گوید «ادامه دشمنی ایران با اسرائیل و درخواست‌های مکرر تهران برای نابودی دولت یهودی غیرقابل قبول است». استکبار که با دیدن وضعیت منطقه دست خود را پایین می‌بیند، امروز طرح جدیدی را آغاز کرده است. در مقابل با ۱۸۰ درجه اختلاف، امروز ایران با ایجاد گروه هماهنگی ۱+۴، متشکل از ایران، روسیه، عراق، سوریه و حزب‌با... لبنان، ابتکار عمل را در منطقه به‌دست گرفته است. تروریسم تله‌ای است برای مذاکره تا راهبرد حفظ امنیت کشور و دفاع از مظلوم گرفتار شود. تثبیت سوریه برای مقاومت همان شکستن تله است؛ شکستی که مرزهای امنیتی ما را تا سرزمین‌های اشغال شده می‌کشاند و محاصره اسرائیل را تکمیل می‌کند. امری که می‌تواند وعده‌ی محو اسرائیل را تا کمتر از بیست و پنج سال آینده محقق کند. ●



حکایت‌ها

نشریه خبری-تحلیلی نمازهای جمعه، مساجد و هیات‌های مذهبی

آبان ماه ۹۴

عاشورا ئیان در شام | ۴۲

شماره ۵

تضمین مکتوب آمریکا در ابهام | ۴۳

شماره‌های این ماه تقدیم می‌شود به روح پرفتوح

شهید حسن طهرانی مقدم

خوش قول و با وفا

یک سال پیش از شهادت حاج حسن طهرانی مقدم و در روزی که جمعه هم بود، رهبر معظم انقلاب از مجموعه‌ی تشکیلات جهاد خود کفایی سپاه بازدید داشتند که زیر نظر حاج حسن آقا اداره می‌شد. در این بازدید حضرت آقا دستی بر شانه‌ی این شهید گذاشتند و فرمودند: «تاکنون هر قولی را که حاج حسن آقا به ما داد، وفا کرد» ۸۱/۱۲/۶



خیانت بزرگ | ۴۴

شماره ۶

روخوانی قانون اساسی | ۴۵

نقشه‌های آندلسی | ۴۶

شماره ۷

هشدار پر تکرار | ۴۷

۲۱ ماه گذشت | ۴۸

شماره ۸

جنایت و مکافات | ۴۹

تاریخ شهادت: ۱۳۵۹/۰۸/۰۸ محل شهادت: کتوت شیخ (خرمشهر) مدفن: گلزار شهدای تهران، قطعه ۲۴



دیدار یکی از شهدای مدافع حرم با رهبر معظم انقلاب

دیدار شهید مهدی نوروزی از شهدای مدافع حرم
با رهبر معظم انقلاب اسلامی
۲۴ آبان ۱۳۹۲ برابر با ۱۱ محرم ۱۴۳۵
شب آخر عزاداری در حسینیه امام خمینی (ره)

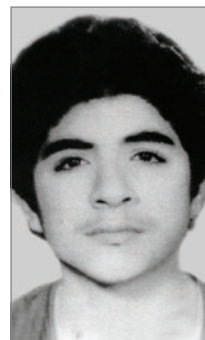
○○○

شهید نوروزی از فعالان میدانی مقابله با فتنه
۸۸ بود که به صورت داوطلبانه برای دفاع از حرم
امامین عسگریین (علیهم السلام) عازم شده و به شهادت
رسیده بود.

شهید محمد حسین فهمیده

اسطوره‌ای که حقیقت دارد

ای بسا حوادثی که از بس عجیب است همه تصوّر کنند که اسطوره و افسانه است؛ اما حقیقت است... از جمله زیباترین آنها، شهادت این نوجوان بسیجی [شهید فهمیده] است. او سیزده ساله بود؛ اما با رشد، با شعور، با اراده و مصمّم، که کشور خود را میشناخت، امام خود را میشناخت، دشمن خود را میشناخت، اهمیت وجود و فعالیت خود را هم میشناخت و رفت این سرمایه را تقدیم عزّت کشور و آینده انقلاب و منافع و مصالح مردم کرد. جسم او رفت؛ اما روحش زنده ماند، یادش ابدی شد و خاطره‌اش به صورت اسطوره درآمد. این الگوست. ۷۷/۰۸/۰۸



مدفن: گلزار شهدای تهران، قطعه ۲۴

بر اثر انفجار در یادگان امیرالمؤمنین در شهرستان ملارد

تاریخ شهادت: ۹۰/۰۸/۲۱

نخبه‌سازی نیست. آنجایی که امنیت نیست، در واقع هیچ چیز نیست؛ آنجا زندگی انسانها هم در خطر تهدید لحظه‌ای و دائمی است.» (۹۴/۷/۲۲) ماموریت مجاهدان جمهوری اسلامی مشورت است و مقاومت جانانه مدافعان حرم نشان می‌دهد. مستشاران ایرانی در آوردگاه‌های سوریه و عراق، خوب از پس وظیفه‌شان برآمده‌اند: «مستشاران ایران در سوریه، برادران صاحب نبوغی هستند که هنرشان نفوذ در قلب‌ها است. این را یکی از همان سرداران باتجربه جهاد می‌گوید. «سردار سلامی» خوب پاسخ می‌دهد که «اگر ما سوریه را در مقابل تکفیری‌ها تنها بگذاریم باید در نقاط دیگری با تروریست‌ها درگیر شویم لذا از چند ماه پیش که نظام سوریه به کمک ما بازسازی ارتش خود را در دستور کار قرار داد سطوح مستشاری را برای یک عملیات بزرگ از ما درخواست کرد. به همین دلیل آموزش این یگان‌ها نیازمند حضور بیشتر مستشاری ما بود زیرا ارتش سوریه درگیر عملیات‌های خود بود پس حضور ما از لحاظ کمیت و کیفیت افزایش یافت. شاید هنوز هم خیلی‌ها در کلاف «اگر» و «اما» سردرگم مانده باشند، اما چراغ راه روشن است: «اگر مردان مجاهد فی سبیل... در مقابل اینها نایستند قطعا از اسلام ناب و نشانه‌های تشیع اثری باقی نمی‌ماند.»

پاتک آمریکا و اذنباش که قصد بیداری اسلامی را کرده بود، حالا با لشگری از یاران یکدست و یکپارچه روبرو شده که در دفاع از کیان اسلام ناب محمدی (ﷺ)، تادر آغوش گرفتن «شاهد شهادت»، خستگی نمی‌شناسند و از یکدیگر سبقت می‌گیرند. این بنیان مرصوص، هر جا که باشد، چه ایستاده در جوار حرم زینب کبری (ﷺ) - یا برادرش آفتاب کربلا علیه افضل الصلوة و السلام - و چه فرسنگ‌ها دورتر در صحراهای سوریه و بیابان‌های عراق، شمشیر عزم و اراده پولادی‌شان را علیه «تکفیری‌ها و سروران آمریکایی آن‌ها» بیرون کشیده‌اند. مستشاران ایرانی و نیروهای مردمی جبهه‌های نبرد، فریادهايشان را بلند کرده‌اند و «این فریاد در مقابل جهانی است که در مقابل این جنگ ساکت نشسته است» سید حسن نصر... خوب بیان نموده است که جنس این نبرد هم از جنس همان استقامت تاریخی است که از کربلا تاکنون ادامه داشته است: «ای حسینی‌ها و ای زینبی‌ها! ما با شما میدان‌ها را پر خواهیم کرد. نه جنگ‌های اسرائیل و نه تهدیدهای نتانیاهو و نه حملات تکفیری‌ها و نه تهدیدهای رهبران ما را به لرزه و نخواهد داشت و ما برای کرامت و سعادت و امنیت و رهایی ملت‌هایمان می‌جنگیم.»

معلوم نیست که تاریخ چه زمانی می‌خواهد از این مجاهدان حسینی و زینبی عبرت



به مناسبت شهادت تعدادی از مدافعان حرم در ایام عاشورای حسینی (ﷺ)

عاشورائیان در شام

شهر به شهر در آغوششان می‌گیرند. حالا «حماسه» دارد شهر به شهر می‌گردد و در ایران روحی دوباره دمیده است. «مدافعان حرم» عنوان تازه‌ای است برای یک عهد قدیمی. انگار باید از نو ثابت می‌شد که آن «حماسه هشت‌ساله»، برای همیشه ریشه دوانده در قلب‌ها. بعضی‌ها که «جوانی پاک و متعبد خود را در جبهه‌های شرف و کرامت» (۹۴/۷/۱۸) گذرانده بودند سرداران این میدان تازه شدند و جوان‌ها هم جا پای جای آن‌ها می‌گذارند. «صف استوار آرزومندان این موهبت و کمریستگان راه جهاد و شهادت در ایران اسلامی و در سپاه و همه‌ی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی، صفی بلند و بنیانی مرصوص است: و منهم من ينتظر و ما بدلو تابدیلا.» (۹۴/۷/۱۸)

چندانی از معجزه موسوی امام روح... خمینی رحمتا... نمی‌گذرد که این گونه کشور مایه عزت شیعه می‌شود و قبح ستمگری، بهانه افشای اقتدار جمهوری اسلامی؛ «انقلاب ماها را زنده کرد» (۹۴/۷/۲۶). و «امنیت» شاید اولی‌ترین رهاورد این حماسه باشد: که «اگر امنیت نباشد، دانشگاه نیست، تحقیق نیست، پژوهش نیست،

فرقی نمی‌کند که کجایی‌اند یا در کجا شهید شده باشند؛ «این بچه‌های ما که رفتند آنجا شهید شدند، فرزندان شما! در هر نقطه‌ای از عراق یا سوریه که اینها در مقابل داعش شهید شده باشند، مدافع حرم حضرت زینب و مدافع کربلا و نجفند و مدافع حرمنند» «اکثرشان معروفیتی ندارند؛» مجهولون در زمین‌اند و معروفون در آسمان، زمان

شماره

۵

درباره پاسداری از بند سرنوشت ساز «سند صیانت» تضمین مکتوب آمریکادر ابهام



«از آنجا که پذیرش مذاکرات از سوی ایران اساساً با هدف لغو تحریمهای ظالمانه اقتصادی و مالی صورت گرفته است و اجرائی شدن آن در برجام به بعد از اقدامهای ایران موکول گردیده، لازم است تضمینهای قوی و کافی برای جلوگیری از تخلف طرفهای مقابل، تدارک شود، که از جملهی آن اعلام کتبی رئیس جمهور آمریکا و اتحادیهی اروپا مبنی بر لغو تحریمها است. در اعلام اتحادیهی اروپا و رئیس جمهور آمریکا، باید تصریح شود که این تحریمها بکلی برداشته شده است. هرگونه اظهار مبنی بر این که ساختار تحریمها باقی خواهد ماند، بمنزلهی نقض برجام است.» این عبارات بدون تردید یکی از مهمترین و سرنوشت سازترین بخش از «سند صیانت» یا همان نامه تاریخی رهبر انقلاب به رئیس جمهور در تایید مشروط مصوبه شورای عالی امنیت ملی برای اجرای برجام است. همه بندهای نامه تاریخی رهبر معظم انقلاب مهم و ضروری است و تحقق تک تک آنها پیش شرط لازم برای اجرای برجام از سوی کشورمان خواهد بود اما عبارت مورد اشاره که به عنوان اولین نکته از نکات نه گانه بند سوم در نامه رهبر معظم انقلاب قید شده است، نقشی سرنوشت ساز در فرجام این برجام خواهد داشت. اما چرا اینقدر این بند و به خصوص تضمین کتبی رئیس جمهور آمریکا در برداشتن کامل تحریمها پراهمیت تلقی می شود. پاسخ به این سوال در پاسخ به سوالی دیگر نهفته است: «چرا رهبر انقلاب اجرای برجام از سوی ایران را منوط به تضمین کتبی رئیس جمهور آمریکا برای اعلام لغو همه تحریمها کرده اند؟»

۱. دولت آمریکا در تمام ۱۳ سال اخیر به صراحت یکی از اهداف راهبردی خود در منطقه غرب آسیا را از بین بردن کامل صنعت هسته ای کشورمان اعلام کرده است. حتی اوپاما که با وعده پذیرش حفظ صنعت صلح آمیز هسته ای کشورمان وارد مذاکرات شده است نیز در آذرماه سال گذشته در مجمع سالانه مرکز هائیم سابان وابسته به اندیشکده بروکینگز به صراحت از علاقه خود به نابودی کامل صنعت هسته ای ایران و "باز کردن پیچ و مهره های آن در صورت توان سخن به میان می آورد.

۲. دولتمردان آمریکا بارها و بارها ثابت کرده اند که به هیچ قاعده و قانونی و هیچ قول و قرار پایبند نبوده و نیستند. تجربه های متعددی در روابط بین الملل در همه سالهای پس از جنگ جهانی دوم تا کنون این برداشت از رفتار آمریکایی ها را تایید می کند. حمله یکجانبه به عراق علی رغم عدم تایید طرح آمریکا توسط شورای امنیت، همراهی با دولت جعلی اسرائیل در نقض مکرر قرارداد اسلو، عدم پایبندی به تعهدات توافق تبادل اسراء در لبنان و عدم آزادسازی اموال بلو که شده کشورمان و دهها مورد تاریخی و بین المللی دیگر مویدا این ادعا است.

۳. برای بی اعتمادی به آمریکا چندان نیاز به بازخوانی

تاریخی دهه های گذشته نیست. چه اینکه در همین دو سه سال اخیر هم موارد مشخص و متعددی از نقض عهد و خلف وعده از سوی آمریکایی ها وجود داشته و بر دیوار بی اعتمادی و تلقی ملت ایران از شیطان صفتی آنها افزوده است. موضوعی که از باب اهمیت آن رهبر معظم انقلاب در همین نامه تاریخی به آن پرداخته اند: «اظهارات رئیس جمهور آمریکا در دو نامه به اینجانب مبنی بر اینکه قصد براندازی جمهوری اسلامی را ندارد، خیلی زود با طرف داری اش از فتنه های داخلی و کمک مالی به معارضان جمهوری اسلامی، خلاف واقع از آب درآمد و تهدیدهای صریح وی به حمله ی نظامی و حتی هسته ای "که میتواند به کیفرخواست مبسوطی علیه وی در دادگاه های بین المللی منتهی شود" پرده از نیت واقعی سران آمریکا برداشت.»

۴. تکرار عبارت "باقی بودن چارچوب تحریمها" یکی دیگر مصادیقی است که هر انسان عاقلی را از «سهل اندیشی» و حداقل اعتماد به آمریکایی ها برای اجرای تعهدات خود در برجام باز می دارد. جمله ای که بارها و بارها از مقامات بلند پایه آمریکایی مطرح شده و حاکی از برگشت پذیری تعهد اصلی آنها یعنی لغو تحریمها است. در آخرین نمونه "آن پترسون" دستیار وزیر خارجه آمریکا می گوید: «ما ساز و کار بازگشت تحریمها (مکانیزم ماشه) را داریم و می توانیم هر زمان خواستیم تحریمها را بازگردانیم.»

۵. وجود «نقاط ابهام و ضعفهای ساختاری و موارد متعددی» در متن برجام به عنوان برنامه ای که قرار بود به صورت جامع و شفاف وظایف و تعهدات طرفین را مشخص کند نیز دلیل دیگری است که احتمال سوءاستفاده طرف های مقابل را افزایش می دهد «که در صورت فقدان مراقبت دقیق و لحظه به لحظه، میتواند به خسارتهای بزرگی برای حال و آینده ی کشور منتهی شود.» (۹۴/۷/۲۹)

برای بی اعتمادی و بدبینی واقع بینانه به آمریکا و دولت این کشور می توان دلایل متعدد دیگری را برشمرد که بی شک نتیجه آن سیاهه بلند موارد و مصادیق متعدد تاریخی از سوابق رفتاری این کشور در مواجهه با جمهوری اسلامی ایران و حتی متحدان منطقه ای و جهانی اش خواهد بود. حال می توان تا حدودی به پاسخ این سوال که «چرا رهبر انقلاب اجرای برجام از سوی ایران را منوط به تضمین کتبی رئیس جمهور آمریکا برای اعلام لغو همه تحریمها کرده اند؟» نزدیک تر شد و با این پاسخ درباره آینده روند اجرایی شدن برجام قضاوت کرد. آنچه تاکنون مشخص شده است، عدم تضمین کتبی رئیس جمهور و هیچ یک از مقامات آمریکا است. رفتاری که یکی از نتایج آن اظهار نظر صریح مشاور بین الملل رهبر معظم انقلاب است: «استمرار حمایت رهبری از برجام منوط است به در نظر گرفته شدن تذکرات ایشان در نامه ای که خطاب به رییس جمهور نوشتند.»

بگیرد. «گذشتگان این تکفیری ها در سالهای خیلی دور به نجف و کربلا حمله کردند به نجف نتوانستند دست پیدا کنند لکن وارد کربلا شدند حرم امام حسین (ع) را با خاک یکسان کردند، ضریح را سوزاندند. صندوق قبر امام حسین (ع) را آتش زدند.» اما چه کسی است که نداند پرچم حسینی و زینبی هنوز بالاترین پرچم هاست و این بار به حول و قوه الهی و مجاهدت مدافعان حرم، روپا و خیال آن تعدی ها بر دشمنان حرم حرام شده است. و این همه بر پایه های خانواده های صبور و مقاومی استوار است که در فراق شهیدشان را با مظلومیت و غربت توأم بر دل دارند: «من گاهی می گویم سهیم خانم ها از شوهرانشان هم بیشتر است، بیشتر هم نباشد به همان اندازه است... اگر شکر و صبر بازماندگان نمی بود، مسلماً شهادت این قدر در جامعه ی ما، رونق و جلا نداشت، این صبر شما هست که به شهادت رونق می دهد، صفا و درخشندگی می دهد و آن را به صورت یک آرزو برای همه در می آورد.» (۱۳۹۴/۰۸/۰۳)

«یک روز پس از اعلام پذیرش قطعنامه، واقعا یک غمی بر دل من مستولی شد، احساس می کردم یک در بزرگی به روی همه باز بود که افراد با میل خودشان می رفتند و از آن در وارد می شدند حال این در بسته شد و بقیه پشت این در ماندند. تصور نمی شد که باب شهادت مفتوح بماند، بندگان خالص خدا در این مدت، عده های شان به آرزویشان رسیدند و به شهادت رسیدند.» (۱۳۹۴/۰۸/۰۳)

هنوز باب شهادت مفتوح است که گفته اند: «کل یوم عاشورا و کل ارض کربلا» و سرنوشت محتوم همه سربازان امام خمینی در این سرزمین همین است که یا "رجال صدقوا" هستند و یا "منهم من ینتظر". این راه باز است و اتفاقا در این مسیر هر چه کم ادعتر و گمنام تر، راه به سوی مقصود بازتر است. هم آن حقیقتی که در رباعی شاعر جوان کشورمان که توسط رهبر معظم انقلاب قرائت شد و حال ایشان را منقلب کرد و نم اشک بر دیدگان ایشان نشانید نیز هویداست: ماسینه زدیم، بی صدا باریدند/ از هر چه که دم زدیم آنها دیدند/ ما مدعیان صف اول بودیم/ از آخر مجلس شهدا را چیدند. شاید خیلی ها سخت می توانستند باور کنند. شهید حسین همدانی، ثابت کرد که هنوز هستند کسانی که مرگی جز شهادت برایشان حیف است. حاج حسین، یکی از خیل آرزومندان بود و سیل مجاهدان راه خدا در راه است: «بنا خونهای تازه در راه خداست و خیلی با ارزش است.» (۱۳۹۳/۱۱/۲۸) خون های تازه ای که خاطره عاشورای ۶۱ هجری را اینبار نه در کربلا که در شام زنده کرده است. ●

بی تفاوت ماند؛ باید در مقابل او عکس العمل نشان داد. ۹۳/۱/۱»

۳. بزک کردن دشمن

سومین ضلع تلاشی که بزک کنندگان آمریکا برای تغییر رفتار در ایران انجام می دهند؛ تغییر در ذهنیت مردم است تا دشمنی های آمریکایی ها با ملت ایران فراموش شود. توضیح اینکه با روی کار آمدن اواما با شعار «تغییر»، برخی در ایران وسوسه شدند که می شود با این رییس جمهور، راهی برای حل مسائل و اختلافات بین آمریکا و ایران پیدا کرد و وارد تعامل شد. اما حقیقت چیز دیگری بود. «میگویند ما به سمت ایران دست دراز کردیم ... اگر دستی دراز شده باشد که یک دستکش

مخمل رویش باشد، اما زیرش یک دست چدنی باشد، این هیچ معنای خوبی ندارد. ۸۸/۱/۱» فریبکاری های اواما با ارسال دو نامه به حضرت آیت... خامنه ای به اوج خود رسید؛ نامه هایی که کارویژه شان «تغییر محاسبات مسئولان» کشور بود. رهبر انقلاب در این باره فرمودند: «اظهارات رئیس جمهور آمریکا در دو نامه به اینجانب مبنی بر اینکه قصد براندازی جمهوری اسلامی را ندارد، خیلی زود با طرف داری اش از فتنه های داخلی و کمک مالی به معارضان جمهوری اسلامی، خلاف واقع از آب درآمد و تهدیدهای صریح وی به حمله ی نظامی و حتی هسته ای ... پرده از تیت واقعی سران آمریکا برداشت. ۹۴/۷/۲۹»

اگر کارهای اواما مبنی بر «فریب» مردم ایران روی خارجی سکه «تغییر رفتار» باشد، «بزک»، نقشه غرب گرایان داخل کشور و روی داخلی آن است. «یکی از کارهای آمریکایی ها در این سالهای آخر، این است که کسانی را وادار کنند به بزک کردن چهره ی آمریکا؛ به اینکه این جور وانمود بکنند که آمریکایی ها اگر هم یک روزی دشمن بودند، امروز دیگر دشمنی نمیکنند ... یک عده ای البته مغرضانه این کار را میکنند، یک عده ای هم از روی ساده لوحی این کار را میکنند. ۹۴/۰۸/۱۲» بنابراین «کسانی که می خواهند دشمنی خیانت آلود آمریکا و برخی دنباله روهای آن را با بزک تبلیغاتی و رسانه ای بپوشانند در واقع به ملت و کشور خیانت می کنند. ۹۴/۴/۶» اظهاراتی نظیر «امام باحذف شعار مرگ بر آمریکا موافق بودند» و یا تقلیل ماهیت استکباری آمریکا و هم تراز کردن خصومت های آن با دیگر کشورها، موجب می شود «تا از دشمنی او غفلت بشود و او بتواند دشمنی خودش را اعمال کند و خنجر را از پشت فرو کند. ۹۴/۰۸/۱۲»

سال هاست که شیطان بزرگ از براندازی جمهوری اسلامی ایران ناامید شده است. آن ها انواع جنگ های رو در رو را آزموده اند. «در دوره ی ده ساله ی اول (پیروزی انقلاب)، با توطئه ی براندازی سخت - جنگ تحمیلی و تحریم اقتصادی - شروع کردند؛ اما نتوانستند کاری بکنند ... در دوره ی بعد، براندازی نرم را دنبال کردند - تهاجم فرهنگی و شبیخون فرهنگی - که آن هم به جایی نرسید. ۸۵/۳/۲۹» اما امروز نقاب بر چهره کشیده اند. حرف های شان را تغییر داده اند و «میگویند ما تغییر نظام را نمیخواهیم» تنها به دنبال این هستیم که ایران رفتارش تغییر کند.

در شاخص سبب می شود که رفتار هم منحرف شود. به همین دلیل «جهت گیری ها مهم است ... گاهی تفسیر غلط از امام می شود، تفسیر غلط از جهت گیری مورد نظر امام انجام می گیرد؛ که این هم چیز بدی است و خطرناک هم هست. ۹۲/۴/۳۰» محکمت امام، چراغ راه است. «اگر راه امام را گم کنیم یا فراموش کنیم یا خدای نکرده عمداً به کنار بگذاریم، ملت ایران سیلی خواهد خورد. ۹۴/۳/۱۴»

۲. ایجاد تردید در مردم

یکی از پایه های مشروعیت و اقتدار جمهوری اسلامی، مردم هستند؛ مردمی که «ما می توانیم» را از امام خود آموخته و با عزمی راسخ، انقلاب را در گردنه های مهم و صعب العبوری نظیر جنگ تحمیلی، فتنه ها و ایستادگی در مقابل نظام سلطه یاری کرده و می کنند و جوان های شان پیشرفت های تحسین برانگیز علمی، دفاعی، امنیتی و... را به منصفه ظهور رسانند. اما برخی «سعی میکنند عزم راسخ ملت را در مسائل مهم مربوط به سر نوشت کشور به هم بزنند، در آنها تردید ایجاد کنند؛ جای احساس عزت و اعتماد به نفس ملی، احساس حقارت ملی را به آنها تزریق میکنند؛ جای ایمان راسخ، شبهه افکنی و بی اعتقادی؛ جای کار و تلاش و همت بلند، لذت جویی و شهوت رانی» ۹۳/۱/۱ را جایگزین کنند. جریانی که «میخواهد وابستگی را تئوریزه کند، استقلال را مسخره کند، دلهای جوانان را برای مستقل زیستن متزلزل کند، نمیشود در مقابل او

اما ملت ایران به خوبی می داند که «تغییر رفتار با تغییر نظام هیچ تفاوتی ندارد؛ درست همان است؛ یعنی تغییر آن سیرت اسلامی ... تغییر رفتار یعنی شما از آن چیزهایی که از لوزام قطعی و حتمی حرکت به آن سر منزل است، دست بردارید؛ از آن کوتاه بیابید و نسبت به آن، اهتمام خودتان را از دست بدهید ۹۲/۱۲/۲۱» و این تغییر به این معناست که «باقی ماندن نام جمهوری اسلامی و حتی حضور یک معمم در رأس آن مهم نیست، مهم آن است که ایران تأمین کننده ی اهداف آمریکا، صهیونیسم و شبکه ی قدرت جهانی باشد. ۹۴/۷/۲۰»

برنامه کنونی آمریکا، تغییر رفتار ایران است. جریان غرب گرای داخلی هم در این پازل بازی می کند و این روزها فعالیت خود را در رسانه ها و تریبون های مختلف در نزد افکار عمومی افزایش داده است. به نظر می رسد این برنامه سه ضلع دارد؛ اضلاعی که هر کدام یکی از پایه های حیات مقتدرانه جمهوری اسلامی ایران را هدف قرار داده است.

۱. تحریف رهبر جمهوری اسلامی؛

اولین ضلع برنامه تغییر، خط امام را مورد هدف قرار داده و به شدت به دنبال جایگزینی تفسیرها و روایت های خود ساخته به جای نص صریح و معتبر امام است. در حالی که مهم ترین شاخص جهت گیری های انقلاب اسلامی ایران، محکمت امام (بیانات، آثار و وصیت نامه امام) است. انحراف



شماره

۶

روایت خط حزب... از دیدار رزمندگان دیپلماسی با رهبر انقلابی؛

روخوانی قانون اساسی



رهبر انقلاب که وارد سالن میشوند همه دیپلماتهای جمهوری اسلامی به پا میخیزند، همه به جز یکی، غضنفر رکن آبادی؛ که بر خلاف سالهای گذشته در میان همقطاران خود نیست تا بتواند به احترام مقتدای خود بایستد. قرائت قرآن آغاز میشود: «لَا يَتَّخِذِ الْمُؤْمِنُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَلَيْسَ مِنَ اللَّهِ...».

وزیر امور خارجه پشت تریبون قرار می گیرد و در سخنان کوتاهی به دوران پساجرام و اهمیت تحقق اقتصاد مقاومتی در این دوران از یک سو و بهبود فضای منطقه و رفع فتنه های تروستی از سوی دیگر اشاره می کند. محمدجواد ظریف پیش از سخنان رهبر انقلاب اشاره کرد که دستورات و خطوط ترسیم شده از جانب رهبر معظم انقلاب مبنای کار وزارت خارجه بوده و در دوران پساجرام نیز نامه های اخیر ایشان به رئیس جمهور در مورد نحوه اجرای برجام مبنای کار خواهد بود و با اشاره به توجه وزارت امور خارجه به مسئله ای مقابله با نفوذ و همچنین اجرای اقتصاد مقاومتی گفت: در همایش امسال سفرا و کارداران تلاش می کنیم از وضعیت کنونی برای پیشبرد اهداف اقتصاد مقاومتی و نیز تقویت جریان مقاومت در منطقه و حل و فصل مشکلات غرب آسیا بر اساس موازین مورد نظر جمهوری اسلامی ایران استفاده کنیم. رهبر معظم انقلاب سخنان خود را با تجلیل از جایگاه و شأن دیپلماتهای جمهوری اسلامی آغاز نمودند. عنوان «جنگاوران و رزمندگان» خط مقدم نظام در عرصه بین الملل را شایسته آنها بیان کردند و با تمجید از شخص وزیر امور خارجه، تدین را مهمترین نقطه ی قوت وی خواندند و در ادامه درباره وزارت خارجه فرمودند که وزارت خارجه با توجه به اهداف و وظایف خود به خوبی فعال است و به خصوص در تجربه ای اخیر مذاکرات هسته ای، آقای دکتر ظریف و همکارانشان آزمون خوبی از سر گذراندند. حضرت آیت ا... خامنه ای در ادامه تاکید می کنند که عوامل دستگاه سیاست خارجی کشور را همیشه دعا می کنند: «به خصوص در روزهای دشوار مذاکرات که پنجه در پنجه دشمن انداخته بودید به طور مکرر و مرتب، به اسم و با توجه و تضرع دعا کردم.»

رهبر انقلاب اما در بخش اصلی سخنان خود تاکید می کنند که امروز می خواهند یک مقدمه درباره سیاست خارجی نظام اسلامی بگویند و بعد اصول سیاست خارجی کشور را یکبار دیگر بر مبنای قانون اساسی تشریح کنند و در قسمت بعدی برخی الزامات ناشی از این اصول را برشمرند. شاید عصاره ی بخش مقدمه را بتوان در

این جملات خلاصه کرد: سیاست خارجی، متخذ از اسلام و منبعث از اهداف و آرمان های انقلاب است و مسئولان وزارت خارجه و سفرا و کارداران در حقیقت نمایندگان، سربازان و خدمتگزاران این اصول و آرمان ها هستند. سیاست خارجی با رفت و آمد دولت ها با سلاطین سیاسی گوناگون، تغییر نمی کند؛ دولت ها فقط در تاکتیک ها و ابتکارات اجرایی راهبردهای سیاست خارجی تأثیرگذار و دخیلند.

آقا برای تبیین این موضوع به صاحبه چند سال پیش یکی از سفرای کشورمان در منطقه و عدم توانایی پاسخگویی وی در مقابل انتقاد یک رسانه از عملکرد شورای نگهبان اشاره و ضمن تفتیح این موضوع می گویند: «یک دیپلمات کارکننده در پاسخ به چنین سوال هایی می گوید مسائل داخلی کشور ما به شما ربطی ندارد.» حضرت آیت ا... خامنه ای پس از بسط و تشریح این حقیقت، مقدمه را به پایان می برند و به سراغ اصول سیاست خارجی جمهوری اسلامی می روند. ابتدا تبلیغات دشمن درباره تغییر و تحول در اصول سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران را محکم تکذیب می کنند و این تفکر را خوش خیالانه عنوان می کنند: «این تحلیل خوش خیالانه ی غربی ها، در حقیقت ناشی از فشار این واقعیت است که سیاست خارجی جمهوری اسلامی، لاقدر در سطح منطقه همچون سدّی مستحکم و صخره ای استوار، مانع از یکه تازی های قدرت های سلطه گر به ویژه آمریکا شده است و آنها، همیشه در آرزوی تغییر این سیاست ها هستند.» به همین اکتفا نمی کنند و در همینجا کنایه ای هم به بزرگ کنندگان و سهل اندیشان می زنند: «بر خلاف نظر برخی افراد، آمریکا بخش عمده ی مشکلات منطقه است نه بخشی از راه حل مشکلات.» به نظر می رسد فرمانده اینبار می خواهند یکبار دیگر اصول و مبانی سیاست خارجی جمهوری اسلامی را برای رزمندگان و جنگاوران این عرصه مرور کنند. ایشان معتقدند اگر این اصول خوب فهمیده شود آن وقت این سیاست خارجی کاملاً هم انقلابی است. گویی نیازی ویژه در این زمینه دیده اند. اینبار همه دیپلمات ها را دعوت

می کنند به توجه به «منشور اصلی انقلاب» و می گویند: «سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، ساخته ی این و آن نیست بلکه مبتنی بر اصول مستحکم قانون اساسی است.» و بر همین مبنا نیز اصول را از روی متن برای حضار قرائت می کنند... «تنظیم سیاست خارجی کشور بر اساس معیارهای اسلام، تعهد برادرانه نسبت به همه مسلمان و حمایت بی دریغ از مستضعفان جهان» و روی کلماتی مثل «همه» و «جهان» تاکید می کنند و برای نمونه از ماجرای حمایت جمهوری اسلامی از بابی ساندز آزادی خواه ایرلندی نام می برند. «طرده کامل استعمار و جلوگیری از نفوذ اجانب» را در قانون اساسی یادآوری می کنند و می گویند: «این نفوذی که بنده دائماً تکرار می کنم منبع و مرجعش اینجاست». بند به بند و اصل به اصل جلو می روند و در انتها آدرس همه اصول را هم به حضار یادآور می شوند: «هم در اصل سوم و هم در بخش های انتهایی و مربوط به فصل مخصوص به سیاست خارجی قانون اساسی» بندها را که شمردند و روخوانی قانون اساسی که به پایان می رسد می گویند: «اینها راهبرد است، همه منبعث از اسلام؛ هیچ کدام من در آوردی نیست. جمهوری اسلامی هستیم دیگر؟! جمهوری اسلامی معنی اگر بخواید داشته باشد باید در آن به اسلام عمل شود.» نوبت به الزامات این اصول می رسد: «تاکتیک ها باید مسیر شما برای رسیدن به اهداف راهبردی را قدم به قدم بسازد.» رهبر انقلاب هشدار می دهند که گاهی به بهانه تاکتیک، اصول نقض نشود. سپس به سراغ کشورهای منطقه می روند و سیاستها و راهبردهای جمهوری اسلامی در مورد آنها را همراه با جزئیات عنوان می کنند. از فلسطین و سوریه تا یمن و از عراق تا بحرین. راهبرد کلان هم البته مشخص است: پرهیز از دخالت خارجی، ایجاد آرامش و مراجعه به آرای عمومی. اینجا سخنان رهبر انقلاب به اوج خود می رسد و دیپلمات ها، شنونده یک پیش بینی تاریخی دیگر از رهبر حکیمشان هستند: «پایه های محکم سیاست خارجی ما اینهاست. اگر بر این پایه ها پافشاری کنیم و راهکارهای هوشمندانه انتخاب کنیم، آثار شگفت انگیزی به همراه می آورد و احتمال اینکه بتوانیم بخش قابل توجهی از همه جهان اسلام را نجات بدهیم وجود دارد.» رهبر انقلاب، همان کسی که در گذشته جمله معروف «من دیپلمات نیستم من انقلابی ام» را فرموده اند، حالا پس از این بازخوانی و تشریح جزء به جزء عبارات قانون اساسی می گویند: «این سیاست خارجی یعنی سیاست خارجی انقلابی».



گزارشی از برنامه بلند مدت دشمن برای تغییر «باورهای» ملت مسلمان ایران

نقشه‌های آندلسی

از ورود نمادهای فرهنگی آمریکا به شوروی، دیگر نه گورباچفنی وجود داشت و نه شوروی. «اتحاد جماهیر شوروی» هم به کشورهایی کوچک، ضعیف و کم‌اهمیت تبدیل شد.

● جنگ باورها

در میدان نبرد، مهم‌ترین موضوع، شناخت «جبهه» و «نقشه» دشمن است. همان‌طور که در جنگ نظامی، «هر طرفی که بدون شناسایی و دیده‌بانی و بدون دانستن وضعیت دشمن، چشمش را ببندد، سرش را پایین بیندازد و جلو برود، شکست خواهد خورد.» (۶۹/۱۲/۱۲) در جنگ نرم هم اگر این دو عنصر شناسایی نشود، جنگ مغلوبه خواهد شد. هدف جنگ نرم امروز آن چنان که رهبر معظم انقلاب به آن اشاره کرده‌اند «تغییر باورها» است. آمریکاییها که دیده‌اند توان از بین بردن انقلاب اسلامی را ندارند، امروز تغییر رویه داده‌اند. آن‌ها امروز اعلام می‌کنند با «جمهوری اسلامی» مشکلی ندارند؛ «در چارچوب اهداف جنگ نرم دشمن، باقی ماندن نام «جمهوری اسلامی» و حتی حضور یک معمم در رأس آن مهم نیست، مهم

نشریه آمریکایی تایم در پرونده ویژه شماره اخیر خود با عنوان «ایران ۲۰۲۵: چگونه دهه‌ی آینده تغییر را ایجاد خواهد کرد؟» مانند رویه همیشگی رسانه‌های غربی، تلاش کرد تا «آرزوها» و «وُیاهای» خود از ایران را به خورد مخاطبین دهد. مهم‌ترین مسئله‌ای که تایم تلاش می‌کند تا به آن دست یابد این است که روزی روزگاری فرامی‌رسد که ایران دیگر کشوری «دینی و انقلابی» نباشد. تایم این گزاره را از قول یک «جوان ایرانی» که نه اسمش و نه هویتش معلوم است، بیان می‌کند. آن‌جا که از او می‌پرسد: ایرانیان دوست دارند ایران ۱۰-۱۵ سال بعد چگونه باشد؟ و او جواب می‌دهد که «آن‌ها دوست دارند ایدئولوژیک نباشند.» این البته اولین باری نیست که نشریات آمریکایی و غربی چنین تیتراها و مطالبی منتشر می‌کنند. چند ماه پیش، نشریه‌ی اکونومیست نیز پرونده‌ای را درباره‌ی ایران منتشر کرده بود با عنوان «انقلاب تمام شد» و استدلال کرده بود که جامعه‌ی ایران در حال دور شدن از فضای دینی و انقلابی است.

● از آندلس تا مسکو

تهاجم فرهنگی «مثل خود کار فرهنگی، اقدام آرام و بی سر و صدایی است.» (۷۱/۵/۲۱) مثل آن دزدی که از او پرسیدند چه می‌کنی؟ گفت دهل می‌زنم. گفتند پس صدایش کو؟ گفت فردا صدایش در می‌آید. درست مثل کاری که در «آندلس» شد. (۷۱/۵/۲۱) روزگاری مسلمانان در جنوب اروپا و در اسپانیا تا جنوب فرانسه، کشوری به‌وجود آوردند. این کشور مهد تمدن شد و علم در اروپا از همان تمدن آندلسی قرون اولیه‌ی اسلام شکوفا گردید. (۸۱/۱۲/۶) غربی‌ها که این منطقه را تهدیدی برای

خود می‌دیدند، برنامه‌ی فرهنگی بلندمدتی ریختند و به مرور، «نظام باورهای» مسلمانان آندلس را تغییر دادند. شبیه چنین کاری در شوروی سابق هم اتفاق افتاد. در زمان گورباچف، «سیل تبلیغات غربی و فرهنگ غربی و نمادهای غربی - سمبل‌های لباس و مک‌دونالد» و از این چیزهایی که در واقع جزو سمبل‌های آمریکایی است - در شوروی راه پیدا کرد (۷۹/۴/۱۹) و «تایم» و «نیوزویک» هم با خوشحالی، خبر آن را پوشش دادند که بالاخره آمریکا توانست با نمادهای فرهنگی خود شوروی را تسخیر کند. چند سال پس

شماره



هشدار پر تکرار

● شتاب پیشرفت علمی تنزل کرده است

بر این اساس کم شدن شتاب پیشرفت علمی کشور در برهه‌ی اخیر، می‌تواند راه دشمنی دشمن بر ما را هموار کند و در مسیر قدرت‌مند شدن ملت ایران و تثبیت اقتدار کشور در عرصه‌ی جهانی خلل جدی ایجاد کند. نکته‌ای که مورد انتقاد رهبر انقلاب قرار گرفته و باعث شد ایشان در تیر ماه ۹۴ و در دیدار اساتید دانشگاه نسبت به آن هشدار داده و جلوگیری از کاهش این شتاب را از مسئولان مطالبه نمایند: «رسیدن ما به رتبه‌ی بالای علمی، ناشی از شتاب فوق‌العاده‌ی کار بود. طبق آمارهای جهانی، شتاب پیشرفت علمی در کشور، سیزده برابر متوسط جهان بود؛ این را مراکز آمار علمی دنیا اعلام کردند که ما هم مکرر قبلاً اعلام کردیم. این شتاب، امروز کم شده... علی‌الظاهر از رتبه‌ی شانزدهم یا پانزدهم تنزل نکردیم - این درست است - اما بایستی ترقی می‌کردیم؛ یعنی آن شتاب بایستی ادامه پیدا می‌کرد؛ این شتاب امروز کم شده... کاری کنید که شتاب رشد علمی فروکش نکند.» (۱۳۹۴/۰۴/۱۳) رهبر معظم انقلاب اسلامی در ادامه‌ی همین هشدار بحث «حاشیه‌سازی‌ها» در فضای دانشگاه‌ها را مورد توجه قرار داده و به صورت جدی نسبت به سیاسی‌کاری و حاشیه‌سازی تذکر دادند: «محیط علمی کشور را از حاشیه‌سازی‌ها برکنار نگه دارید... سیاست‌بازی نشود، سیاسی‌کاری نشود، حاشیه‌سازی نشود. این حاشیه‌سازی‌ها به کار اصلی که عبارت است از کار علم و پیشرفت علم با همه‌ی خصوصیاتش که این مسئله دارد، لطمه می‌زند.» (۱۳۹۴/۰۴/۱۳)

در ادامه‌ی همین روند و به دلیل افت سرعت پیشرفت علمی کشور، رهبر انقلاب بار دیگر در دیدار خود با رئیس‌جمهور و اعضای هیأت دولت در شهریور ماه نسبت به این مسئله تذکر دادند: «نگذارید شتاب علمی در دهه‌ی دوم چشم‌انداز... کم بشود... این به نظر من خیلی مسئله‌ی مهمی است. خوب، علم زیرساخت اصلی کشور است. (۱۳۹۴/۰۶/۰۴)» حال مطالبه‌ی جدی رهبر انقلاب اسلامی از مسئولان و مدیران ارشد دولتی و فعالان دانشگاهی پیش‌روی همگان است. این مطالبه با هم به صورتی شفاف و در دیدار اخیرشان با روسای دانشگاه‌های کشور مطرح شد. تأکید بر «جلوگیری از اُفت شتاب پیشرفت علمی» و پرهیز از «حاشیه‌سازی و سیاست‌بازی» در فضای علمی و دانشگاهی کشور دغدغه‌ای است که در یک بازه کوتاه پی‌درپی تکرار شده است. قطعاً هرگونه بی‌توجهی یا کم‌کاری مسئولان و دست‌اندرکاران امر در مسیر تحقق آن، علاوه بر پیامدهای منفی، خسارت‌های جبران‌ناپذیری برای اقتدار ملی جمهوری اسلامی ایران خواهد داشت. ●



رهبر معظم انقلاب اسلامی در پنج ماه اخیر، چهار دیدار با فعالان عرصه علم داشته‌اند. در همه این دیدارها «پیشرفت علمی» یکی از نکات مورد تأکید ایشان بوده است. این موضوع یکی از محورهای اصلی گفتمان‌سازی و مدیریت کلان رهبر معظم انقلاب اسلامی در بیش از یک دهه‌ی اخیر بوده است. با اقبالی که این موضوع در حوزه عمومی یافت، حرکت علمی کشور فراتر از دستگاه‌های دولتی پیگیری شد و نتایج و ثمرات درخشانی به دست آمد: «حرکت علمی تبدیل شد به یک گفتمان؛ یعنی کار، منحصر نماند در چند دستگاه دولتی؛ یعنی بین دانشگاه‌ها و دانشجوها؛ شد یک گفتمان عمومی... تبدیل شده به یک فضای عمومی و خواست عمومی؛ این خیلی بالارزش است. این گفتمان را حفظ کنیم.» (۱۳۹۴/۰۶/۰۴) از رهگذر دستاوردهای این جنبش علمی بود که در عرصه‌ی چون هسته‌ای برای کشور «قدرت» تولید شد و گامی بلند در مسیر ارتقا و تثبیت «اقتدار ملت ایران» برداشته شد: «شش قدرت، امروز ناچار شدند که گردش چند هزار سانتیفریوژ را در کشور تحمّل کنند؛ ناچار شدند ادامه‌ی این صنعت را در کشور تحمّل کنند؛ ناچار شدند ادامه‌ی تحقیقات و توسعه‌ی این صنعت را تحمّل کنند... این معنایش چیست جز اقتدار ملت ایران؟ این بر اثر ایستادگی ملت، مقاومت ملت، و بر اثر شهامت و ابتکار دانشمندان عزیز ما است.» (۱۳۹۴/۰۴/۲۷)

● سه عامل مأیوس کردن دشمن

دشمنی قدرت‌های مستکبر و سلطه‌گر با ایران اسلامی نیز برای جلوگیری از تثبیت و قدرت‌یابی الگویی است که در آن پیشرفت‌های علمی توأمان با معنویت دنبال می‌شود: «شما تصور کنید... یک کشوری با این خصوصیات: با علم پیشرفته، با صنعت پیشرفته، با یک جمعیت ۱۵۰ میلیونی یا ۲۰۰ میلیونی، و با برخورداری از معنویت، یعنی دنبال سلطه نیست، دنبال زور گویی نیست، دنبال تحمیل حرف خودش به دیگران نیست، به مظلومین کمک میکند، و در مقابل گنده‌گویی‌های زورگوهای دنیا می‌ایستد؛ یک کشور این‌جوری را تصور کنید؛ ببینید این چقدر برای استکبار جهانی سنگین است! همه‌ی تلاشی که امروز میشود در مواجهه‌ی با جمهوری اسلامی، برای این است که چنین روزی پیش نیاید.» (۱۳۹۴/۰۶/۱۲) به همین دلیل است که در فضای امروز کشور، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای «در کنار اقتصاد مقاومتی» و «حفظ روحیه‌ی انقلابیگری»، «علم پیشرفته» را به عنوان یکی از مولفه‌های اساسی اقتدار ملی معرفی کرده و بر ضرورت «از دست ندادن شتاب پیشرفت علمی» به جد تأکید می‌کنند. چراکه تنها در صورت تحقق این سه عامل فوق دشمن «مأیوس» شده و دست از دشمنی برمی‌دارد: «کاروان علم شتاب خود را از دست ندهد، در علم پیشروی کنیم، همه چیز به علم وابسته است.» (۱۳۹۴/۰۶/۱۸)

آن است که ایران تأمین‌کننده‌ی اهدافشان باشد.» (۹۴/۷/۲۰) کما اینکه با بسیاری از جمهوری‌های اسلامی و کشورهای اسلامی ارتباط حسنه دارند. مشکل آن‌ها با محتوای جمهوری اسلامی ایران است. «مردم ما باورهای اعتقادی در خصوص دین، خانواده، مسئله‌ی زن و مرد و استقلال دارند و طرف مقابل تلاش دارد این باورها را دست‌کاری کند و یا تغییر دهد. مردم ما نسبت به رژیم فاسد و مستبد گذشته باورهایی دارند که در جنگ نرم تلاش بر این است تا این گذشته زشت و پلید و سیاه به گذشته‌ای درخشان و زیبا تغییر یابد.» (۹۴/۷/۲۰) بنابراین «هدف اصلی و نهایی جنگ نرم طراحی شده، انحلال درونی و استحاله‌ی داخلی جمهوری اسلامی از طریق تغییر باورها و سست کردن ایمان مردم و به‌ویژه جوانان است.» (۹۴/۷/۲۰) باراک اوباما بعد از مذاکرات وین به صراحت اعلام کرده بود: «در داخل ایران باید گذار صورت بگیرد، حتی اگر تدریجی باشد.» مارک گلن، نویسنده و تحلیلگر آمریکایی نیز در مصاحبه‌ای به تلاش آمریکایی‌ها برای نفوذ فرهنگی در ایران و تغییر فکر، اندیشه و باور جوانان ایرانی پرداخت و گفت: «داستان اسب تراوارا به یاد بیاورید، آمریکایی‌ها دقیقاً قصد دارند این مسئله را در قبال شما اجرا کنند. آن‌ها می‌خواهند نسخه ایرانی فرهنگ مد نظر خود را در جوانان شما ایجاد کنند»

● ایران آندلس نیست

واقعیت این است که ایران اسلامی، نه آندلس است و نه شوروی و نه حتی کشورهای کوچکی که غرب موفق به انقلاب و استحاله در آن‌ها شد. ایران و نظام فرهنگی اجتماعی آن، خصوصیاتش دارد و تا هنگامی که این ویژگی‌ها را در خود حفظ کند، چنین طرح‌هایی در آن به سرانجام نخواهد رسید. چرا که «اولاً متکی است به مردم - این انقلاب، انقلاب مردم است - ثانیاً متکی است به باورهای دینی.» (۹۴/۸/۱۲) اما اگر دشمن، به همین دو اصل حمله کرد چه؟ اگر دشمن در صدد غیر مردمی کردن آن بر آمد و باورهای دینی را مورد حمله قرار داد چه؟ چه کسی می‌تواند از این دو اصل محافظت کند؟

در مقابل این تهاجم، باید هم «کار» کرد و هم «ابتکار» داشت. این دو، لازم و ملزوم یکدیگرند. این کار و مأموریت بر عهده «نیروی مؤمن و انقلابی» است. بهترین طرح‌های فرهنگی اگر به دست عناصر غیر مؤمن و غیر انقلابی انجام شوند، نه تنها به نتیجه‌ی مطلوب نخواهند رسید، بلکه ممکن است حتی نتیجه معکوس هم بدهند. «کسی که خودش آلوده و گرفتار است که نمی‌تواند از فضیلتها دفاع کند! این جوان بااخلاص می‌تواند دفاع کند. این جوان، از انقلاب، از اسلام، از فضایل و ارزشهای اسلامی می‌تواند دفاع کند.» (۷۱/۴/۲۲) «در مقابل تهاجم، عناصر مؤمن خودی می‌توانند بایستند.» (۷۱/۵/۲۱) ●



۲۵ آبان ۹۴
ابلاغ سیاست‌های اقتصاد مقاومتی

بازخوانی هشدارهای مکرر رهبر انقلاب درباره
تغییر اولویت‌ها و به حاشیه رفتن اقتصاد مقاومتی؛

۲۱ ماه گذشت

این تأکيدات و نیز بدعهدی‌های آمریکا در حین مذاکرات، باز هم برخی راه‌حل همه‌ی مشکلات اقتصادی کشور از ازدواج جوانان گرفته تا شرایط آب و هوایی را معطل رفع تحریم‌ها عنوان کرده و به این ترتیب رفع تحریم‌ها و مذاکرات مسئله‌ی اصلی کشور شد. حتی رهبر انقلاب اسلامی در دیدار بسیار مهم کارگزاران نظام، تصریح کردند که مذاکرات هسته‌ای «محور بسیاری از تلاشها ... چه تلاشهای خارجی، چه حتی تلاشهای داخلی» (۹۴/۴/۲) شده است. از نظر زمانی، با وجود اینکه این دیدار پیش از برگزاری دور آخر مذاکرات هسته‌ای صورت گرفته بود و رهبر انقلاب اسلامی در آن دیدار الزاماتی در خصوص مذاکرات را بیان فرمودند اما باز هم در ابتدای فرمایشاتشان بر اینکه «ما باید با همه‌ی توان، با همه‌ی ظرفیت موضوع اقتصاد مقاومتی را در داخل دنبال کنیم.» (۹۴/۴/۲) تأکید کردند. پیش از این و در دیدار با نمایندگان مجلس هم رهبر انقلاب اسلامی هشدار داده بودند که «در مورد اقتصاد مقاومتی، خوشبختانه در کشور هم‌زبانی هست، [اما] مشکل ما در همدلی است.» یعنی «از بن دندان باید باور آورده شود.» (۹۴/۳/۶) و به این نحو است که مشکلات کشور حل خواهد شد.

● فاصله طولانی

نزدیک به دو سال از ابلاغ سیاست‌های اقتصاد مقاومتی می‌گذرد و با اینکه تأکید شده «رفع تحریم‌ها هر چند از باب رفع ظلم و احقاق حقوق ملت ایران کار لازمی است، لیکن گشایش اقتصادی و بهبود معیشت و رفع معضلات کنونی جز با جدی گرفتن و پیگیری همه‌جانبه‌ی اقتصاد مقاومتی میسر نخواهد شد.» (۹۴/۷/۲۹)، اما بعضی کارهایی که توسط دولت محترم «گزارش شده، مربوط به بندهای اقتصاد مقاومتی نیست، اگر چه حالاً ارتباط داده شده اما کارهای جاری دستگاه‌ها است ... بعضی از کارها هم ارتباطی اصلاً به بندهای اقتصاد مقاومتی ندارد» (۹۴/۶/۴) و حتی متأسفانه تازه چند روز است که «گزارش مسئولین دولتی برای برنامه‌های اجرایی اقتصاد مقاومتی» به دست رهبر انقلاب رسیده است و این یعنی آنکه بعد از زمانی طولانی «آنچه در واقع باید تحقق پیدا کند در اقتصاد مقاومتی، هنوز ما با آن فاصله داریم.» (۹۴/۸/۲۰) چرا که «از وقتی که این عنوان مطرح شده، شاید هزار مرتبه از طرف مسئولین - با کم و زیادش - تأیید شده؛ مسئولین مختلف، فعالان اقتصادی، حتی فعالان سیاسی، مسئولین دولتی،

تکیه‌ی ما بر دشمنی دشمنان خارجی به معنای اغماض از ضعفهای درونی خودمان نیست» و یکی از ضعفهای درونی «ضعف در تشخیص اولویتهای کشور» (۹۴/۸/۱۲) است. سال‌ها پیش «طراحی‌ها نشان می‌داد ... می‌خواهند بر روی اقتصاد کشور متمرکز شوند.» (۹۱/۵/۳) و دشمن گلوگاه اقتصادی را برای فشار بر ملت ایران انتخاب کرده است. به همین دلیل اندکی قبل از برگزاری انتخابات ریاست جمهوری ۹۲، حضرت آیت‌ا... خامنه‌ای در حضور مردم، از کاندیداها خواستند تا «قول بدهند که به مسئله‌ی اقتصاد - که امروز میدان چالش تحمیلی بر ملت ایران از سوی بیگانگان است - بخوبی خواهند پرداخت»؛ چرا که معتقد بودند «مسئله‌ی اقتصاد مسئله‌ی اصلی است.» (۹۲/۳/۱۴)



● منهای همدلی

توجه و تأکید بر اقتصاد به عنوان اولویت اصلی کشور، با روی کار آمدن دولت جدید هم ادامه یافت. اگر چه رهبر انقلاب برای حل این آسیب معتقد بودند که مسئولان باید «ساخت درونی اقتصاد را تقویت کنند» (۹۲/۱۱/۱۹) و این مسیر را راه‌حل اصلی برای گشودن گره اصلی می‌دانستند اما به منظور لغو تحریم‌های ظالمانه، به دولت جدید هم مجوز دادند تا مسیر مذاکرات هسته‌ای را که قبل از

انتخابات آغاز شده بود ادامه دهد. حتی زمانی که خواسته یا ناخواسته مذاکرات هسته‌ای به «محور بسیاری از تلاشها» (۹۴/۴/۲) تبدیل شد، ایشان معتقد بودند «اگر ساخت داخلی قدرت در کشور در همه‌ی زمینه‌ها از جمله و بخصوص در زمینه‌ی اقتصادی، ساخت مستحکمی باشد، همه‌ی مسائل را با ظرفیتهای گوناگون میشود مذاکره کرد؛ انسان منتها از موضع قدرت مذاکره میکند، نه از موضع نیاز ... بنده علاج را در این میبینم.» (۹۴/۲/۹) علی‌رغم

شماره



واکوی زمینه‌ها و سناریوهای پشت پرده حادثه ترور بستنی و خونبار پاریس؛

جنایت و مکافات



یکم. در اولین روز بهار ۹۲ رهبر انقلاب در حرم مطهر رضوی با اشاره به سیاست‌های اشتباه فرانسه در قبال ایران فرمودند: «مسئولین دولت فرانسه هم در چند سال اخیر دشمنیهای آشکاری با ملت ایران کرده‌اند؛ این یک ناهوشمندی از سوی دولتمردان فرانسه است.» (۹۲/۱/۱) این البته اولین باری نبود که ایشان نسبت به سیاست‌های اشتباه فرانسه به آن‌ها هشدار داده بودند؛ چهارده ماه پیش از آن نیز رهبر انقلاب در خطبه‌های نماز جمعه با اشاره به ضعف‌های اروپایی‌ها فرمودند: «دولت فرانسه در دوران ژنرال دوگل که رئیس‌جمهور فرانسه بود، اجازه نداد که انگلیس وارد اتحادیه‌ی اروپا بشود. چرا؟ گفتند انگلیس وابسته‌ی به آمریکاست؛ نوع ارتباطات انگلیس و آمریکا، اتحادیه‌ی اروپا را از استقلال می‌اندازد... این آقایانی که امروز در فرانسه سر کار است، حرفهای آمریکا را له میکند؛ همان حرفهایی را که آنها میخواهند، آنچه که در دل آنهاست، تکرار میکند؛ شده تابع محض! خوب، این ضعف است.» (۹۰/۱۱/۱۴) بعدتر رهبر انقلاب «خطای بزرگ راهبردی» آن‌ها را ناشی از آن دانستند که: «اروپاییها در یک خطای بزرگ راهبردی قرار دارند که خودشان را در خدمت آمریکاقرار داده‌اند. منافع آمریکا را رعایت میکنند، آمریکامنافع آنها را رعایت نمیکند و نخواهد کرد.» (۹۳/۳/۱۴)

دوم. «فرانکشتاین» معروف‌ترین رمان نویسنده‌ی به نام «مری شلی» است. فرانکشتاین داستان دانشمند جاه‌طلبی است که به همین نام که روزی تصمیم می‌گیرد تا با بقایای بدن انسان‌های مرده و شوک الکتریکی، موجودی ترسناک و عجیب‌الخلقه شبیه انسان را وارد جهان کند. فرانکشتاین البته موفق به این موضوع می‌شود اما هیولای به‌وجود آمده به‌جای اینکه از خالق خود فرمان برد، تبدیل به موجود غیرقابل‌کنترلی می‌شود که جنایات فراوانی مرتکب شده و حتی جان خالق خود را هم می‌گیرد. «داعش» همان هیولای دست‌ساز فرانکشتاین است؛ همان هیولایی که هیولاری کلینتون در خاطرات خود به‌صراحت اعلام می‌کند که به بیش از ۱۰۰ کشور دنیا سفر کرده است تا نقش آمریکا را در باره‌ی به رسمیت شناختن داعش بلافاصله پس از اعلام موجودیت آن توضیح بدهد. حال‌آما هیولای داعش علیه پدیدآورندگان و حامیان خود نیز شوریده است. حادثه‌ی چند روز پیش پاریس که نزدیک به ۱۶۰ کشته و ۲۰۰ زخمی برجای گذاشت، یکی از همین نمونه‌ها است. رهبر انقلاب نیز پیش‌تر نسبت به این موضوع هشدار داده بودند که «در آینده‌ی نه‌چندان دور، این گروه‌ها بالای جان همان کشورهای حامی خواهند شد و در نهایت مجبور خواهند بود که با هزینه‌ی زیاد، آنها را از بین ببرند.» (۹۳/۳/۱۴) از منظری دیگر، فارغ از خود حادثه‌ی پاریس، موضوع مهم‌تر، نتایجی است که نظام سلطه برای آن مشغول طراحی است. حادثه‌ی ۱۱ سپتامبر، ظاهرش حمله به برج‌های دوقلو بود اما در باطن، مقدمه‌ای برای اقدامات بعدی آن‌ها بود. حادثه‌ی پاریس نیز می‌تواند آغاز موج جدیدی از «اسلام‌هراسی» در اروپا و به تبع

مجلس، غیره، مکرر گفته‌اند اقتصاد مقاومتی، اقتصاد مقاومتی؛ خوب، خوب است؛ لکن با اسم و با تکرار زبانی هیچ اتفاقی نمی‌افتد.» (۹۳/۱۱/۶) در این شرایط همه و به‌خصوص دولت محترم، باید همت خود را در اجرای اقتصاد مقاومتی بیشتر و بیشتر کنند که البته در این بین، برخی سعی دارند به بهانه‌ی کمبود منابع، اراده‌ی نظام جمهوری اسلامی را به‌جای اجرای به‌هنگام اقتصاد مقاومتی به‌سمت تعجیل در اجرای برجام سوق دهند. اما «وقتی انسان کمبود منابع دارد، باید چکار کند؛ باید دو دستی به سر خودش بزند؟ ... راه علاج دارد؛ یکی از راه‌های علاج صرفه‌جویی است ... در تقسیم و توزیع منابع داخلی، اولویتها را رعایت کنید ... کمبود منابع، مشکل ما است، نه گره بازنشدنی ما ... کمبود منابع هم نباید برای ما بهانه‌ای بشود برای اینکه بگوییم نمیشود کار کرد؛ نه، اگر انضباط مالی وجود داشته باشد، همه چیز قابل حل است ...» (۹۴/۳/۶)

بنابراین باید مراقب بود تا تغییر اولویت‌ها موجب به حاشیه‌رفتن اقتصاد مقاومتی نشود. از سوی دیگر، تجربه انقلاب اسلامی نشان داده است که کارها «وقتی دست خود مردم سپرده شد - که صاحبان کشورند، صاحبان آینده‌اند - آن وقت کارها به سامان خواهد رسید. تدبیر مسئولان در هر برهه‌ای از زمان در دوران جمهوری اسلامی، باید این باشد؛ کارها با تدبیر، با برنامه‌ریزی، با ملاحظه‌ی همه‌ی ظرایف و دقایق در اختیار مردم گذاشته بشود؛ آن وقت کارها پیش خواهد رفت. ما هم از اول انقلاب تا امروز هر وقتی هر کاری را محوّل به مردم کردیم، آن کار پیش رفته است؛ هر کاری را انحصاری در اختیار مسئولان و رؤسا و مانند اینها قرار دادیم، کار متوقف مانده است... این یک قاعده‌ی کلی است. در هر مسئله‌ای از مسائل خُرد و کلان کشور که ما حضور مردمی را داشتیم، این معجزه را مشاهده کردیم... اگر در کشور اقتصاد مقاومتی باشد، هیچ‌کدام از این تکانه‌های بین‌المللی نمیتواند به زندگی مردم آسیب وارد کند.» (۹۳/۱۱/۲۹)

به همین دلیل اگر اولویت‌ها جابه‌جا شود، اگر مردم کارها را به دست نگیرند، اگر نقاط ضعف درونی از بین برده نشوند و کشور از درون محکم نشود؛ نه تنها مشکلات اقتصادی کشور حل نخواهد شد بلکه دشمن نیز این راه رفته را دوباره تکرار خواهد کرد. ●

آن در جهان و یابانه‌ای جدید برای حضور نظامی بیشتر باشد. **سوم.** به قاعده‌ی دین اسلام، جان انسان‌ها در هر رنگ و لباسی مهم است. به همین دلیل برخلاف سیاست‌های متناقض و دوگانه‌ی آمریکا و غرب در برابر کشتار انسان‌ها، «جمهوری اسلامی ایران به پیروی از منطق اسلام با هر گونه انفجار و کشتار مردم بی‌گناه - چه در بوستون آمریکا و چه در پاکستان، افغانستان، عراق و سوریه - مخالف است و آن را محکوم می‌کند.» (۹۲/۱/۲۸) اما حادثه‌ی فرانسه، نمونه‌ای بسیار کوچک‌تر از جنایاتی است که دست‌ساخته‌های غرب همه‌روزه در طول پنج سال گذشته در سوریه و عراق و با به نیابت از آنان توسط ارتش عربستان در یمن و ... انجام داده‌اند. بشار اسد در پیام تسلیت خود به‌مناسبت حادثه‌ی پاریس، به این موضوع اشاره کرد و گفت «فرانسه چیزی را تجربه کرد که ما از ۵ سال پیش با آن زندگی می‌کنیم.» این موضوع را البته شاید هیچ کشوری به اندازه‌ی ایران متوجه نشود؛ کشوری که خود، بیش از ۱۶ هزار شهید ترور داشته است و اتفاقاً فرانسه، یکی از همان کشورهایی است که سال‌ها است به جانینا و تروریست‌های قاتل مردم بی‌گناه ایران، نه تنها پناه داده بلکه از آنها دفاع هم کرده است. موضوع اصلی حادثه‌ی پاریس، پاسخ به همان نکته‌ای است که وب‌سایت «کنسرسیون نیوز» در گزارشی درباره‌ی آن نوشت: «پس از تازه‌ترین مورد از خشم تروریسم در فرانسه، سؤال اصلی این نیست که کدام گروه تروریستی مسئول چنین حمله‌ای است، بلکه باید پرسید که مسئول (شکل‌گیری و ظهور) اولیه‌ی داعش و القاعده چه کسانی هستند؟» در میدان جنگ باید «سنگر فرماندهی» دشمن و «دشمن اصلی» را شناخت و به آن حمله کرد. «دشمن اصلی، آن کسی است که اینها را تحریک میکند، آن کسی است که پول در اختیارشان می‌گذارد، آن کسی است که وقتی انگیزه‌ی آنها اندکی ضعیف شد، با وسایل گوناگون آنها را انگیزه‌دار میکند ... دشمن اصلی آن دشمن پشت پرده است، آن دست‌نه‌چندان پنهانی است که از آستین سرویس‌های امنیتی بیرون می‌آید ...» (۹۳/۳/۱۴) به همین دلیل خط مقدم مبارزه‌ی ما، مبارزه با پدیدآورندگان و حامیان تروریسم است. شعار مبارزه‌ی ما تروریسم همان دروغ بزرگی است که آمریکا به بهانه‌ی آن به افغانستان و عراق لشکر کشید تا القاعده و طالبان را از میان بردارد. مبارزه‌ی ما تروریسم، تنها شعار خوش آب و رنگی است که افکار عمومی جهان را از تحلیل درست و دقیق حوادث این چنینی دور می‌سازد. حادثه‌ی فرانسه در حقیقت، مکافات همراهی دولتمردان این کشور با سیاست‌های سال‌های اخیر آمریکا است؛ یعنی همان پدیدآورندگان و حامیان اصلی هیولای داعش. این حادثه زنگ بیدارباشی باشد برای مقامات فرانسوی و اروپایی و البته دوستان منطقه‌ای آمریکا که روزی روزگاری نه‌چندان دور ممکن است شاهد حادثه‌ای این چنینی باشند؛ آن روز شاید کمی دیر باشد برای ابراز پشیمانی که "هر که باد بکارد، طوفان درو خواهد کرد..." ●



شماره‌های این ماه تقدیم می‌شود به روح پر فتوح

شهید غلامعلی پیچک

شهید روزهای دشوار

درود خدا و فرشتگان و صالحان بر سردار شجاع و صمیمی و فداکار اسلام، غلامعلی پیچک. شهیدی که در دشوارترین روزها، مخلصانه‌ترین اقدام‌ها را برای پیروزی در نبرد تحمیلی انجام داد. یادش بخیر و روانش شاد. دستخط رهبر انقلاب بر روی عکس حضور شهید غلامعلی پیچک در محضر امام خمینی (ره)



تاریخ شهادت: ۶۰/۰۹/۲۰
مزار: قطعه ۴ گلزار شهدای تهران
عملیات مطلع الفجر، ارتفاعات بر آفتاب

حکایت‌ها

نشریه خبری-تحلیلی نمازهای جمعه، مساجد و هیات‌های مذهبی

آذر ماه ۹۴

شماره ۹ | ۵۲ | تا انقلاب مهدی...

فرهنگ بسیجی؛ تفکر شکست‌ناپذیر | ۵۳

شماره ۱۰ | ۵۴ | رویش آرام جوانان

یا لیتنا کنا معکم | ۵۵

شماره ۱۱ | ۵۶ | نفوذ؛ اشغال بدون جنگ

پیامبر (ﷺ)، خاکریز مستحکم در

برابر کفار | ۵۷

شماره ۱۲ | ۵۸ | بیداری سرکوب شدنی نیست

فرجام اهل تغلب | ۵۹



حضور حضرت آیتا... خامنه‌ای

در جوار مضجع شریف

حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام)

انقلاب که شد روحانیون خراسانی هم یکی از پای ثابتهای غبارروبی حرم رضوی شدند. آیتا... خامنه‌ای که روزگاری یک پایش جبهه بود و یک پایش نماز جمعه، بعدتر هم مسئولیت ریاست جمهوری را بر عهده داشت، توفیق غبارروبی حرم رضوی فرصتی بود برای تجدید قوا و تجدید عهد با ولی نعمت ایران.

• در تصویر حضرت آیتا... خامنه‌ای در دو دوره ریاست جمهوری ورهبری در این آئین روحانی دیده می‌شوند.

شهید محراب آیتا... عبدالحسین دستغیب شیرازی

عمر بابر کتی که صرف استقرار حاکمیتا... شد

آنان که از سوابق زندگانی این شهید بزرگوار آگاهند می‌دانند که او از نخستین کسانی بود که پرچم تبلیغ انقلاب اسلامی را در سخت‌ترین شرایط در استان فارس برافراشت و بر معابر و مجامع، نام امام امت را بر زبان جاری ساخت... این چهره پارسا و پرهیزکار در بهترین بخشش از عمر پربرکتش، بی‌اعتنا به زخارف دنیوی همت و نیروی خود را در راه استقرار حاکمیتا... صرف کرد و به یاد خدا دلخوش بود که «الا بذکر ا... تطمئن القلوب» ۶۰/۹/۲۰



مزار: جنب مرقد حضرت شاهچراغ (ع)

تورور در مسیر نماز جمعه شیراز

تاریخ شهادت: ۶۰/۰۹/۲۰



گزارشی از تغییر و تبدیل در «نظم مستقر حاکم قبلی دنیا»

تا انقلاب مهدی...

می‌شوند و «جهان با عبرت‌آموزی از این تجربه‌ی تاریخی، در حال گذار به نظام بین‌المللی جدیدی» می‌شود. (۱۳۹۱/۶/۹) برای ایفای نقش درست در این شرایط «پیچ تاریخی»، ملت ایران دو وظیفه و نقش تاریخی بر عهده دارد؛ وظیفه‌ی اول این است که «واقعیت‌هایی که امروز مشاهده می‌کنیم، واژگونه تحلیل نشود». (۹۳/۶/۱۳) در این باره محتوای هفت دیدار خارجی رهبر انقلاب با مخاطبانی از چهار قاره، می‌تواند نقشه‌ای کلان و تحلیلی واقعی‌تر از شرایط عالم پیش چشم ما بگذارد.

● نقشه تحلیلی کلان

رهبر انقلاب اسلامی در این دیدارها در توصیف شرایط موجود، آن را «جنگ اراده‌ها» می‌خوانند که در آن «تنها راه پیشرفت و پیروزی کشورهای مستقل» در برابر نظام سلطه «ایستادگی و تکیه بر توده‌های مردم است». در این جنگ، عملکرد نظام سلطه مانند «دو لبه‌ی یک قیچی» است که یک سر آن «دشمنان صریح اسلام» و تیغه‌ی دیگرش دشمنانی است «که به نام اسلام با اسلام دشمنی می‌کنند». آمریکایی‌ها که در رأس نظام سلطه قرار دارند با طرح‌های بلندمدت می‌خواهند با تغییر هویت، فکر جوانان عالم را به «فکر آمریکایی» تبدیل کنند و در «پشت پرده» با «ایجاد یا حمایت از تروریست‌ها به دنبال «تجزیه» سرزمین‌های قدرتمند هستند. آمریکایی‌ها که امروز در همسایگی خود، «حیاط خلوت» شان را از دست رفته می‌بینند و شاهدند که آن منطقه با «حرکت بی‌بدیل ونزوئلا»

هشت دیدار مهم با رهبر معظم انقلاب اسلامی در سه روز، روزهای پُر خبری را در فضای رسانه‌ای رقم زده بود که هفت دیدار آن با مسئولان عالی‌رتبه‌ی خارجی از چهار قاره‌ی جهان بود. موضوعات مطرح شده در این دیدارها و برخی از حواشی منتشرشده‌ی آن، نمایانگر اتفاقات مهمی بود: یک اجلاس بین‌المللی در سطح عالی سران، به دلیل طولانی شدن دیدار پوتین و رهبر انقلاب اسلامی - که برخلاف برنامه‌ریزی صورت گرفته و به درخواست مهمان جلسه دو ساعت به درازا کشید - یک ساعت به تعویق می‌افتد و ملاقاتی که به درخواست رئیس‌جمهور روسیه، پیش از انجام تشریفات خاص و مراسم استقبال، صورت می‌گیرد.

دیپلماتیک تحلیل نمود؛ بلکه این اتفاقات نمایشگر «آرایش جدیدی از قدرت» در عالم مبتنی بر تفکر بسیجی است؛ و این همان نکته‌ای است که ۱۴ ماه پیش رهبر انقلاب اسلامی به آن اشاره کرده بودند که «در نگاه کلان به کل جهان - و از جمله به منطقه - انسان به این نکته‌ی اساسی برخورد میکند که نظم مستقر حاکم قبلی دنیا در حال تغییر و تبدیل است». (۹۳/۶/۱۳) قدرت‌های استکباری که توانسته بودند بعد از جنگ جهانی اول، با تقسیم غنایم کسب نموده از اعمال زور بر سلطه‌پذیران، نظم مطلوب خود را شکل بدهند؛ بعد از مدتی با نشانه‌های از هم‌پاشیدگی این نظم - به دلایل مختلف از جمله شکل‌گیری جبهه‌ی مقاومت - مواجه شده و «شاهد شکست سیاست‌های دوران جنگ سرد و نیز یکجانبه‌گرایی پس از آن»

در دیداری دیگر رئیس‌جمهور عراق به جایگاه و نفوذ کلام حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در میان مردم و مسئولان عراق به‌عنوان یک مجتهد و مرجع تقلید بزرگ، اشاره می‌کند. رئیس‌جمهور بولیوی می‌گوید که در ابتدای مسئولیت‌م در پاسخ به هشدار آمریکایی‌ها در خصوص رابطه با ایران، تأکید کردم که ما کشوری مستقل هستیم و برای ارتباط با دیگران از کسی اجازه نمی‌گیریم و مانند همتای ونزوئلایی‌اش می‌گوید که «ما جناب‌عالی را پسر و راهنمای همه‌ی انقلاب‌های مستقل می‌دانیم و از سخنان ارزنده، الهام‌بخش و امیدآفرین شما درس‌های فراوانی آموخته‌ایم. و ... بیان این جملات از سوی عالی‌ترین مقامات این کشورها و اتفاقات در حاشیه آن را نباید به‌عنوان رویدادهایی تشریفاتی در جلساتی

شماره



۹

فرهنگ بسیجی؛ تفکر شکست‌ناپذیر



«امروز خمینی آغوش و سینه خویش را برای تیرهای بلا و حوادث سخت و برابر همه توپها و موشکهای دشمنان باز کرده است و همچون همه عاشقان شهادت، برای درک شهادت روز شماری می‌کند. جنگ ما جنگ عقیده است و جغرافیا و مرز نمی‌شناسد و ما باید در جنگ اعتقادی مان بسیج بزرگ سربازان اسلام را در جهان به راه اندازیم.» عبارات فوق از جمله آخرین فرمایشات رهبر کبیر انقلاب اسلامی حضرت امام خمینی (ره) است که عمق و وسعت نگاه ایشان را به پدیده بسیج مستضعفین نشان می‌دهد. امام خمینی (ره)، موسس و بنیانگذار بسیج جهانی مستضعفین بود. «بسیج یکی از آیات قدرت الهی است که خدای متعال به آن بنده صالح، به آن مرد بزرگ، به آن شخصیت کم‌نظیر یابی نظیر تاریخ اسلام بعد از ائمه (علیهم‌السلام) عطا کرد. فکر پردازش بسیج عمومی، بسیج مستضعفین که امام بزرگوار آن را مطرح کرد و عمل کرد و با همی توان پشت سر این فکر ایستاد، این نهال را آبیاری کرد تا تبدیل شد به شجره‌ی طیبه‌ای که توتی اکلها کلّ حین باذن ربّها (۸۹/۸/۲)»

• فراتر از مرزها

مقایسه تاریخی بسیج با سالهای اولیه تشکیل آن از منظرهای گوناگون می‌تواند صورت پذیرد اما بی‌شک یکی از مهمترین ابعاد این مقایسه، گسترش «شجره طیبه بسیج» به فراتر از مرزهای جمهوری اسلامی است. در دیدار اخیر هم رهبر انقلاب اشاره کردند که بسیج «از لحاظ کمیّت و از لحاظ کیفیت توسعه پیدا کرده است». یکی از نشانه‌های رشد کمی بسیج، ایجاد هسته‌های مقاومت در سایر کشورهاست که موجب رشد این نیروی مخلص در بیرون از مرزها شده است. بسیج در ایران، حشدالشعبی در عراق، حزب‌با... در لبنان و... امروز در کنار هم و در یک جبهه بدون توجه به مرزهای جغرافیایی برای یک آرمان در نبردند. بسیجیان گوش به فرمان رهبرند و «آنچه دارند در صحنه می‌گذارند و از خطرات راه هم نمی‌ترسند. یعنی جانشان را در کف دست گرفته‌اند. (۹۴/۹/۴) «آن‌ها امروز در "جبهه منطقه" مدافعان اسلام‌نابند. «این بچه‌های ما که رفتند آنجا شهید شدند... در هر نقطه‌ای از عراق یا سوریه که اینها در مقابل داعش شهید شده باشند، مدافع حرم حضرت زینب و مدافع کربلا و نجفند و مدافع حرم‌مند.» و «اگر مردان مجاهد فی سبیل... در مقابل اینها نایستند قطعاً از اسلام ناب و نشانه‌های تشیع اثری باقی نمی‌ماند.» حالت دوم گسترش منطق و تفکر بسیجی در میان سایر ملت‌های منطقه و بلکه جهان است چرا که: «حرکت بسیجی، سرنویشت ایران را، بلکه سرنویشت فراتر از ایران را تغییر داد... از روز اول، بسیجیان امام ما در میدانهای گوناگون انقلاب تا پیروزی انقلاب و تا پس از انقلاب حرکتی

به «قطه‌های مستقل» تبدیل شده است، درصدد تا در قاره‌های دیگر «با تسلط بر سوریه و سپس گسترش کنترل خود بر منطقه، خلأ تاریخی تسلط نداشتن بر غرب آسیا را جبران کنند.» اما در سوی دیگر میدان مبارزه، کشورهای مستقل باید «با هوشمندی و از موضع فعال» در مقابل نقشه‌های آمریکا عمل کنند و با «تقویت هویت بومی و شناساندن ارزش‌ها به جوانان» مانع از آمریکایی شدن اذهان شوند. «راه پیروزی و استمرار موفقیت دولت‌های مستقل» در این میدان، بهره‌گیری از الگوی امام خمینی (علیهم‌السلام) است. امام «با دست خالی اما با تکیه بر آحاد مردم و به صحنه آوردن آنها توانست حکومت مورد حمایت آمریکا و اروپا را ساقط کند.» و نباید فراموش کرد که «پیشرفت و موفقیت این دولت‌ها، پیشرفت و موفقیت کشور» امام خمینی (ره) است.

• دیدار هشتم

بعد از آنکه تحلیل درستی از وضعیت عالم به دست آمد آنگاه نوبت به کار دوم می‌رسد؛ «کار دومی که مهم است، این است که خودمان را برای ایفای نقش در پدید آوردن نظم جدید» (۹۳/۶/۱۳) آماده کنیم. دیدار هشتم رهبر معظم انقلاب در هفته‌ی جاری، دیداری بود به مناسبت روز بسیج که از دید رسانه‌ها جنبه‌ی داخلی داشت. اما این دیدار جنبه‌ی دیگری هم دارد که می‌توان آن را مکمل هفت دیدار قبلی دانست. ریشه‌ی هفت دیدار قبلی را باید در اقتدار بسیج جستجو کرد. تشکیل بسیج، «هنر امام» بود که ایشان از «مثن مردم» آن را تشکیل داد. بعد از آنکه «مبارزه در دوران اختناق تمام شد» جریان «مقاومت مثل یک جریان ممتد، مثل یک شط جوشان در دوران پیروزی» ماند و «روز به روز بالنده‌تر» شد و «در نبردهای نوتولدیافته» (۹۴/۹/۴) نقش ایفا کرد؛ نقشه‌های نظام سلطه را نقش بر آب کرد و تفکر بالنده‌اش «صادر شد» زیرا «مفاهیم انقلاب و مفاهیم اسلام، مثل عطر گل‌های بهاری است؛ هیچ کسی نمیتواند جلوی آن را بگیرد؛ پخش میشود... نسیم روح‌افزا و روانبخشی است که همه‌جا را به خودی خود می‌گیرد...» و الان «شما در کشورهای گوناگونی ملاحظه کنید.» (۹۳/۹/۶) در چنین فضایی ضمن اینکه باید مراقب «نقشه‌ی نفوذ دشمن» در ایران اسلامی باشیم، باید «خودمان را آماده کنیم برای ایفای نقش در پدید آوردن نظم جدید و این هم ممکن نخواهد شد مگر با قوی کردن کشور» (۹۳/۶/۱۳) سه سال پیش رهبر معظم انقلاب اسلامی و ولی‌امر مسلمین این بشارت را به ملت بسیجی ایران داد که:

«اگر حرف شما ملت ایران پیش رفت و توانستید پیروز شوید، آن وقت مسیر تاریخ عوض خواهد شد؛ زمینه‌ی ظهور ولی‌امر و ولی‌عصر (ارواحنا له الفداء) آماده خواهد شد.» (۹۱/۱۰/۱۹) •

کردند که ماندگار شد، الگو شد... امروز جوانان نیویورک و کالیفرنیا هم شعارهای مردم مصر و تونس را تکرار میکنند، از آنها الهام میگیرند؛ انکار هم نمیکند. جوانان مصر و تونس هم از حزب... و حماس و جهاد اسلامی الهام گرفته‌اند و فرا گرفته‌اند و پنهان نکردند. و معلم اول در عصر جدید، بسیجی امام بزرگوار ما بود؛ که همه از بسیجی امام بزرگوار فرا گرفتند... که چگونه میتوان اسطوره‌های قدرت مادی را شکست، چگونه میتوان به نام خدا بتها را شکست. (۹۰/۹/۶)»

• تفکر شکست‌ناپذیر

همین الگو و تفکر موفق بود که باعث شد کار این شجره طیبه به جایی برسد که «الان شما در کشورهای گوناگونی ملاحظه کنید؛ این تفکر در لبنان دارد فعالیت میکند، در عراق دارد فعالیت میکند؛ جوانهای عراقی حرکت کردند همراه ارتششان شدند توانستند این پیروزی‌ها را به دست بیاورند؛ در سوریه همین جور... (۹۳/۹/۶)» شاید با نگاه به این میزان از رشد و الگوسازی موفق بسیجیان است که رهبر انقلاب در دیدار اخیر با فرماندهان بسیج مطالبه‌ای را در زمینه تعامل با ملت‌های منطقه بیان می‌کنند. آنجا که ایشان بلافاصله پس از تبیین سیاست‌های اصولی و تبیین «منطق روشن ما در منطقه» می‌گویند: «بسیج می‌تواند به دیگران تفهیم کند که مواضع سیاسی جمهوری اسلامی ایران که امروز ما مواضع رسمی و سیاسی مسئولین دولتی مان و دستگاه‌مان در مورد سوریه در مورد عراق در مورد بحرین در مورد یمن در مورد فلسطین مواضع روشن و آشکاری است می‌توانید تفهیم کنید که این مواضع منطقی‌ترین مواضعی است که می‌تواند یک انسان منصف و عاقل اتخاذ بکند.» (۹۴/۹/۴) با این نگاه و با این نقش برای بسیج مستضعفین، انقلاب رویین تن خواهد شد چه اینکه رهبر انقلاب می‌فرماید: «ایران اسلامی شکست‌ناپذیر است. آنهایی که نظام اسلامی و جمهوری اسلامی را تهدید میکنند که ما چنین میکنیم، چنان میکنیم بدانند: جمهوری اسلامی به برکت تفکر بسیجی و عمل و حرکت بسیجی شکست‌ناپذیر است.» (۹۳/۹/۶)»

حالا می‌توان حکمت نگاه بلند و قدردانی بر جسته فرمانده کل قوا نسبت به بسیج را دریافت: «بسیج یک برکتی است برای نظام جمهوری اسلامی، یک ذخیره است، یک گنج است؛ یک گنج بی‌انتهای؛ چون ملت بی‌انتهای است؛ یک گنج است. و من به شما عرض بکنم، به توفیق الهی ملت عزیز ایران این گنجینه‌ی باارزش را اولاً حفظ خواهد کرد، ثانیاً استخراج خواهد کرد، ثالثاً به کمک این هم‌تتها و این اراده‌ها و این بصیرت‌ها به اوج تعالی و ترقی که مورد نظرش هست، قطعاً خواهد رسید. و دشمنان مجبورند نگاه کنند و تماشا کنند و پیشرفت ملت ایران را ببینند؛ و کاری از آنها بر نیاید. و ان‌شاء... همین جور خواهد شد.» (۹۴/۹/۴) •

گزارشی از پیامدها و فرامتن نامه حضرت آیت... خامنه‌ای به جوانان کشورهای غربی

رویش آرام جوانان



هشتم آذر ماه ۱۳۹۴، در حالی که حدود ده ماه از انتشار نخستین نامه‌ی رهبر معظم انقلاب به جوانان اروپا و امریکای شمالی می‌گذشت، دومین نامه ایشان به جوانان کشورهای غربی منتشر شد. نامه‌ای که همچون نامه قبل در صدد دعوت جوان غربی به اندیشیدن پیرامون حقایق و ساختن آینده‌ای روشن است. نگاهی به سیره‌ی انبیاء الهی نشان می‌دهد که "دعوت"، یکی از مهمترین شیوه‌ها در تبلیغ حق و حقیقت می‌باشد: «کار مهم پیامبر خدا، دعوت به حق و حقیقت، و جهاد در راه این دعوت بود.» (۷۰/۷/۵) یکی از اصول مهم در دعوت، تأکید و پافشاری بر «نقطه‌های مشترک» و به تعبیر قرآن، «کَلِمَةَ سَوَاءٍ» است: «قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ» "ای اهل کتاب! بیایید به سوی سخنی که میان ما و شما یکسان است." (آل عمران: ۶۴)

نحوه‌ی مواجهه با حوادثی چون پاریس و... اشاره کردند.

این نکات، فهرستی از مسائل، مشکلات و نیازهای جامعه غرب است که رهبر معظم انقلاب مشفقانه آنها را به جوانان غربی گوشزد می‌کنند. مطالبی که تنها در روز پس از صدور نامه دوم از آقای «ویکتور اوربان»، نخست‌وزیر مجارستان در دیدار با رهبر انقلاب شنیده شد. او با اشاره به شرایط نامساعد غرب در بخش‌های مختلف اقتصادی، وجود بحران معنویت و مشکلات فرهنگی گفت: «مبنای قرار گرفتن توسعه، معیارهای گذشته‌ی غرب را در حوزه‌های اخلاق، سیاست و دین در معرض فروپاشی قرار داده و شرایط سخت و حساسی را ایجاد کرده است.»

○ دعوتی فراتر از قواعد دیپلماسی عمومی

اما چرا رهبر معظم انقلاب در هر دو نامه «جوانان غربی» را مورد خطاب قرار داده‌اند؟ چرا دولتمردان و سیاستمداران غربی که اتفاقاً یکی از عاملان چنین حوادثی هستند مورد خطاب قرار نگرفته‌اند؟ «به این سبب که آینده‌ی ملت و سرزمین تان را در دستان شما می‌بینم و نیز حسن حقیقت‌جویی را در قلب‌های شما زنده‌تر و هوشیارتر می‌یابم.» اما «به سیاستمداران و دولتمردان شما خطاب نمی‌کنم، چون معتقدم که آنان آگاهانه راه سیاست را از مسیر صداقت و درستی جدا کرده‌اند.» در حقیقت، رهبر انقلاب با رویکرد تأکید بر نقاط مشترک و با استفاده از دو ابزار «اخلاق» و «حقیقت‌جویی» اقدام به نگارش این دو نامه کرده‌اند؛ موضوعاتی که اتفاقاً گمشده‌ی جهان سیاست و دیپلماسی امروزین است. این اقدام در ظاهر، خارج از عرف دنیای سیاست و دیپلماسی کنونی است و به همین علت می‌توان چنین اقدامی را «فراتر از دیپلماسی عمومی» ارزیابی نمود؛ چرا که اساساً دعوت به فطرت و حقیقت، فراتر از دیپلماسی و جهان سیاست است.

○ رسانه‌های متفاوت برای مخاطبان متفاوت

«امروز دنیا، دنیای رسانه‌ها و تبلیغ و تبیین است. امروز در مقابل شما امپراتوری خبری دشمنان دنیای اسلام قرار دارد که غالباً در کنترل صهیونیست‌هاست. امروز یک اتوبان یکطرفه خبر و تحلیل از طرف رسانه‌های خبری به سمت افکار عمومی دنیا - از جمله افکار عمومی کشورهای عربی و اسلامی و خود مسلمانان - جاری است.» (۸/۱۱/۱۱) از همین رو در زمانه‌ی «دیکتاتوری رسانه‌های رسمی غرب» هم نامه‌ی اول و هم نامه‌ی دوم، عمدتاً توسط رسانه‌های نوین (شبکه‌های اجتماعی و فضای مجازی) منتشر شده است تا بهتر و سریعتر توسط مخاطبینش دریافت شود. «دکتر کوین بارت»، تحلیلگر برجسته‌ی آمریکایی معتقد است: «اعتقاد دارم

اتفاق تروریستی به مراتب بزرگ‌تر از اولی، در ۲۲ آبان ماه امسال در فرانسه رخ داد که حداقل ۱۶۰ کشته و ۲۰۰ زخمی بر جای گذاشت. گروهک تروریستی داعش نیز مسئولیت این حادثه را بر عهده گرفت و این دو حادثه، عاملی شد برای آغاز دور جدیدی از فعالیت‌های اسلام‌هراسانه در غرب.

○ نامه‌ی رهبر انقلاب؛ تبدیل تهدید به فرصت
اقدام پیش‌روانه‌ی رهبر انقلاب در مخاطب قرار دادن جوانان غرب، دعوتی است که تهدیدات را به فرصت تبدیل نموده است. «در برابر پدیده‌ی اسلام‌هراسی مطلقاً نباید منفعل شد... این خود زمینه‌ی یک پرسش است و این پرسش به نظر ما برکاتی دارد و می‌تواند این تهدید را تبدیل به فرصت کند.» (۹۳/۱۲/۲۱)

در نامه‌ی اول که تنها دو هفته بعد از اتفاق تروریستی شارلی ابدو منتشر شد، ایشان دو «خواست» اصلی را مطرح کردند: اول، کاوش درباره‌ی «انگیزه‌های سیاه‌نمایی گسترده علیه اسلام» در طول دو دهه‌ی گذشته، دوم، به دست آوردن «شناخت مستقیم و بی‌واسطه از اسلام» و از جوانان خواستند که «جازه ندهید شمارا در مرزهای ساختگی و ذهنی محصور کنند.» نامه‌ی دوم رهبر انقلاب نیز مانند نامه‌ی اول در حدود دو هفته پس از حادثه تروریستی فرانسه منتشر شد. در این نامه اما در ابتدا با بیان ناراحتی از حادثه‌ی پاریس، بر موضوع «تروریسم» به عنوان «کَلِمَةُ سَوَاءٍ» میان مردمان این روزگار تأکید کردند: «امروز تروریسم درد مشترک ما و شماست.» در ادامه‌ی نامه نیز، به رفتارهای متناقض سیاستمداران غربی در قبال اتفاقات و حوادث بین‌المللی، حمایت کشورهای غربی از گروه‌های تروریستی، از بین بردن فرهنگ‌های ملی با توجه همانندسازی‌های فرهنگی، دلایل گرایش جوانان غربی به گروه‌هایی چون داعش، اشتباهات سیاستمداران غربی در

نامه‌ی مهم امام خمینی رحمه‌الله علیه به یکی از دو ابرقدرت زمان خود (شوروی) نیز مبتنی بر همین اصل دعوت بود؛ آنجا که خطاب به گورباچف، مشکل اصلی شوروی را رویگردانی از «حقیقت» می‌دانند: «جناب آقای گورباچف! باید به حقیقت رو آورد؛ مشکل اصلی کشور شما مسأله‌ی مالکیت و اقتصاد و آزادی نیست. مشکل شما عدم اعتقاد واقعی به خداست، همان مشکلی که غرب را هم به ابتذال و بن‌بست کشیده و یا خواهد کشید.» در آن نامه نیز، امام خمینی بر موضوعات «فطری» و «وجدانی»، به عنوان «کَلِمَةُ سَوَاءٍ» تأکید می‌کنند.

○ ترویج اسلام‌هراسی برای مهار تمدن اسلامی
اما اتحاد جماهیر شوروی که فروپاشیده شد، همه‌ی نگاه‌ها به سمت جهان اسلام دوخته شد. «ساموئل هانتینگتون» استراتژیست آمریکایی، در ابتدای دهه‌ی نود میلادی، سخن از «برخورد تمدن‌ها» گفت و اینکه در میان تمدن‌های موجود، این «تمدن اسلامی» است که استعداد و توانایی رود رویی با تمدن غرب را دارد و بنابراین می‌بایست هر طور که شده آن را مهار کرد. ده سال پس از آن و با یقین نقش مؤثر «امریکا در ایجاد با تقویت و تسلیح القاعده، طالبان و دنباله‌های شوم آنان» پس از وقوع حادثه‌ی ۱۱ سپتامبر، جورج بوش پسر، رئیس‌جمهور وقت امریکا، اعلام آغاز «جنگ صلیبی» کرد و لشکرکشی‌های گسترده به کشورهای غرب آسیا به بهانه‌ی «مبارزه با تروریسم» انجام شد. سیاست «اسلام‌هراسی» از همین ایام وارد مرحله‌ی جدید خود شد و تا به امروز همچنان ادامه یافت.

دی ماه سال ۹۳، نشریه‌ی «شارلی ابدو»، تصویر موهنی از پیامبر اسلام (ﷺ) منتشر کرد که به دنبال آن، به دفتر این نشریه حمله شد و افکار عمومی غرب، مسلمانان را عامل این حادثه‌ی تروریستی تلقی کرد. به فاصله‌ی کمتر از یک سال،

شماره

۱۰

یا لیتنا کنا معکم

● فرصت اربعین برای تعمیق اخوت، برادری و دشمن شناسی

اربعین تبلور یک فرهنگ است برای تقویت، تمرین و تعمیق اخوت و برادری در میان مسلمانان تا مکتب اهل بیت و مسیر امام حسین (ع) را با کنار گذاشتن اختلافات ببینند. حضور میلیون ها انسان در اربعین حسینی «وقتی حتی جسمها در کنار هم قرار میگیرند، این جور انعکاس پیدا میکنند. اگر ما با هم باشیم، کشورهای اسلامی، ملت‌های مسلمان - سنی و شیعه و فرق مختلف تسنن و تشیع - با یکدیگر دل‌هایشان صاف باشد، نسبت به یکدیگر سوءظن نداشته باشند، سوءتبت نداشته باشند، به یکدیگر اهانت نکنند، ببینید در دنیا چه اتفاقی خواهد افتاد» (۹۳/۱۰/۱۹) اربعین فرصتی است برای یکی شدن در مسیر «سلم لمن سالکم و حرب لمن حاربکم» و به تعبیر شهید مطهری شناخت شمر دوران امروز؛ فهمیدن این مطلب که نقشه دشمنان امت اسلامی (بخصوص امریکا و انگلیس) ایجاد درگیری و اختلاف، داشتن بهانه حضور و دخالت در کشورهای اسلامی است تا با ناامن کردن کشورهای منطقه، امنیت رژیم صهیونیستی را تأمین کنند و سعی کنند «ولویت اصلی» جهان اسلام را تغییر دهند.

● راهپیمایی اربعین نمونه دوستی ملتها با یکدیگر

این اجتماع، نماد همکاری و همراهی صمیمانه ملتها با یکدیگر نیز می باشد. پذیرایی از بیش از بیست میلیون زائر در طول مدت حضور در این اجتماع عظیم بدون داشتن هیچ چشم داشت و توفعی، نمونه ای از همدلی میان مسلمانان است. «راه پیمایی مراسم روز اربعین یک نمونه از این ارتباط دوستانه است به گونه ای که مردم عراق در پذیرایی از زائران ایرانی، از انفاق و محبت و ارادت چیزی کم نمی گذارند» (۹۴/۹/۳)

● فرهنگ اربعین، تمرینی برای حضور در رکاب ولی عصر (ع)

شاید بتوان گفت راهپیمایی بی نظیر و پر معنای اربعین که «بدون تردید از جمله شاعران الهی است» و در آن هم «ایمان، اعتقاد قلبی و باورهای راستین» موج می زند و هم «عشق و محبت»، فرصت مغتنمی است برای اعلام آمادگی و تمرینی برای حضور در رکاب امام زمان (ع). «با ما خودمان عهد کرده ایم و عهد میکنیم که یاد حسین، نام حسین و راه حسین را هرگز از زندگی خودمان جدا نکنیم» (۸۵/۱/۱) پس «مانیز از دور به حال زائران اربعین غبطه می خوریم» و آرزوی ما کنیم ای کاش همراه شما بودیم... «یا لیتنا کنا معکم فنفور فوزا عظیما» (۹۴/۹/۹) ●



بیش از ۱۳۰۰ سال از بازگشت حضرت زینب (ع) و کاروان اسرا به کربلا و حضور جابر بن عبدالمطلب... انصاری و جمعی از بنی هاشم در اربعین شهادت حضرت ابا عبدالمطلب (ع) می گذرد. «مرحوم سید بن طاووس - و بزرگان - نوشته اند که وقتی کاروان اسرا، یعنی جناب زینب (ع) و بقیه در اربعین وارد کربلا شدند، در آنجا فقط جابر بن عبدالمطلب... انصاری و عطیبه ی عوفی نبودند، «رجال من بنی هاشم»؛ عده ای از بنی هاشم، عده ای از یاران بر گرد تربت سیدالشهداء جمع شده بودند و به استقبال زینب کبری آمدند.» (۸۷/۱۱/۲۸) از آن روز «جاذبه مغناطیس حسینی» شروع شده و هر سال میلیون ها مشتاق را از مذاهب، ادیان، ملل و اقوام مختلف جهان در چنین روزی گرد هم می آورد. اما «اهمیت اربعین در آن است که در این روز، با تدبیر الهی خاندان پیامبر (ع)، یاد نهضت حسینی برای همیشه جاودانه شد و این کار پایه گذاری گردید... درسی که اربعین به ما می دهد، این است که باید یاد حقیقت و خاطره ی شهادت را در مقابل طوفان تبلیغات دشمن زنده نگه داشت.» (۶۸/۶/۲۹)

● گستردگی و جامعیت بی نظیر راهپیمایی اربعین

هر چند که «پدیده ی بی نظیر و حرکت عظیم و پر معنای راه پیمایی اربعین حسینی» در سالهای اخیر توسط رسانه های دشمن پوشش چندانی نیافته است، اما عظمت و رشد فزاینده حضور اقشار مردم در این حرکت به گونه ای شده است که روزنامه هافینگتون پست آن را «بزرگترین اجتماع دینی جهان» می خواند و می افزاید: شمار زائران اربعین حسینی پنج برابر شمار حجاج بیتا... الحرام و به مراتب مهمتر از جشنواره بزرگ «کوم میلا» هندوهاست که سه سال یکبار برگزار می شود. سازمان یونسکو نیز این اجتماع پرشکوه را به عنوان میراث معنوی به ثبت جهانی می رساند. علاوه بر «گستردگی» این سنت حسنه، «جامعیت» آن نیز در نوع خود کم نظیر است. به گونه ای که نه تنها شیعیان و حتی مسلمانان بلکه پیروان سایر ادیان، قومیتها و نژادها را نیز در بر میگیرد و برای مسلمانان عظمت و عزت ایجاد میکند. اما بی شک در کنار اثرات معنوی، اخلاقی و تربیتی این تجمع عظیم برای حاضران که در نوع خود نیز بسیار مهم است این اجتماع بزرگ برای ملت‌های مسلمان نیز حاوی پیامهایی است که باید از آن درس آموخت.

ایشان {حضرت آیتا... خامنه‌ای} به بهترین نحو توانسته اند حقیقت را به گونه ای مهربانانه و همدردانه بیان سازند. «به عقیده ی وی، رهبر انقلاب «تصمیم گرفته پیام خود را برای افراد جوان بفرستد نه روشنفکرها یا سیاستمداران زیر افراد جوان بیشتر پذیرای اطلاعات جدید بوده و می دانند چگونه از رسانه های جایگزین و اجتماعی برای اشاعه ی پیام‌هایی که در رسانه های اصلی منتشر نمی شوند، استفاده کنند.»

نکته ی مهم دیگر، انتشار این نامه، در ایام پیاده روی اربعین و استفاده از ظرفیت بزرگترین تجمع انسانی برای تبلیغ و انتشار نامه در فضای حقیقی و عینی است. آن هم در حالی که می دانیم از جمعیت بیش از ۲۰ میلیونی ای که در این مراسم شرکت می کنند، جوانان زیادی از امریکا و اروپا نیز حضور دارند. «Letter4U» نام یکی از این موبک ها است که جوان های غربی را برای دریافت نامه ی رهبر انقلاب به سوی خود فرامی خواند. یکی از جوان‌هایی که نامه ی رهبر انقلاب را دریافت کرده بود گفت: «نامه ی رهبر انقلاب به دست آزادی خواهان جهان خواهد رسید. رسانه های غربی همان طور که نمی توانند راهپیمایی عظیم اربعین را پنهان کنند، نخواهند توانست این نامه را نیز بایکوت رسانه ای کنند.»

○ دروازه ی ورود به نظم نوین جهانی

نگاه کلان به جهان نشان میدهد که «نظم مستقر حاکم قبلی دنیا در حال تغییر و تبدیل است... قدرت غربی بر این دو پایه بود - پایه های اخلاقی و معنوی و ارزشی، و پایه ی نظامی و سیاسی و امنیتی و عملی - هر دوی اینها متزلزل شده است.» (۹۳/۶/۱۳) همان نکته ای که نخست وزیر مجارستان در دیدار هفته گذشته خود با رهبر انقلاب گفت: «این بحران‌ها غرب را وادار کرده است که رویکرد و نگاه خود را به شرق نزدیک کند تا با یافتن ارزش های معنوی بتواند به راه حل‌هایی دست یابد.» رهبر انقلاب نیز با بیان این جمله که «برخی متفکرین دلسوز غربی سال‌هاست که این خطر را متوجه شده و در خصوص آن هشدار داده اند»، فرمودند: «البته اکنون یک رویش معنوی آرام و نامحسوس، هم در اروپا و هم در امریکا با محوریت جوانان در حال شکل گیری است و در آینده نیز احتمال دارد اروپا بتواند بین پیشرفت های مادی، علمی و فناوری با معنویت همگامی به وجود آورد.» (۹۴/۹/۱۰) شاید نامه ی رهبر انقلاب به جوانان غربی، مقدمه و تلنگری باشد برای ورود به «نظم نوین جهانی»، نظمی که پایه ی آن بر مبنای «معنویت، عقلانیت و عدالت» باشد. تاریخ شاهد آینده ای به مراتب بهتر از حال خواهد بود. ●



سفارت آمریکا
در تهران در دوره پهلوی

گزارشی از پروژه برنامه ریزی شده، گسترده و همه جانبه نظام سلطه علیه ملت ایران

نفوذ؛ اشغال بدون جنگ

صداوسیما از آن به عنوان «جنگ نرم برنامه ریزی شده، گسترده و همه جانبه نظام سلطه با جمهوری اسلامی» یاد کردند. در این جنگ نرم تلاش می شود تا انسانها در چنبره رنگ و لعاب مفاهیم ارزش های غربی تسخیر شوند و افراد از درون ملت، مبتنی بر مفاهیم غربی به یکدیگر متصل شوند. نفوذ تلاش می کند با ابزارها و امکانات جدید شبکه سازی در داخل ملت انجام دهد و این دقیقا همان زمانی است که عملا اشغال کشور بدون اینکه جنگ نظامی رخ دهد صورت گرفته است. اهمیت این مسئله و تجربیات شکست های قبلی امریکاییان چنین است که حتی استراتژیست های آن ها مانند "جوزف نای" درباره این جنگ جدید می نویسند که "قدرت نرم و قدرت اقناع و تولید گفتمان، امروز اهمیت بیشتری از قدرت های سخت یافته است. نگاه سنتی به سیاست و رزی جهانی نوعا متمرکز بر نیروی نظامی و اقتصاد پیروز بوده است. نگاه سیاست در دوره جدید مبتنی بر گفتمان های پیروز است." گفتمان پیروز جانمایه برتری در جنگ نرم است.

"ما اقتصاد و نیروی نظامی قوی داریم. با وجود این دو عنصر نباید وقتمان را هدر دهیم." آن روزها بوش پسر، رئیس جمهور سابق امریکا در نطق های تبلیغاتی خود صحبت از قدرت امریکا و استقرار نظم نوین مبتنی بر آن می کرد. ده سال از آن روزها گذشت. امریکایی ها در آن دهه بر مناطق مختلفی از جمله غرب آسیا تاختند و ویران کردند تا نقشه های خود را محقق کنند؛ اما با سد مردم روبه رو شدند. قدرت نظامی امریکا در افغانستان، عراق و... به هیچ گرفته شد و مردم اشغال کشورشان را بر نتافتند. بحران های اقتصادی و اجتماعی درون امریکا هم جنبش های ۹۹ درصدی راه انداخت. مردم نظم نوین ویرانگر امریکایی را نپذیرفتند ولی دشمن هم از پای ننشست و طرح "تغییر نقشه خاورمیانه" جای خود را به طرح های جدید تر داد.

داشته باشند زیرا فکر آن ها را در اختیار گرفته اند و این برای سلطه گر کافی است. «گر امریکایی ها در این سیاست خود موفق شوند و بتوانند فکر جوانان را به "فکر امریکایی" تبدیل کنند، آنگاه بدون نیاز به کودتای نظامی و اقدامات سخت، بر کشورها مسلط خواهند شد. ۹۴/۹/۳»

• اشغال کشور بدون جنگ
یکی از راه های ایجاد فکر امریکایی، «نفوذ» است. برنامه نفوذ «تغییر باورها، تغییر آرمانها، تغییر نگاهها، تغییر سبک زندگی ۹۴/۹/۴» است. این همان چیزی است که رهبر انقلاب در دیدار مدیران

• فکر امریکایی
مک کریستال فرمانده سابق امریکایی ائتلاف افغانستان از تجربه جنگ در آنجا چنین می گوید که «اهمیت اقناع مردم بالاتر از هر چیز است. همه چیز در ذهن کسانی رخ می دهد که به نحوی شریک این جنگند." وزیر دفاع وقت امریکا در سال ۲۰۰۷ م. از دولتش خواسته بود که پول بیشتری را هزینه جنگ نرم کند. آن ها به این نتیجه رسیده بودند وقتی که نمی توانند "تن" ها را تسلیم خود کنند باید "جان" ها را شیفته خود کنند. اگر آن ها بتوانند «هویت بومی» ۹۴/۹/۳ مردم سرزمین هدفشان را تغییر دهند؛ دیگر لازم نیست با آن سرزمین جنگی



شماره



● نفوذ شبکه‌های

دشمن آشکارا و وقیحانه خواسته‌های خود از ملت را نیز مشخص کرده است. او به روشنی می‌گوید که شعار هایتان را دیگر تکرار نکنید، مرگ بر امریکا نگویید و... ما هم به جمهوری اسلامی شما کاری نداریم. با پروژه «نفوذ شبکه‌های»، افراد موثر ملت را در اختیار می‌گیرد، آن‌ها را به یکدیگر متصل می‌کند و از درون کشور شعارها و تفکرات امریکایی به نمایش گذاشته می‌شود و این برای انقلاب اسلامی، خطیر است. آن‌ها که پیش از این توان و زور خود را برای ضربه زدن به انقلاب اسلامی آزموده بودند، وقتی که دیدند نمی‌توانند به اصل آن ضربه بزنند؛ امروز با شیوه جدیدی به میدان بازگشته‌اند. در این شکل جدید، محتوا و غلبه گفتمان مهم است. ظاهر اهمیتی ندارد. برای آن‌ها «باقی ماندن نام جمهوری اسلامی و حتی حضور یک معمم در رأس آن مهم نیست، مهم آن است که ایران تأمین کننده اهداف امریکا، صهیونیسم و شبکه‌ی قدرت جهانی باشد.» ۹۴/۷/۲۰ در این سوی میدان نباید در مقابل دشمن «مثل خاکریز نرم» بود که دشمن از هر جا خواست بتواند نفوذ کند. ۹۳/۱۰/۱۹ مقدمه این نفوذ، همان عدم توجه به سیره رسول خدا در اشداء علی الکفار بودن است و مکمل نفوذ، تخریب و «تخطئه‌ی کسانی است که بر اصالتها، بر نگاه درست، بر ارزش‌های می‌فشارند.» و آن‌ها را «متهم میکنند به افراطی‌گری و تند.» ۹۴/۰۹/۰۴

● فولاد آبدیده

سال گذشته رهبر فرزانه انقلاب اسلامی در حرم رضوی، بر گسترش کار فرهنگی از سوی جوان مومن انقلابی و تأثیر آن بر پیشرفت کشور و ایستادگی در مقابل دشمنان این ملت تأکید کرده بودند. هم چنین بارها خطاب به جوانان توصیه کرده‌اند که «باید دائماً هشیار باشید. معارف دینی خود و معارف انقلابی خود را هر چه می‌توانید تعمیق کنید. مثل پاره‌های پولاد - زبر الحديد - آنطوری که در تعبیرات حدیث و در بعضی دعاها وجود دارد - نفوذ ناپذیر و نفوذ کننده و در مقابل دشمن بُرنده و با اراده‌ی قوی باشید.» ۸۷/۲/۱۴ که «این ملت فولاد آبدیده است... جوان و پیر این میهن بزرگ اسلامی و نسلهای پی‌درپی از این ملت بزرگ، که در کوره‌های حوادث آبدیده شده‌اند، برای خودشان یک رسالت قائلند؛ رسالت پاسداری از اسلام و پرچم برافراشته‌ی اسلام در این سرزمین؛ که امروز یک و نیم میلیارد مسلمان در مناطق مختلف دنیا به این پرچم چشم دوخته‌اند؛ این عمق راهبردی ملت و انقلاب ما در کشورهای اسلامی منطقه... در آسیای میانه و در شبه قاره است؛ اینها عمق راهبردی ملت ایران است.» ۸۵/۱/۵ عمق نفوذ ما را حرارت فولادهای آبدیده به مستضعفین رسانده است و در این جنگ جدید هم حرارت همان فولادها کار خود را خواهد کرد، باذن... ●

پیامبر (ﷺ)، خاکریز مستحکم در برابر کفار



ملت ایران، امت اسلامی و همه بشریت امروز بیش از هر زمان دیگر به درسهای پیامبر اعظم (ﷺ)، نیازمند است. «خدای متعال به ما مسلمانان دستور داده است که از پیامبر تبعیت کنیم. این تبعیت، در همه چیز زندگی است. آن بزرگوار، نه فقط در گفتار خود، بلکه در رفتار خود، در هیأت زندگی خود، در چگونگی معاشرت خود با مردم و با خانواده، در برخوردش با دوستان، در معامله‌اش با دشمنان و بیگانگان، در رفتارش با ضغفا و با اقویا، در همه چیز اسوه و الگوست.» (۷۰/۷/۵) الگوگیری از پیامبر اعظم (ﷺ) اما مستلزم شناخت شخصیت ایشان و مطالعه‌ی سیره‌ی پربرکت نبوی است. «خدای متعال در سوره‌ی سراسر حماسه و درس فتح، بعد از آن که همه‌ی آیات حماسه را بیان می‌کند، درباره‌ی پیغمبر و اصحاب پیغمبر می‌فرماید: «اشدء علی الکفار رحماء بینهم.» یعنی «به متجاوز امان نمی‌دهند؛ اما در میان خود برادرانه رفتار می‌کنند.» (۷۵/۰۶/۲۷) یعنی ما با دشمنان، با استکبار سر آشتی نداریم و با برادران مسلمان بنای بر دشمنی و عداوت نداریم؛ بنای بر دوستی و رفاقت و برادری داریم.» (۹۴/۰۵/۲۶) اما درباره‌ی معنای دقیق واژه‌های به کار رفته در این آیه‌ی نورانی نکات ظریفی وجود دارد:

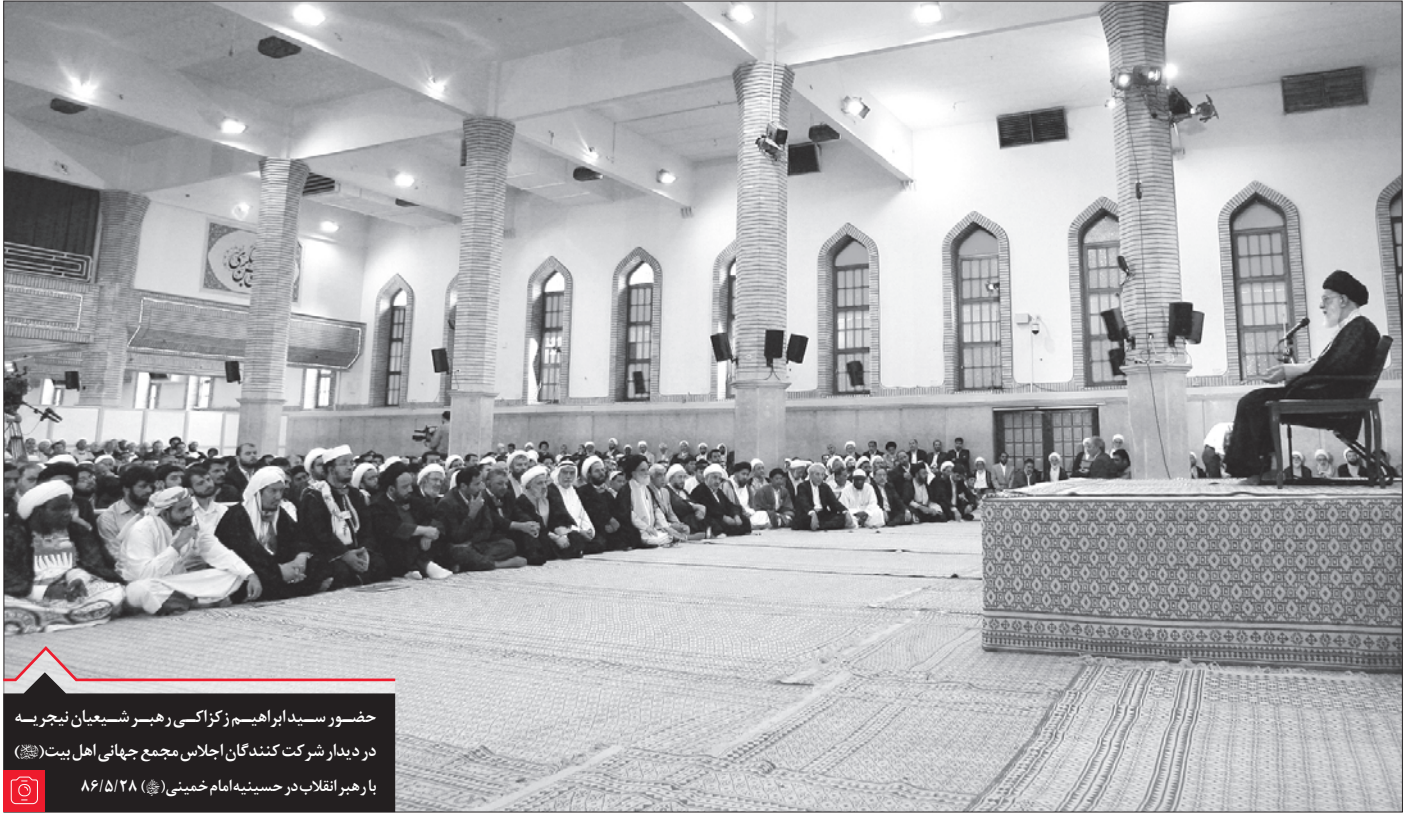
۱. «اشدء بر کفار، معنایش این نیست که با کفار دائم در حال جنگند. اشداء، شدت، یعنی استحکام، استواری، خورده نشدن. یک فلزی زنگ میزند، خورده میشود، پوک میشود، از بین می‌رود؛ یک فلز هم قرنه‌ای متممادی که بگذرد، دچار خوردگی و زنگ‌زدگی و پوسیدگی و پوکی نمیشود. اشداء یعنی این... استحکام یک وقت در میدان جنگ است، یک جور بروز میکند؛ یک وقت در میدان گفتگوی با دشمن است، یک جور بروز میکند. شما ببینید پیغمبر در جنگهای خود، آنجائی که لازم بود با طرف خود و دشمن خود حرف بزند، چه جوری حرف میزند. سرتا پای نقشه‌ی پیغمبر استحکام است؛ استوار؛ یک ذره خلل نیست. در جنگ احزاب پیغمبر با طرفهای مقابل وارد گفتگو شد، اما چه گفتگویی! تاریخ را بخوانید. اگر جنگ است، با شدت؛ اگر گفتگو است، با شدت؛ اگر تعامل است، با شدت؛ با استحکام. این معنای اشداء علی الکفار است.» (۸۷/۰۵/۰۹) «قرآن درباره‌ی آهن می‌گوید: فیه باس شدید. شدید است یعنی مستحکم است. شدت در این جا به معنای ظلم و خونریزی نیست. به معنای استحکام است؛ یعنی این خاکریز نباید شل و نرم باشد؛ این دیوار نباید رخنه داشته باشد.» (۷۹/۰۸/۱۱)

۲. «مراد از کفار هم آن یهودی یا مسیحی نبود که زیر سایه پیغمبر در مدینه زندگی میکرد. همان وقت بودند، مسیحیان و یهودیانی که داخل مدینه زندگی میکردند

و پیغمبر و اصحابش با آنها روابط خوبی داشتند. آنها را «اشدء علی الکفار» نمی‌گوید. «اشدء علی الکفار» به کفاری می‌گوید که یا مثل کفار قریش به طور دائم علیه اسلام و مدینه اسلامی در حال تحرکات نظامی بودند؛ یا مثل یهودیهای بنی قریظه و خیبر و بقیه مناطق دائم کارشکنی میکردند - بروند این طرف و آن طرف سفر کنند، این گروه و آن گروه را علیه اسلام جمع کنند؛ لشکرکشی کنند، تحریک کنند، شایعه درست کنند - و یا کسانی که در چهره مسلمان اما با دل و باطن کافر در داخل مدینه زندگی میکردند و دائم هم با کفار دسته اول و یا با کفار دسته دوم ارتباط داشتند. «اشدء علی الکفار»، یعنی اشدء بر این سه دسته.» (۷۹/۰۸/۱۱)

۳. هدفی که از «شدت در برابر کفار» بیان شده است، به این سؤال پاسخ می‌دهد که چرا این اصل مهم در سیره‌ی پیامبر اکرم مورد اشاره قرار گرفته است: مقابله با نفوذ دشمن. «اشدء باشید یعنی مثل خاکریز نرم نباشید که دشمن از هر جا خواست بتواند در شما نفوذ کند؛ مستحکم باشید.» (۱۹/۱۰/۹۳) «دشمن متجاوز بالطبع است؛ طبیعت جهان‌خواران تجاوز است، جلو آمدن است، تصرف است، پنجه انداختن است، طبیعت اینها است؛ اگر خاکریز شما قابل نفوذ باشد، نفوذ میکند؛ باید جوری حرکت کنید که او احساس کند نمیتواند نفوذ کند.» (۹۴/۰۷/۱۵) «بعضی، از دشمن رودر بایستی دارند؛ بعضی، ملاحظه‌ی دشمن را میکنند. ملاحظه‌ی ملت را باید کرد، ملاحظه‌ی خدا را باید کرد، نه ملاحظه‌ی دشمن را. دشمن، دشمن است؛ هر چه ملاحظه کنی و عقب بنشین، او جلو می‌آید... یکی از شاخصها [در انتخابات مجلس] همین است. مردم در هر جای کشور هستند، به این شاخص توجه کنند. آن کسانی که مرز شان با دشمن و دست‌نشانگان دشمن مرز کم‌رنگی است، اینها برای ورود به مجلس اصلح نیستند. کسانی باید باشند که مرز روشنی با دشمن داشته باشند.» (۲۲/۱۲/۸۶)

۴. اما «رحماء بینهم» یعنی در بین خودشان که هستند، نه؛ اینجا دیگر خاکریز نرم است، انعطاف وجود دارد؛ اینجا دیگر آن شدت و آن صلابت نیست. اینجا باید دل داد و دل گرفت. اینجا باید با هم با تعاطف رفتار کرد.» (۸۷/۰۵/۰۹) «رحماء بینهم یعنی با همدیگر مهربان باشیم، رحیم باشیم، نرم باشیم در مقابل هم.» «ببینید این دستور قرآن است دیگر. چرا عمل نمیکنیم؟ اشکال کار کجاست؟ اشکال کار همین است. اگر دل‌هایمان را ظرف پذیرنده‌ی باران رحمت قرآن و باران هدایت قرآن قرار بدهیم، اگر دل را به قرآن بسپریم، برایمان راحت میشود.» (۸۸/۰۵/۳۱) ●



حضور سید ابراهیم زکزاکی رهبر شیعیان نیجریه در دیدار شرکت کنندگان اجلاس مجمع جهانی اهل بیت (ع) با رهبر انقلاب در حسینیه امام خمینی (ره) ۸۶/۵/۲۸

گزارشی به بهانه‌ی فاجعه کشتار شیعیان مظلوم «زاریا» در نیجریه؛

بیداری سرکوب‌شدنی نیست

تشبیه فرموده است... دشمنی دشمنان راهم به پُف کردن با دهان تشبیه کرده است. همان گونه که کسی پُف می‌کند و نور شمع یا چراغی را خاموش می‌کند، دشمنان می‌خواهند پُف کنند و نور خدا را خاموش کنند! ۷۶/۱/۱

۲. خدا تمام کننده نور خویش است...

سید ابراهیم زکزاکی فرزند معنوی حضرت روح ا... است. یکی از پرورش یافتگان «مکتب امام». امام از این فرزندان در اقصی نقاط منطقه و بلکه جهان کم نداشته است. از سید عباس موسوی در لبنان تا احمد شاه مسعود و برهان الدین ربانی در افغانستان و از شهید محمدباقر صدر و شهید حکیم در عراق تا فتاحی شقاقی در فلسطین و از سید عارف حسین حسینی در پاکستان تا ادوار دو آنیلی در قلب اروپا همگی فرزندان مکتب امام بودند که به فیض شهادت نائل شدند و از سید حسن نصر... و شیخ باقر التمر تا عبدالملک الحوثی و سیدهاشم الحیدری و رمضان عبدا... شلح هم که همچنان در حال جهادند و آرمان جهانی حضرت

خبر بسیار تکان دهنده و غیر مترقبه بود. حمله ارتش تا بن دندان مسلح نیجریه به شیعیان بی دفاع زاریا. کشتار وحشیانه صدها انسان که به فاصله چند روز پس از راهپیمایی میلیونی اربعین در نیجریه، برای تدارک عذارای شهادت امام رضا (ع) در حسینیه بقیه... این شهر گرد هم آمده بودند. برای دفاع از شیخ ابراهیم زکزاکی. روحانی شیعه‌ای که با دستهای خالی - از تقریباً هیچ - یک جامعه مومن و انقلابی چند میلیونی تربیت کرد. آن هم به عشق حضرت امام (ره). تصاویر دریافتی از طریق رسانه‌ها و شبکه‌های اطلاع‌رسانی حکایت از تخریب کامل حسینیه و آتش زدن منزل جناب زکزاکی می‌دهد. تصاویر خونین اجساد دل‌هرانسانی را فارغ از هم‌کیشی و هم‌مذهبی با آنها به درد می‌آورد. اما...

خمینی می‌داند، مهمترین دلیلی است که رسانه‌های نظام سلطه را متوجه این رویداد مهم کند. پرداختن رسانه‌هایی چون بی‌بی‌سی و گاردین و... در سالهای اخیر به جنبش اسلامی مسلمانان نیجریه و رهبر مردمی آن و تلاش برای تکرار پروژه اسلام‌هراسی و شیعه‌هراسی گواهی بر این اتفاق است. از سوی دیگر لبه دیگر این «قیچی» یعنی اسلام تکفیری یعنی «دشمنانی که به‌نام اسلام با اسلام دشمنی می‌کنند» نیز اینجا در لباس گروهک تروریستی افراطی «بوکوحرام» خود را نمایان می‌کند. به این امید که این مسیر و این راه نورانی را خاموش کند. اما «این آیه‌ی کریمه، راه خدا و دین خدا را به نور، آن هم نور خدا

می‌خواهند نور خدا را با دهن‌های خود خاموش کنند، حال آنکه خدا تمام کننده نور خویش است هر چند کافران را خوش نیاید. /صف، آیه ۸

۱. می‌خواهند نور خدا را با دهان‌های خود خاموش کنند...

"امام یک جلد قرآن به من هدیه داد و گفت: برو و با قرآن مردم کشورت را هدایت کن." این روایت شیخ زکزاکی از آغاز جنبش او برای نیجریه و غرب آفریقا است. رشد سریع و شگفت‌انگیز اسلام ناب در نیجریه در منتهی‌الیه غرب آفریقا آن هم به واسطه یک مسلمان تازه شیعه شده که خود را هدایت شده امام



شماره



۱۲

فرجام اهل تغلب



شامگاه ۲۲ خرداد ۱۳۸۸ و در حالی که هنوز رأی گیری در برخی از حوزه های انتخاباتی ادامه داشت؛ بخشی از یک جریان سیاسی تحرکات خود را برای ایجاد تردید در سلامت انتخابات که از روزهای قبل از آن آغاز کرده بود وارد فاز جدید و جدی تری کرد. فضا سازی رسانه ای و سیاسی در کشور حول این موضوع، از همان ساعات نخستین با استقبال رسانه های بیگانه و ضد انقلاب روبرو شد و با موج آفرینی های اجتماعی خشونت بار در روزهای بعد ادامه یافت: «در فتنه ی ۸۸، چند روز بعد از انتخابات به آن عظمت، یک عده ای آمدند اظهار مخالفت کردند، یک عده هم از این فرصت استفاده کردند؛ سلاح گرفتند، کار را به آشوب و تشنج کشاندند.» ۱۳۹۱/۰۷/۱۹

تنها چند روز بعد از این اتفاقات خسارت بار در روز ۲۹ خرداد ماه، رهبر معظم انقلاب اسلامی با حضور در نماز جمعه به تبیین و روشننگری پیرامون ابعاد موضوع پرداختند. ایشان با اعلام اینکه «راه محبت و صفا باز است» سیاسیون و «دوستان قدیمی» را به تبعیت از قانون توصیه کردند: «من به همه ی این آقایان، این دوستان قدیمی، این برادران توصیه میکنم بر خودتان مسلط باشید؛ سعهی صدر داشته باشید؛ دستهای دشمن را ببینید... زور آزمائی خیابانی بعد از انتخابات کار درستی نیست، بلکه به چالش کشیدن اصل انتخابات و اصل مردم سالاری است. من از همه میخواهم به این روش خاتمه بدهند... بنا را بر برادری بگذارید، بنا را بر تفاهم بگذارید، قانون را رعایت کنید. راه قانون باز است. راه محبت و صفا باز است، از این راه بروید.» ۱۳۸۸/۰۳/۲۹

شدن فضا برای عموم مردم شدا اما متأسفانه از سوی برخی جریانات و چهره های سرشناس سیاسی مورد توجه واقع نشد. ادامه یافتن معارضات و دمیدن در شعله های فتنه، نه تنها موجب بعی و ظلم به مردم و نظام شد بلکه دشمن را هم نسبت به ضربه زدن به ملت و نظام اسلامی امیدوار کرد.

● **ما هیچ کس را از نظام بیرون نمی کنیم اما...**

با ادامه یافتن این تحرکات معاندانه و دشمن شادکن، رهبر انقلاب به تبیین «روش نظام» در برخورد با مخالفین پرداخته و ضمن تأکید بر مبنای «جذب حداکثری و دفع حداقلی»، «معارضه با نظام» و «از بین بردن امنیت مردم» را موجب برخورد نظام دانستند: «انجائی که افراد در چهار چوب اصول رفتار کنند، دنبال خشونت نروند، درصد بر هم زدن امنیت جامعه نباشند، آسایش جامعه را نخواهند به هم بزنند... نظام هیچگونه مسئله ای ندارد... بنای نظام در اینجا، جذب حداکثری و دفع حداقلی است. این، روش نظام است... اگر کسی با مبانی نظام معارضه کند، با امنیت مردم مخالفت کند، نظام مجبور است در مقابل او بایستد.» ۱۳۸۸/۰۶/۲۰ حضرت آیت... خامنه ای «رد

امام خمینی (ره) را پیش می برند. هر دو دسته احدی الحسنین هستند. «وقتی شما [با نگاه توحیدی] میدانید وجود شما، پیدایش شما، حیات شما، تنفس شما با یک هدفی تحقق پیدا کرده است، دنبال آن هدف میگردید و برای رسیدن به آن هدف، تکاپو و تلاش میکنید. از نظر خدای متعال که آفریننده ی هستی است، خود این تکاپو هم اجر و پاداش دارد. به هر نقطه ای که رسیدید، در واقع به هدف رسیدید. این است که در دیدگاه توحیدی، خسارت و ضرر برای مؤمن اصلاً متصور نیست.» ۹۰/۹/۲۱

۳. هر چند کافران را خوش نیاید

«اسلام عزیز» آن هم با «فرائت معتبر امام» راه خود را باز کرده است و نظام اسلامی نیز فارغ از همه سلاقی و گرایشهای داخلی پشت و پناه همه مستضعفان عالم خواهد بود. «ولقد کتبتنا فی الزبور من بعد الذکر ان الارض لربها عبادی الصالحون. در یک آیه ی دیگر: ان الارض لله یورثها من یشاء من عباده. در یک آیه ی دیگر: لیظهره علی الدین کله ولو کره المشرکون. یعنی این پرچم توحید و اسلام و ایمان، این پرچم ایستادگی در مقابل ظلم و جور از هر کس و هر جای عالم، این پرچم استقلال ملتها در مقابل قدرتهای زورگوی عالم، باید در سرتاسر جهان و به عنوان مرکز امید همه ی مستضعفان عالم، به اهتزاز در بیاید.» ۶۹/۶/۲۶

این مسیر بدون بازگشت به رغم عصبانیت دشمنان و نظام سلطه راه خود را خواهد پیمود. «به نظر ما بیداری اسلامی به وجود آمده است؛ سعهی شداز سوی دشمنان اسلام که این بیداری را سرکوب کنند - و یک جاهایی هم سرکوب کردند - اما بیداری اسلامی سرکوب شدنی نیست. پرچم اعتزاز به اسلام بلند شده است، برافراشته شده است؛ احساس هویت اسلامی امروز در مسلمانان، در هر نقطه ی عالم، نیرومند شده است و نیرومند خواهد شد.» ۹۳/۳/۶

اگر کافران این چنین نخواهند، «سور خدا طبعاً از همه ی آنچه که در ذهن بشر می گنجد، قویتر است. اگر بگویند کسی نور خورشید را با هوای ضعیفی که از دهان خارج می کند، می خواهد خاموش کند، عقلا بر این تصمیم احمقانه و کود کانه، خنده ی تمسخر می زنند؛ چه رسد به نور خدای متعال.» ۷۶/۱/۱

و «ما با خدا پیمان بسته ایم راه امام خمینی (اعلی...) قدره) را که راه اسلام و قرآن و راه عزت مسلمین است، دنبال کنیم. سیاست نه شرقی و نه غربی، حمایت از مستضعفان و مظلومان، دفاع از وحدت و حرکت امت بزرگ اسلامی و فایق آمدن بر عوامل اختلاف و دوگانگی مسلمین در سطح جهان، و مجاهدت برای ایجاد مدینه ی فاضله ی اسلامی، و تکیه بر جانبداری از قشرهای محروم و کوخ نشین... هدف اصلی از این همه، زنده کردن دوباره ی اسلام و بازگشت به ارزشهای قرآن است و ما یک سر مواز این هدف عقب نخواهیم نشست.» ۶۸/۴/۱۴

حکمت قانون» را موجب خارج شدن برخی افراد از دایره ی نظام «به دست خودشان» دانستند: «کسانی که این نقشه ی کلی را که متبلور است در قانون اساسی و حکمت قانون و داوری قانون، قبول دارند، جزو مجموعه ی نظام اسلامی هستند. آن کسانی که اینها را رد میکنند، کسانی اند که خودشان به دست خودشان صلاحیت حضور در نظام اسلامی را دارند از دست میدهند و صلاحیت ندارند. کسانی که حاضر نیستند قانون را تحمل کنند، کسانی که حاضر نیستند اکثریت را قبول کنند، کسانی که آن انتخابات عظیم چهل میلیونی مایه ی افتخار را زیر سؤال میبرند، یک نقطه ی قوت را برای نظام میخوانند تبدیل کنند به یک نقطه ی ضعف، اینها در واقع دارند خودشان، خودشان را از این کشتی نجات - که نظام اسلامی است - بیرون می اندازند... ما هیچ کس را از نظام بیرون نمیکنیم؛ اما کسانی هستند که خودشان، خودشان را از نظام بیرون میکنند.» ۱۳۸۸/۱۲/۰۶

قرار دادن جذب حداکثری و دفع حداقلی سعی کردند در چار چوب اصول از خارج شدن افراد از «کشتی نجات نظام اسلامی» جلوگیری کنند اما غلبه ی هوای نفس، لجاجت و قبیله گرایی بعضی ها مانع برگشتشان به دامن نظام اسلامی شد: «اعتقاد من به جذب حداکثری و دفع حداقلی است؛ اما بعضی کانه خودشان اصرار دارند بر اینکه از نظام فاصله بگیرند.» ۱۳۸۸/۰۹/۲۲

● چرا عذر خواهی نمی کنند؟

علی رغم همه ی تبیین ها و دعوتها، «برادران سابق» پاسخی در خور نداده و حاضر نمی شوند از موضوعی که خود به دروغ بودن آن ادعان دارند دست برداشته و «عذر خواهی» کنند، در حالی که برخی از آنها در جمع های خصوصی خود، به صراحت ادعان می کردند که در انتخابات تقلبی نشده است: «چرا عذر خواهی نمیکنند؟ در جلسات خصوصی میگویند ما اعتراف میکنیم که تقلب اتفاق نیفتاده بود. خوب، اگر تقلب اتفاق نیفتاده بود، چرا کشور را دچار این ضایعات کردید؟» ۱۳۹۲/۰۵/۰۶

طبیعی است که نظام اسلامی در مقابل «اهل تغلب» و «بعی» ایستادگی کرده و عکس العمل نشان می دهد. این همان درس الهام گرفته از «سیره ی امیرالمومنین (علیه السلام)» و «مکتب امام» است: «هیچ قدرت و غلبه ای در مکتب امام که از تغلب و از اعمال زور حاصل شده باشد، مورد قبول نیست. در نظام اسلامی قهر و غلبه معنا ندارد؛ قدرت معنا دارد، اقتدار معنا دارد، اما اقتدار بر خاسته ی از اختیار مردم و انتخاب مردم؛ آن اقتداری که ناشی از زور و غلبه و سلاح باشد، در اسلام و در شریعت اسلامی و در مکتب امام معنا ندارد؛ آن قدرتی که از انتخاب مردم به وجود آمد، محترم است؛ در مقابل آن، کسی نیایستی سینه سپر بکند، در مقابل او کسی نباید قهر و غلبه ای به کار ببرد که اگر یک چنین کاری کرد، اسم کار او فتنه است.» ۱۳۹۳/۰۳/۱۴



شماره‌های این ماه تقدیم می‌شود به روح پرفتوح

سرلشگر شهید منصور ستاری

مدیریت شجاعانه، مبتکرانه و با تلاش

نقش شهیدای بزرگوار نیروی هوایی در پیشرفت همه‌جانبه‌ی این نیرو و فداکارها و ایثارگرهای آن بسی آشکار و تعیین‌کننده است، و در این میان تأثیر مدیریت شجاعانه و مبتکرانه و سرشار از تلاش و پیگیری شهید عزیز سرلشگر منصور ستاری انکارناپذیر است. ۱۳۷۳/۱۱/۰۶



قطعه ۲۹ گلزار شهیدای تهران

ساخته سقوط هواپیمادر نزدیکی فرودگاه اصفهان

۱۳۷۳/۱۰/۱۵

خط قرمز

نشریه خبری-تحلیلی نمازهای جمعه، مساجد و هیات‌های مذهبی

دی ماه ۹۴

۶۲ | فتنه؛ خط قرمز انقلاب |

شماره ۱۳

۶۳ | از ایرانشهر تا غزه و لبنان |

۶۴ | مردم ایران اینگونه‌اند... |

شماره ۱۴

۶۵ | امروز نوبت اسلام است |

۶۶ | دام موریانه |

شماره ۱۵

۶۷ | جنایت بزرگ «مهره» آمریکا |

۶۸ | پروژه شماره چهار |

شماره ۱۶

۶۹ | قرارگاه جنگ معنوی |



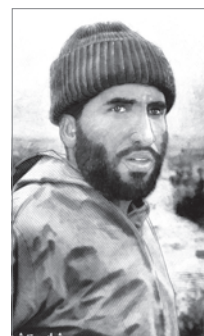
حضور رهبر انقلاب در خانه شهید ارمنی

رهبر معظم انقلاب در آستانه سالروز میلاد حضرت مسیح (ﷺ)، در منزل شهید ارمنی "رشید پور" با اشاره به تصویر شهید خطاب به مادر شهید فرمودند: «ان شاء الله خداوند به خاطر این رنجی که کشیدید به شما اجر بدهد و این جوان عزیز شما را با حضرت مسیح (ﷺ) محشور کند. و این راهم شما بدانید، اگر امروز من، شما و دیگران در یک محیط امنی زندگی می‌کنیم به برکت کار این شهدا است.»

شهید احمد کاظمی

حیف است شهید نشوید

«دو هفته قبل از شهادت شهید کاظمی آمد پیش من و گفت از شما دو درخواست دارم: یکی این که دعا کنید من روسفید بشوم، دوم این که دعا کنید من شهید بشوم. گفتم که شماها واقعاً حیف است بمیرید... بعد گفتم آن روزی که خبر شهادت صیاد را به من دادند، من گفتم صیاد، شایسته‌ی شهادت بود؛ حشش بود؛ حیف بود صیاد بمیرد. وقتی این جمله را گفتم، چشم‌های شهید کاظمی پُر اشک شد، گفت: ان شاء... خبر من را هم به‌تان بدهند! ۸۴/۱۰/۲۱»





آنچه در سال ۸۸ روی داد؛ یکی از تجربیات مهم ملت ایران است

فتنه؛ خط قرمز انقلاب

دشمن است، فردا یک دشمن دیگر است ۸۸/۱۰/۲۹» یکی از برنامه‌های اصلی دشمن، تحریف یا فراموش شدن عبرت‌ها و درس‌های فتنه است؛ «انگیزه‌هایی وجود دارد برای فراموش کردن و در طاق نسیان گذاشتن... نباید اجازه داد که انگیزه‌های خیانت‌آلودی که قصد دارند مقاطع اثرگذار و مهم را از یادها ببرند، موفق بشوند ۹۳/۱۰/۱۷» در مقابل این انگیزه‌های خیانت‌آلود، باید از تحریف یا فراموشی «ظلمی که به مردم شد، آن ظلمی که به نظام اسلامی شد، آن هتکی که از آبروی نظام در مقابل ملت‌ها به وسیله‌ی بعضی انجام گرفت ۸۸/۶/۴» جلوگیری کرد. نباید اجازه داد مسائل اصلی در فتنه چون ظلم آشکار و ضربه زدن به کشور و ملت، لجاجت غیرنجیبانه در مقابل قانون، تلاش برای گذاشتن بدعت‌های غیرقانونی، دعوت به اردو کشی خیابانی، تهمت به نظام اسلامی و تخریب چهره آن در عرصه بین‌المللی، مخدوش کردن رأی مردم، امیدوار کردن دشمن، تلاش برای قرار دادن مردم در مقابل نظام، قرار دادن کشور در لبه پرتگاه اختلافات و جنگ داخلی، مضطرب کردن مردم و امیدوار و شاد کردن دشمنان... فراموش شود.

فتنه خط قرمز است

یکی از مهمترین درس‌ها و عبرت‌های فتنه، بی‌اعتمادی، مرزگذاری و استفاده نکردن از عناصری است که بی‌اعتمادی خود را ثابت کرده‌اند؛ «بعضی‌ها هستند که نشان دادند و ثابت کردند که عناصر نامطمئن‌اند... بی‌اعتمادی خودشان را برای نظام ثابت کردند، برای کشور ثابت کردند، برای جمهوری اسلامی ثابت کردند؛ هم برای اسلامیتش، هم برای جمهوری‌اش... همین‌هایی که سال ۸۸ بازی را راه انداختند، خب اینها با جمهوریت نظام جمهوری اسلامی مخالفت کردند، بدون هیچ منطقی، بدون هیچ حرف قابل قبول و پسندیده‌ی در مقابل آدم‌های باانصاف... از عناصری که نامطمئن بودن خودشان را اثبات کردند، مطلقاً استفاده نکنید. ۹۴/۴/۲۰» و بر اساس همین درس از فتنه ۸۸ است که تأکید می‌شود «مسئله فتنه و فتنه‌گران، از مسائل مهم و از خطوط قرمز است... باید حتماً خطوط قرمز و خطوط فاصل رعایت شوند. ۹۳/۶/۵» و البته در مقابل این ریزش‌ها و خطوط قرمزی که باید رعایت شوند، رویش‌هایی از جنس جوانان مؤمن و انقلابی، بشارت آینده روشن‌تر برای انقلاب اسلامی هستند؛ «خیلی از این جوانها یا انقلاب را ندیده‌اند یا در پیروزی انقلاب سنین خیلی کمی داشته‌اند؛ اما امروز از کاری که ماها آن روز میکردیم، خیلی بهتر دارند عمل میکنند، خیلی قوی‌تر دارند عمل میکنند، هوشیارانه‌تر دارند کار میکنند. انقلاب بحمد... برگ و بارش روزافزون است. ۸۸/۱۰/۲۹» رویش‌هایی در متن همان مردمی که «در موارد خاص، مثل نهم دی سال ۸۸، بمجرد اینکه احساس کردند حرکتی که شروع شده است، متوجه به نظام است، متوجه به انقلاب است، متوجه به شخص خاص و دولت خاصی نیست، آن حرکت عظیم را از خود نشان دادند. ۹۰/۵/۱۶»

انقلاب‌های موفق با درس‌هایی که در میانه مبارزاتشان کسب می‌کنند و با به‌کارگیری آن در ادامه حیاتشان، روند تکاملی خود را طی می‌کنند. هر چند مبارزه با دشمن پیچیده‌تر می‌شود اما، تجربیات انقلاب یکی از عوامل رفتار خردمندانه در مقابله با حوادث پیش‌رویش خواهد بود و انتخابات سال ۸۸ یکی از این تجربیات مهم انقلاب اسلامی است. در آن روز هنوز اخذ آراء در برخی حوزه‌های انتخابیه تمام نشده بود که کاندیدایی خبر از پیروزی خود با آراء بسیار زیاد داد و در بیانیه‌ای با تکرار اعلام پیروزی قطعی از دست‌اندرکاران برگزاری انتخابات خواست که در شمارش آراء دقت کنند: «در غیر این صورت از همه امکانات قانونی برای احقاق حقوق حقه ملت ایران اقدام خواهیم کرد.»



۳ ماه مانده به انتخابات...

که بخواهند باز شماری شود، باز شماری شود؛ خب، زیر بار نرفتند! کارشان منطقی نبود، معقول نبود ۹۲/۲/۱۶»
در رویای گرجستان
 با این رفتار غیرقانونی، «دشمنان را امیدوار کردند و روحیه دادند به کسانی که علیه نظام اسلامی جبهه‌بندی کرده‌اند و یک جبهه‌ای تشکیل داده‌اند. ۸۹/۶/۸» و دشمنان احمق نیز «خیال کردند جمهوری اسلامی، ایران و این ملت عظیم هم مثل آنجا اگر گرجستان است. ۸۸/۳/۲۹» آنان در خطایی جبران‌ناپذیر و در «حرکت هدایت‌شده‌ای از طرف بیگانگان ۸۹/۱/۱» مردم را به شورش خیابانی دعوت کردند و «کشور را لب یک چنین پرتگاهی بردند... البته [خداوند نگذاشت، ملت هم بصیرت به خرج دادند ۹۲/۵/۶] و «اگر خدای متعال به این ملت کمک نمی‌کرد، گروه‌های مردم‌به‌جان هم می‌افتادند، میدانید چه اتفاقی می‌افتاد؟ می‌بینید امروز در کشورهای منطقه، آنجاهائی که گروه‌های مردم مقابل هم قرار می‌گیرند، چه اتفاقی دارد می‌افتد؟ ۹۲/۵/۶» آنها می‌خواستند «از درون این نظام، به نظام جمهوری اسلامی ضربه بزنند، نتوانستند موفق بشوند ۸۸/۵/۱۲»

فتنه گر همیشه هست

در مقابل این فتنه «که با این‌برخوردهای گوناگون سیاسی و امنیتی و اینها حل نمیشد؛ یک حرکت عظیم مردمی لازم داشت ۹۰/۹/۲۱» دست قدرت الهی ۹ دی رارقم زد؛ اما «فتنه‌گر و دشمن همیشه هست؛ امروز یک

تشکیک در سلامت انتخابات البته "پروژه یک‌شبه" نبود؛ سه ماه پیش از آن و در فروردین ۸۸ رهبر انقلاب هشدار دادند که «من می‌بینم بعضی‌ها در انتخاباتی که دو سه ماه دیگر انجام خواهد گرفت، از حالا شروع کرده‌اند به خدشه کردن. این چه منطقی است؟ این چه فکری است؟ این چه انصافی است؟ چرا بیخود خدشه میکنند، مردم را متزلزل میکنند، تردید ایجاد میکنند؟» برای فتنه ۸۸ «حداقل از ده سال، پانزده سال قبل از آن، برنامه‌ریزی وجود داشت. از بعد از رحلت امام برنامه‌ریزی وجود داشت ۸۹/۸/۴» و «طراح و نقشه‌کش و مدیر صحنه، در بیرون از این مرزها بود و هست. در داخل با آنها همکاری کردند؛ بعضی دانسته، بعضی ندانسته. ۸۹/۱۱/۱۵» هدف فتنه این بود که «بین آحاد ملت شکاف بیندازند ۸۸/۱۱/۱۹» «قصدشان خیلی قصد عجیب و غریبی بود؛ در واقع می‌خواستند ایران را تسخیر کنند. ۸۹/۸/۱۲» جماعتی که بنای خود را بر «ناسپاسی نعمت الهی» حضور پرشور و اقتدار آفرین مردم گذاشته بودند «در مقابل جریان قانونی کشور، به شکل غیرقانونی و به شکل غیرنجیبانه ایستادگی کردند ۹۲/۵/۶» و «با لگزدن به قانون، به کشور لگد زدند ۹۲/۳/۲۲» قانون‌شکنان به راه‌هایی که قانون معین کرده بود اعتنا نکردند «حتی ماز شورای محترم نگیهان خواهش کردیم، آن زمان را تمدید هم کردند که آراء باز شماری شود؛ گفتیم هر تعداد معقولی و هر صندوقی

شماره

۱۳

روایتی از چهار دهه تلاش حضرت آیت... خامنه‌ای
برای وحدت مذاهب در گستره جهان اسلام؛

از ایرانشهر تا غزه و لبنان



«وحدت»، دغدغه بسیاری از مسلمانان خصوصا در قرن‌های اخیر بوده است. متفکرانشان، مصلحانشان، سیاستمداران خیر خواهشان و حتی مردم عادی. در کتاب‌هایشان، خطابه‌هایشان و آرزوهایشان نوشته‌اند و گفته‌اند و پرسیده‌اند از رمز و رازهای وحدت امت اسلام. از سید جمال‌ها و شلتوت‌ها تا بروجردی‌ها و کاشانی‌ها؛ اما شاید نتوانستند آنطور که باید جسم‌های خواب‌زده را از یک خواب طولانی بیدار کنند. انقلاب امام خمینی (ره) اما نور امیدی بود پرفروغ در سیاهی یأس امت. مردی «برخاسته» بود تا خود را به حرف‌ها و شعارها و کتاب‌ها قانع نکرده باشد. او با اتکا و اعتماد بر دست قدرت الهی؛ انقلاب را برای همه مسلمان‌ها و مستضعفان عالم معرفی نمود.

جدایی نواختند: «خیلی از این مردم بیچاره‌ی بیخبر سلفی و وهابی که بوسیله‌ی دلارهای نفتی تغذیه می‌شوند تا بروند در اینجا و آنجا عملهای تروریستی انجام بدهند... آن مرد شیعی هم که می‌رود به مقدسات اهل سنت اهانت میکند و دشنام میدهد، او هم مزدور دشمن است... خیلی‌هاشان نمی‌فهمند و این مایه‌ی تأسف است که چرا نمی‌فهمند. امروز این جماعت وهابی و سلفی، شیعه را کافر میدانند؛ سنی محب اهل بیت را هم کافر میدانند... مردم سنی شافعی در شمال آفریقا، یا مالکی در کشورهای آفریقایی مرکزی کافرند؛ چرا؟ چون به مرقد حسین بن علی در قاهره احترام می‌گذارند و مسجد رأس‌الحسین را مورد تقدیس قرار میدهند؛ به این جهت اینها کافرند! شیعه که کافر است... این فکر، چه فکری است؟» ۸۸/۲/۲۲

حضرت آیت... خامنه‌ای هنوز بر عهد خود مستحکمند و ایستاده. آن روز که جواز پخش اذان اهل سنت در کردستان به حکم ایشان گشوده شد و توهین به مقدسات مذاهب را تحریم کردند، همگان فهمیدند که «حقیقت» وجود دارد که تابش پرتو آشکار آن از دیده هیچ چشم بینایی پنهان نمی‌ماند. حقیقتی که خون شوشتری‌ها و جنگی‌های‌ها را به ودیعه و امانت سپرده است تا ضمانتی باشد برای تحقق کامل آن آرزوی «رو به تکامل» ۹۲/۰۲/۲۴. «مذاهب اسلامی باید دست در دست هم، برادروار در جهت اهداف و آرمانهای بلند اسلامی به کمک هم حرکت کنند. دشمن امید بسته است که بتواند پیروان مذاهب گوناگون را مقابل هم قرار بدهد. هیچ کس نباید تسلیم این نقشه‌ی خائنانه و خیانت آمیز دشمن بشود... برای همین است که من اعلام کردم، باز هم تأکید میکنم: خط قرمز از نظر نظام اسلامی و از نظر ما، عبارت است از اهانت به مقدسات یکدیگر. آن کسانی که نادانسته، از روی غفلت، گاهی از روی تعصبهای کور و بیجا، چه سنی و چه شیعه، به مقدسات یکدیگر توهین میکنند، نمی‌فهمند چه میکنند. بهترین وسیله برای دشمن همینها هستند؛ بهترین ابزار در دست دشمن همینها هستند؛ این خط قرمز است. ۸۸/۲/۲۹»

و اینگونه است که از ایرانشهر تا غزه جبهه انقلاب اسلامی به دنبال «انسجام اسلامی» است تا فریاد یک امت یگانه شود و زمینه‌ای شود برای ظهور اتفاق‌هایی که چشمی ندیده و بر قلوب مومنان آرزویش دائم‌خطور می‌کند. ●



گفتیم بیاید کاری کنیم که یک نشانه‌ای از اتحاد شیعه و سنی را در این شهر نشان بدهیم؛ که این مسئله‌ی هفته‌ی وحدت-ولادت نبی اکرم در دوازدهم ربیع‌الاول به روایت اهل سنت، و در هفدهم ربیع‌الاول به روایت شیعه - آن روز به ذهن ما رسید و در ایرانشهر آن را عمل کردیم؛ یعنی از دوازدهم تا هفدهم جشن گرفتیم. این یک فکر عمیقی بوده است، مال امروز و دیروز نیست

در حال دفاع، در حال اظهار ارادت به نظام جمهوری اسلامی بودند...» ۹۰/۷/۲۰ حتی، «آن وقتی که شورویها آمدند و وارد افغانستان شدند، همه‌ی این دولتهای مسلمانی که در این منطقه بودند، با ملاحظات گوناگون سکوت کردند. امام (ره) صریح پیغام داد به شوروی‌ها که: باید شما از افغانستان خارج شوید. من خودم در یک مجمع بین‌المللی بزرگ حضور داشتم - که آنجا غیرمتعهدها و تعداد زیادی از کشورهای اسلامی هم بودند - شاهد بودم که هیچ کدام از آنها اسمی از ورود شوروی به افغانستان نیاوردند و فقط من آنجا در نطقم شدیداً حمله کردم؛ چون در آنجا یک عده‌ای چپها و دولتهای سوسیالیست و طرفدار شوروی بودند، به ملاحظه‌ی آنها هیچ کدام از کشورهای اسلامی، کلمه‌ای حرف نزدند؛ فقط ما گفتیم؛ ما آنجا هم به امریکا حمله کردیم، هم به شوروی حمله کردیم؛ بدون تفاوت.» ۸۵/۱۰/۲۵

پدیده تازه‌ای بود. کشوری که پرچمدار اسلام شده است، عملاً و نه در شعار به «وحدت» فرامی‌خواند و خود را «اسیر محدودیت اختلاف مذهبی» نکرده بود. «ما در حمایت از مظلوم نگاه به مذهب طرف مقابل نمی‌کنیم؛ و نکردیم؛ خط امام بزرگوار این بود. امام همان رفتاری را که با مقاومت شیعه در لبنان داشت، همان رفتار را با مقاومت سنی در فلسطین [هم] داشت؛ بدون هیچ تفاوتی. ۹۴/۵/۲۶» همین صراحت و عمل صادقانه خیلی‌ها را بی‌تاب کرد. همان‌ها که تا وحدت «شعار» بود، ترسی نداشتند و حالا که یک «عمل» شده بود هراسناک شده بودند و همان‌ها به نام «سنی» و یا به نام «شیعه» و البته در لوای فریب‌پیشگان انگلیسی و آمریکایی شان طبل

پس از امام، آنکه متعهد به قرار این عهد شد، خود از پیشگام‌ترین «قیام‌کنندگان» برای وحدت قوم نبوی بود. از همان «ایرانشهر»، که قرار بود «تبعیدگاه» او در دوران طاغوت پهلوی باشد، سنی و شیعه را «جمع» کرد: «بزرگان مبارزه‌ی انقلابی در آن روز - که هنوز خبری از حکومت اسلامی و جمهوری اسلامی نبود - در جهت وحدت شیعه و سنی تلاش میکردند. من خودم در بلوچستان تبعید بودم... دستگاه‌ها نمی‌خواستند بگذارند تلاشی از سوی ما انجام بگیرد؛ اما در عین حال ما گفتیم بیاید کاری کنیم که یک نشانه‌ای از اتحاد شیعه و سنی را در این شهر نشان بدهیم؛ که این مسئله‌ی هفته‌ی وحدت - ولادت نبی اکرم در دوازدهم ربیع‌الاول به روایت اهل سنت، و در هفدهم ربیع‌الاول به روایت شیعه - آن روز به ذهن ما رسید و در ایرانشهر آن را عمل کردیم؛ یعنی از دوازدهم تا هفدهم جشن گرفتیم. این یک فکر عمیقی بوده است، مال امروز و دیروز نیست.» ۹۰/۷/۲۵

آن فکر ابتدایی، به دوران مبارزه محدود نشد و با پیروزی انقلاب اسلامی وحدت ادامه یافت. «هفته وحدت» به اشاره امام و همت اصحاب انقلاب، سال به سال پررونق‌تر و ریشه‌دارتر شد. اهل سنت نیز به امر امام و حکم قانون، همچون سایر مردم کرسی مجلس گرفتند و خود بر سرنوشت شهرها و روستاهایشان حاکم شدند. جنگ هم که آمد، خیلی‌هایشان با بعثیان دروغگو که ادعای تسنن داشتند سینه به سینه پیکار کردند: «من در سال ۵۹، اوائل جنگ تحمیلی، سرتاسر این استان [کرمانشاه] را رفتم و از نزدیک دیدم. در گیلانغرب و اسلام‌آباد که مردم شیعه هستند، در پاوه و اورامانات که مردم سنی هستند... همه جا مردم



راهپیمایی ۹ دی ۱۳۸۸

برگزار شد. بیش از ۷۲ درصد واجدان شرایط در آن مشارکت کردند. حماسه سیاسی محقق و نقشه دشمن نقش بر آب شد. دشمن باز هم در تحلیل «مردم ایران» اشتباه کرده بود.

• یَدَا... مَعَ الْجَمَاعَةِ

شاید بتوان نقطه مشترک اشتباهات غربی‌ها در تداوم خصومت‌ها با کشورمان را ناشی از عدم شناخت درست مردم ایران دانست. همان‌طور که در دوران مذاکرات هسته‌ای با آمریکایی‌ها بعد از انتخابات هم، آن‌ها خیال می‌کردند نقشه‌هایشان به سرانجام رسیده است اما بالعکس، در آن زمان «مردم چون دیدند آمریکایی‌ها نسبت به آنها بی‌ادبی میکنند و نسبت میدهند که از نظام جدا شده‌اند، خواستند در بیست‌ودوم بهمن نشان بدهند که نسبت به نظام اسلامی و جمهوری اسلامی و پرچم برافراشته اسلام با همه‌ی وجود دل‌بسته‌اند. این نشان‌دهنده‌ی حساسیت مردم ما و غیرت مردم ما در برابر دشمنی و شرارت دشمنان جمهوری اسلامی و دشمنان ایران است. ۹۳/۱/۱»

در ساختار سیاسی نظام جمهوری اسلامی، مردم نقش ویژه و اصلی را ایفا می‌کنند و تفکیک میان حاکمان و مردم وجهی ندارد. رهبر انقلاب اسلامی در ابتدای سال جاری در این رابطه فرمودند: «بنده هم به تک‌تک این ملت اعتماد دارم؛ به این حرکت عمومی اعتماد دارم؛ معتقدم «یَدَا... مَعَ الْجَمَاعَةِ»؛ اعتقاد دارم دست خدا است که دارد کار میکند. بیست‌ودوم بهمن را نگاه کنید، در آن سرما، در آن مشکلات، روز قدس را نگاه کنید، در آن گرما با آن دهان‌روزه؛ چه کسی مردم را می‌آورد در این خیابانها؟ چه گیرشان می‌آید از آمدن در این خیابانها؟ این دست خدا است؛ خدا را می‌بینیم، اعتماد میکنیم به این

خدا را می‌بینیم، اعتماد میکنیم به این حرکت مردمی؛

مردم ایران اینگونه‌اند...

با پایان دوران ریاست جمهوری بوش پسر، اوباما مسند ریاست دولت آمریکا را در دست گرفت. او بر خلاف همتای سابقش تلاش میکند رفتار متفاوتی از خود نشان دهد. مثلاً اینکه در همان چندماه اول دوران ریاست جمهوری‌اش به مردم ایران در آستانه سال نو پیام نوروزی می‌دهد. تغییر لحن و رفتار ظاهری او خبر از تغییر رویکرد و استراتژی آمریکا در برابر کشورمان می‌داد: آن‌ها این بار به دنبال «ترگذاری بر افکار عمومی» و قرار دادن مردم در برابر حاکمیت بودند تا به زعم خود، با جدا کردن مردم از حکومت، بتوانند جمهوری اسلامی را از پای در بیاورند. آن‌ها این بار، «دست چدنی» را زیر «دستکش مخملین» پنهان کرده بودند.

۸۸، با وضع تحریم‌های موسوم به «فلج‌کننده» سعی داشتند تا نتیجه تغییر رویکرد مردم ایران را ملاحظه کنند. در ۳۷ روز به برگزاری انتخابات مانده؛ رهبر انقلاب اینگونه از نقشه دشمن پرده بر می‌دارند: «ما اطلاع داریم که این دفعه هم رسانه‌های رسمی و شناخته شده‌ی دشمن از مدتی پیش دارند طراحی میکنند، برنامه‌ریزی میکنند، برنامه‌سازی میکنند، برای اینکه دل مردم را نسبت به انتخابات سرد کنند. ۹۲/۲/۱۶» بعدتر، در بیانات خود در حرم امام خمینی (ره) نیز با اشاره به نتیجه انتخابات فرمودند: «هر رأیی که شما به یکی از این نامزدهای محترم بدهید، رأی به جمهوری اسلامی داده‌اید. رأی به هر نامزدی، رأی به جمهوری اسلامی است؛ رأی اعتماد به نظام است.» انتخابات ۲۴ خرداد در کمال آرامش

اما هنوز چند روزی از تعطیلات نوروزی سال ۸۹ نگذشته بود که رئیس جمهور آمریکا خواستار وضع تحریم‌های جدید و متعددی به «بهانه» برنامه هسته‌ای ایران شد. طراحان این تاکتیک معتقد بودند با وضع تحریم‌های اقتصادی بی‌سابقه بر مردم و فشار بر آنان، کم‌کم نارضایتی‌ها وسیله‌ای برای فشار بر حاکمیت خواهد شد. مجله تایم آمریکا نوشت: «گرچه تحریم‌ها چندان موثر نبوده‌اند، اما دولت اوباما امیدوار است اقدامات جدیدی که منافع طبقه حاکم ایران را هدف قرار داده، منجر به بروز شکاف عمیقی میان مردم و حاکمیت شود.» این وضع تا موسم انتخابات ریاست جمهوری یازدهم همچنان ادامه پیدا کرد. دشمنان در اولین انتخابات ریاست جمهوری پس از سال

شماره



۱۴

حرکت مردمی، به این احساس مردمی، به این صدق و بصیرت مردمی اعتماد میکنیم.»

● سز ماندگاری جمهوری اسلامی

رهبر انقلاب اسلامی در طول سالیان گذشته نیز با تکیه بر تجربه رفتاری مردم ایران به توصیف و معرفی آنان پرداخته و راه شناختن آنان را به خواص داخلی و مخاطبان خارجی نشان داده‌اند. مجاهدت مردم در دوران انقلاب، دفاع مقدس و آبادانی کشور و «حضور مردم در برنامه‌های عزاداری ائمه(ع) و بخصوص سالار شهیدان(ع)»، «شرکت در برنامه‌های احیاء شبهای قدر»، «شرکت گسترده جوانان در اعتکاف»، «شرکت در راهپیمایی عظیم اربعین» از سویی، و «حضور گسترده و کم نظیر مردم ایران در انتخابات‌ها»، «شرکت پر تعداد در راهپیمایی‌های دشمن شکن و وحدت آفرین» در مناسبت‌های گوناگون مانند «روز قدس» و «۲۲ بهمن»، «حضور در مراسم تشییع شهدا» و... از سوی دیگر، نشان داده که مردم ایران «در محراب عبادت» و «در صحنه‌ی مقابله و مبارزه‌ی با استکبار» خود را عرضه کرده و امتحان خود را پس داده‌اند. مردم ایران، اینگونه‌اند. آن‌ها نشان دادند که دلباخته و پایبند به ارزشها و آرمانهای انقلاب اسلامی هستند و در لحظه‌های لازم و ضروری در صحنه حاضر بوده و خواهند بود. «این هنر مردم ایران است. ۹۰/۳/۱۴» همانطور که بنیانگذار کبیر این انقلاب حضرت امام خمینی(ره) فرمودند: «سرتاسر ایران ملتی است که همان طور که در اول نهضت، حاضر در صحنه بودند و با حضور خودشان بیمه کردند این کشور را و اسلام را، الان هم در سرتاسر کشور همه حضور دارند در صحنه». اگر مردم ایران درست شناخته شدند آنگاه حتی «دشمنان» ملت هم در مورد نحوه مواجهه با کشور مقتدرمان دچار خطای رفتاری نمی‌شوند. از سویی دیگر این شناخت موجب تصحیح تحلیل برخی از «دوستان» و اصلاح موضعگیری‌های آنان نیز خواهد شد. بنابراین «ملت ما از زبان مغرض دیگران نباید شناخت؛ ملت ما از خود، از شعارش، از حرکتش، از این جلوه‌های عظیم باید شناخت. ۹۴/۰۴/۲۷» همین شناخت را رهبر انقلاب اینگونه بیان می‌کنند: «سیر تکان نخوردن جمهوری اسلامی آنکه به مردم است. سیاستمداران پشت پرده امریکایی میگویند نظام جمهوری اسلامی ایران به این آسانبها و به این زودبها تکان بخور نیست چرا این حرف را میگویند؟ برای خاطر اینکه میبینند که این نظام متکی به مردم است سز فقط این است. ۹۲/۳/۸

امروز نوبت اسلام است



حضرت آیت... خامنه‌ای در سالروز میلاد پیامبر رحمت و مهربانی و در جمع مسؤولان نظام و میهمانان کنفرانس وحدت اسلامی گفتند: «دنیای اسلام امروز وظیفه دار دمثل خود اسلام و مثل خود پیغمبر، روحی در این دنیا بدمد، فضای جدیدی ایجاد کند، راه تازه‌ای را باز کند. ما به این پدیده‌ای که در انتظار آن هستیم میگوییم تمدن نوین اسلامی ۹۴/۱۰/۸»

به اینکه «یک عده‌ای از این طرف، یک عده‌ای از آن طرف، بر آتش دشمنی‌ها می‌افزایند و آنها را تشدید میکنند ۹۴/۵/۲۶»، لازمه حرکت جهان اسلام به سمت تمدن نوین اسلامی این است که ابتدا خود را این بیماری برهاند و «علاج این بیماری، احساس اتحاد بین مسلمین است. ۹۱/۱۱/۱۰» کسی منکر اختلاف‌ها و تفاوت‌ها نیست. «فرق اسلامی، نحل اسلامی در مسائل گوناگون اختلاف دارند ۹۱/۷/۳» اما قبله‌مان، قرآن مان و پیامبرمان یکی است. «دشمنانمان یکی هستند، اهداف و آرمانها و منافعمان به هم پیوسته و گره خورده است ... چطور میتوانیم از هم جدا باشیم؟ ۹۰/۷/۲۵»

● پای در مسیر پیامبر اعظم(ع)

اکنون زمانی است که مسلمانان نه تنها باید تهدیدات دشمن ساخته را از خود دور کنند، بلکه باید پای در مسیر پیامبر اسلام نهند که «مردم و دنیای ظلمانی و مرگ زده و آفت زده» را احیا نمود. در این مسیر، «میسد و تکلیف و مسئولیت، متوجه به علمای اسلام و به روشنفکران راستین در دنیای اسلام است؛ باید با مردمشان حرف بزنند، با سیاستمدارانشان هم حرف بزنند ... میتوانند نقش ایفا کنند. ۹۴/۱۰/۸» در این بین یکی از مهم‌ترین وظایف علما و روشنفکران راستین، شناخت صحیح دشمن و شناساندن آن به امت اسلامی به عنوان یک معیار و قطب‌نما برای دستیابی به وحدت اسلامی است. «سعی کنیم در تحلیل‌ها مان، در شناخت حوادث، دچار خطا و اشتباه نشویم. بدانیم که امریکا و صهیونیسم دشمنان امت اسلامی اند ... آنها هرگز برای ملت‌های مسلمان دل نمیسوزانند؛ هر چه بتوانند، تخریب میکنند و در روندها اخلال میکنند. ۹۱/۵/۲۹» با این وصف، آیا طرف‌داری امریکا «از فرقه‌های در مقابل فرقه‌ای دیگر در درون دنیای اسلام، ما را خوشحال میکند؟ اگر از ما طرف‌داری کردند، ما باید خرسند بشویم؟ نه، ما باید غصه‌دار بشویم. ببینیم چه نقطه‌ی ضعیفی در ما دیده‌اند که میخواهند از آن نقطه‌ی ضعف استفاده کنند و ابراز طرف‌داری از ما میکنند. ۹۴/۱۰/۸» همین سرگرم شدن به مجادلات و منازعات فرقه‌ای باعث شده تا حتی «بر خلاف واقع، آن چیزی را که خطر اصلی و تهدید اصلی برای این منطقه، بلکه برای بشریت است - یعنی صهیونیسم - پنهان میکنند. ۹۱/۵/۲۹» بنابراین «علمای دینی و نخبگان سیاسی و فرهنگی وظیفه‌ای بس سنگین تر دارند که متأسفانه غالباً مورد غفلت آنان است. علما به جای برافروختن آتش اختلافات مذهبی، و سیاسیون به جای انفعال در برابر دشمن، و نخبگان فرهنگی به جای سرگرمی به حاشیه‌ها، درد بزرگ دنیای اسلام را بشناسند و رسالت خود را که در پیشگاه عدل الهی، مسئول ادای آنند پذیرا گردند و از عهده‌ی آن بر آیند. ۹۴/۷/۱۱» فراموش نکنیم؛ امروز نوبت اسلام است. ●

اگر یک دهه پیش، سخن از افول نظام مبتنی بر «جاهلیت مدرن» می‌شد، باورش سخت جلوه می‌نمود اما «امروز خود غربی‌ها به این معنا گواهی میدهند. یک سیاستمدار برجسته‌ی غربی به من گفت دنیای مادنی‌سای پوچ و پوکی است و این را احس میکنیم. راست میگوید؛ این تمدن ظاهر پرزرق و برقی داشت اما باطن خطرناکی برای بشریت داشت. امروز تضادهای تمدن غربی خود را در دانش‌شان میدهند؛ در آمریکا یک جور، در اروپا یک جور، در مناطق تحت سلطه‌ی اینها در سراسر دنیا هم یک جور ۹۴/۱۰/۸»

● نطفه‌بندی نظم جدید

امروز، هم پایه فکری و ارزشی و هم پایه عملی دچار چالش شده است. «آن دو ابزار و دو سلاحی - که غرب با آن دو سلاح قادر بود دنیا را مدیریت کند و عملاً تسلط بر دنیا را به دست گرفته بود و مدیریت دنیا را به دست گرفته بود - هر دو عامل امروز در دنیا تدریج ضعیف شده است» و به همین دلیل «نظم جهانی در حال تغییر است و نظم جدیدی در حال نطفه‌بندی است. ۹۳/۶/۱۳» بنابراین «امروز نوبت اسلام است ... امروز نوبت مسلمین است که با همت خود، تمدن نوین اسلامی را شالوده‌ریزی کنند. ۹۴/۱۰/۸»

این نگرانی‌ها موجب شده تا نظام سلطه به کار افتاده و این بیداری اسلامی و «قیامهای بزرگ را از مسیر اصلی منحرف کند؛ جنبه‌ی اسلامی آن را مخفی کنند، مکتوم کنند، انکار کنند؛ کسانی را پیدا کنند که با فریب مردم بر سر کار بیایند و همه‌ی معادله‌ها را باز دوباره به نفع غرب برگردانند ... لیکن فایده‌ای ندارد. ۹۰/۴/۹» آنها پس از «نومیدی از حذف اسلام و شعارهای اسلامی، اکنون به فتنه‌انگیزی میان فرقه‌های اسلامی رو آورده و با توطئه‌ی شیعه‌هراسی و سنی‌هراسی، بر سر اتحاد امت اسلامی مانع تراشی می‌کنند. ۹۱/۸/۴» به همین دلیل «آن روزی که کلمه‌ی سنی و شیعه در ادبیات امریکایی‌ها پیدا شد، ما نگران شدیم؛ اهل نظر همه نگران شدند. سنی و شیعه به امریکا چه ارتباط دارد؟ ۹۴/۱۰/۸» از قدیم گفتند: «تفرقه‌بینداز و حکومت کن. ۹۱/۵/۲۹»

● از سرویس جاسوسی تا سیاستمدار خود فروخته

اینچنین است که نظام سلطه می‌خواهد «جنگ دشمن ساخته‌ی شیعه و سنی ... را مشتعلتر و این آتش را برافروخته تر کند. ۶۸/۷/۲۴» و «این توطئه هم اکنون از سوی سرویسهای جاسوسی غرب و صهیونیسم، با کمک دلارهای نفتی و سیاستمداران خود فروخته، از شرق آسیا تا شمال آفریقا و بویژه در منطقه‌ی غربی ... با جد و اهتمام دنبال میشود و پولی که میتوانست در خدمت بهروزی خلق خدا باشد، خرج تهدید و تکفیر و ترور و بمبگذاری و ریختن خون مسلمانان و برافروختن آتش کینه‌های دراز مدت میگردد. ۹۲/۲/۲۹» با توجه

چشم طمع امریکایی ها برای انتخابات ۹۴



اسلامی» و «تغییر باطن و سیرت، با حفظ صورت و ظاهر» آن است. اما آن چنان که آدام ارلی، سفیر آمریکا در بحرین، در جلسه‌ای که با برخی مسئولان کشورهای عربی در منامه در سال ۲۰۰۹ گفته است، هیچ فشاری به دولت ایران بدون تقویت «جریان‌های طرفدار غرب» کارساز نیست.

● نفوذ در انتخابات ۹۴

فضای انتخابات همواره بهترین فضا برای اجرای کردن پروژه‌های سیاسی و اجتماعی است. کمالاتی که تجربه ثابت کرده است که آمریکا همیشه از این ایام برای عملیاتی کردن طرح‌ها و نقشه‌های خود استفاده کرده است. انتخابات اسفند ۹۴ نیز همین ویژگی را دارد و روشن است که «آمریکایی‌ها به این انتخابات چشم طمع دوخته‌اند». «این خیلی مسئله‌ی عجیب و خیلی مسئله‌ی مهمی است. کسانی که در مسائل گوناگون دسترسی به اطلاعات دارند، خوب میدانند که چه دامی برای کشور گسترده‌اند یا می‌خواهند بگسترانند برای نفوذ کردن در حصن و حصار اراده و فکر و تصمیم ملت ایران، با انحاء مختلف تدابیر و سیاستها و توطئه‌ها! این الان در جریان است؛ مردم در باب انتخابات باید خیلی متوجه این باشند. ۹۴/۱۰/۱۴» این موضوعی است که می‌توان آن را به وضوح در اظهار نظرهای اخیر مقامات آمریکایی ملاحظه کرد. باب کور کر، سناتور

ده سال پیش، در بحبوحه نهمین انتخابات ریاست جمهوری، «مایکل لدین»، «مخالف کار ارشد آمریکایی و مسئول پرونده سیاست داخلی ایران در بنیاد دفاع از دموکراسی‌ها، در مقاله‌ای با عنوان «سریع تر لطفا!»، به صراحت به ایجاد «انقلاب رنگی» در ایران اشاره و گفته بود: «غرب متحد می‌تواند کاری را با ایران انجام دهد که قبلاً برای او کرایه انجام داد. همان انقلاب گل سرخ که در گرجستان راه انداختیم، همان رفتاری که در این تابستان علیه چاوز در ونزوئلا انجام دادیم و قبل تر در هائیتی و باز هم قبل تر از آن در نیکاراگوئه و شیلی انجام داده بودیم.» لدین تأکید کرده بود: «می‌خواهم بیان کنم تغییر رژیم [در ایران] باید خط مشی ما باشد. می‌خواهم از گروه‌های طرفدار دموکراسی در جامعه ایرانی، حمایت کنم. می‌خواهم از آن‌ها حمایت سیاسی و مالی کنم. می‌خواهم اخبار و تبلیغات آن‌ها پخش شود. همان طور که ما در زمان جنگ سرد با شوروی انجام دادیم.»



● راهبرد دائمی آمریکا در قبال ایران

اسلامی را به دلیل برخورداری از پایگاه گسترده‌ی مردمی نمی‌تواند از طریق «انقلاب رنگی» از پای در بیاورد. پس تاکتیک خود را می‌بایست تغییر می‌داد اگر چه هدف همان هدف بود: تغییر نظام. توافق هسته‌ای و فضای بعد از برجام، این تصور را در مقامات آمریکایی به وجود آورد که می‌توانند پروژه‌ی تغییر نظام را از طریق دیگری پیش ببرند. آن چنان که توماس فریدمن، تحلیلگر مطرح روزنامه‌ی نیویورک تایمز، اسفندماه سال گذشته (یعنی پیش از توافق میان ایران و غرب) اذعان کرده بود: «به نظر من با توافقی که اوپاما با ایران بر سر مسئله‌ی هسته‌ای انجام می‌دهد امکان این تغییر در داخل ایران فراهم می‌شود.» نشانه این تغییر تاکتیک آمریکایی‌ها نیز، همان است که رهبر انقلاب در ماه‌های اخیر از آن به «پروژه‌ی نفوذ» تعبیر کرده‌اند. هدف از پروژه‌ی نفوذ، «استحاله‌ی جمهوری

انتخابات ۸۴ که با مشارکت بالای مردم برگزار شد، نقشه‌های مایکل لدین و سایر مقامات آمریکایی برای «تغییر رژیم» در ایران با شکست مواجه شد. اما گویا از همان زمان برای انتخابات چهار سال بعد نقشه کشیدند. در کتاب «سایه‌ی عقاب‌ها» (طرح سری حمله‌ی آمریکا به ایران) با استناد به منابع اطلاعاتی مختلف، برآوردی جامع از احتمال حمله آمریکا به ایران مورد بررسی قرار گرفته است. در فصل بیست و پنجم این کتاب، سناتور جان مک کین به وضوح حتی به رنگ انقلاب مخملی بعدی ایران، یعنی «رنگ سبز» نیز اشاره کرده بود. فتنه‌ی ۸۸ محصول چنین طراحی بود که گرچه خسارت‌های زیادی به بار آورد، اما با درایت و تدبیر رهبر انقلاب و هوشیاری و بصیرت مردم، راه به جایی نبرد. در عوض، دشمن حالا دیگر فهمیده بود که انقلاب

شماره

۱۵

گزارشی از نسبت اقدامات اخیر آل سعود با نقشه شیطان بزرگ در منطقه؛

جنایت بزرگ «مهره» آمریکا

«شیخ نمر باقر النمر، صبح امروز اعدام شد». خبری کوتاه اما بهت آور که صبح روز شنبه ۱۲ دی ماه بلافاصله فضای عمومی ایران، دنیای اسلام و حتی جهان را تحت الشعاع قرار داد. اگر چه رژیم آل سعود بویژه در یک سال اخیر اقدامات نابخردانه و جنایتکارانه متعددی را در داخل و خارج از مرزهایش به اجرا گذاشته، اما بسیاری از صاحب نظران بین المللی اجرای نهایی حکم اعدام شیخ نمر را اقدامی دور از ذهن دانسته و بر این باور بودند که اگر سران سعودی ذره ای عقل و تدبیر داشته باشند، ضمن پرهیز از این اقدام، با عفو ملوکانه، زمینه محبوبیت شاه تازه کار را در حجاز فراهم می کنند. موضوعی که سید حسن نصرالله هم اینگونه به آن اشاره کرد: «می توانستند مسئله را به تعویق بیندازند و اعدام را اجرا نکنند و عفو کنند و دل مردم را به دست بیاورند و اختلافات را کاهش دهند. در شرایط حاکم بر منطقه، بر خیز افراد امیدوار بودند سعودی ها عاقلانه رفتار کنند و میانه روی داشته باشند.»

مشاق بوده اند و اساسا یکی از اصول سیاست خارجی به سبک سعودی ها چنین ارتباطی با قدرت های برتر جهانی است. در پی مرگ ملک عبدالعزیز در بهمن ماه گذشته و جایجایی قدرت در آل سعود، میزان این وابستگی شدت یافت. از سوی دیگر «ما با سعودی ها اختلافات متعددی در مسائل گوناگون سیاسی داریم؛ اما این راهمیشه می گفتیم که سعودی ها در کار سیاست خارجی شان یک وقار و متانتی نشان می دهند؛ این وقار و متانت را هم از دست دادند. چند جوان بی تجربه، امور آن کشور را در دست گرفتند و دارند آن جنبه ای توخالی را غلبه می دهند بر جنبه ای متانت و ظاهر سازی؛ این به ضررشان تمام خواهد شد. ۹۴/۱۲/۲۰»

● نسخه ای که برای آل سعود پیچیده شد

آمریکا نیز همواره مزدا این خوش خدمتی را به آل سعود داده است؛ اوضاع فاجعه بار حقوق بشر و آزادی های مدنی، عدم وجود حداقل های مردم سالاری حتی بصورت نمایشی، گردن زدن مخالفان، سرکوب مسلمانان در بحرین و یمن و ... نمونه هایی از سیاست داخلی و خارجی عربستان است که ایالات متحده سکوت در برابر آن را به هر اقدام دیگری ترجیح داده و همواره در مقام دفاع از هیئت حاکمه جنایتکار این کشور ظاهر شده است. «آمریکا هم البته از آنها (آل سعود) دفاع می کند، حمایت می کند؛ طبیعت آمریکا این است، در همه ای قضایا طرف ظالم را می گیرد؛ طرف آن چهره ای بد را میگیرد، به جای اینکه طرف مظلوم را بگیرد؛ این طبیعت آنها است» ۹۴/۱۲/۲۰ «در پرونده جنایت مهمی مانند اعدام شیخ نمر هم نمی توان نقش مستقلی برای آل سعود قائل بود. حتی اگر آنگونه که سید مقاومت می گوید "رژیم آل سعود عقل خود را از دست داده باشد و حماقت بر اعمال آنها حکمرانی" کند، باز هم آمریکا نسخه پیچیده شده از سوی آل سعود را در چهار چوب منافع خود به پیش خواهد برد. در اینصورت نباید به بیانیه سخنگوی وزارت خارجه آمریکا که می گوید: "ما نگرانیم که اعدام نمر، روحانی برجسته شیعه و فعال سیاسی خطر تشدید تنش های فرقه ای را به همراه داشته باشد"، دلخوش کرد. چرا که از قدیم گفته اند چاقو دسته خود را نمی برد. موضوعی که نوام چامسکی چهره سرشناس آمریکایی هم در هفته اخیر اینگونه به آن اعتراف می کند: "باید توجه داشت که احتمالا هیچ کار خاص و اقدامی عملی در قبال عربستان صورت نخواهد گرفت چرا که آل سعود یک متحد خیلی ارزشمند برای حامیان است." ●



با پیروزی انقلاب اسلامی و سرنگونی سلطنت پهلوی، حکومت برآمده از خواست مردم، از ابتدا بنای خود را بر تعامل با کشورهای اسلامی و وحدت مسلمانان اعلام کرد. اما در مقابل اقدامات هوشمندانه و استراتژیکی چون نامگذاری «هفته وحدت» توسط امام خمینی (ره)، آمریکا و همپیمانان غربی اش خشمگین از سرنگونی یکی از دو ستون منطقه ای خود یعنی ایران، طراحی های جدیدی را در جهت پیشبرد اهداف و تحقق منافعشان در منطقه حساس غرب آسیا در پیش گرفتند. بدون شک اختلاف اندازی بین مسلمانان و جلوگیری از تداوم موج گرایش به فریاد مبارزه با ظالم و حمایت از مظلوم، محور بسیاری از این نقشه های شوم بود و رژیم تندروی آل سعود یکی از بازیگران این نمایش خطرناک. در این مجال فرصت مرور حوادث رخ داده بر آن بستر شوم نیست اما آنچه در مقابل همه این توطئه ها از سوی ایران صورت گرفت حفظ اصول اساسی عزت، حکمت و مصلحت و «رعایت ادب اسلامی و نگاه داشتن حرمت برادری در امت اسلامی» ۹۴/۷/۸ بوده و هر چه دشمنان در تنور اختلاف مذهبی دیدند، ایران تلاش کرد برای سرد شدن آتش گام بردارد، چرا که بدرستی دست های پشت پرده آنرا می شناخت: «از وقتی ادبیتا ستی و شیعه در کلمات آمریکایی ها ظهور پیدا کرد، اینجا کسانی که اهل فهم و دقت بودند نگران شدند؛ فهمیدند که یک کار جدید در شرف انجام است و تحقق پیدا کرد. ۹۴/۱۰/۸»

● شیطانک ها با شیطان بزرگ

جمهوری اسلامی اما در همه اینگونه حوادث، نقش طراحان، آمران و مجریان را به درستی تشخیص داده و برای هر کدام در سطح متناسب اقدام کرده است. به بیان دیگر شیطان «شیطانک» ها هیچ وقت ایران را از «شیطان بزرگ» غافل نکرده و همواره هم تاکید داشته: «این اختلافاتی که امروز شما می بینید در عراق و در سوریه و در بقیه ای جاها سعی میشود عنوان دعوی مذهبی به آن داده بشود، به هیچ وجه دعوی مذهبی نیست، دعوی سیاسی است. ۹۴/۵/۲۶» تردیدی نیست که برای آل سعود در چند دهه اخیر و بویژه در سال های پس از موج بیداری اسلامی در همه بحران هایی که در آن فعالانه حضور داشته، جایگاهی بیش از «مجری اوامر دیکته شده» نمی توان قائل شد، در واقع آل سعود «مهره» ای در دستان شطرنج بازیگران غربی بوده که بسته به شرایط آنرا به حرکت وا داشته اند. اگر چه حکام این رژیم هم به این شرایط

جمهوری خواه صراحتا اعلام کرد: «هر چه می گذرد بیشتر مطمئن می شوم که عدم انجام اقدام مقتضی از جانب کاخ سفید علیه فعالیت های موشکی ایران فقط یک دلیل دارد و آن هم تمرکز ما بر انتخابات آتی ایران است.» فارین پالیسی، مهم ترین نشریه آمریکادر حوزه سیاست خارجی، در تحلیل خود از سخنان کور کر نوشت: «بدین ترتیب مشخص است انتخابات آینده ای ایران تا چه حد برای آمریکا حائز اهمیت است.» جی سالمون، خبرنگار متخصص امور ایران در روزنامه ای وال استریت ژورنال نیز چند روز پیش نوشت که مقامات آمریکایی و اروپایی در محافل خصوصی اعلام کرده اند که امیدوارند کاهش تحریم ها بتواند سبب حمایت از یک جریان خاص سیاسی در انتخابات سراسری اسفندماه بشود. انتخاباتی که به تعبیر مؤسسه امریکن اینترپرایز، «تاثیر بالقوه عظیمی در جهت گیری آینده ای این کشور [ایران] دارد.»

● چه باید کرد؟

اهمیت انتخابات پیش رو از آن جهت است که آمریکا در صدد نفوذ به «مراکز تصمیم گیر و تصمیم ساز» با تقویت جریان های طرفدار غرب در کشور علیه خط انقلاب اسلامی است. حال در برابر این طرح و نقشه دشمن چه باید کرد؟ نقش مردم و مسئولان در این برهه چیست؟ با این مقدمه مفصل می توان نگاه روشنتر و دقیقتری به بیانات رهبر انقلاب در دیدار با ائمه جمعه سراسر کشور داشت: «انهداهای مسئول وظیفه دارند که اگر نامزد انتخابات [آدم صالحی است، ما او را رد نکنیم، میدان بدهیم به اینکه او نباید. نقطه ای مقابلش هم همین جور است؛ اگر چنانچه آدم ناصالحی است، راهش ندهیم؛ اگر چنانچه در این مجلس ... آدمی باشد که صلاحیت قانونی ورود در اینجا را نداشته باشد و ما از این اغماض نکنیم، صرف نظر کنیم، رعایت نکنیم، دقت نکنیم و او وارد بشود، این هم باطل کردن حق مردم است، خراب کردن حق مردم است؛ این هم ضد حق الناس است.» نقش مردم نیز به طور طبیعی مشخص می شود که اولاً مانند همیشه حضور حداکثری در انتخابات خواهند داشت. ثانیاً به لیست های انتخاباتی توجه کنند و فقط به آن ها که قابل اعتمادند رأی دهند. ثالثاً اینکه «حرکت خود را - چه در این انتخابات و چه در هر مسئله ای مهم دیگر اجتماعی - درست ضد خواست دشمن انجام بدهد.» و نهایتاً اینکه مراقب ورود عنصر نفوذی به مجلس باشند که «اگر فرض کنیم عنصر نفوذی به شکلی وارد مجلس شورای اسلامی بشود یا وارد مجلس خبرگان بشود یا در ارکان دیگر نظام نفوذ بکند، مثل موربانه از داخل می جود و پایه ها را سست می کند و فرو می ریزد. ۹۴/۱۰/۱۴» ●

معظم انقلاب* از مجموع بیانات ایشان نشان می‌دهد که از نظر حضرت آیت‌الله خامنه‌ای دشمنان ملت ایران تا پیش از این انتخابات، همواره سه راهکار مشخص و البته تکراری برای انتخابات در جمهوری اسلامی داشته‌اند:

۱. برنامه دشمن برای اصل انتخابات

به تعطیلی کشاندن انتخابات، مخدوش کردن انتخابات، شبیه در آزاد بودن انتخابات، انکار وجود مردمسالاری، سوءاستفاده علیه امنیت کشور و ...

۲. برنامه دشمن علیه حضور پرشور و

گسترده مردم در انتخابات

ترساندن مردم از خطر حمله دشمن، تهمت سالم نبودن انتخابات، تلقین دل‌سردی و بی تفاوتی مردم، تحریم انتخابات و ...

۳. برنامه دشمن برای جلوگیری از انتخاب

افراد صالح

غوغاء، تهمت زنی، هوچی‌گری و تبلیغات فریبنده

حال باید پرسید که آیا از منظر حضرت آیت‌الله خامنه‌ای برنامه دشمن برای انتخابات پیش رو در اسفند سال جاری نیز منحصر به همان ۳ راهکار قدیمی و همیشگی است؟ و یا نقشه دشمن ابعاد جدیدی پیدا کرده که رهبر انقلاب اینگونه با نگرانی درباره اصل و هویت انقلاب هشدار می‌دهند.

● پروژه شماره چهار: نفوذ افراد ناصالح و

کسانی که دلشان دنبال حرف آمریکاست

برای پاسخ به این سوال یکبار دیگر عبارات ابتدایی این یادداشت را مطالعه کنید. پاسخ به این سوال را به خوبی از لابلای این کلمات پر حرارت خواهید یافت. رهبر معظم انقلاب در بیانات اخیر خود که بخش قابل توجهی از آنها را به موضوع انتخابات اختصاص دادند به وضوح بر بعد جدیدی از برنامه دشمن برای انتخابات پیش رو تأکید می‌کنند. چه آنجا که در دیدار با ائمه جمعه از نفوذ موریانه‌ها در مجالس شورای اسلامی و خیرگان می‌گویند: «مردم در باب انتخابات باید خیلی متوجه این باشند. اگر فرض کنیم عنصر نفوذی به شکلی وارد مجلس شورای اسلامی بشود یا وارد مجلس خیرگان بشود یا در ارکان دیگر نظام نفوذ بکند، مثل موریانه از داخل می‌جود و پایه‌ها را سست میکند و فرو میریزد؛ قضیه این جوری است. مسئله‌ی نفوذ خیلی مهم است. ۹۴/۱۰/۱۴» و چه آنجا که درباره برنامه دشمن برای «نفوذ در مراکز



حرف نور رهبر معظم انقلاب برای انتخابات پیش رو چیست؟

پروژه شماره چهار

«توجه کنید تا مطلب در ذهن‌ها بنشیند. خبرهایی که ما داریم، تحلیل‌هایی که برای ما می‌آید، از طرف آنها بی که تحلیل‌های آنها را به ما منعکس میکنند، دشمنان ادا نم در فکر این هستند که چه کار کنند این انقلاب را از بین ببرند ۹۴/۱۰/۱۹... کسانی که در مسائل گوناگون دسترسی به اطلاعات دارند، خوب میدانند که چه دامی برای کشور گسترده‌اند... برادران عزیز! امروز روز حساسی است، روز گار، روز گار فوق العاده حساسی است. یک دستگاه پیگیر و یک جبهه‌ی فراگیر علیه انقلاب اسلامی مشغول کارند؛ پول به بازار می‌آورند، سلاح به بازار می‌آورند، توطئه می‌آورند، به قول خودشان اتاق‌های فکر دارند و دائم دارند کار میکنند. ۹۴/۱۰/۱۴» عبارات‌های پرتنیدن بالا بخش‌هایی از بیانات رهبر انقلاب در دو دیدار اخیر است که تنها به فاصله ۵ روز آن هم ذیل موضع پراهمیت انتخابات بیان شده است.

ادوار انتخابات مجلس شورای اسلامی و خیرگان قانون اساسی دارد. رهبر انقلاب همواره در همه ادوار انتخابات یکی از پایه‌های تحلیل خود در انتخابات پیش رو را به بررسی برنامه و نقشه دشمنان در انتخابات اختصاص داده‌اند. بنابراین یکی از محورهایی که می‌تواند از سوی نیروهای مومن انقلابی برای فهم دغدغه رهبری برای انتخابات اسفند امسال مورد ارزیابی قرار بگیرد، بررسی تطبیقی سخنان ایشان درباره نقشه دشمن در انتخابات سال ۹۴ با ادوار گذشته است. حال باید این سوال را مطرح کرد که از نگاه رهبر حکیم و فرزانه انقلاب دشمن در همه ادوار انتخابات چه برنامه‌ای برای کشور، نظام و ملت ایران داشته است. بررسی ۱۳ سخنرانی رهبر

شاید یکی از روش‌های مناسب و دقیق برای فهم دقایق و ظرایف بیانات حضرت آیت‌الله خامنه‌ای بررسی تطبیقی بیانات ایشان درباره پدیده‌ها و رویدادهای مشابه باشد. یعنی برای فهم تأکید و تصریح جدید و به روز رهبری درباره یک موضوع مثل انتخابات می‌توان محورهای کلی بیانات ایشان در سال جاری را با محورهای کلی بیانات درباره انتخابات دوره قبل و یا ادوار قبلی به صورت تطبیقی مقایسه کرد. با این توضیح برای کسانی که با روش‌های علمی و تبیینی بیانات رهبر معظم انقلاب را مطالعه می‌کنند، دو سخنرانی اخیر ایشان در باب انتخابات پیش رو در اسفندماه امسال تفاوت مشخص و محسوسی با همه سخنرانی‌های ایشان در باره



شماره



۱۶

قرارگاه جنگ معنوی



«ما در حال یک چنین نبردی هستیم؛ ما در حال یک چنین جهادی هستیم. به ایمان مردم ما حمله میکنند، به بصیرت مردم ما حمله میکنند، به تقوای ما حمله میکنند، به اخلاق ما حمله میکنند، و بروس های گوناگون خطرناک معنوی را در میان ما پراکنده میکنند؛ خوب، ما چه کار کنیم؟ باید دفاع کنیم. این قرارگاه لازم دارد، مثل قرارگاه های میدان جنگ؛ نماز جمعه یکی از مهم ترین این قرارگاه ها است.» جنگ بزرگی در این «روزگار حساس» در حال انجام است. «یک جبهه ی وسیع دشمن در مقابل خودمان داریم. جبهه ی وسیع دشمن از سردمداران رژیم صهیونیستی تا سردمداران دولت آمریکا، تا دیگر افرادی و عوامل استکبار جهانی، تا عوامل تکفیری، تا داعش؛ یعنی ببینید چه جبهه ی عظیمی است. یک طیف عظیم و نامتجانس ۹۴/۱۰/۱۹»

● سنگر نماز جمعه

این منطقه را در اختیار گرفت. آمریکایی ها تلاش می کنند با وسایل ارتباط جمعی امروز مانند اینترنت و شبکه های اجتماعی و... جوانان را از انقلاب جدا کنند اما جایگاه نماز جمعه فرصتی است برای حفظ آرمان ها و ارزش های انقلاب اسلامی. زیرا در این محل اجتماع «نگاه روبه رو و چشم در چشم و احساس حضور و شنیدن نفس گوینده و مخاطب تأثیر فوق العاده ی دیگری دارد. ۹۴/۱۰/۱۴» و دشمن این امکان را ندارد.

● تصحیح یک مسیر

تعبیر جنگ فرهنگی و دیدن دشمن اما نباید ما را دچار سطحی نگری در این منازعه کند و مانع آن بشود که به مسائل بنیانی تر در این تقابل بزرگ فرهنگی نپردازیم: «من تأکید میکنم این هدایت گری صرفاً هدایت گری سیاسی نیست، هدایت گری سیاسی و فرهنگی است. ما گمان نکنیم که اگر فرض کنید در فلان مسئله ی سیاسی روز که محل ابتلاء هم هست، داد سخن دادیم و حرف زدیم و مطالب خودمان را با بیان شیوا بیان کردیم، قضیه تمام شد؛ نه، ما هدایت گری فرهنگی را از هدایت گری سیاسی بنیانی تر میدانیم؛ هدایت گری سیاسی خیلی لازم است و از آن نباید صرف نظر کرد، اما هدایت گری فرهنگی و فرهنگ مردم، اخلاق مردم مهم تر است!»، «مسئله ی سبک زندگی و عادات و روش های خوب زندگی» یکی از مهمترین این مسائل بنیانی است. ادب در بر خورد و گفتار حتی با مخالفان و کتابخوانی و ترویج این فرهنگ مهم از طریق قرارگاه نماز جمعه دو مثالی است که رهبر معظم انقلاب برای موضوع سبک زندگی مطرح می کنند.

● حجت تمام است

در این جنگ دشمن تلاش می کند تا تحلیل و اراده مردم را برهم زند. جایگاه نماز جمعه نیز باید به دنبال هدایت جامعه بر مبنای «تبیین» باشد. «عمده ی [هدف] در این قرارگاه تبیین است؛ مسئله ی تبیین. عمده ی هدف انبیای الهی تبیین بود؛ حقیقت را بیان کنند؛ چون آن چیزی که موجب میشود انسانها گمراه بشوند این است که حقیقت را نمی شناسند؛ عمده این است. از این قبیل هم هستند که حقیقت را میدانند اما انکار میکنند، لکن عمده ی انحرافها ناشی از ندانستن حقیقت است و انبیای الهی آمدند تا حقیقت را بیان کنند، واضح کنند، ظاهر کنند، حجت را تمام کنند بر مردم. ۹۴/۱۰/۱۴» روزگار حساس و راه پرغباری در پیش و جایگاه نماز جمعه نقش مهمی در عبور از این پیچ تاریخی دارد. ●

● فرصت بزرگ

بررسی سخنان آمریکایی ها، سرمایه گذاری ویژه آنان بر روی جوانان کشورمان را روشن می سازد. هنری کیسینجر در نشست ایران و مسیر خاورمیانه تأکید می کند: «برخی رهبران ارشد ایران هنوز پیرو ایدئولوژی انقلابی (امام) خمینی (ع) هستند. برخی می گویند آیت...ها (سرانجام) کنار خواهند رفت و ما باید منتظر این بمانیم که بعد چه چیزی اتفاق خواهد افتاد.» وزیر خارجه آمریکا طی سخنانی نیز در بنیاد کارنگی با موضوع تشریح راهبردهای آمریکا در منطقه غرب آسیا می گوید: «جمعیت جوان کشورها و اشتیاق آنان برای همکاری و داد و ستد با آمریکا را می توان مبنای سرمایه گذاری دراز مدت قرار داد و با کمال خوش بینی به آینده منطقه خاورمیانه امیدوار بود. اگر از این همه انرژی و جاه طلبی به درستی استفاده شود؛ می توان آینده

تصمیم گیر یا تصمیم ساز نظام ۹۴/۹/۴» به عنوان «آماج نفوذ شبکه های و جریانی ۹۴/۹/۴» سخن می گویند. رهبر انقلاب مانند همه مصلحان اجتماعی تاریخ و بر اساس روش همه انبیاء و اوصیا الهی برای درک بهتر این خطر توسط مردم، آینده خطرناک تحقق این برنامه دشمن را نیز به وضوح تصویر می کنند. چه آنجا که درباره نگرانی خود از آینده مجلس شورای اسلامی می گویند: «بجمدا... مجلس کنونی ما، در مسائل بین المللی، مواضع خیلی خوبی میگیرد؛ این خیلی برای کشور مغتنم است. این کجا، و اینکه یک مجلس شورائی ما تشکیل بدهیم که در مقابل دشمنان بین المللی و جبهه ی متحد دشمنان، حرف آنها را بزند [کجا]؛ اینها خیلی با هم فرق میکند. این کجا که مجلسی داشته باشیم که چه در قضیه ی هسته ای و چه در قضایای گوناگون دیگر، حرف دشمن را تکرار نکند؛ یا اینکه نه، مجلسی مستقل، آزاد و شجاع باشد. ۹۴/۱۰/۱۹» و چه آنجا که اهمیت فوق العاده مجلس خبرگان در تضمین آینده انقلابی نظام اسلامی و جایگاه رهبری بر اساس راه و مکتب امام را گوشرد می کنند: «مجلس خبرگان بنا است که رهبر انتخاب کنند؛ [این] شوخی است؛ آن روزی که رهبر فعلی در دنیا نباشد یا رهبر نباشد، باید اینها رهبر انتخاب بکنند. چه کسی را انتخاب خواهند کرد؟ آیا کسی را انتخاب خواهند کرد که در مقابل همه ی دشمن بایستد، به خدا توکل کند، شجاعت نشان بدهد، راه امام را ادامه بدهد؛ آیا چنین کسی را انتخاب میکنند یا کسی را انتخاب میکنند که جور دیگری است؟ این خیلی مهم است.» بعد چهارم نقشه دشمن یا پروژه شماره چهار را باید پیش جدی گرفت، پروژه های که در آن قرار است «موربانها» در «ارکان نظام» «نفوذ» کنند، موربانهایی که «به مسائل انقلاب، به مسائل دین، به مسائل استقلال کشور خیلی اهمیتی نمیدهند، دلشان دنبال حرف آمریکا و غیر آمریکا است. ۹۴/۱۰/۱۹» و راه مقابله با این موضوع «نظارت استصوابی شورای نگهبان» به عنوان وظیفه حاکمیت و «روشننگری» و «انتخاب درست» به عنوان نقش احاد ملت انقلابی خواهد بود. ●

* برای بررسی نقشه دشمن در انتخابات از نگاه رهبر انقلاب از نمودار درختی «برنامه دشمن علیه انتخابات مجلس ۹۴/۱۲/۴» که حاصل بررسی ۱۳ مورد از بیانات رهبر انقلاب حذفاصل سال های ۱۳۷۲ تا ۱۳۹۰ بوده بهره برداری شده است. برای دسترسی به این نمودار به آدرس <http://khl.ink/electmajles> مراجعه کنید.



شماره‌های این ماه تقدیم می‌شود به روح پر فتوح

شهید حجت‌الاسلام عبدا... میثمی

طراح و استراتژیست نظامی؛ معجزه انقلاب

شهید حسن باقری بلاشک یک طراح جنگی است... کی؟ در سال ۱۳۶۱؛ کی وارد جنگ شده است؟ در سال ۱۳۵۹. این مسیر حرکت از یک سرباز صفر به یک استراتژیست نظامی، یک حرکت بیست ساله، بیست و پنج ساله است؛ این جوان در ظرف دو سال این حرکت را کرده است! اینها معجزه‌ی انقلاب است. ۸۸/۱۰/۲۵



محل شهادت: فکه

نحوه شهادت: اصابت ترکش خمپاره

تاریخ شهادت: ۹ بهمن ۱۳۶۱

خط حجاز

نشریه خبری - تحلیلی نمازهای جمعه، مساجد و هیات‌های مذهبی

بهمن ماه ۹۴

تصویر واقعی امریکا | ۷۲

شماره ۱۷

اگر صندوق رای نباشد | ۷۳

تا من هستم... | ۷۴

شماره ۱۸

دیدار با خورشید در انتهای شب | ۷۵

فرجام تحریف امام | ۷۶

شماره ۱۹

از قاجار بدتر... | ۷۷

برای خدا | ۷۸

شماره ۲۰

خطر گریز از اولویت‌ها | ۷۹

مجلس انقلابی یا مجلس مرعوب | ۸۰

شماره ۲۱

دستور العمل انگلیسی | ۸۱



**اولین امامت آیت‌ا... خامنه‌ای
در نماز جمعه
۵۸/۱۰/۲۸**

گزینش حضرت آیت‌ا... خامنه‌ای - که به تازگی چهل سالگی را پشت سر نهاده بود - به امامت جمعه و نیز به کار بردن عباراتی نظیر «جناب‌عالی که بحمدا... به حسن سابقه موصوف و در علم و عمل شایسته هستید» در حکم انتصاب حضرت امام خمینی (ره) بسیار ارزشمند بود. آقا همیشه می‌فرمودند که من حکم انتصاب به امامت جمعه توسط امام را با هیچ چیز عوض نمی‌کنم.

شهید شهید حاج عماد مغنیه

فرزند امام (ره)

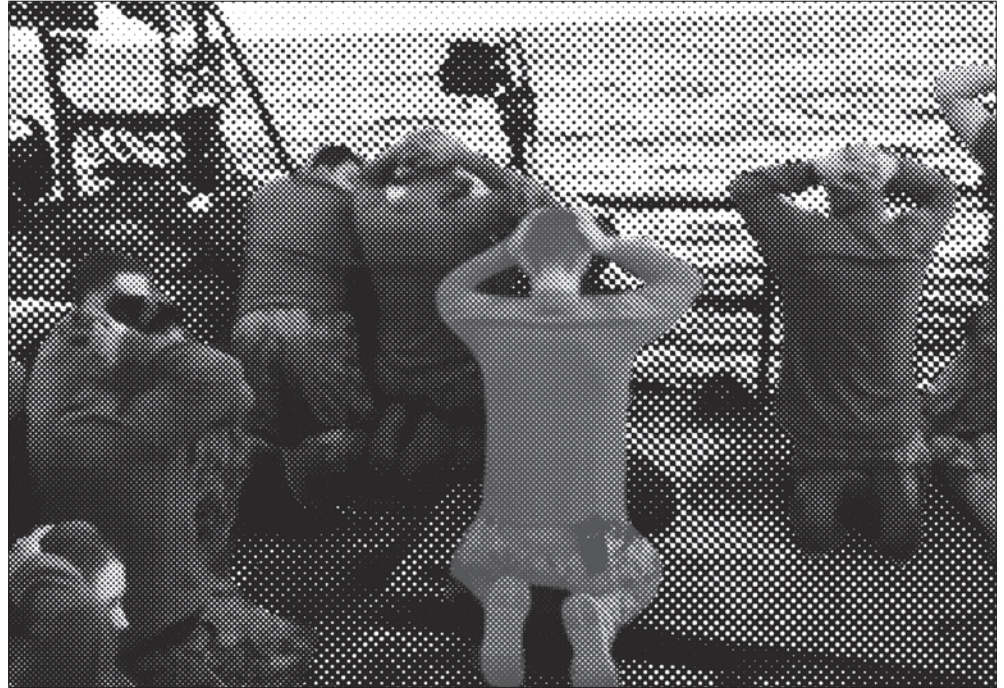
همین شهید عزیزی که چند روز قبل به وسیله‌ی صهیونیستها به شهادت رسید، اینها افتخار میکردند که بچه‌های امامند؛ خودشان را فرزند امام میدانستند. این شهید حاج عماد خودش را فرزند امام میدانست. یعنی واقعاً اگر با یک جوان خودمان مقایسه کنیم، او معتقد نبود که این جوان ایرانی به امام از او نزدیکتر است. او هم خودش را به قدر یک جوان ایرانی فرزند امام و نزدیک به امام میدانست؛ چرا؟ چون امام به او روح داده بود؛ امام او را زنده کرده بود. ۸۱/۱۲/۶



محل شهادت: سوریه

نحوه شهادت: انفجار خودرو توسط اسرائیل

تاریخ شهادت: ۲۵ بهمن ۱۳۸۶



سه تجربه و یک درس از منازعات جمهوری اسلامی ایران با شیطان بزرگ؛

تصویر واقعی امریکا

"پیش تر گفتم سخن گفتن از انحطاط اقتصادی آمریکا یک خیالبافی سیاسی است. همین طور سخن گفتن از این که دشمنان ما قوی ترند و آمریکا ضعیف تر شده است. آمریکا قدرتمندترین کشور روی زمین است. در این باره کشوری حتی به ما نزدیک نیست. ما به تنهایی بیش از هشت کشور پس از خودمان، صرف هزینه های نظامی می کنیم. نیروهای ما بهترین نیروهای نظامی تاریخ جهانند." این جملات باراک اوباما رئیس جمهور آمریکا است در مهمترین سخنرانی سالانه خود در کنگره این کشور.



آمریکایی با اشاره به قطعیت غیر عمدی بودن ورود غیر قانونی و غیر مجاز شناورهای رزمی امریکایی به آبهای سرزمینی ایران در خلیج فارس، از رهاسازی تفنگداران دستگیر شده امریکایی در آبهای بین المللی خبر داد.

● تصویر واقعی از قدرت آمریکا

این خبر بلافاصله با تحلیل های مختلف رسانه ها و کارشناسان جهانی مواجه شد. روزنامه ی صهیونیستی دیدیوت آحارونوت در این باره نوشت: "جان کری، به خاطر خدمت نظامی در ویتنام به عنوان افسر قایق های گشتی، به خوبی از آنچه رخ داده بود، آگاه بود. با این حال پذیرفت که قایق های امریکایی وارد آبهای سرزمینی ایران شده اند. چنین سخنی نوعی عذرخواهی و پذیرفتن اشتباه از سوی آمریکا است... این سپاه پاسداران بود که

خبرگزاری روسی اسپوتنیک می گوید: "این کلمات دقیقاً زمانی از زبان باراک اوباما جاری شد که در همان لحظه، سربازان قوی ترین ارتش دنیا در نزدیکی جزیره فارسی در خلیج فارس بر روی شناورهای خود زانو زده و دستانشان بالای سرشان بود" رئیس جمهور کشور مدعی بزرگترین ارتش دنیا در حالی این سخنان را بر زبان آورد که در همان ساعات جوانان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، سرنشینان دو فروند شناور امریکایی که وارد آبهای سرزمینی ایران شده بودند را بازداشت کردند. فرماندهی این گروه امریکایی بعد از بازداشت در مقابل دوربین قرار گرفت و با اذعان اینکه ورود به آبهای ایران یک اشتباه بود نه عمدی، گفت: "این تقصیر ما بود و ما به خاطر اشتباهمان عذرخواهی می کنیم." ۱۵ ساعت بعد سپاه با انتشار تصاویر و فیلم دستگیری تفنگداران

حرف آخر را زد. آنها فیلم تفنگداران تحقیر شده امریکایی و اسیر کنندگان آنها را که رفتاری انسانی با ملوانان داشتند نشان دادند و به این طریق سپاه با یک تیر دو نشان زد "سی.ان.ان نیز در در گزارشی نوشت: "ویدئویی که روز چهارشنبه از تلویزیون دولتی ایران پخش شد، ملوان های امریکایی را در حالی نشان می دهد که بابت ورود به آبهای ایران عذرخواهی می کنند. این یک رخداد شرم آور برای دولت آمریکا است که تلاش می کند آزادی سریع نظامیان امریکایی را به عنوان یک پیروزی دیپلماتیک به تصویر بکشد" جب بوش، برادر جرج بوش، رئیس جمهور سابق امریکا نیز با اظهار تأسف از این ماجرا و با اشاره به انتشار تصاویر تفنگداران به اسارت گرفته شده گفت: "حالا دیگر دشمنان ما از ما نمی ترسند" ترامپ، کاندیدای ریاست جمهور آتی امریکا نیز نوشت: «ایران با بازداشت ۱۰ ملوان، ایالات متحده را تحقیر کرده است. تصاویر وحشتناکی از این داستان منتشر شده است. ما ضعیف هستیم. من این را فراموش نمی کنم.» نکته جالب توجه این است که همه این واکنش ها بیش از آنکه در زمان اعلام خبر دستگیری تفنگداران اعلام شود پس از آزادی و بلافاصله پس از انتشار تصاویر تحقیر آمیز دستگیری آنها در حالی که زانو زده و دست را بر بالای سر برده اند، ابراز می شود. این نشان می دهد که سیاستمداران و رسانه های امریکایی بیش از هر چیز نگران مخدوش شدن تصویر خود ساخته از هیمنه پوشالی خود هستند تا جان ۱۰ تفنگدار هموطن. هیمنه خود ساخته ای که امریکا با شکل دهی آن در افکار عمومی مردم دنیا تسلط و استیلای خود را سامان می دهد.

● الگوی سلطه ناپذیر

روایت کوتاه رهبر انقلاب از این ماجرا شاید رمز این رسوایی بزرگ برای دولت امریکا باشد. «این حرکتی که جوانهای عزیز ما در دریا کردند - سپاه پاسداران - در مقابل تجاوز دشمن از خودشان هویت و قدرت نشان دادند، فرصت نشده که از اینها تشکر بکنم و واقعاً هم تشکر میکنم از اینها؛ کار بسیار درستی کردند؛ دشمن تجاوز کرد به آبهای ما، اینها رفتند دشمن را محصور کردند. کسانی که مسئولین سیاست هستند در همه ی عرصه ی جهانی همین جور عمل کنند؛ مراقب تجاوز دشمن باشند ببینند کجا تجاوز میکند؛ از خطوط کجا دارد تجاوز میکند؛ جلویش را بگیرند؛ با قدرت. ۹۴/۱۰/۳۰»

آنچه در این اتفاق برای رهبر انقلاب حائز اهمیت و واجد ارزش قدردانی است، پاسخ متناسب و مقتدرانه به تجاوز و زیاده خواهی دشمنان با اتکا به «هویت» و «قدرت» درونی است. حالاً از این زاویه و بر مبنای همین الگوی موفق می توان نگاهی دوباره

اگر صندوق رای نباشد



شاید بتوان گفت بزرگ‌ترین و مهم‌ترین کاری که حضرت امام خمینی (ره) انجام دادند، «بنای یک نظم مدنی - سیاسی بر اساس عقلانیت اسلامی بود». ۹۳/۳/۱۴ این نظم مدنی - سیاسی دو پایه‌ی اساسی دارد: یکی سپردن کار کشور به مردم از طریق مردم‌سالاری و انتخابات، و دیگری انطباق کارها بر مبنای شریعت اسلامی. ۹۳/۳/۱۴ به همین علت «امام از اول اعلام کرد که مردم باید نظر بدهند؛ چه در اصل انتخاب جمهوری اسلامی، چه در تدوین قانون اساسی، چه در پذیرش آن قانونی که در مجلس خبرگان تصویب شده بود، چه در انتخاب رئیس‌جمهور، چه در انتخاب مجلس». ۸۹/۱۱/۱۵ به همین جهت، «صندوق‌های رأی» در نظام جمهوری اسلامی همیشه اهمیت داشته است. اما پاسخ به اینکه چه عواملی موجب اهمیت این موضوع در نزد بنیانگذار فقید انقلاب می‌شود را در سه مؤلفه‌ی زیر می‌توان یافت:

پشتوانه‌ی مردمی بالایی برخوردار است و طبعاً برای حل چالش‌ها و مشکلاتی که دشمن خارجی ایجاد می‌کند استحکام جامعه قوی‌تر خواهد شد. به عنوان مثال درست چند روز مانده به انتخابات ریاست‌جمهوری ۸۸، دولت آمریکا که ناامید از برگزاری یک انتخابات سرد در ایران شده بود و خود را منفعل می‌دید، نامه‌ای به رهبر انقلاب نوشت و در آن به صراحت اعلام کرد که هیچ موضوعی در منطقه‌ی غرب آسیا بدون حضور ایران حل نخواهد شد. آنها به خوبی متوجه اقتدار ایران در عرصه‌ی بین‌المللی شده بودند. همه چیز تا روز ۲۲ خردادماه ۸۸ به خوبی پیش رفت. ۴۰ میلیون ایرانی در انتخابات شرکت کردند و بالاترین سطح میزان مشارکت در جهان را به خود اختصاص دادند. صندوق رأی عامل ابهت جمهوری اسلامی شده بود تا اینکه یک حادثه، ورق ماجرا را برگرداند. عده‌ای به نتیجه‌ی برآمده از انتخابات و «صندوق‌های رأی» احترام نگذاشتند و علیه آن دست به آشوب زدند. کشور دچار «نامنی» شد و دشمنان امیدوار. از همین جا بود که دستور تحریم‌های جدید و باصطلاح خودشان «فلج‌کننده» علیه ایران توسط آمریکا صادر شد. نامنی، امیدوار شدن دشمن و در نتیجه اعمال تحریم‌های جدید، به دلیل عدم احترام فتنه‌گران به «صندوق رأی» بود. از همین جا می‌توان جواب این سؤال را داد که چرا حتی آن کسانی که «نظام» یا «رهبری» را قبول ندارند هم باید در انتخابات شرکت کنند؟ برای اینکه شرکت در انتخابات متضمن امنیت کشور است. «آن کسانی که ممکن است نسبت به نظام جمهوری اسلامی هم حتی مسئله داشته باشند، نسبت به امنیت کشور که دیگر مسئله ندارند، نسبت به اقتدار کشور که دیگر مسئله ندارند. خوب، امروز این نظام، امنیت کشور را حفظ کرده است، پیشرفت کشور را تسریع کرده است، به این ملت عزت داده است؛ اینها که دیگر قابل انکار نیست، اینها را که دوست دارند؛ لپس آورد این میدان بشوند برای عزت بخشیدن به ایران و ایرانی، برای استمرار امنیت ملی». ۹۴/۱۰/۳۰ از همین روی، در طول سال‌های بعد از انقلاب اسلامی، بیش از ۳۰ انتخابات برگزار شده و مردم به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم، همه مسئولین کشور را انتخاب کرده‌اند. با این توضیحات قابل تصور است که اگر صندوق‌های رأی نباشند، یا باشند و عده‌ای به آن احترام نگذارند (آن چنان که در فتنه‌ی ۸۸ اتفاق افتاد)، چه بلایی بر سر کشور خواهد آمد؟

● **۱. افزایش اعتبار الگوی مردم‌سالاری دینی:** برای جنگ اسلام ناب در مقابل اسلام‌های تقلبی، افزایش اعتبار الگوی سیاسی اسلام ناب می‌تواند تقلبی بودن برداشت‌های معارض از اسلام را برای افکار عمومی جهان برملا کند. این روزها سه مدل از اسلام سیاسی در منطقه و جهان تلاش می‌کنند تا خود را به عنوان الگوی مطلوب ارائه دهند: اسلام تکفیری، اسلام سکولار و اسلام عقلانی (که معرف آن مردم‌سالاری دینی ایران است). اسلام تکفیری فاقد هرگونه عقلانیتی است و توجیهی به خواست و رأی مردم در انتخاب حاکمان و به تبع آن فعالیت‌ها و اقدامات کشوری ندارد. اسلام سکولار نیز توجیهی به مبانی شریعت اسلامی برای انجام کارها ندارد. اردوغان در روزهای انقلاب مصر، در اظهارنظری پرحاشیه حتی به انقلابیون آن کشور پیشنهاد کرده بود که قانون اساسی خود را مانند ترکیه بر مبنای سکولاریسم بنویسند و حکومتی سکولار تشکیل بدهند. اما همان ایام، یکی از متفکرین غربی اظهارنظری کرد که بعدها رهبر انقلاب نیز در سخنرانی خود به آن اشاره کردند. از نظر او، «اگر مسلمانان از دو چیز آگاه شوند همه‌ی تاپوهای غرب در هم خواهد شکست: یکی قانون اساسی جمهوری اسلامی است که نشان‌دهنده‌ی هم‌ردمی بودن حکومت است و هم دینی بودن آن، و دیگری کارنامه‌ی موفقیت‌های علمی و اقتصادی و سیاسی و نظامی جمهوری اسلامی». ۸۹/۱۱/۱۵

● **۲. دمیدن یک نفس تازه به ملت:** از طریق انتخابات، مردم مبتنی بر دغدغه‌ها و مطالبات خود رأی می‌دهند و در نتیجه‌ی آن، دولت‌ها با رویکردها و سلاطین مختلف روی کار می‌آیند. «در طول این سال‌های متمادی، دولت‌های گوناگون و ذائقه‌های سیاسی گوناگون بر سر کار آمدند، چه در مجلس با سلاطین سیاسی مختلف، چه در قوه‌ی مجریه بعضی‌ها حتی با اصول نظام زایه هم داشتند؛ لیکن ظرفیت عظیم نظام، بدون اینکه ناشکیبایی نشان بدهد، توانسته است همه‌ی این مسائل را از سر بگذراند؛ توانسته است همه‌ی این مشکلات را در خود حل و هضم کند؛ به خاطر حضور مردم». ۹۰/۷/۲۰

● **۳. تأمین امنیت کشور:** تأمین امنیت مردم یکی از وظایف اصلی حکومت‌ها و از نیازهای مهم جامعه برای زندگی مردم است. به هر میزان که مشارکت مردمی در انتخابات بالاتر باشد، دست‌اندازی و دخالت بیگانگان در امور داخلی کشورها نیز کمتر خواهد شد، چرا که می‌دانند این نظام سیاسی از

به سرانجام مذاکرات هسته‌ای داشت. سرانجامی که رهبرانقلاب نتیجه حداقلی اما موجب خرسندی آن را ناشی از سه عامل «مقاومت ملت بزرگ ایران»، «تلاش دانشمندان هسته‌ای» و «کوشش خستگی‌ناپذیر مذاکره‌کنندگان ۹۴/۱۰/۲۹» می‌دانند.

● تصویر واقعی از مقاومت و عزت

اصرار رهبر معظم انقلاب بر روایت مبتنی بر واقعیات تاریخی، حکایت از دغدغه ایشان در شکل‌گیری تصویر درستی از روند مقاومت و پیشرفت ملت ایران برای افکار عمومی داخلی و خارجی دارد. ایشان اصرار دارند که مبدا نتیجه این مذاکرات به حساب «لطف آمریکایی» نوشته شود و عوامل حقیقی تحقق آن فراموش شود. چرا که «هدف اینها این است که به ملت‌ها تفهیم کنند که جمهوری اسلامی ایران هم نتوانست بر اساس دین، یک نظامی را بر پا کند و ادامه بدهد و اداره کند؛ میخواهند این را نشان بدهند و هدف این است؛ این را باید همه متوجه باشند؛ مسئولین هم باید متوجه باشند، آحاد مردم ما هم توجه داشته باشند». ۹۴/۱۰/۳۰

● سه تجربه، یک درس بزرگ

ملت ایران در دو سال اخیر سه تجربه ارزنده و درس‌آموز از مذاکرات موردی و موضوعی با دولت آمریکا را از سر گذرانده است. برجام، تجاوز تفنگداران و مبادله زندانیان. در هر سه این مذاکرات هر جا و به هر میزان که مرعوب تصویر غیرواقعی و خودساخته آمریکایی‌ها نشده و با اتکا بر قدرت و هویت درونی ایستادگی کرده‌ایم و همچنین در تمام سطوح متوجه ماهیت و عمق منازعه با شیطان بزرگ بوده‌ایم، موفقیت‌های بیشتری به دست آورده‌ایم: «همین اندازه دستاورد نیز در برابر جبهه‌ی استکبار و زورگو، بر اثر مقاومت و ایستادگی به دست آمده است. این را باید همه ما درسی بزرگ برای همه‌ی قضایا و حوادث در جمهوری اسلامی بدانیم». ۹۴/۱۰/۲۹

این منازعه چه در ادامه پرونده هسته‌ای و چه در موارد و بهانه‌های دیگر استمرار پیدا خواهد کرد. به همین دلیل است که رهبر انقلاب با نگاه بلند و تجربه تاریخی که از رفتار دولتمردان آمریکایی دارند به مسئولان هشدار می‌دهند که در ادامه «آمریکا با زور و با تبلیغات دروغین میخواهد کار خود را پیش ببرد؛ باید در مقابل زور او و در مقابل تبلیغات دروغین او مقاومت کرد. الان هم همه‌ی مسئولان چه مسئولین دولتی، چه آن هیئت نظارتی که ما توصیه کردیم مراقب باشند که طرف مقابل خدعه نکند؛ چون طرف اهل خدعه است، اهل خدعه کردن است. به لبخند و به ماسکی که او بر چهره زده نمیشود اعتماد کرد». ۹۴/۱۰/۳۰



سخنرانی امام (ع) در بهشت زهرا (ع)، ۱۲ بهمن ۱۳۵۷

نگاهی به مبنا و سیره امام خمینی (ع) در ممانعت از ورود عناصر ناصالح به قدرت

تا من هستم...

که تعیین می شوند باید کسانی باشند که به درد اسلام و جمهوری اسلامی بخورند، و عقیده شان هم این باشد که اسلام خوب است. «۶۲/۹/۲۰» «من به این آقایان هشدار می دهم که تضعیف و توهین به فقهای شورای نگهبان امری خطرناک برای کشور و اسلام است. همیشه انحرافات به تدریج در یک رژیم وارد می شود و در آخر، رژیمی را ساقط می نماید.» ۶۳/۲/۲۵

● نمی گذارم حکومت دست لیبرال ها بیفتد

با دقت در «سیره و رفتار عملی» حضرت امام (ع) نیز می توان به موارد مهمی دست یافت که حاکی از حساسیت جدی نسبت به ورود و حضور عناصر غیر معتقد و منحرف در ارکان قدرت است. برخورد قاطع با «نهضت آزادی» یکی از این موارد است. ایشان طرفداری از فکر «وابستگی به آمریکا» و تلاش در این جهت را به عنوان نقطه سیاه این جریان معرفی می کنند: «نهضت به اصطلاح آزادی طرفدار جدی وابستگی کشور ایران به آمریکا است، و در اینباره از هیچ کوششی فروگذار نکرده است... نهضت به اصطلاح آزادی صلاحیت برای هیچ امری از امور دولتی یا قانونگذاری یا قضایی را ندارند.» ۶۶/۱۱/۳۰ حضرت امام (ع) در حالی صلاحیت نهضت آزادی را برای امور گوناگون رد می کنند که «مهدی بازگان» به عنوان یکی از بنیان گذاران این جریان با حکم حضرت امام (ع) اولین دولت انقلاب را تشکیل داده بود. این موضع و برخورد قاطعانه تا به آخر در گفتار و رفتار امام خمینی (ع) وجود داشت: «تا من هستم نخواهم گذاشت حکومت به دست لیبرال ها بیفتد... تا من هستم دست ایادی آمریکا و شوروی را در تمام زمینه ها کوتاه می کنم.» ۶۷/۱۲/۳

● ماندگاری انقلاب با حفظ اصول امام (ع)

بر اساس گفتار و رفتار حضرت امام (ع) آنجا که «پنده انقلاب» و «سرنوشت ملت» در میان است نمی توان به صرف «تکاه به سوابق» و... اجازه ای حضور به افراد فاقد صلاحیت داد. «ماندگاری انقلاب» و «حفظ نظام» به عنوان اوجب واجبات در گرو حفظ و صیانت از اصول و سیره رهبر کبیر و بنیانگذار این نظام است که به روشنی در بیانات و وصیتنامه ای امام راحل (ع) ثبت شده است. حقیقت این است که امروز نیز با حاکمیت معیارها و ارزش های مدنظر امام (ع) بر کشور «ورود نااهلان و نامحرمان نفوذی به قدرت ممنوع بوده» و اینگونه حیات معنوی امام خمینی (ع) با تثبیت و فراگیری خط و مکتب سیاسی اش ادامه می یابد، همانطور که رهبر معظم انقلاب فرمودند: «تفکر خاتمه یافتن دوران امام خمینی که دشمن با صد زبان سعی در القای آن دارد، نیرنگی استکباری بیش نیست و علیرغم آمریکا و همکارانش، امام خمینی در میان ملت خود و جامعه ای خود حاضر است و دوران امام خمینی ادامه دارد و خواهد داشت. راه او راه ما، هدف او هدف ما، و رهنمود او مشعل فروزنده ی ماست.» ۶۹/۳/۱۰ ●

آنهاست، اینها فاسد باشند، مملکت را به فساد می کشند.» ۱۳۵۷/۱۰/۱۰ این تأکید بر انتخاب افراد «معتقد و متعهد» پس از پیروزی انقلاب نیز مورد توجه قرار گرفت: «اشخاصی اسلامی، متعهد، غیر منحرف از صراط مستقیم الهی را در نظر بگیرید و سرنوشت اسلام و کشور خود را به دست کسانی دهید که به اسلام و جمهوری اسلامی و قانون اساسی معتقد و نسبت به احکام نورانی الهی متعهد باشند.» ۵۸/۱۱/۲۳ و در طول دوران رهبری امام (ع) ادامه یافت: «مردم شجاع ایران با دقت تمام به نمایندگانی رأی دهند که متعهد به اسلام و وفادار به مردم باشند... و افرادی را که طرفدار... اسلام امریکایی هستند طرد نموده و به مردم معرفی نمایند.» ۶۷/۱۱/۱۱ نکته ای مهم این است که حضرت امام (ع) ورود نفوذی ها را «توطئه ای» قدرتها می دانند: «اقدرتمندان شرق و غرب خصوصاً امریکا] چه بسا، با نفوذ عمال سرسپرده ای داخلی در ارگانهای دولتی و مقامات مؤثر، بتدریج قدم به قدم کار خود را انجام دهند... غفلت از این امر، فاجعه انگیز است.» ۶۴/۶/۱۲

● نکند مشروطه تکرار شود

برای جلوگیری از وقوع امر «فاجعه بار» ورود نفوذی ها به قدرت است که امام خمینی (ع) با یادآوری تجربه ای مشروطه بر جایگاه رفیع شورای نگهبان تأکید کرده و نسبت به «انحراف تدریجی» هشدار می دهند: «نکند مثل مشروطه شود... من قبلاً در مورد انتخابات گفتم که همه چیز ما باید روی موازین اسلامی باشد. افرادی

● به نفوذی ها مهلت ندهید

شاید خیلی ها خیال کنند موضوع «نفوذ» و هشدار نسبت به آن، مسأله ای است که در دوران کنونی شکل گرفته، اما حضرت امام خمینی (ع) در متن وصیت نامه ای خود نیز همگان را به مراقبت در برابر «نفوذی ها» فراخوانده اند: «هرکس به مقدر توانش و حیطة نفوذش لازم است در خدمت اسلام و میهن باشد؛ و با جدیت از نفوذ وابستگان به دو قطب استعمارگر و غرب یا شرق زدگان و منحرفان از مکتب بزرگ اسلام جلوگیری نمایند، و بدانند که مخالفین اسلام و کشورهای اسلامی که همان ابرقدرتان چپاولگر بین المللی هستند، با تدریج و ظرافت در کشور ما و کشورهای اسلامی دیگر رخنه، و با دست افراد خود ملتها، کشورها را به دام استثمار می کشانند. باید با هوشیاری مراقب باشید و با احساس اولین قدم نفوذی به مقابله برخیزید و به آنان مهلت ندهید.» وصیت نامه امام خمینی (ع)

● خوشبختی ملتها وابسته به صلاحیت حاکمان است

توجه به «صلاحیت حاکمان» همواره یکی از نکات مورد توجه امام (ع) بوده است تا آنجا که حتی در روزهای قبل از پیروزی انقلاب نیز بر آن تأکید کرده اند: «بدبختی و خوشبختی ملتها بسته به اموری است که یکی از مهمات آن صلاحیت داشتن هیأت حاکمه است. اگر چنانچه هیأت حاکمه، کسانی که مقدرات یک کشور در دست

شماره

۱۸

روایتی از فعالیت‌های سیاسی و مبارزاتی حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در روزهای منتهی به ۱۲ بهمن ۱۳۵۷

دیدار با خورشید در انتهای شب



روزهای پایانی مبارزات بود و خیلی‌ها بوی اسپند پیروزی را نزدیک‌تر از همیشه استشمام می‌کردند. همه یاران تاثیرگذار امام (ع) در پایتخت بودند اما جای یکی خالی بود. آیت‌الله خامنه‌ای که دهه‌ها و پنجاه‌ها در سراسر ایران مبارزه کرده بود و شرق و غرب میهن، سخنرانی‌ها، زندان‌ها و تبعیدهایش را دیده بود، حالا باید به تهران می‌آمد. هر چند «مشهد» کم‌از سایر شهرها نداشت و نهضت در آنجا هم گلاویز با مأموران طاغوت بود، اما فرمانی از امام (ع) رسیده بود. پس از چندین پیام و چندین انکار، پیام آخر صریح‌تر بود: «نیامدن به تهران مخالفت با امر امام (ع) است.»

● مامور به هجرت

حضرت امام خمینی (ع) آیت‌الله خامنه‌ای را برای عضویت در شورای انقلاب امر به هجرت کرده بودند. شورایی که قرار بود در نبود قوه حاکمه در مملکت، کار مملکت‌داری را موقتاً در دست بگیرد. مدرسه رفاه اقامتگاه ایشان شد. «من دوستان مشهد را راضی کردم که بیایم تهران و آمدم، که آن کار مهم هم عبارت از این بود که امام (ع) من را به عنوان عضو شورای انقلاب معین کرده بودند و من خبر نداشتم از این قضیه و اینها می‌خواستند به من ابلاغ کنند و این طبعاً ایجاب می‌کرد که من در تهران بمانم، تا این که آمدم تهران...» ۶۳/۱۱/۱۱ در کنار همه این تکاپوها و مبارزه با دولت بختیار و تصمیم‌گیری برای امور انقلاب، قرار بود امام (ع) بازگردند. ماموریت تشکیل «ستاد استقبال از امام (ع)» بر عهده شورای انقلاب بود. آیت‌الله خامنه‌ای هم مسئولیت «کمیته‌ی تبلیغات ستاد استقبال» را بر عهده گرفت. «گفتم که امام، دو سه روز دیگر با مثلاً فردا وارد تهران می‌شوند و ما آمادگی لازم را نداریم. بیاییم سازماندهی کنیم که وقتی ایشان آمدند و مراجعات زیاد شد و کارها از همه طرف به این جا راجع گردید، معطل نمانیم.» ۶۵/۵/۱۸ «کمیته‌ی تبلیغات ستاد استقبال» بلافاصله نشریه‌ای منتشر کرد تا رابط امام (ع) و مردم باشد. این نشریه بیش از همه حاصل ایده‌های آیت‌الله خامنه‌ای بود. «آن روزها یک نشریه‌ای ما در می‌آوردیم که بعضی از اخبار و مثل اینها در آن نشریه چاپ می‌شد، از همان رفاه این نشریه بیرون می‌آمد.» ۶۲/۱۰/۲۴

● تحسن در قلب تهران

قرار بود امام (ع) زودتر از دوازدهم بازگردند، «امام (ع) قرار بود بیایند، نیامدند و ما رفتیم در بهشت زهرا و شهید بهشتی سخنرانی کردند و بنده قطعنامه را خواندم، آن روز بهشت زهرا این جور بود دیگر. یک سخنرانی شهید بهشتی کردند بعد هم یک قطعنامه‌ی تهیه کرده بودیم. من هم رفتم قطعنامه را خواندم و برگزیدیم.» بازگشت امام خمینی (ع) به میهن مانعی نه‌چندان بزرگ اما آزاردهنده داشت: بختیار، آخرین نخست‌وزیر تاریخ سلطنت، پایه پای

خارج می‌شد. احساس می‌شد که همه‌ی آن روزها مجسم شده در وجود امام (ع) و با کمال صلابت و با یک تحقق واقعی و پیروزمندانه این‌جا در مقابل انسان تبلور پیدا کرده. «۶۲/۱۰/۲۴ با ورود حضرت امام (ع) به سالن فرودگاه، همه گرداگرد ایشان حلقه می‌زدند. آیت‌الله خامنه‌ای اما کمی دورتر از امام (ع) جای می‌گیرد، چرا که نمی‌خواهد بر شلوغی اطراف ایشان افزوده و باعث اذیت شدن ایشان شود. «احساس خطر کردیم و با صدای بلند از مردم خواستیم که از امام (ع) دور شوند؛ بر احساسات خود غلبه کنند. من و شماری از نزدیکان امام (ع) خود را عقب کشیدیم. جز آقای مطهری که داخل هواپیما رفته و هنگام خروج امام (ع) را همراهی کرده بود، کسی از خواص، کنار ایشان نبود. آقای بهشتی هم جای معینی نداشت و در آن محیط در حرکت بود.»

● دیدار با خورشید در انتهای شب

آیت‌الله خامنه‌ای که مسئول کمیته‌ی تبلیغات ستاد استقبال بود، هم‌زمان با رفتن امام (ع) به بهشت زهرا راهی ستاد استقبال می‌شوند تا مسائل مربوط به تبلیغات و انتشار نشریه را پیگیری کنند. حضرت امام (ع) نیز پس از سخنرانی بهشت زهرا به منزلی رفته بودند تا کمی استراحت کنند. ساعت ۱۰ شب اما...: «ما در ستاد استقبال، در دبستان علوی نشسته بودیم. داشتم [برای] یک روزنامه‌ای که آن روزها به مناسبت ورود امام (ع) منتشر می‌کردیم... سر مقاله و صفحه‌بندی و این کارها را انجام می‌دادیم، ساعت ۱۰ شب بود که ناگهان گفتند که امام (ع) دارند تشریف می‌آورند این‌جا. ما هیچ انتظار نداشتم که این‌جور امام (ع) را به این آسانی در یک متری، دو متری خودمان مشاهده کنیم. یک وقت امام (ع) از در پشت دبستان علوی وارد دبستان شدند. حدود ساعت ۱۰:۳۰ شب بود. چند ساعتی ایشان در منزل یکی از بستگانشان استراحت کرده بودند و برگشته بودند به این‌جا و شب را در آن‌جا گذراند. من با این که در فرودگاه امام (ع) را زیارت کرده بودم، اما نزدیک نرفته بودم، چون خیلی شلوغ بود و ایشان هم خسته بودند، نمی‌خواستم کمک به مزاحمت ایشان کرده باشم. آن‌جا از نزدیک امام (ع) را زیارت کردیم.» ۶۶/۱۱/۱۲



به مجرد این که آرامش امام (ع) ظاهر شد، نگرانی‌ها و اضطراب ما به کلی برطرف شد. یعنی امام (ع) با آرامش خودشان به بنده و شاید به خیلی‌های دیگر که نگران بودند، آرامش بخشیدند. وقتی که بعد از سال‌های متمادی امام (ع) را من زیارت می‌کردم آن‌جا، ناگهان خستگی این چندساله مثل این که از تن آدم خارج می‌شد. احساس می‌شد که همه‌ی آن روزها مجسم شده در وجود امام (ع) و با کمال صلابت و با یک تحقق واقعی و پیروزمندانه این‌جا در مقابل انسان تبلور پیدا کرده



نقطه اساسی نزاع انقلاب و ضد انقلاب

فرجام تحریف امام

گسترده ضد انقلاب، بر سر همین ارکان و اصول امام خمینی است. آن‌ها تحریف اصول امام (ع) را در دو سطح دنبال می‌کنند. اول، تا جایی که بتوانند این شاکله و نقشه راه را تحریف کنند؛ دوم اینکه در مقابل بی‌تبات بر تکرار و غیرقابل انکار در کلام امام (ع)، ادعا کنند که پیشرفت کشور از مسیر پافشاری بر این اصول نمی‌گذرد و چاره‌ای جز صرف‌نظر کردن از برخی از این اصول نیست. در این فرآیند، مهمترین ابزار جریان موربانه‌وار نفوذ، «تحریف اصول امام خمینی» برای ضربه زدن به سیرت انقلاب است. مثلاً بر خلاف اصول محکم امام (ع)، تلاش کنند تا چهره هیولایی استکبار را بزرگ کنند و بگویند که امریکا دیگر شیطان بزرگ، دشمن فریبکار، فاسد، جنگ افروز، خشن، فقر آفرین و غیرقابل اعتماد نیست، بلکه می‌خواهند «این جور وانمود بکنند که امریکایی‌ها اگر هم یک روزی دشمن بودند، امروز دیگر دشمنی نمی‌کنند. ۹۴/۸/۱۲» جریان نفوذ از هر فرصتی برای تحریف و بزرگ استفاده می‌کند؛ حتی «این جور وانمود میکنند که کآنه این دستاوردهایی که حالا مثلاً پیدا شد، امریکا یک لطفی کرد به ما که این تحریم‌ها را مثلاً برداشت؛ این جور نیست. یک عده‌ای از این فرصت می‌خواهند استفاده کنند، باز چهره‌ی منحوس استکبار را بزرگ کنند. ۹۴/۱۰/۳۰»

● پیش‌فهم‌یون اوست

باید بدانیم که اگر بزرگ کنندگان موفق نشوند تا افکار عمومی را نسبت به سلطه و امریکا منحرف کنند. اگر اصل «استقلال» و «استکبارستیزی» را تحریف کنند آنگاه «از دشمنی او غفلت» می‌شود و امریکا می‌تواند «خنجر را از پشت فرو کند. ۹۴/۱۰/۳۰» حتی «مقایسه موقعیت جمهوری اسلامی با برخی کشورهای منطقه که در ۴ دهه اخیر زیر سایه امریکاز زندگی کرده‌اند نشان می‌دهد که تسلیم، چه نتایجی دارد و ایستادگی به چه خیرات و پیشرفت‌هایی منجر می‌شود. ۹۴/۷/۲۰» از سویی روایت واقعی ماجرای پیشرفت ایران و عقب‌نشینی امریکادر نقطه مقابل این تحریف قرار دارد. پاسخ رهبر انقلاب به نامه رئیس‌جمهور درباره سرانجام مذاکرات هسته‌ای تأکیدی بر موفقیت اصول امام است که «همین اندازه دستاورد نیز در برابر جبهه‌ی استکبار، بر اثر مقاومت و ایستادگی به دست آمده است. این را باید همه‌ی ما درسی بزرگ برای همه‌ی قضایا و حوادث در جمهوری اسلامی بدانیم.» ملت می‌داند که دستیابی به همه هدفهای بلندش در گروی آن است که «اصول امام را درست بشناسد، نگذارد دشخصیت امام را تحریف کنند، که تحریف شخصیت امام، تحریف راه امام و منحرف کردن مسیر صراط مستقیم ملت ایران است. اگر راه امام را گم کنیم یا فراموش کنیم یا خدای نکرده عمداً به کنار بگذاریم، ملت ایران سیلی خواهد خورد. ۹۴/۳/۱۴» و در این انتخابات نیز که دشمن به تحریف اصول امام (ع)، چشم طمع دوخته است «ملت ایران بایستی علی‌رغم دشمنان، حرکت خود را... درست ضد خواست دشمن انجام بدهد و به دهان دشمن بکوبد. ۹۴/۱۰/۱۴»

انقلاب اسلامی ۳۷ ساله شد؛ انقلابی که «زلزله‌ای در دنیا ایجاد و یک منظومه‌ی فکری نو را به دنیا عرضه کرد ۹۴/۶/۱۲» این حرف نو و الگوی بی‌بدیل، آنچنان در حال پیشرفت است که امروز «همه‌ی مراکز فکر و اندیشه‌ی سیاسی در دنیای استکبار آبه دنبال این هستند... بتوانند این درخت تناور را که یک روزی یک نهال باریکی بود و نتوانستند آن را از بین ببرند و حالا درخت تناوری شده، ریشه کن کنند، سرنگون کنند. ۹۴/۱۰/۱۹» البته باید هم احساس خطر کنند، بترسند و توطئه کنند، چون امروز دیگر «فکر اسلامی از محدوده‌ی نظام جمهوری اسلامی خارج شده... مثل هوای خوش، مثل باد لطیف، مثل بوی گل... و یک جاهایی انسانهای قوی و کارآزموده‌ای را پرورش داده و تربیت کرده. ۹۴/۱۰/۱۹» است. اما توطئه علیه انقلاب اسلامی، پدیده جدیدی نیست «جنگ تحمیلی... جنگهای قومیتها... محاصره‌ی اقتصادی... تحریمهای شدیدی که در این سالهای اخیر برقرار کردند... تشکیل گروه‌های تکفیری در شرق و در غرب کشور ما همه برای همین است که این انقلاب را از بین ببرند ۹۴/۱۰/۱۹» همه اینها نشان می‌دهد که روشهای دشمنی و توطئه متنوع بوده و دشمن در هر مرحله با نقشه جدیدی به مصاف حرکت عظیم و فراگیر انقلاب اسلامی آمده است.



هدف و نقشه دشمن چیست؟

میافتد. ۸۹/۳/۱۴» اگر چه «میخواهند بعضی‌ها مانها را کنار بگذارند اما صریح نمی‌گویند، به جای اینکه بگویند عمل میکنند. ۹۴/۴/۲۰» و عمل آن‌ها خلاصه می‌شود در تحریف اصول و مکتب امام (ع). در این نقشه، با امام خمینی و نهضت او مخالفت نمی‌شود، بلکه حتی ممکن است در ظاهر احترام امام (ع) را نگهدارند اما به دنبال تحریف ارکان اصلی شخصیت او هستند تا آن ارکان اصلی «یا مجهول بماند، یا غلط معنا شود، یا به صورت انحرافی وسطی معنا شود. ۹۴/۳/۱۴»

● نقطه اساسی نزاع انقلاب و ضد انقلاب

اکنون در ۳۷ سالگی انقلاب اسلامی، به نظر می‌رسد، نقطه اساسی درگیری جبهه انقلاب با جبهه فعال و

هدف و نقشه شماره یک دشمن «سقوط نظام جمهوری اسلامی بود. هدف اول، براندازی بود. ۸۹/۱۱/۱۵» اما بر اثر شکستهای مکرر نقشه براندازی، نقشه دوم اینگونه طراحی شد که «انقلاب را استحاله کنند؛ یعنی صورت انقلاب باقی بماند، اما باطن انقلاب، سیرت انقلاب، روح انقلاب از بین برود. ۸۹/۱۱/۱۵» امروز این جریان بنا نیست مانند سابق حرف از براندازی بزند. «کسانی که در پی تغییر هویت انقلاب بر می‌آیند، معمولاً با پرچم رسمی و با تابلو جلو نمی‌آیند... حتی گاهی به عنوان طرفداری از حرکت انقلاب، یک اقدامی میکنند... زاویه ایجاد میکنند؛ انقلاب از جهتگیری خود بکلی دور

شماره

۱۹

روایتی متفاوت از دوران سلطنت پهلوی هامبتنی بر بیانات رهبر معظم انقلاب؛

از قاجار بدتر...



ارتش متفقین که خاک ایران را اشغال کردند و رضاخان و ارتش پرمدعایش، «خانمان» و مملکت را به قیمت حفظ تاج و تخت در «خاندان»، تقدیم بیگانه کردند، محمدرضا پهلوی نه با همه پرسی، رای یا تصمیم ایرانیان که با اراده خود خواه روز ولت و چرچیل، «شاه شاهان» و کوروش قرن بیستم شد. آن هم با چنان وضعیتیتی که «بعد از آنکه در سال ۱۳۲۰ رضا خان را بردند، پسر او محمدرضا تا چند روز نمی دانست که آیا پادشاه خواهد بود یا نه! کسی را به سفارت انگلیس فرستاد، آن ها گفتند که بله، عیبی ندارد، پادشاه باشد، به شرطی که فلان کار را نکنند و فلان کار را نکنند! خوشحال شد. ۷۷/۲/۲»

دوران جوانی و نوجوانی های ما این جزو چیزهای رائج بود. ۹۰/۷/۲۶» انقلاب اسلامی با نیروی خدایی خود برای برهم زدن چشم های خوابیده و قلب های فرو بسته آمده و با انقلاب اسلامی «ورق برگردانده شده است». اما هنوز از بین رفتن آن سرنوشت شوم و جایگزین شدن زندگی سعادت مند، در گیر تلاقی شاهی ها و امامی ها است.

● انقلاب همچنان در گیر شاهی ها و نوکر مآب ها

شاهی ها همچنان می گویند ایرانی ناتوان است و چشم خوابانده اند که «دیگری» بیاورد و آن ها را از دروازه های تمدن عبور دهد. آن ها هنوز ایران رویایی شان، ایران بیگانه ساخته است و بیگانه هم «مثل اربابی که خانه ی نوکرش را منطبق با سبک آرایش خانه ی خودش بپاراید! راحت نوکر را که در نظر نمی گیرد؛ راحت خودش را آن جا در نظر می گیرد. این یک امر بدیهی و طبیعی است.» ۷۲/۷/۱۲ اما امامی ها چشم هایشان به «نقاط امیدبخش حقیقی ۹۳/۱۰/۱۷» است. بیگانه هنوز بیگانه است و حتی حالا «دشمنی» هم می کند و «علاج مقابله ی با دشمنی فقط یک چیز است و آن، تکیه ی به اقتدار ملی و به توان داخلی ملی و مستحکم کردن هر چه بیشتر ساخت درونی کشور است. ۹۲/۱۱/۲۸» این سیره، سیره صدق امام ما و آموزه بزرگ او است و با همین سیره «جوان دانشمند مسلمان در جمهوری اسلامی خودش را قادر بر هر کاری می داند؛ این در اول انقلاب این جور نبود. تربیت های قبلی درست عکس این بود... «ما می توانیم» امروز، آن روز «ما نمی توانیم» بود. این، آن تربیت اخلاقی و تاریخی بازمانده ی از دوران گذشته است. ۸۷/۰۲/۱۴»



نمره حکومت های محمدرضاشاهی فقط در تمنا کردن از بیگانه نبود، حتی فقط در اجازه خواهی برای انتصاب نخست وزیر و نماینده مجلس هم نبود، نمره همیش آن بود که شاهنشاه «در مقابل مردم خود مثل سگ درنده و گرگ خونخوار، اما در مقابل دشمنان مثل بره ی رام ۸۸/۲/۲۲» می شد. حتی از این بدتر هم وجود داشت...

سنن خود، به زبان خود، به الفبای خود، به تاریخ خود، به مفاخر خود و به بزرگان خود- به چشم حقارت نگاه کند، آن ها را کوچک بشمارد و احساس کند از خودش چیزی ندارد، این ملت به راحتی در چنبره ی سلطه ی بیگانگان قرار می گیرد... ۸۸/۲/۲۲»

● از قاجار بدتر

این شد که خاندان پهلوی حتی از سلاطین قاجار هم بدتر شدند: «ناصرالدین شاه می خواست پادشاهی کند، سلطنت کند، لذت ببرد. کاری نداشت که بر سر ملت چه می آید و چه نمی آید. ضعیف بود. بی اعتنا بود که البته، این از بزرگترین گناهان برای یک رهبر و مسؤول یک کشور است اما خاندان پهلوی کاری کردند که به مراتب از آنچه که در دوران قاجار وجود داشت، بدتر بود. زیرا اینها پایه های فرهنگ خودی را متزلزل و آن را ویران کردند و فرهنگ وارداتی را جایگزین نمودند. ۷۲/۵/۸»

● واردات فرهنگ و عزت و شرفا

شاه نیازمند، ملتش را هم نیازمند می خواست. می خواست همان اندازه که خودش وارداتی بود و هدیه منحوس بیگانگان به ملت، عظمت و تمدن را هم به کشورش «وارد» کند؛ شرف را هم، عزت را هم و فرهنگ را هم. اما چنین منطقی اشتباهی، و دل بستن به «نقطه های خیالی» معلوم بود که نه شاه را باقی ننگ می دارد و نه کشورش را نجات می دهد. سرنگون شد و تنها پناهی که به او دادند این بود که با ثروت های مردمش (۷۳/۸/۱۱) برای ولخرجی و سرمایه گذاری در دنیا را بگردد. شاهنشاه، «خانه اش را برای همیشه ترک کرده ولی بیگانه هنوز دل بسته نیاز خواهان است. شاه وابسته رفته اما «روحیه نوکر مآبی» هنوز جان خیلی ها را رها نکرده است. هنوز انقلاب عزت، انقلاب امام عزت و انقلاب مردم عزت مند، روحیاتشان را دگرگون نکرده. «در طول ده ها سال تبلیغات شده بود که ایرانی ناکارآمد است؛ باید از دیگران بیاموزد، باید از دیگران تقلید کند، باید به دامن دیگران متوسل و متشبث شود. در

● وابستگی، بیماری مضاعف دیکتاتوری جدید

بعد از همه مصائبی که قاجار تا دوره ناصری بر ملت ایران وارد کرده بود مصیبت تازه ای بر مصائب ایران اضافه شد: «پادشاهان قدیم اگر دیکتاتور بودند، وابسته و گوش به فرمان قدرت های بیگانه نبودند؛ اما از اواخر دوران قاجار و همه دوران پهلوی، پادشاهان، هم دیکتاتور بودند و هم وابسته! این شد بیماری مضاعف نظام سیاسی حاکم بر ایران در دوران گذشته. این دیکتاتوری و وابستگی آثار و تبعات زیادی در کشور ما و روی ملت ما داشته است. ۸۲/۱۱/۲۴» دانستن تفاوت حکومت مردم و «فراندوم»، با حکومت های رضاخانی و محمدرضاشاهی، بهترین تبیین برای دلایل این سرنوشت غم انگیز است. حکومت محمدرضاشاهی «حکومت مطلقه ای» است که «هیچ تعهدی در مقابل مردم ندارد. ۷۷/۱۱/۱۳» و میراثخوار «دیکتاتوری رضاخانی... که از استبدادهای قاجار، بدتر و شقاوت آمیزتر و قساوت آمیزتر بود. ۸۱/۳/۱۴» البته «برای خارجی ها «فداکاری» نمی کردند»، اما ضرورتا «برای حفظ حکومت خودشان، صدرصد به بیگانگان میدان می دادند و به آنها تکیه می کردند و دست آنها را در تطاول به این کشور و این ملت باز می گذاشتند. ۷۷/۱۱/۱۳»

● گرگ خونخوار در برابر مردم، بره رام در برابر دشمنان

نمره حکومت های محمدرضاشاهی فقط در تمنا کردن از بیگانه نبود، حتی فقط در اجازه خواهی برای انتصاب نخست وزیر و نماینده مجلس هم نبود، نمره مهمش آن بود که شاهنشاه «در مقابل مردم خود مثل سگ درنده و گرگ خونخوار، اما در مقابل دشمنان مثل بره ی رام ۸۸/۲/۲۲» می شد. حتی از این بدتر هم وجود داشت: «وقتی یک چنین روحیه ای در میان مردمی حاکم شد، دستگاه سیاسی آن کشور و آن ملت هم به طور طبیعی نوکر مآب می شود» و «اگر یک ملتی احساس عزت نکند، یعنی به داشته های خود- به آداب خود، به



حضور آیت... خامنه‌ای در راهپیمایی علیه رژیم پهلوی در مشهد

در زندگی و در حکومت مطلقه‌ی ناپلئون، یک ذره وجود ندارد! ۷۷/۱۲/۱۵» انقلاب فرانسه که نقطه برجسته‌ای از تاریخ غرب جدید است و غرب به آن می‌بالد؛ به دلیل دور شدن انقلابیون از دو مولفه‌ی سازنده انقلاب چنین وضعی را در همان بیست سال اول عمرش تجربه می‌کند.

● **کلیشه‌ی غرب و شرق**

اما حدود دویست سال بعد و در سال ۱۳۵۷ ه.ش مصادف با ۱۹۷۹ م مردم تحت لوای دین اسلام، به نام و برای «خدا» انقلابی را به وجود آوردند. این انقلاب از زمان تاسیس نظامش تا امروز ۳۷ بهار را گذرانده است. یعنی ۱۷ سال بیشتر از آن زمانی که انقلاب فرانسه با همه تأثیرش بر اروپا عمر کرد. انقلاب اسلامی در بدو امر و ظهورش توانست ساختارهای فکری و ذهنی ایجاد شده در عالم را برهم بزند و کلیشه‌های غالب بر جوامع غرب و شرق را بشکند. اولین کلیشه‌ای که این انقلاب شکست این بود که برخلاف تبلیغ‌های این دو بلوک که از مرگ خدا در جوامع سخن می‌گفتند؛ نشان داد "دین" توانایی ایجاد حرکت اجتماعی را دارد. دومین کلیشه مهمی را که انقلاب شکست این بود که انقلاب دینی می‌تواند ساختار و نظام به وجود آورد. قانون اساسی را انقلابیون در مجلس خبرگان نوشتند و مهر ابطال بر آن حرف‌ها زدند. با شکل‌گیری جمهوری اسلامی حرف دشمنان تغییر کرد. آن‌ها این بار می‌گفتند، این نظامی که انقلاب به وجود آورده است، زود از بین می‌رود و توانایی حفظ خود را در مقابل تهدیداتش ندارد. تجزیه‌طلبی به راه انداختند، مردم را ترور کردند، جنگ به راه انداختند اما انقلاب ماند و روبه‌جلو رفت.

آیا انقلاب اسلامی ایران همچنان پیشرو است؟

برای «خدا»

اگر کسی فکر کند که انقلاب اسلامی ایران در ۲۲ بهمن ۵۷ تمام شد یا گمان کند انقلاب فرانسه با فتح قلعه باستیل در سال ۱۷۸۹ م کارش به پایان رسید؛ ماهیت انقلاب را نشناخته است. در واقع انقلاب حادثه دفعی نیست که جرقه‌ای بزند و پایان یابد. «انقلاب [یک موجود] زنده است... [که] بتدریج انجام می‌گیرد. ۹۴/۱۱/۱۹» این تدریج در حرکت انقلابی را می‌توان در سه مرحله بررسی کرد و آن وقت دید که آیا آن انقلاب افول کرده یا روبه‌جلو پیش می‌رود؟

محکومیت به اعدام درباره‌ی آنان برود. ۹۲/۶/۱۴» این انقلاب در همان مراحل اول حرکتش سرکوب و «در نطفه خفه شد.» یا مثلاً انقلاب بزرگ و مهم دیگری که در غرب منشا تحولات بسیار شد؛ انقلاب فرانسه در اواخر قرن ۱۸ م بود. "انقلاب در فرانسه جنگی ایدئولوژیک و تازه میان مردم و پادشاهان برای خاتمه به عمر نهادهای کهن و تحقق رویای نو در اروپا بود. انقلاب فرانسه در واقع انقلاب اروپا بود." این انقلاب در ابتدای امر توانست ساختار پادشاهی حکومت فرانسه را برهم بزند و جمهوری را به جای آن بنشانند. اما «بیست سال بعد از انقلاب کبیر فرانسه... چیزی که از فرانسه‌ی دوران لوئی شانزدهم تغییر پیدا کرده، شخص پادشاه است! در سال ۱۸۰۹ م، پادشاهی به نام ناپلئون بر سر کار است؛ یک امپراطور، تاجگذاری کرده و به معنای واقعی کلمه، پادشاهی میکند! آرای مردم و آزادی به آن معنایی که انقلاب کبیر فرانسه برایش تلاش کرد؛

در مرحله اول، انقلاب ساختار و کلیشه قبلی را برهم می‌زند. بعد برای رسیدن به اهدافش «نظام انقلابی» تشکیل می‌دهد و در مرحله سوم و مبتنی بر آن نظام، شروع به دولت‌سازی و اصلاح ساختار می‌کند. انقلاب‌ها اما برای حیاتشان باید تلاش کنند تا دو عنصر را در خود زنده نگه دارند. عنصر اول آرمان‌ها و اصول انقلاب و عنصر دوم کارآمدی و پاسخ به مسائل و مشکلات جامعه است. انقلاب اگر نتواند آرمان‌هایش را حفظ و کارآمدیش را ایجاد کند؛ افول می‌کند و از بین می‌رود. مثل انقلاب‌های منطقه که بهترین مثال آن مصر بود. انقلابیون مصر «پران را نشناختند... برای اینکه دل مستکبرین را به دست بیاورند از اصول خودشان گذشتند و شعارهای اساسی خودشان را فراموش کردند، ملاحظه می‌کنید که به چه روزی افتادند؛ دیکتاتور سی‌ساله‌ی ذلیل‌کننده‌ی ملت مصر از زندان آزاد بشود و آن کسانی که با رأی مردم انتخاب شده بودند، احتمال



شماره



● عوامل زنده بودن انقلاب

اگر دو مولفه آرمان و کارآمدی را عوامل زنده بودن انقلاب بدانیم؛ مشاهده می‌کنیم که انقلاب اسلامی ایران در طول حیات خود بعد از نظام‌سازی و ساختاری که ایجاد کرد؛ امروز امنیت و ثبات سیاسی را هم در این منطقه پر از آتش و تنش برقرار کرده است. در علم که یکی از پایه‌های مهم پیشرفت است؛ به چنان حدی می‌رسد که حتی «مرکز تحقیقاتی رژیم صهیونیستی از پیشرفت علمی ایران ابراز نگرانی میکند. ۹۴/۸/۲۰». در حوزه فرهنگ علی‌رغم تمام تلاش‌هایی که دشمنان انقلاب انجام داده‌اند تا آرمان و فرهنگ انقلابی از بین برود، اما تمرکز امروز آن‌ها بر روی این موضوع نشان می‌دهد که فرهنگ انقلابی همچنان زنده و موثر است. وزیر خارجه سعودی حدود سسی روز پیش در نیویورک تایمز به صراحت می‌نویسد که «جهان امیدوار است که ایران از یک کشور سرکش انقلابی به یک عضو محترم جامعه جهانی تغییر کند.» یا او با ما در نطق سلازمان مللش به ایرانی‌ها می‌گوید که «شعار مرگ بر آمریکا» را باید کنار بگذارد. حرفی که چند روز بعدش کری هم تکرار می‌کند و بعد از او هم مرکل می‌گوید که «ایران، تغییری در مواضع و لحن خود در قبال اسرائیل نداده و این امید کننده است.» همین بیان دشمن دلیلی است بر اینکه آرمان‌ها و اهداف انقلاب زنده و برای آن‌ها زار دهنده است.

● انقلاب امروز و روزگار فوق‌العاده حساس

اما بعد از آنکه انقلاب اسلامی ایران ثابت کرد که می‌ماند و ثبات دارد؛ امروز باید کلیشه و ساختار دیگری را هم برهم بزند. کارآمدی و حل مسئله اقتصادی چهارمین کلیشه مهمی است که انقلاب اسلامی باید به آن پاسخ دهد و ساختار وابسته و تک محصولی اقتصادی ایران را کنار گذارد. به همین دلیل امروز حل مسائل اقتصادی و «مقاوم‌سازی کشور در قلمرو اقتصاد ۹۴/۱۱/۱۹» که «یکی از مهمترین مسائل کشور است» در صدر اولویت‌ها و دستور کار انقلاب اسلامی است. از سویی دیگر، امروز دشمنان هم به آرمان‌ها و هم به اقتصاد حمله می‌کنند تا بین مردم و انقلاب فاصله بیندازند و «دوقطبی خطرناک بین مردم و نظام به وجود بیاورد. ۹۴/۱۱/۱۹» تا از طریق آن انقلاب را شکست دهند. انقلابی که توانسته با عبور از موانعش پیش برود اما «یک دستگاه پیگیر و یک جبهه‌ی فراگیر علیه انقلاب اسلامی مشغول کارند؛ پول به بازار می‌آورد، سلاح به بازار می‌آورد... دائم دارند کار میکنند؛ علت هم این است که احساس خطر میکنند چون فکر اسلامی از محدوده‌ی نظام جمهوری اسلامی خارج شده. خودش خارج شده... تفکر انقلابی، تفکر اسلامی ناب، تفکر اسلامی که دارای حاکمیت است.» «روزگار، روزگار فوق‌العاده حساسی است. ۹۴/۱۰/۱۴» باید هوشیار و آماده بود. ●

خطر گریز از اولویت‌ها



گرایه‌های اقتصادی و توصیه‌های رهبر انقلاب اسلامی در دیدار فرماندهان و کارکنان نیروی هوایی و پدافند هوایی ارتش، گویای این است که سرریال غفلت از مسأله اصلی هنوز ادامه دارد. اگر دیروز و در برهه مذاکرات، امید برخی به جای «نقطه‌های امیدبخش حقیقی»، به «نقطه‌های خیالی» ۹۳/۱۰/۱۷ بود، امروز نیز توجه به مسائل مقطعی نظیر انتخابات جایگزین مسائل اساسی شده است «که یکی از این مسائل، مسئله‌ی اقتصاد کشور است» ۹۴/۱۱/۱۹. اما چرا اینگونه شده است؟

● ۱. از آغاز دور جدید مذاکرات هسته‌ای که به برجام منتهی شد، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای ضمن اعلام عدم مخالفت خود با مذاکرات و حمایت‌های متعدد از تیم هسته‌ای کشور، بارها گوشزد کردند: «علاج مشکلات کشور پیمودن راه اقتصاد مقاومتی است؛ یعنی تکیه به درون» ۹۲/۱۱/۲۸. البته این توصیه «معنایش این نیست که از امکاناتی که در بیرون هست استفاده نکنیم؛ این دو حرف با هم اشتباه نشود. امیدمان را به بیرون از ظرفیت داخلی کشور ندوزیم» ۹۲/۶/۶. اما از همان ابتدای مذاکرات برخی در داخل و خارج کشور در تبلیغات و تریبون‌های خود تصویری از مذاکرات، بازنمایی کردند که گویی مشکلات اساسی کشور قرار است از این طریق حل شود. با این نگاه، مذاکرات هسته‌ای به جای مسأله اقتصاد در اولویت قرار گرفت. در این فضا بود که رهبر انقلاب گفتند: «تا هروقت می‌خواهند مذاکره کنند! من معتقدم باید دل را به نقطه‌های امیدبخش حقیقی سپرد، نه به نقطه‌های خیالی» ۹۳/۱۰/۱۷ اما با اجرایی شدن برجام انتظار می‌رفت همه نگاه‌ها و ظرفیت‌های کشور به سمت اجرایی شدن اقتصاد مقاومتی متمرکز شود. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در اولین دیدار خود با هیأت دولت در شهریور ۹۲ گفتند که «باید نگاه کنید ببینید اولویت‌ها چیست... نمی‌شود یک اموری را معطل گذاشت تا یک کار دیگر تمام بشود، لکن آنچه نگاه اصلی را به خودش متوجه میکند، آن را باید پیدا کرد.» اما این توصیه رهبری انقلاب مبنی بر اینکه «مسائل تبلیغاتی و روزنامه‌ای انتخابات، مسئولین کشور راز مسائل مستمر و دنباله‌دار و اساسی غافل نکند» ۹۴/۱۱/۱۹ ناظر بر این آسیب است که هنوز اقتصاد تبدیل به اولویت کشور نشده است. موکول شدن تحقق سیاست‌های اقتصادی و معیشتی به نتیجه مسائلی نظیر مذاکرات و انتخابات، ثمره‌ای جز به تعویق افتادن رسیدگی به اقتصاد کشور و کاهش کارآمدی نخواهد داشت. تجربه نشان داده که اگر ضعف‌های اقتصادی را بر طرف نکنیم، دشمنان ملت ایران باز هم در برابر این پاشنه خواهند چرخاند.

● ۲. مشکل دیگری که در این زمینه وجود دارد، تعریف‌ها و تلقی‌های نادرست از اقتصاد مقاومتی است. امروز با نگاهی به اخبار و تحلیل‌های اقتصادی، موجی مشتاق را می‌بینیم که به دنبال روابط و قراردادهای متنوع اقتصادی و تجاری با کشورهای دیگر بوده و این طور وانمود می‌کنند که با این قراردادهای می‌توان رونق اقتصادی را به وجود آورد. صرف نظر از

ماهیت و محتوای این روابط اقتصادی و تجاری که تاجرانداز به نفع کشور و در چارچوب سیاست‌های اقتصاد مقاومتی می‌باشد، این نکته قابل تأمل است که آیا اقتصاد مقاومتی تنها برون‌گرایی را تجویز کرده است؟ البته استفاده از ظرفیت‌های بیرونی در جای خود بسیار پسندیده است اما آیا تعاملات خارجی ستون فقرات اقتصاد مقاومتی است یا اینکه «ستون فقرات اقتصاد مقاومتی تولید داخلی است» ۹۴/۲/۱۰ سیاست‌های اقتصاد مقاومتی متکی بر پنج عامل دانش و فناوری، عدالت‌بنیانی، درون‌زایی، برون‌گرایی و پویایی است. اینکه چرا پس از اجرایی شدن برجام تنها بر طبل قراردادها و آمد و شده‌های اقتصادی کوبیده می‌شود، جای تعجب دارد. تعجب از این جهت که با توجه به تجارب گذشته، آیا مجدداً به بیرون دل بسته‌ایم؟ «وقتی که به امید قدرتهای خارجی نشستید تا آنها بیایند اقتصاد شما را رونق بدهند و با زیر بار آنها رفتن، اقتصاد را رونق بدهید، آنها به حد کم قانع نیستند. وقتی که شما نگاه میکنید به بیرون، مواجه میشوید با یک مسئله‌ای مثل کاهش قیمت نفت؛ ناگهان قدرتهای مستکبر با همراهی ایدای منطقه‌ای خودشان متأسفانه به این نتیجه میرسند که قیمت نفت را به نصف و گاهی کمتر از نصف برسانند؛ شما مواجه میشوید با یک چنین مشکلی» ۹۴/۱/۱. در حالی که برای مقاوم‌سازی اقتصادی کشور باید «منابع را به سمت آنجایی هدایت کنید که باید هدایت کرد؛ یعنی به سمت تولید؛ چه تولید کشاورزی، چه تولید صنعتی... بپردازند منابع کشور را به سمت تولید، نه به سمت وابستگی بیشتر، نه به سمت واردات» ۹۴/۱۱/۱۹. برخی نیز برای تحقق اقتصاد مقاومتی می‌گویند اگر تعاملات خود را با دنیا افزایش دهیم، ریسک تحریم را برای کشورهای دیگر بسالایم بریم. اگر چه این موضوع، قابل بحث و تأمل است، اما آیا دشمنی نظام سلطه و آمریکا نسبت به ملت ایران با درهم تنیدگی اقتصادی حل و فصل می‌شود؟ آیا با گسترش روابط تجاری، آمریکا در موضوعاتی مانند ماهیت انقلاب اسلامی، فلسطین، بیداری اسلامی، اهداف منطقه‌ای و... با ما هم‌نظر می‌شود و یا کوتاه می‌آید؟ خیر؛ اینگونه نیست. «وقتی شما اقتصاد خودتان را در درون مقاوم کردید، دیگران به جای اینکه شما را تحریم کنند، می‌آیند منت شما را میکشند؛ وقتی دیدند شما از فشار اقتصادی، از تحریم اقتصادی خم به ابرو نمی‌آورد، عقب‌نشینی نمی‌کنید، مجبور به قبول شکست نمی‌شوید، آن وقت دیگر غلط میکنند تحریم کنند؛ می‌فهمند که کار بی‌فایده‌ای است» ۹۴/۱۱/۱۹.

● ختام

باید از یک جا شروع کرد و قطار اقتصاد مقاومتی را به حرکت درآورد. اگر نگاه و رفتار مساجدهای و انقلابی نباشد این سیاست‌ها همچنان در ایستگاه اول خواهد ماند. «دشمن در موارد زیادی از ضعف‌های ما استفاده میکند» ۹۴/۸/۱۲ و «ضعف در اجرا» یکی از این موارد است. به جای جابه‌جایی اولویت‌ها برای اجرای سیاست‌های اقتصاد مقاومتی کمر همت ببندیم که مسائل گذرا نباید «همه‌ی حواس‌ها را پرت کند» ۹۴/۱۱/۱۹. ●



میکنند» و می‌گویند «تا وقتی ایران دنبال انقلاب است، کار ما با ایران مشکل است. ۹۴/۷/۲۲»

● آرمان ما و نقشه نفوذ

پس آرمان، حضور حداکثری مردم در انتخابات برای تشکیل مجلسی انقلابی است. نقطه مقابل مجلس انقلابی نیز که مطلوب دشمن و در نقشه نفوذ اوست، مجلسی است که حرف دشمن را تکرار کند؛ مثلاً «در مجلس اول عده‌ای پیدا شدند که با اسم اسلامی برای مجلس مخالفت کردند... خوب، این نماینده‌ی ملت ایران نیست. ملت ایران برای اسلام این فداکارها را کرده است... یا یک کسانی در یک مجلس دیگری پیدا شدند، تصمیم گرفتند بر طبق خواسته‌ی مخالفین که میگفتند بساط انرژی هسته‌ای را جمع کنید، در کشور قانون بگذارند که دولت را الزام کنند که دنبال انرژی هسته‌ای نرود! ۸۶/۱۲/۲۲» چنین مجلسی نه تنها مشکلات را حل نخواهد کرد بلکه مانند داستان «همسایه جنوبی» کشور را تقدیم به دشمن خواهد کرد. برای اینکه مجلسی انقلابی تشکیل شود؛ لازمست «انتخاب درست» از طرف مردم انجام شود و نماینده‌ای انتخاب شود که «خودش را سپر بالای مشکلات کشور قرار بدهد ۹۴/۱۰/۳۰» و «همان جوری که مردم شعار میدهند، داخل مجلس شعار بدهند و موضع‌گیری نکنند ۹۴/۱۰/۱۹» به همین دلیل در انتخاب نماینده «مسئله‌ی شاخصه‌های انقلابیگری خیلی مهم ۹۴/۱۰/۱۹» می‌شود. شاخص‌هایی که «کاملاً روشن، واضح و مبتنی بر بیانات امام بزرگوار هستند. ۹۴/۱۱/۱۴»

● سه نکته

به نظر می‌رسد سه نکته شرایط انتخاب را خطیر کرده است. اول اینکه مردم بتوانند از همه حق خود در انتخابات استفاده کنند. «مثلاً در تهران که ماسی نفر را باید انتخاب کنیم، اگر بیست و نه نفر را انتخاب کردیم، در واقع از یک‌سوی ام‌از حق خودمان بهره نبرده‌ایم ۸۶/۱۲/۲۴» زیرا «ای بسا شما اسم کسی را که به نظر تان صالح است ننویسید و آن فرد صالح، از انتخاب شدن، محروم شود. ۷۱/۲/۱۷» دوم اینکه فردی را انتخاب کنند که «متدین، امین، طرفدار عدالت، مخالف با فساد، طرفدار حقوق محرومین،

کدام مجلس تامین کننده اهداف و آرمانهای ملت انقلابی ایران است؟

مجلس انقلابی یا مجلس مرعوب

«آن چند سال اولیه از تشکیل مجلس بعد از مشروطه [تا وقتی که هنوز مجلس تحت نفوذ سلطان و سفارتخانه خارجی نبود، مجلسی بود که با وجود ابتدایی بودن، تأثیر خود را در اوضاع کشور می‌گذاشت. هر جا که اندکی نشانه سلطه خارجی بود، آن مجلس، با قدرت تمام می‌ایستاد. اولتیماتوم روس، استقراض از خارجی‌ها، قرار داد و توثق الدوله مجلس ایستاد. امثال مدرس‌ها در آن مجلس، کم و بیش بودند... بعد از آن که نفوذ سیاست‌های خارجی در همان مجلس پیدا شد، کار به آن جا رسید که نخست‌وزیر وقتی مجلس یکی دو نفر از وزرایش را رد نمود، به مجلس گفت: «همسایه جنوبی ما [یعنی انگلیس] ما بلند این دو نفر در کابینه باشند» و مجلس رأی داد... انگلیس، غاصب هند و بحرین را «همسایه جنوبی» می‌نامیدند... همان مجلسی که قبلاً در مقابل اولتیماتوم روس و قرار داد و توثق الدوله و بقیه قضایا ایستادگی کرده بود، کارش به این جا رسید! ۷۳/۳/۱۱»

میدهد... و در جو جهانی، حقیقتاً مایه‌ی اعتبار و آبرو است» و «هر چه جمعیت بیشتر در انتخابات شرکت کند، استحکام نظام و اعتبار کشور بالاتر خواهد رفت. ۹۴/۱۰/۱۴» در همین چارچوب است که رهبر انقلاب همیشه بر حضور حداکثری مردم در انتخابات اصرار کرده‌اند. جدا از حضور همه مردم که موجب افزایش امنیت و هویت کشور اسلامی می‌شود؛ هدف از رفتن به پای صندوق‌های رأی هم باید «این باشد که مجلسی تشکیل بشود پایبند به مبانی انقلاب و ارزشهای انقلاب. ۸۶/۱۲/۲۲» مجلسی که «به دنبال رفاه مردم، عدالت اجتماعی، گشایش اقتصادی، پیشرفت علم و فناوری و استقلال و عزت ملی باشد. ۹۴/۱۱/۲۸» بالعکس آن، «اگر مجلس مرعوب غرب و آمریکا، و به دنبال حاکمیت جریان اشرافی‌گری باشد، ریل‌گذاری او در این جهت خواهد بود و کشور را به مسیر بدبختی هدایت خواهد کرد. ۹۴/۱۰/۲۸» زیرا «با این روحیه‌ی تدین و انقلابیگری است که میشود این راه را پیش رفت؛ سنگلاخ هم باشد، میشود پیش رفت... ۹۳/۲/۱۷» و همین پیشرفت و عزت روزافزون کشور بوده که «دشمنان ما را عصبانی

● هشدار برای مجلس غرب‌گرایان اشرافی

از داستان «همسایه جنوبی» سال‌ها گذشته است و امروز در پناه انقلاب اسلامی مردم خود انتخاب‌گر سرنوشتشان هستند. اما برنامه‌ی دشمن و در رأس آن آمریکا از همان ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی، «جنگ‌گیری از برگزاری انتخابات در ایران بود که تلاش‌هایی را هم انجام دادند اما چون مایوس شدند، در سال‌های اخیر، تمرکز خود را بر زیرسؤال بردن انتخابات قرار داده و می‌خواهند در انتخابات اعمال نفوذ کنند. ۹۴/۱۱/۲۸» برای رسیدن به این هدف، دو محور را در دستور کار قرار داده‌اند: اول، فرستادن عناصر نفوذی به مجلس، و دوم تخریب نهادهای قانونی و در رأس آن «شورای نگهبان» چرا که نتیجه‌ی تخریب شورای نگهبان، غیرقانونی بودن انتخابات است و «هنگامی که غیرقانونی بودن انتخابات لقاء شود، بنابراین مجلس شورای اسلامی برآمده از این انتخابات و مصوبات آن غیرقانونی خواهد بود. ۹۴/۱۱/۲۸» حدود یک هفته به انتخابات مجلس شورای اسلامی و مجلس خبرگان رهبری باقی مانده است؛ انتخاباتی که «در جو داخلی یک احساس استقلال و هویتی به مردم



شماره



دستور العمل انگلیسی

● خبرگان انقلابی: با تقوا و مقاوم در مقابل دشمن

اما دلیل این تأکیدات و هشدارهای رهبری درباره‌ی انتخابات مجلس خبرگان و ضرورت حضور با بصیرت مردم در این عرصه چیست؟ با نگاهی به بیانات رهبر انقلاب می‌توان پاسخی روشن به این پرسش داد. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای این انتخابات را «مهم‌ترین و حساس‌ترین انتخابات کشور» دانسته‌اند: «اهمیت انتخابات خبرگان - که شاید هیچ کدام از انتخابات‌های کشور به این درجه‌ی از اهمیت و حساسیت نباشد - در این است که با این انتخابات، مردم افراد خیره‌ی مورد اعتماد خودشان را انتخاب می‌کنند تا اینها آماده‌ی به کار باشند برای لحظه‌ی حساس فقدان رهبری در کشور. ۸۵/۸/۲ رهبری «کلیددار حرکت انقلاب» است: «کسی را شما میخواهید برای مجلس خبرگان انتخاب بکنید که در واقع، او رهبر را انتخاب خواهد کرد که کلید حرکت انقلاب در دست او است؛ این خیلی اهمیت دارد. ۹۴/۱۰/۱۹» و همچنین «مجلس خبرگان ابزاری است برای مراقبت کند که شرایط در کسی که علم و عمل و تدبیر و وجود شرایط در او را تشخیص داده است، حفظ شود. ۷۷/۸/۸» بنابراین اگر نمایندگان مجلس خبرگان «مردمی باشند دلبسته‌ی به انقلاب، دلباخته‌ی ملت، آگاه از توطئه‌های دشمن، ایستاده و پایدار در مقابل دشمن یک‌جور عمل میکنند، اگر خدای نکرده این چیزها نباشد، جور دیگری عمل میکنند. ۹۴/۱۱/۲۸» رهبر انقلاب معیارها و شاخص‌های دیگری را نیز برای رأی دادن در انتخابات خبرگان بر شمرده و مردم را به عمل در این عرصه بر اساس «بصیرت» فراخوانده‌اند: «ملت در انتخاب خبرگان، باید با بصیرت عمل کند. چشم‌هایتان را باز کنید، از خدا مدد بخواهید و ببینید که چه کسانی را انتخاب می‌کنید... افراد عالم، انقلابی و کسانی را که تجربه‌ی سالهای گذشته نشان داده است که در خط درست حرکت کرده‌اند و راه درست را شناخته‌اند، انتخاب کنید. این، چیز خیلی مهمی است. ۶۹/۶/۲۱»

● سکینه الهی در دل‌های مؤمنین

و اینگونه است که با انتخاب نمایندگان با تقوا و انقلابی «آمادگی و استقلال فکری» مجلس خبرگان موجب سرازیر شدن «سکینه‌ی الهی» به جامعه می‌شود: «وقتی این مجلس تشکیل میشود و آمادگی خود و استقلال فکری خود و آگاهی خود را نشان میدهد، این موجب سکینه و آرامش در دل‌های مؤمنین میشود؛ در واقع این سکینه‌ی الهی، سرریز میشود از این مجلس به داخل جامعه. ۹۴/۶/۱۲»

● به مردم دستور می‌دهند



بخش فارسی پایگاه سخن پراکنی BBC مطلبی راجع به انتخابات مجلس خبرگان رهبری منتشر کرده و طی آن با درهم آمیختن چند آمار مختلف به ارائه‌ی راهکار به رأی‌دهندگان ایرانی برای رأی دادن به افرادی مشخص و در نتیجه کمک به «حذف» چند نفر دیگر پرداخته است. نویسنده‌ی این تحلیل این بار به دور از زست‌های بی‌طرفی معمول این رسانه به صورتی آشکار و صریح به ارائه‌ی دستور العمل انتخاباتی برای ملت ایران پرداخته و در آخر مطلب خود «توفیق» در دست‌یابی به چنین نتیجه‌ای را غیرممکن ندانسته است! بخش فارسی رسانه رسمی دولت انگلیس که چندماه قبل از فتنه ۸۸ تاسیس شد، امروز و در سال ۹۴ و در آستانه انتخاباتی دیگر به مردم ایران توصیه می‌کند که چه کسی در مجلس برود و چه کسی نرود! اما حضرت آیت‌الله خامنه‌ای روز چهارشنبه با اشاره به سوابق تاریخی دخالت انگلیس و آمریکا در ایران، اهمیت انتخابات مجلس خبرگان را یادآور شده و نسبت به «نفوذ و دخالت بیگانگان» و «علی‌الخصوص شیطنتهای این رسانه در این انتخابات و انکس دادند: «لان دشمن بر روی مجلس خبرگان هم حساس است، رادپوی انگلیسی دارد به مردم ایران، مردم تهران دستور العمل میدهد، به فلانی رأی بدهید به فلانی رأی ندهید، معنایش چیست؟ انگلیسی‌ها دلشان تنگ شده برای دخالت کردن در ایران. یک روزی بود که پادشاه کشور وقتی میخواست تصمیمی بگیرد، یک تصمیم مهمی میخواست بگیرد سفیر انگلیس را صدا می‌کرد از او می‌پرسید؟ این کار را بکنم یا نکنم؟ انگلیسی‌ها اینجور در امور کشور یک روزی دخالت می‌کردند، بعد هم آمریکایی‌ها و یک مدتی هم هر دو امروز این دستها قطع شده است، امروز این دخالت‌ها جلوی پیش گرفته شده است به برکت انقلاب، به برکت بیداری مردم. دلشان تنگ شده است... به مردم دستور می‌دهند به فلانی رأی بدهید به فلانی رأی ندهید. ۹۴/۱۱/۲۸» بر همین اساس رهبری با تأکید بر «حضور آگاهانه‌ی مردم در انتخابات»، آن را عامل ناکامی دشمن معرفی می‌کنند: «اینکه ما عرض می‌کنیم بر روی انتخابات، مردم با بصیرت با آگاهی با دانایی وارد بشوند به خاطر این است که بدانند دشمن چه میخواهد؛ وقتی شما دانستید دشمن چه میخواهد عکس آن عمل خواهید کرد، معلوم است. ۹۴/۱۱/۲۸»

پایبند به مبانی و ارزشهای اسلامی و خط امام ۸۶/۱۲/۲۲ باشد. و سوم اینکه «امریکایی‌ها به این انتخابات چشم طمع دوخته‌اند. ۹۴/۱۰/۱۴» وجود فهرست «با مقاصد فاسد» یکی از چیزهایی است که مردم نسبت به آن باید بسیار هوشیار باشند. اگر «عنصر نفوذی به شکلی وارد مجلس بشود... مثل موربانه از داخل می‌جود و پایه‌ها را سست میکند و فرو میریزد. ۹۴/۱۰/۱۴» باید جلوی این نفوذ را گرفت. به همین دلیل است که «باید تحقیق کرد، باید به آدمهای مطلع، آدمهای خبره، آدمهای مطمئن مراجعه کرد. ۸۶/۱۲/۲۲» تا «به شکل اطمینان بخشی به نتیجه [رسید] ۹۴/۱۰/۱۹»

● این تشخیص آسان نیست

اما این تشخیص به صورت فردی برای همه آسان نیست. «چون یکایک افراد را ممکن است شناسیم» در این شرایط راه اطمینان بخشی که نزد خداوند نیز حجت دارد و رهبر انقلاب آن را برای «انتخاب درست» بیان کرده‌اند، این است که «مردمی که میخواهند رأی بدهند، اعتماد کنند به آن مجموعه‌هایی که واقعاً قابل اعتمادند ۹۴/۱۰/۱۴». «خود بنده هم وقتی این فهرستها را می‌آورند که ببایم رأی بدهم، بعضی از آدمهای این فهرستها را نمی‌شناسم اما اعتماد میکنم به آن کسانی که [اینها را] معرفی کرده‌اند، و نگاه میکنم ببینم آن کسانی که این فهرست را معرفی کرده‌اند چه کسانی هستند؛ اگر دیدم اینها آدمهای متدین و مؤمن و انقلابی‌ای هستند، به حرفشان اعتماد میکنم و به [فهرست] آنها رأی میدهم. ۹۴/۱۰/۱۹» عمل به این نسخه با هر نتیجه‌ای، نزد خداوند مأجور است و «خدای متعال ثواب خواهد داد، ولو اینکه در یک مورد، اشتباه هم اتفاق بیفتد. ۹۴/۱۰/۱۹» مهم اینست که ملت «حرکت خود را درست ضدّ خواست دشمن انجام بدهد و به دهان دشمن بکوبد. ۹۴/۱۰/۱۴» که اگر مجلسی با تفکر انقلابی تشکیل شود «به توفیق الهی پیشرفت ایران، نفوذ روزافزون ایران، هیمنه و تسلط معنوی و روحی ایران در منطقه و فراتر از منطقه، روز به روز ان شاء... بیشتر خواهد شد. ۹۴/۷/۲۲» و درس دیگری برای آن «همسایه جنوبی» خواهد بود. ●



شماره‌های این ماه تقدیم می‌شود به روح پرفتوح

شهید حسین خرازی

من می‌خواهم دل ولایت را راضی کنم

شهید خرازی به رفقاییش گفته بود: «من اهمیت نمی‌دهم درباره‌ی ما چه می‌گویند؛ من می‌خواهم دل ولایت را راضی کنم.» او می‌دانست که آن دل آگاه و بصیر، فقط به ایران، به جماران، به تهران و به مجموعه‌ی یک ملت نمی‌اندیشد؛ به دنیای اسلام می‌اندیشد و در ورای دنیای اسلام، به بشریت. ۸۰/۸/۹



محل شهادت: شلمچه

فرمانده لشکر ۱۴ امام حسین (ع)

تاریخ شهادت: ۸ اسفند ۱۳۶۵



خط خرازی

نشریه خبری-تحلیلی نمازهای جمعه، مساجد و هیات‌های مذهبی

اسفند ماه ۹۴

سرنوشت کشور در دست مردم | ۸۴

شماره ۲۲

خنجر نفوذی‌ها بر پشت دیپلماسی | ۸۵

پیام اعتماد ملت | ۸۶

شماره ۲۳

پیشرفت؛ نسخه حقیقی یا تقلبی | ۸۷

راهیان «نور» | ۸۸

شماره ۲۴

نتیجه تکرار ادبیات سیاسی دشمن،

انحراف است | ۸۹



حضور رهبر انقلاب اسلامی در منطقه عملیاتی فتح المبین در جمع کاروانهای راهیان نور

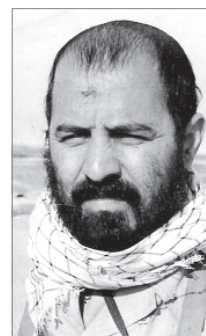
۱۳۸۹/۱/۱۱

«من از این حرکت راهیان نور - که چند سال است بجمدا...
روزبه روز هم در کشور توسعه پیدا کرده - بسیار خرسندم
و این حرکت را حرکت بسیار بابرکتی میدانم. ۸۹/۱/۱۱»
«نکته‌ی اصلی و کلیدی در اردوهای راهیان نور، ایجاد
زمینه برای زیارت با معرفت است. ۹۲/۱۲/۲۶»

شهید محمد حسین کریم پور

بهترین های جوانان

«...حالا که شما جوانان عزیز با من حرف میزدید، بعضی از جوانانی
را که در آن زمان با آنها در همین استان [سیستان و بلوچستان]
ارتباط برقرار کرده بودم، به یاد آوردم. بهترین آنها شهید شدند.
شهید «کریم پور» جوانی از شهر زاهدان بود و شور و شوق همین
جوانانی را داشت که امروز در این جا سخن میگفتند.» ۸۱/۱۲/۶



از فرماندهان سپاه سیستان

مرحله سوم کربلای پنج

تاریخ شهادت: ۱۹ اسفند ۱۳۶۵

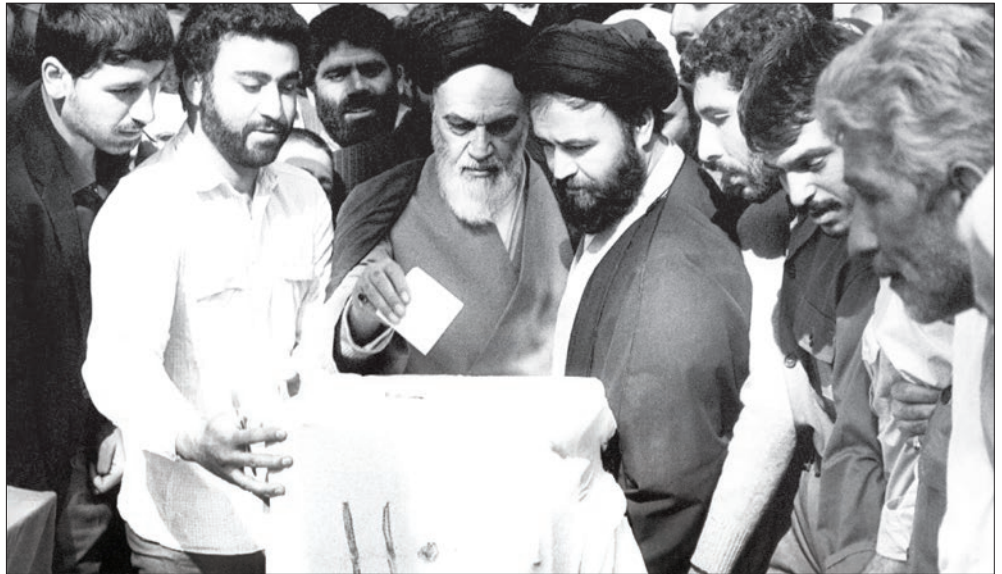
وظیفه‌ی محافظت از تنگه‌ای را به آنان سپرده بود، برای جمع کردن غنیمت، تنگه را رها کردند. دشمن نیز از همین نقطه به مسلمانان حمله کرد. اسلام اگر چه شکست نخورد اما پیروزی اسلام دیرتر شد.

۳. سی و هفت سال از پیروزی انقلاب اسلامی ایران می‌گذرد. نظامی که اگر چه "دشمن بیرونی" هر کاری که از دستش بر می‌آمد برای ضربه زدن به آن انجام داد اما در نهایت، بارها و بارها شکست طرح و راهبردهایش در برابر انقلاب اسلامی را اذعان کرده است. آن چنان که سال گذشته، جرج فریدمن، مسئول مرکز راهبردی استراتفور به این موضوع اشاره کرده و می‌گوید: "ایران نشان داده است نه فقط بدون حمایت آمریکا، بلکه در حال درگیری با آمریکا نیز می‌توان بزرگترین قدرت تکنولوژیک و نظامی منطقه بود. این پدیده ایران را به یک الگو برای کشورهای اسلامی تبدیل کرده است"

بدون شک، چنین موضوعی به ماهیت نظام سیاسی ایران برمی‌گردد. ماهیتی که از سویی برخاسته از متن اسلام ناب است و از سویی دیگر، "مردم‌بنیان" است. انتخابات را می‌توان مهم‌ترین عرصه‌ی نمود عینی ماهیت مردم‌سالارانه‌ی نظام اسلامی دید. چون در عرصه‌ی انتخابات است که نظر و رأی تکتک مردم می‌تواند سرنوشت کشور را تغییر دهد: درست است که «انتخابات یک حادثه یک‌روزه است... اما {دائمی تأثیر آن به همان چهار سال محدود نمی‌ماند... اقدامی می‌کنید که تأثیر آن در کوتاه‌مدت، در چهار سال، و در بلندمدت، گاهی در چهل سال باقی می‌ماند، اینقدر انتخابات مهم است.»

۹۲/۲/۲۵

به همین دلیل باید «انتخاب درست» انجام داد چرا که «هر چه انتخاب کنید برای خودتان انتخاب کردید. انتخاب خوب شما به خود شما برمی‌گردد. اگر انتخاب با غفلت انجام بدهید که انتخاب بدی از آب دربیاید، از کار دربیاید، بدی‌اش به شما برمی‌گردد.» ۹۴/۱۲/۵
مراقب دشمن درونی بود. عناصر فرصت‌طلبی که ممکن است به دو مجلس ورود پیدا کنند و مانند موربان، پایه‌های نظام را سست کنند. به همین دلیل انتخاب درست یک وظیفه است. انتخاب مردم است که بر سرنوشت کشور تأثیر خواهد گذاشت. «هر چند که در این ۳۷ سال، انقلاب اسلامی علی‌رغم دشمنی‌ها پیش رفته است و ملت [بداند] بعد از این هم خدای متعال پیروزی نهایی را برای شما ملت ایران و برای این کشور مقدر فرموده است و ان‌شاء... شما به نتیجه خواهید رسید.» ۹۴/۱۲/۵



«هر چه انتخاب کنید برای خودتان انتخاب کردید»

سرنوشت کشور در دست مردم

دشمن که مقابل حکومت پیامبر (ﷺ) قرار داشتند اشاره کردند. ایشان می‌فرمایند «دشمن اول، قبایل نیمه‌وحشی اطراف مدینه بودند که دشمن کم‌اهمیتی محسوب می‌شدند... دشمن دوم، اشراف مکه بودند... دشمن سوم، یهودیان بودند، دشمنان سازمان یافته‌ای که روی ذهن‌های مردم ضعیف‌الایمان اثر می‌گذاشتند. پیامبر نیز تا می‌توانست با آنان مدارا کرد تا جایی که خودشان علیه حکومت خیانت کردند و شوریدند... دشمن چهارم منافقین بودند. کسانی که به زبان ایمان آورده بودند اما در باطن ایمان نداشتند. مردمانی معاند و آماده‌ی با دشمن، منتها برخلاف یهودیان، سازمان نیافته بودند. پیامبر (ﷺ) این گروه را تحمل می‌کرد و مانند سایر مسلمانان با آنها برخورد می‌کرد. دشمن پنجم اما خطرناک‌ترین دشمن‌ها بود. و آن عبارت است از تمایلات نفسانی، خودخواهی‌ها، میل به انحراف، میل به گمراهی و لغزش که زمینه‌ی آن را خود انسان فراهم می‌کند. یعنی موضوعاتی که ممکن است به مرور دل انسان را از ایمان تهی کند، در حالی که ظاهر، ظاهر انسانی است.

پیامبر (ﷺ) با این دشمن هم مبارزه کرد. تاریخ صدر اسلام پر است از رخدادهایی که مسلمانان به دلیل وجود عناصر ضعیف‌الایمان در بینشان ضربه خورده‌اند. «ماجرای جنگ احد یکی از آنهاست. در جنگ احد، همه چیز به نفع مسلمانان بود. اما عده‌ای از مسلمانان که پیامبر (ﷺ)

۱. سوره‌ی مبارکه‌ی مائده، جزو آخرین سوره‌هایی است که بر پیامبر (ص) نازل شده است. زمانی که پیامبر تشکیل حکومت داده و بر دشمنان بیرونی خود پیروز شده بود. آیه‌ی معروف امامت یعنی «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي» نیز در همین سوره آمده است. قبل از این فرزا، خداوند جمله‌ای را بیان می‌کند که حاوی نکته‌ی مهمی است. می‌فرماید: «الْيَوْمَ يَكْفُرُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ دِينِكَ فَلَا تَحْشَوْهُمْ وَاخْشَوْنَ». بدین معنا که امروز، روزی است که دیگر دشمنان از مبارزه‌ی با دین شما ناامید شده‌اند، پس از آنها نترسید بلکه از من بترسید. شهید بزرگوار مطهری در تحلیل این آیه معتقد است که منظور خداوند از اینکه «از من بترسید» یعنی آنکه از «سنت‌های من» بترسید. یکی از سنت‌های خدا همان است که در آیه‌ی ۱۱ سوره‌ی مبارکه‌ی رعد به آن اشاره کرده است: «إِنَّ لَكُمْ لَأَنْبِيَاءَ مِمَّنْ قَبْلِكُمْ مَا يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ». خداوند سرنوشت هیچ قوم (و ملتی) را تغییر نمی‌دهد مگر آنکه آنان آنچه را در خودشان است تغییر دهند. «شهید مطهری از این دو آیه اینگونه نتیجه می‌گیرد که مهم‌ترین مشکل جامعه‌ی اسلامی پس از تشکیل حکومت، «دشمن درونی» و پایه تعبیر بهتر، «افراد فرصت‌طلب» است.

۲. نظیر چنین تحلیلی را، رهبر انقلاب در نماز جمعه اردیبهشت ماه سال ۸۰ نیز به ۵ گروه

شماره



تجربه جمهوری اسلامی از نفوذ در مجلس شورای اسلامی

خنجر نفوذی‌ها بر پشت دیپلماسی

"امروز در جهان از ایران چهره رژیم ساخته اند: خشن، سرکوبگر که به فکر تهیه سلاح‌های مریخ و ابزار تهدیدکننده بشریت است... با خشن‌ترین و قسی‌ترین گروه‌های تروریستی در ارتباط است، رد پای او در بسیاری از حوادث تروریستی گوشه و کنار وجود دارد و دین برای او ابزار سرکوب است... تیرت درشت برخی روزنامه‌های اروپا این بود: جمهوری اسلامی ۱۹ سال به جهانیان دروغ گفت... آنها امروز حق به جانب‌تر از همیشه ظاهر شده‌اند... این جملات مربوط به یک ضدانقلاب تابلودار یا فراری از کشور و یا یک عنصر جاسوس و خودفروخته نیست. اینها بخشی از نطق یک نماینده مجلس شورای اسلامی است که به هر طریقی از فیلتر شورای نگهبان عبور کرده و توانسته است: رای بخشی از مردم حوزه انتخابیه‌اش را نیز به خود جلب کند و به خانه ملت نفوذ کند.



● نفوذ شاخ و دم ندارد

داستان پرغصه نفوذی‌ها در آن مجلس به همین جا ختم نمی‌شود. درست زمانی که آقای روحانی رئیس‌جمهور فعلی به عنوان عضو شورای عالی امنیت ملی و رئیس تیم مذاکره کننده هسته‌ای مشغول مذاکره و به تعبیری مبارزه با سه کشور اروپایی برای حفظ دستاوردهای هسته‌ای دانشمندان جوان ایرانی است و مهمترین پرونده سیاست خارجی کشور را پیش می‌برد؛ در اوج ماجرا به ناگاه نه تنها پشت او را خالی کرده، بلکه گویی از پشت به او خنجر زده باشند با یک طرح سه فوریتی همان مجلس مواجه می‌شود. آقای روحانی در صفحه ۱۷۴ کتاب خاطرات خود می‌گوید: "تعدادی از نمایندگان طرح سه فوریتی برای پذیرش پروتکل الحاقی را امضا کردند و در پی تقدیم آن بودند. من اباریس جمهوراً تماس گرفتم و گفتم: اگر طرح در مجلس مطرح شود، من استعفا می‌دهم. در این زمینه من و اروسای دو قوه مجریه و مقننه [صحبت کردیم و طرح متوقف شد ولی متأسفانه سفرای اروپایی از تهیه این طرح باخبر شده بودند... رهبر معظم انقلاب دو روز مانده به انتخابات ۷ اسفند در دیدار با مردم مومن و انقلابی نجف آباد اصفهان در ذیل بحث نفوذ در انتخابات به همین دو داستان تاریخی اشاره کردند: «مجلسی داشتیم که در حال مذاکرات گرم و دشوار هسته‌ای-در دورانی که رئیس‌جمهور محترم فعلی ما رئیس مذاکرات هسته‌ای بود-داشتند با زحمت، با شدت حرف می‌زدند، با طرفهای مقابل مجادله میکردند؛ در واقع مبارزه میکردند برای اینکه حرف ایران را سبز کنند؛ در مجلس طرحی سه‌فوریتی آوردند برای اینکه حرف طرف مقابل سبز بشود! که همان وقت رئیس هیئت مذاکره که رئیس‌جمهور محترم فعلی ما است، گلایه کرد، گفت ما داریم آنجا مبارزه میکنیم، اینجا آقایان دارند طرح به نفع دشمن طراحی میکنند؛ خوب اینها نفوذ است دیگر؛ اینها چیه؟ نفوذ شاخ و دم دارد؟»

● اعتصاب گردن کلفت‌ها!

این البته تنها خطای فاحش آن چند نماینده در آن مجلس نبود. در مقطعی دیگر، برخی از آنها تصمیم گرفتند در اعتراض به نظارت استصوابی مجلس شورای اسلامی دست به تحصن و سپس استعفا دسته‌جمعی بزنند. موضوعی که همان موقع با واکنش حکیمانه رهبر انقلاب مواجه شد. «در داخل مجلس - مثل همه جای دیگر - ممکن است عناصری نفوذ و رخنه کرده باشند؛ حقایق را وارونه کنند؛ فضا را بر کسانی سخت و سنگین کنند؛ آنها را وادار به کار ناشایسته و نامناسبی کنند... بیست و پنج سال این انقلاب و این نظام سر پا ایستاده است؛ بیست و پنج سال این ملت مثل کوه در مقابل دشمنان توطئه‌گر و حیل‌گر خود مقاومت کرده است. کسانی که این روحیه را از دست بدهند و یا دیگران را به خروج از این روحیه تشویق کنند، به ملت خیانت کرده‌اند... البته این روزها حرفهای گوناگونی از زبانها و بلندگوهای مختلف در داخل کشور بلند شد که بعضی از آنها بسیار دل‌آزار بود... کسانی هم هستند که زیاده خواهند و - همان طور که عرض کردیم - با گردن کلفتی می‌خواهند کار خود را پیش ببرند. اینها می‌خواهند روی مسوولان کشور فشار وارد آورند. ۸۲/۱۱/۱۵»

● نماینده شجاع، مجلس عزیز

راز تاکید ویژه رهبر انقلاب بر دو صفت مهم برای مجلس شورای اسلامی را می‌توان در خلال بازخوانی همین تجربیات در یافت. مجلس باید «شجاع» و «فرب نخور» باشد. دو صفتی که رهبر معظم انقلاب در سخنان در سال جاری ذیل موضوع انتخابات با عبارات مشابهی چون «مرعوب نشدن در مقابل غرب و آمریکا ۹۴/۱۱/۲۸» و «آگاه از توطئه‌های دشمن و مقاوم در مقابل آن ۹۴/۱۱/۲۸» به آن اشاره کرده و نسبت به تشکیل مجلسی که بخواد کشور را به دشمن بفروشد هشدار داده بودند. مجلس نمایندگان «شجاع»، مجلس نمایندگان حامی «عزت و استقلال ملی» و مجلسی که حافظ منافع کشور و مردمش است؛ چون مرحوم

مدرس؛ مدرسی که یک تنه در آن سالهای ابتدایی سلطه رضاخانی در برابر استعمار و استکبار ایستاد: «در آن چند سال اولیه، تا وقتی که هنوز مجلس، آن مجلس تحت نفوذ سلطان و سردار و دوله و سلطنه و سفارتخانه خارجی نبود، مجلسی بود که با وجود ابتدایی بودن، تأثیر خود را در اوضاع کشور می‌گذاشت.

هر جا که اندکی نشانه سلطه خارجی بود، آن مجلس، با قدرت تمام می‌ایستاد. اولتیماتوم روس بود، مجلس ایستاد. استقراض از خارجیه بود، مجلس ایستاد. قرار داد وثوق الدوله بود، مجلس ایستاد. امثال مدرّس‌ها در آن مجلس، کم و بیش بودند. آنهايي هم که گذشت زمان نشان داد نمیتوانند همیشه مدرّس باقی بمانند و مثل مدرّس باشند، در سایه حضور مردان مستقل با ایمانی از قبیل مدرّس، خیابانی و امثال آنها، یک حالت واقعی مردمی به آن مجلس دادند. ۷۳/۳/۱۱»

اگر مجلس مدرس داشته باشد. اگر مجلس مردمی باشد. مجلسی خواهد بود که با ریل گذاری صحیح برای دولت، اجازه نخواهد داد تا کشور در دام آمریکا و اشرافی‌گری بدبخت شود. چنین مجلسی ریل‌گذار حرکت دولت است: «اگر چنانچه مجلس به دنبال رفاه مردم، عدالت اجتماعی، گشایش اقتصادی، به دنبال پیشرفت علم، پیشرفت فناوری، به دنبال عزت ملی و استقلال ملت باشد، ریل‌گذاری او به سمت این هدفها خواهد بود؛ اگر مجلس مرعوب غرب باشد، مرعوب آمریکا باشد، دنبال حاکمیت جریان اشرافی‌گری باشد، ریل‌گذاری او در این جهت‌ها خواهد بود؛ کشور را بدبخت خواهند کرد. اهمیت مجلس اینها است؛ اینها چیز کمی است؟ ۹۴/۱۱/۲۸»



راز تاکید ویژه رهبر انقلاب بر دو صفت مهم برای مجلس شورای اسلامی را می‌توان در خلال بازخوانی همین تجربیات در یافت. مجلس باید «شجاع» و «فرب نخور» باشد. دو صفتی که رهبر معظم انقلاب در سخنان دیگر خود در سال جاری ذیل موضوع انتخابات با عبارات مشابهی به آن اشاره کرده و نسبت به تشکیل مجلسی که بخواد کشور را به دشمن بفروشد هشدار داده بودند.

مطالبه از نمایندگان منتخب برای «پیشرفت واقعی» کشور

پیام اعتماد ملت



حدود یک هفته از آمایش بزرگ ملت ایران در موسم دو انتخابات مهم و مشارکت مردم در این «عید انتخاب ۹۴/۱۱/۱۹» گذشته است. واقعاً جای شکرگزاری دارد؛ شکرگزاری به پاس ملتی که توانستند برای سی و ششمین بار، «در انتخاباتی سراسری، با عزم راسخ و شور و نشاط به یادماندنی، حضور یابند و سرنوشت کشور را در مقطع کنونی، رقم زنند ۹۴/۱۲/۹».

قریب به چهار دهه از استقرار نظام جمهوری اسلامی با الگوی مردم‌سالاری دینی می‌گذرد و این میزان مشارکت و حضور مردمی نشان دهنده آن است که اولاً «مردم‌سالاری دینی در کشور تثبیت شده ۹۳/۱/۱» است. معنای دوم این حضور مسأله‌ی اعتماد است. «معنای حضور مردم این بود که به سرنوشت کشور علاقه‌مندند؛ به نظام جمهوری اسلامی، که این انتخابات جزو ارکان و متون آن است، علاقه‌مندند؛ به دستگاه‌های برگزارکننده‌ی انتخابات - چه مجری، چه ناظر - اعتماد دارند و امیدوار به حرکت مستمر پیشرونده‌ی کشورند ۹۲/۴/۵». وقتی حضرت آیت‌الله خامنه‌ای از کسانی که حتی نظام و یارگیری را قبول ندارند اما سرنوشت، منافع و امنیت کشور برای‌شان مهم است نیز برای شرکت در انتخابات دعوت کردند، «لا بد بعضی‌ها از این مجموعه بودند و آمدند. این نشان دهنده‌ی چیست؟ نشان دهنده‌ی این است که حتی کسانی که طرفدار نظام هم نیستند، به نظام اعتماد دارند؛ آنها هم میدانند که نظام جمهوری اسلامی منافع کشور را و عزت ملی را میتواند حفظ کند و از آن دفاع کند. ۹۲/۴/۵» به همین جهت است که برای این لیبیک عمومی به فراخوان نظام اسلامی، «ایران اسلامی به ملت خود می‌بالد و به استحکام مقرراتی که این فرصتهای مغتنم را برای قدرافراشتن و تجدید قوای ملی فراهم آورده است، سرمی‌افزاد ۹۴/۱۲/۹».

● **باور به مردم**

«حفظ و تداوم نعمتهای الهی - چه مادی و چه معنوی - مشکلتر از به‌دست آوردن آنهاست ۶۸/۶/۱». یکی از این نعمت‌ها که ملت ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی به‌دست آورده است، نعمت حق انتخاب است. کشوری

نقش به‌سزایی را در طی کردن مسیر پیشرفت کشور به‌عنوان هدف اساسی (۹۴/۱۲/۹) ایفا کند. چراکه دست‌به‌دست شدن مجالس و بهره‌مندی از نیروهای جدید اگر در ریل صحیح قرار گیرد، موجب پویایی و کارآمدی می‌شود. به نظر می‌رسد که همه مسئولین در سطوح و نهادها و مناصب مختلف، وظایف بسیار مهمی را در این برهه حساس بر دوش دارند: وظیفه نخست این که مسئولان، «ساده‌زیستی، پاکدستی، حضور پیوسته در جایگاه مسئولیت، ترجیح منافع ملی بر خواسته‌های شخصی و جناحی، ایستادگی شجاعانه در برابر مداخلات بیگانه، واکنش انقلابی به نقشه‌های بدخواهان و خائنان، منش جهادی در اندیشه و عمل، و در یک جمله: کار برای خدا و در راه خدمت به خلق خدا را، برنامه دائمی خویش در دوران این مسئولیت بدانند و به هیچ قیمت از آن تخطی نکنند. ۹۴/۱۲/۹» وظیفه دیگر این که حرکت مسئولین باید در جهت پیشرفت صحیح کشور باشد. «پیشرفت صوری و منهای استقلال و عزت ملی، پذیرفته نیست. پیشرفت، بمعنی حل شدن در هاضمه‌ی استکبار جهانی نیست، و حفظ عزت و هویت ملی جز با پیشرفت همه‌جانبه و درونزا دست‌یافتنی نیست ۹۴/۱۲/۹». مسئولین با توجه به اسناد بالادستی نظیر سند چشم‌انداز و سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی، متعهد به اجرای برنامه‌ها و تحقق پیشرفتی هستند که با اجماع صاحب‌نظران و نخبگان و مسئولین کشور به تصویب رسیده است. به همین دلیل است که «مردم مجلسی میخواهند که برای اقتصاد درون‌زا، به معنای واقعی کلمه وقت‌گذاری کند، ریل‌گذاری کند و دولت موظف بشود بر اساس این حرکت بکند ۹۴/۱۲/۵». بنابراین همه مسئولین و به‌خصوص «مجلس آینده درباره‌ی این سرفصل‌های مهم، وظائف سنگینی برعهده خواهد داشت ۹۴/۱۲/۹». مسئولینی که مردم به‌عنوان نماینده انتخاب می‌کنند، باید نعمت نمایندگی را شکر کنند و «شکر نعمت... آن است که قدر آن دانسته شود و نماینده در همه‌ی این دوران، همه‌ی توان و ظرفیت خود را در خدمت آن قرار دهد. ۸۷/۳/۷» ●

که «در طول قرنهای متمادی با حکام مستبد و دیکتاتور گذران میکرده است ۹۳/۱/۱»، حال که به این تراز بالا از مردم‌سالاری دینی رسیده، قطعاً مدیون اعتقاد، باور و ایستادگی نظری و عملی نظام جمهوری اسلامی بر رأی و انتخاب مردم است. اولین و مهم‌ترین نکته «باور به مردم» در اندیشه رهبران جمهوری اسلامی از آغاز نهضت اسلامی تا امروز می‌باشد. همان‌طور که حضرت امام خمینی (رضی الله عنه) «ملت ایران را به معنای حقیقی کلمه می‌شناخت ۹۳/۳/۱۴» و به آنها اعتقاد و اعتماد داشت، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای نیز به ملت ایران اعتماد دارند: «بنده هم به تک‌تک این ملت اعتماد دارم؛ به این حرکت عمومی اعتماد دارم؛ معتقدم «بَدَأَ... مَعَ الْجَمَاعَةِ»... این دست خدا است؛ خدا را می‌بینیم، اعتماد میکنیم به این حرکت مردمی، به این احساس مردمی، به این صدق و بصیرت مردمی اعتماد میکنیم ۹۴/۱/۲۰». همین اعتقاد به مردم و نیز پای‌بندی به ساختارها و فرایندهای قانونی در انتخابات در عمل نیز، موجب حراست از حق و رأی مردم شده است. یادمان نرفته که «بعضی میخواستند تعطیل کنند انتخابات را - در بعضی از دوره‌ها برخی از آدم‌های سیاست‌باز و سیاست‌زده سعی‌شان این بود که انتخابات را تعطیل کنند یا عقب بیندازند - اما [به توفیق الهی جلوی اینها گرفته شد و انتخابات در موعد معین انجام گرفت ۹۴/۶/۱۸]» و یا «همچنان که در سال ۸۸ این نعمت الهی را عده‌ای ناسپاسی کردند ۹۳/۱/۱» و با اتهام تقلب در انتخابات، فتنه‌ای را آغاز کرده و «کشور را لب یک چنین پرنگاهی بردند ۹۲/۵/۶». آن‌جا هم رهبر انقلاب اسلامی با اعلام این که «جمهوری اسلامی اهل خیانت در آراء مردم نیست ۸۸/۳/۲۹»، تسلیم فشارهای داخلی و خارجی نشدند و از رأی مردم حراست و حفاظت کردند. به‌طوری‌که امروز ثمره آن ایستادگی و امانت‌داری، تداوم راه مردم‌سالاری دینی و انتخابات است.

● **وظیفه مهم مسئولین**

انتخابات، امکانی را برای «تجدید قوای ملی فراهم آورده است ۹۴/۱۲/۹» که می‌تواند

شماره



گزارشی تبیینی از دیدگاه رهبر انقلاب درباره یگانه‌راه پیشرفت حقیقی کشور

پیشرفت؛ نسخه حقیقی یا تقلبی



رهبر انقلاب در اولین روز هر سال در حرم مطهر رضوی، به نوعی "نقشه‌ی راه کلان" کشور را اعلام می‌کنند. امسال رهبر انقلاب در این سخنرانی از دو نگاه کلان در کشور نسبت به مقوله‌ی «پیشرفت اقتصادی» سخن گفتند: «یک نگاه می‌گوید که ما پیشرفت اقتصاد را باید از ظرفیت‌های درون کشور و درون مردم تأمین بکنیم... [یعنی] اقتصاد درون‌زا... نگاه دوم می‌گوید سیاست خارجی مان را تغییر بدهیم تا اقتصاد ما درست بشود، با فلان مستکبر کنار بیایم تا اقتصاد رونق پیدا کند... امروز شرایط کشور به ما نشان داده است که این نگاه دوم یک نگاه کاملاً غلط و عقیم و بی‌فایده است. ۹۴/۱/۱»

سراها و خانه‌های ایران یک دکان شد از اجناس بی‌اصل و بی‌دوام دولت‌های خارجه. بلکه بالمره چشم از اولین مایه‌ی ثروت خود که غله‌جات و پنبه و اجناس دیگر است پوشیده، به حمالی دیگران کوشیدیم. ما به حمالی و دست‌فروشی قناعت کردیم. بر اساس همین نگاه بود که قراردادهایی چون رویترز و تالبوت و واگذاری امتیازهای لاتاری، رژی، داریسی و تأسیس بانک شاهنشاهی و حق انحصاری کشتیرانی در رودخانه‌ی کارون به انگلیس توسط امین‌السلطان و امثال او به کشورهای خارجی داده شد. گرچه برخی از این قراردادها با واکنش علما و روحانیون آگاهی چون شیخ فضل‌الله نوری، میرزای شیرازی و... مواجه شد و باطل شد اما چنین تفکری به دوران پهلوی نیز منتقل شد تا جایی که شاه بی‌لباقتش تصور می‌کرد با گذاشتن "کلاه فرنگی" می‌تواند کشور را پیشرفته کند!



ورود "مظاهر" و

"نمادهای" پیشرفت، نه تنها موجب پیشرفت

فی‌شود بلکه ممکن است

حتی موجب عقب‌ماندگی

هم بشود. تجربه‌ی کشور

ما در دویست سال اخیر

که موج تجددخواهی و

مدرنیزاسیون در آن آغاز

شده است، فرجام این

نگاه راه خوبی نشان

می‌دهد. رهبر انقلاب در

این باره می‌فرمایند

"نسخه‌های قلبی، توصیه

های متناقض، عجیب و

غریب و بعضاً خائنانانه،

که این بلایی بود که در

آغاز شروع مدرن سازی

کشور به جان ما ایرانیها

افتاد. ۸۵/۸/۱۸»

برای کشورهای اروپایی نیز پیش آمده است تا جایی که اصطلاح "اگر اقتصاد آمریکا عطسه کند، اقتصاد اروپا سرما خواهد خورد"، بارها و بارها توسط اقتصاددانان جهانی مورد استفاده قرار گرفته است. به همین دلیل مفهوم اقتصاد مقاوم (solid economic) امروزه به عنوان یک مفهوم متداول و قابل تأمل برای حل چنین مشکلاتی، در مجامع علمی جهانی مورد بررسی قرار گرفته است.

● **دوم:** پیشرفت زمانی حاصل شده است که مبنایی و بنیادین باشد نه صوری و ظاهری. ورود "مظاهر" و "نمادهای" پیشرفت، نه تنها موجب پیشرفت نمی‌شود بلکه ممکن است حتی موجب عقب‌ماندگی هم بشود. تجربه‌ی کشور ما در دویست سال اخیر که موج تجددخواهی و مدرنیزاسیون در آن آغاز شده است، فرجام این نگاه راه خوبی نشان می‌دهد. رهبر انقلاب در این باره می‌فرمایند «نسخه‌های قلبی، توصیه‌های متناقض، عجیب و غریب و بعضاً خائنانانه، که این بلایی بود که در آغاز شروع مدرن سازی کشور به جان ما ایرانیها افتاد. ۸۵/۸/۱۸» از زمان ناصرالدین شاه که این موج شروع شد، از یک سو، طبقه‌ی جدیدی از سرمایه‌داران تجاری که وابسته به ساختار اقتصاد جهانی بودند در ایران ظهور پیدا کرد و از سویی دیگر، قراردادها و امتیازهای ننگینی که توسط دربار به بیگانگان به ثمن بخش داده می‌شد، موجب وابستگی و از بین رفتن هرچه بیشتر استقلال کشور شد. اقتصاد ایران تا آنجا در معرض سقوط قرار گرفت که بنا بر مستندات تاریخی، ارزش پولی ایران به میزان ۴۱۰ درصد کاهش پیدا کرد! بازار ایران نیز پر شده بود از کالاهای خارجی که دولتمردان قاجاری تصور می‌کردند با ورود آنها به ایران می‌توانند کشور را توسعه یافته کنند. در کتاب "اصنافیه" درباره‌ی اوضاع اقتصادی ایران در آن دوره چنین آمده: "تمام

رهبر انقلاب در پیام خود به مناسبت انتخابات نیز، برنامه‌ریزی برای همین مسئله را جزو وظایف مجلس آینده خواندند: «پیشرفت صوری و منهای استقلال و عزت ملی، پذیرفته نیست. پیشرفت، به معنی حل شدن در هاضمه‌ی استکبار جهانی نیست. و حفظ عزت و هویت ملی جز با پیشرفت همه‌جانبه و درون‌زا دست‌یافتنی نیست.» بنابراین، می‌توان اینگونه نتیجه گرفت که:

● **اول:** می‌بایست در فرآیند پیشرفت، در ابتدا به ذخائر داخلی و ملی خود توجه کنیم نه چشم امید داشتن به سایر کشورها. تجربه‌ی سایر کشورهای جهان مؤید آن است که میان وابستگی اقتصادی کشورها به بیرون با آشفستگی اقتصادی در هنگامه‌ی بروز بحران‌ها و تکانه‌های اقتصادی، ارتباط مستقیم وجود دارد. در اواسط قرن بیستم، کشورهای آمریکای لاتین، پروژه‌های پیشرفت خود را آغاز کردند. اما آنها به جای تمرکز بر افزایش تولید ملی، بر خام‌فروشی مواد اولیه و استقراض از بانک‌های غربی و کمک سرمایه‌گذار خارجی اصرار ورزیدند. نتیجه آن شد که اقتصاد این کشورها بیش از پیش شکننده شود. چرا که نوسانات بین‌المللی به سرعت بر اقتصاد داخلی آنها تأثیر می‌گذاشت. تأکید بر سرمایه‌گذار و استقراض خارجی نیز باعث شد که در دهه‌های ۷۰ و ۸۰ میلادی، کشورهایی چون آرژانتین، برزیل، مکزیک و... با حجم انبوهی از بدهی خارجی مواجه شوند. حجم بدهی برخی از این کشورها گاه بیش از کل ارزش تولید ناخالص داخلی یا بیش از پنج برابر کل ارزش صادراتی سالانه‌ی آنها را تشکیل می‌داد. همین امر موجب بروز تومی ۳۰۰ درصدی در آرژانتین و ۲۰۰ درصدی در برزیل شد. شبیه چنین مواردی در دهه‌ی ۹۰ برای برخی کشورهای جنوب شرق آسیا و بعد از بروز بحران اقتصادی آمریکا در دهه‌ی اخیر

● **سوم:** رابطه با سایر کشورها می‌بایست متقابل و از موضع «اقتدار» باشد نه «انفعال». بدین معنا که کشورها در برابر "کنش" کشوری رقیب، "واکنشی" هم‌وزن و بلکه بیش از آن را بتوانند از خود بروز دهند. واکنشی که به اقتدار و قدرت آنها بستگی دارد. به هر میزان که اقتدار یک کشور بالاتر باشد، واکنش او نیز می‌تواند اقتدارآمیزتر باشد. پیشرفت درون‌زا و عزتمند نیز دقیقاً به همین معنا است که با تقویت ساختارهای داخلی و بومی، توانایی واکنش متقابل، و روابط تجاری پایاپای و برابر با سایر کشورها را به وجود می‌آورد. در حقیقت این پیشرفت درون‌زا است که موجب می‌شود یک کشور بتواند از موضع «عزت» و نه «ذلت»، و از زاویه‌ی «اقتدار» و نه «انفعال» در مناسبات جهانی و بین‌المللی حضور پیدا کند. به همین دلیل میان «پیشرفت» و «عزت»، رابطه‌ی مستقیمی وجود دارد. «یک ملت اگر احساس عزت کرد، پیشرفت خواهد کرد و خواهد بالید؛ اما اگر توسری خورد، استعدادها در او خفه خواهد شد. ۸۴/۶/۸» ●

گزارشی از بازدیدهای رهبر انقلاب از مناطق عملیاتی دوران دفاع مقدس

راهیان «نور»



چندسالی هست که نوروز با نام شهیدان گره خورده و حلقه وصلش هم راهیانی اند که از گوشه گوشه مملکت برای زیارت خاک‌های مقدس دفاع، به راه می‌افتند: «راهیان نور». نوروز حالا نه فقط

محملی است برای کارهای خوب مانند صلح و رحم و مهربانی و... بلکه یک سنت خوب دیگر را هم دارد به خود می‌گیرد و این سنت، ویژگی‌ها و امتیازات خاصی بر قبلی‌ها دارد. زیارت مناطق جنگی، که شاید در دنیا بی‌سابقه باشد، مراقبت می‌کند نسبت به «فراموشی» و «تحریف ۹۲/۲۶/۲۶»، «آخر اینجا زیارتگاه است ۸۹/۱/۱۱» و خاصیت زیارت، «زیارت بامعرفت ۸۹/۱/۱۱»، رشد است و بینایی و پایمردی. عشق و علاقه حضرت آیت‌ا... خامنه‌ای به شهیدان بر کسی پوشیده نیست. هم دخیل در سیاست جنگ بودند و هم رفیق و صدیق بیکارگران اسلام. با پایان جنگ هم بزرگترین راوی جنگ و پاسدار یادگاران دفاع مقدس بودند. برای همین هم از چند سال پیش از به راه افتادن رسمی کاروان‌های راهیان نور تا همین سال‌ها، چند باری راهی این مناطق شدند؛ که هر کدام از این بازدیدها را ماجرای است و فایده‌ای.



● **به حزب‌اللهی بودن افتخار کنید** شلمچه؛ ۷۸/۱/۸:
 «خاک خونین شلمچه»، منطقه عملیاتی دیگری است که رهبر معظم انقلاب از آن بازدید کردند. بخش عمده سخنان ایشان برای زائران این منطقه هم خطاب به جوانان بود. به جوانان سفارش کردند که قدر روحیات مذهبی‌شان، قدر شهدا، و قدر این حکومت اسلامی را بدانند و اینکه «به حزب‌اللهی بودن، افتخار کنید.» حضرت آیت‌ا... خامنه‌ای شلمچه را سرزمینی مقدس دانستند که «متعلق به همه ملت ایران است» و از این دیدوبازدید با شهدا تقدیر کردند: «شما که این جا را گرامی می‌دارید، خوب می‌کنید. آمدن شما و احترام به این نقطه، بسیار بجا و بسیار کار صحیحی است. بنده هم خواستم به ارواح طیبه‌ی شهیدان و به نفَس‌های معطر جوانان مؤمن، تبرک بجویم و به این عزیزان احترام کنم؛ لذا آمدم در جمع شما شرکت کردم.»

۱۳۷۸

۱۳۷۵

● مبارزه امروز | هویزه؛ ۷۵/۱۲/۲۰:

رهبر معظم انقلاب در جریان سفر به استان خوزستان در سال ۷۵، از مزار شهدای هویزه هم بازدید کردند. مزار جوانانی که دانشگاه را برای دفاع از مملکت رها کرده بودند و حالا الگوی جوانان نسل‌های بعد شده‌اند. حضرت آیت‌ا... خامنه‌ای در سخنانی که برای زائران این مزار فیروزه‌ای کردند، روی خطابشان را به جوان‌ترها قرار دادند و خاطراتی هم از حسین علم‌الهدی و یارانش تعریف کردند: «واقعاً وقتی انسان آن جوانان را می‌دید که با عزم راسخ به قلب دریاي دشمن می‌زدند، گویی یک بار دیگر، صحنه‌ی صدر اسلام، صحنه‌ی عاشورای حسین علیه‌السلام و صحنه‌ی کربلا را به چشم خود مشاهده می‌کرد.» ایشان با ذکر رشادت‌های مردم خوزستان در مبارزه با دشمن یعنی، از مبارزه «امروز» گفتند: «امروز هم اوضاع، همین‌طور است. امروز هم، آمریکا و دستگاه استکباری دنیا، می‌خواهد با اسلام و با جمهوری اسلامی معارضه کند. اما آمریکا بر باطل است. استکبار بر باطل است. ملت ایران حق است. جمهوری اسلامی حق است. ملت ایران و جمهوری اسلامی، می‌ایستند، مبارزه می‌کند و پیروز می‌شود.»

شماره



۲۴



● **خطاب به استکبار در بادمان چمران** | دهلاویه؛ ۸۵/۱/۵:

دهلاویه یادمان چمران است. «همت شما مردم، غیرت جوانان مسلمان از سراسر کشور و حمیت و ایمان مرد و زن این سرزمین، محاسبات آنها را از ریشه باطل کرد. جانمایی در اینجا قربان اهداف بلند اسلامی شدند؛ که این شهید عزیز ما - شهید چمران - یکی از نمونه‌های برجسته‌ی آن است.» رهبر انقلاب، در این بازدید که جمع کثیری از مردم خوزستان حضور داشتند، در میان مردم و متأثر از حال و هوای معطر از شمیم پاک شهید، روی صحبت‌هایشان را به سوی استکبارگران عالم قرار دادند: «استکبار جهانی بداند که زن و مرد این مرز و بوم در کوره‌های حوادث، همچون فولاد آبدیده شده‌اند و پاسداری از اسلام و پرچم برافراشته‌شده‌ی اسلام در این سرزمین را که عمق راهبردی ملت ایران در جهان اسلام است برای خود یک رسالت تاریخی می‌داند.» حضرت آیت‌ا... خامنه‌ای، بخشی از سخنانشان را هم به زبان عربی بیان کردند و برای آزادی مردم عراق از شر اشغالگران آمریکایی دعا کردند و این سخنان به عرب‌زبانانی که برای بازدید دهلاویه آمده بودند شور مضاعفی بخشید.

● **تذکره یاسیری در خاطرات؟** | فتح‌المبین؛ ۸۹/۱/۱۱:

چند سالی هست که از اعزام راهیان نور گذشته و حالا اسم و رسمی همه‌گیر دارد. رهبر انقلاب هم در سخنرانی خود در منطقه عملیاتی فتح‌المبین از این اتفاق استقبال کردند: «من از این حرکت راهیان نور ... بسیار خرسندم و این حرکت را حرکت بسیار بابرکتی می‌دانم.» کشور، سال گذشته را در فضای دشواری از فتنه‌گذرانده و حالا جوان‌ها در این ساحت ملی شور آفرین و افتخار آفرین، گوش شنوای سخنان ایشانند: «و معتقدم این مقطع حساس برای ما یک تجربه است. شما جوانهای امروز اگر آن روز هم بودید، توی این میدان، با عزم راسخ حاضر می‌شدید.» راهیان نور موجهی است تا اهالی این ساحل، خواب‌زده‌ی فراموشی نشوند: «این آمدن‌ها، این اظهار ارادت‌ها، این یادبود گرفتن‌ها، کمک می‌کند به اینکه این یادها در ذهن‌ها زنده بماند.» اما این در یاد داشتن، نه یک تمایل تاریخی یا خاطره‌بازی بلکه تذکره‌ای است تا وقتی که می‌دانیم «جنگ نظامی آسانتر از جنگ فکری است؛ آسانتر از جنگ در عرصه‌های سیاسی است.» هوشیار و بصیر در صحنه باشیم که البته «امروز هم در میدان علم، میدان سیاست، میدان تلاش و کار، میدان همبستگی ملی و میدان بصیرت، شما جوانها پامردی خودتان را نشان دادید، ایستادگی خودتان را اثبات کردید.»



● **روضه علی اکبر** | پادگان دوکوهه؛ ۸۱/۱/۹:

سال «عزت و افتخار حسینی» بود و دو کوهه هم یادگاری یاران آخرالزمانی حسین (علیه السلام). رهبر انقلاب در این پادگان و در جمع زائران و راهیان مناطق جنگی، سه بُعد اساسی ماندگاری نهضت امام حسین (علیه السلام) را برشمردند. «یک بُعد، مبارزه حق در مقابل باطل مقتدر»، «یک بُعد دیگر، تجسم معنویت و اخلاق» و «بُعد سوم که بیشتر در بین مردم رایج است، فجایع، مصیبت‌ها، غصه‌ها، غمها و خون‌دل‌های عاشورا.» در دو کوهه هم جوان‌ها بیشتر بودند. برای همین هم حضرت آیت‌ا... خامنه‌ای برای زائران جوان شهدا از جوان کربلا گفتند: «این جایی که شما اجتماع کرده‌اید، اغلب جوانید. در این پادگان دو کوهه هم دهها و صدها هزار جوان آمدند و رفتند. مظهر جوان فداکار در کربلا کیست؟ علی اکبر، فرزند امام حسین (علیه السلام)؛ جوانی که در بین جوانان بنی هاشم برجسته و نمونه بود.» محرم با فروردین هماهنگ شده بود و آقا، روضه علی اکبر را در دو کوهه خواندند. روضه‌ای که «برای مدارس است؛ همان درسهای ماندگار تاریخ، همان چیزهایی که امروز و فردا، بشریت به آنها نیاز مند است.»

● **بادست پرین شاء...** | یادمان شهدای شرق کارون؛ ۹۳/۱/۶:

دفاع مقدس ما، اگر چه محنت‌بار بود اما داستان تحقیر یا افسوس نیست، کسی نیست که نداند «در هر کدام از این مناطق، قضایایی اتفاق افتاده است که یکی از این قضایا در میان هر کشوری و هر ملتی اتفاق بیفتد، کافی است برای اینکه در تاریخ، آن ملت را سر بلند کند.» رهبر معظم انقلاب، راوی این سربلندی است برای جوان‌ها و زائران جبهه‌های سعادت. شرق کارون از همان روزهای ابتدایی تجاوز، برای تیرهای دشمن یعنی سینه سپر کرد. حضرت آیت‌ا... خامنه‌ای به یاد دارند که «یک مشت از جوانهای مؤمن و حزب‌اللهی، آمدند در همین روستای محمدیه که نزدیک است، سنگ‌های انفرادی میکنند؛ در تاریکی شب از این سنگ‌های انفرادی می‌آمدند بیرون و صد متر دوست متر جلوتر میرفتند، باز آنجا سنگر میکنند؛ تا وقتی که نوبت عملیات رسید... توانستند پادشاه آن مجاهدتها را بگیرند و به ملت ایران هدیه کنند.» دعای رهبر انقلاب راهی راهیان است و برایشان از خدا می‌خواهند که تا «بادست پُر و همراه با تجربه‌آموزی و بصیرت و همراه با انوار معنوی الهی ان شاء... از این منطقه جدا بشوید.»



نتیجه تکرار ادبیات سیاسی دشمن، انحراف است



هر انقلابی برای تداوم خود نیازمند تولید و باز پروری "اندیشه" است. اگر انقلاب‌ها نتوانند در پاسخ به نیازهای جدید تولید اندیشه کنند، ارتباط خود با "زمان" و "زمانه" را از دست داده و با خطر تجر و واپس‌گرایی مواجه می‌شوند. از سوی دیگر تجربه تاریخی به ما نشان داده است که تحمیل واژه‌های دشمن بر نهضت‌ها و حرکت‌های انقلابی در طول تاریخ سبب انحراف آن‌ها شده است. به همین دلیل یکی از هشدارهای مستمر رهبر انقلاب اسلامی بر مراقبت از کلمات و واژه‌سازی در مسیر حفظ انقلاب بوده است. «یکی از چیزهایی که در هر حرکت عمومی و در هر نهضت لازم است، این است که بر اساس تفکرات و مبانی پایه‌ای این نهضت و این جریان، هم بایستی واژه‌سازی بشود، هم بایستی نهادسازی بشود.» ۹۰/۷/۲۲ پس هر انقلاب نیازمند "ادبیات سیاسی" مخصوص به خود نیز هست.

خودمان است، مطرح و عرضه می‌کنیم؛ این مفهوم عبارت است از پیشرفت.» ۸۹/۹/۱۰

سوم: این روزها، دشمنان انقلاب از ادبیات سیاسی "میان‌رو-تندرو" برای تقسیم‌بندی مردم ایران و رسیدن به مقصود خود استفاده می‌کنند. «آنهایی که می‌گویند تندرو، منظورشان کسانی است که در راه انقلاب مصمم‌تر و پایدارترند؛ حزب‌اللهی‌ها را می‌گویند تندرو.» ۹۴/۱۲/۵

از نظر دشمن، تندروها یا بهتر بگوییم نیروهای مؤمن حزب‌اللهی و بسیجی «خاکریزهای مستحکم» انقلاب هستند که با وجود آنها نمی‌توانند پروژه‌ی «نفوذ» را تکمیل کنند. پس «یکی از چیزهایی که مکمل این نفوذ است، تخطئه‌ی کسانی است که بر اصالت‌ها، بر نگاه درست، بر ارزش‌ها پای می‌فشارند.» ۹۴/۹/۴

از نظر دشمن، «میان‌رو (هم) کسی است که در مقابل آنها تسلیم باشد.» ۹۴/۱۲/۵ یعنی همان «خاکریز نرم»، «مثل خاکریز نرم نباشید که دشمن از هر جا خواست بتواند در شما نفوذ کند؛ مستحکم باشید.» ۹۳/۱۰/۱۹ در حالی که از نظر اسلام، «در مقابل میان‌رو تندرو نیست؛ در مقابل میان‌رو، منحرف است. آن کسی میان‌رو نیست که منحرف از راه و منحرف از جاده است؛ اما در جاده، بعضی‌ها تندتر می‌روند و بعضی‌ها کندتر می‌روند. تند رفتن در صراط مستقیم چیز بدی نیست؛ سابقواً الی مغفره من ربکم؛ جلوتر بروید.» ۹۴/۱۲/۵ باید نقشه‌ی دشمن و ادبیات آن را شناخت. وگرنه ممکن است برخی افراد و جریان‌ها از جاده‌ی حق منحرف شوند و کشور را نیز دچار انحراف کنند. جوان مؤمن انقلابی همان خاکریز مستحکم انقلاب است که می‌تواند از انحراف در انقلاب و اصول آن جلوگیری کند. الفاظ معانی خودشان را دارند و معانی سبب می‌شوند که رفتارها تحت تاثیر قرار بگیرد. عدالتخانه در اثر تکرار ادبیات سیاسی دشمن به مشروطه تبدیل شد و بعد هم از مسیر خودش منحرف شد. انحراف از مسیر حق، نتیجه تکرار ادبیات سیاسی دشمن است. ●

یک مجلس عدالت می‌خواهیم. گفت: نمی‌دانم مجلس عدالت چیست! گفت: یک مجلسی که دانشمندان ما، ریش سفیدان ما در آن بنشینند، نگذارند حکام و سلاطین به ما ظلم کنند. گفت: پس شما یقین مشروطه می‌خواهید. این اولین دفعه بود که ما لفظ مشروطه از زبان خانم شارژ دافر شنیدیم. "استفاده ادبیات سیاسی بیگانگان و تبدیل نهضت عدالتخانه به مشروطه، یکی از عوامل انحراف این نهضت شد تا جایی که کار از دست علما و روحانیون به مرور خارج شد و به دست روشنفکران و جریان وابسته به غرب افتاد.

دوم: شاید به دلیل همین تجربه‌ی تاریخی بود که انقلاب اسلامی از همان ابتدای شروع نهضت، ادبیات سیاسی خاص خود را نیز به وجود آورد. به عنوان مثال، در حالی که اکثر انقلاب‌های هم‌عصر با انقلاب اسلامی برای کشورهای استعمارگر از اصطلاح "امپریالیسم" استفاده می‌کردند اما امام خمینی (ع) اصطلاح "استکبار" را به کار بردند. «ما از کلمه‌ی امپریالیسم استفاده نکردیم؛ کلمه‌ی استکبار را آوردیم. ممکن است یک زوایائی در معنای امپریالیسم وجود داشته باشد که مورد نظر ما نیست... لذا این را مطرح کردیم، در انقلاب جا افتاد؛ دنیا هم امروز منظور ما را می‌فهمد.» ۸۹/۹/۱۰ یا مثلاً در حالی که اکثر نخبگان فکری و سیاسی کشور از اصطلاح "توسعه" برای حرکت رو به جلوی نظام استفاده می‌کردند، رهبر انقلاب واژه‌ی "پیشرفت" را به کار بردند. «کلمه‌ی پیشرفت را ما با دقت انتخاب کردیم؛ تعمداً نخواستیم کلمه‌ی توسعه را به کار ببریم. علت این است که کلمه‌ی توسعه، یک بار ارزشی و معنایی دارد؛ التزاماتی با خودش همراه دارد که گاهی ما با آن التزامات همراه نیستیم، موافق نیستیم. ما نمی‌خواهیم یک اصطلاح جافتاده‌ی متعارف جهانی را که معنای خاصی را از آن می‌فهمند، بیابوریم داخل مجموعه‌ی کار خودمان بکنیم. ما مفهومی را که مورد نظر

اول: هر انقلابی برای تداوم خود نیازمند تولید و باز پروری "ادبیات سیاسی" مخصوص به خود است. در غیر این صورت ممکن است به ادبیات دشمن پناه برد. «وقتی یک فکر جدید... مطرح می‌شود، مفاهیم جدیدی را در جامعه القاء می‌کند؛ لذا این حرکت و این نهضت باید واژه‌های متناسب خودش را دارا باشد؛ اگر از واژه‌های بیگانه وام گرفت، فضا آشفته خواهد شد، مطلب ناگفته خواهد ماند.» ۹۰/۷/۲۲ استفاده از ادبیات سیاسی بیگانه حتی ممکن است به مرور، انقلاب را از مسیر اصلی خود منحرف کند. آن چنان که ملت ایران در تجربه‌ی تاریخی خود از این نمونه‌ها به چشم دیده است. یک نمونه‌ی آن، «نهضت عدالت‌خانه» است که توسط علما و فقه‌های شیعه در عصر قاجار راه افتاد اما در مسیر خود به دلایل مختلف منحرف شد و تبدیل شد به چیزی که امروزه آن را به نام «مشروطه» می‌شناسیم. ماجرا از آنجا آغاز شد که عده‌ای از انقلابیون به سفارت انگلیس پناه برده و سرخوش به "دیگ پلو" شدند. در نامه‌ی وکیل‌الدوله به اتابک درباره‌ی کمک نظام سلطه وقت به متحصنین در سفارت چنین آمده است: "دیشب هشت خروار برنج به آب ریخته بودند و تمام تهران آنجا است. قند و چایی و سایر ملزومات که اندازه ندارد. دیروز تجار بیست هزار تومان چک فرستاده از بانک انگلیس آوردند. مسلم است این وجوه را جز دولت انگلیس نمی‌دهد..." اما پناه بردن به بیگانه، به مرور موجب تغییر ادبیات سیاسی انقلابیون نیز شد. مرحوم درّی درباره تأثیر استعمارگران بر تغییر ادبیات سیاسی انقلابیون چنین می‌نویسد: "تا این وقت سخن از مشروطه در میان نبود و این کلمه را کسی نمی‌دانست. لفظ مشروطه را به مردم تهران اهل سفارت القا کردند... یک روز طرف عصر، بنده با سه نفر از معممین درب سفارت ایستاده بودم. در شبکه‌ی شارژ دافر سفارت از قلپک وارد شد. همین که در شبکه به محاذات ما رسید ایستاد. بعد خانم شارژ دافر از در شبکه پیاده شد... گفت آقایان شما برای چه اینجا آمده‌اید؟ یک نفر گفت: ما آمده‌ایم اینجا